

اسناد جنبش اسلامی

قسمت اول از جلد دوم

از آزادی قاشهداد

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

B 11260842
BL2A58A

اسناد جنبش اسلامی

قسمت اول از جلد دوم

از آزادی تا شهادت

کتابخانه آنلاین «روزمانه ما»



انتشارات ابوذر

محل پخش: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. مرکز پخش کتاب

تلفن ۷۵۲۵۳۸



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»





آیت الله طالقانی لحظاتی پس از آزادی از زندان قصر



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

و آخرین دیدار مردم با «پدر طالقانی»



بخانه آیت الله «طالقانی»



کتابخانه آنلاین «مآلقاتی و زمانه ما»

«... خودتان را حفظ کنید.
اینها نه آمریکا برایشان مهم است،
و نه از کمونیستها میترسند. فقط
از شما هراس دارند. و از این رو
اینقدر شما را تحت فشار میگذارند.
شما از فکرتان از قلمتان تا جایی
که در توان دارید استفاده کنید.
کتاب بنویسید، در شهرها و روستا-
ها مردم محروم و ستمدیده ما را
آگاه کنید...»

از پیام پدر طالقانی به همه
شاگردان و رهبران راستین راهش.

۱۹ تیر ۵۸



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

بنام خدا

بہتر این بود کہ در فرصتی کافی آثار پدر طالقانی در مجموعہ‌ای کامل و بی نقص، آنچنان کہ در خور آن بزرگ می‌باشد به خوانندگان تقدیم گردد. لیکن حساسیت زمان و نیاز مبرم تودہ‌های مستضعف به شناخت اسلام انقلابی، کہ پدر مظهر آن بود و همچنین افشای دشمنان فکری پدر - کہ بگفتہ خودش از شهریور ۲۰ تاکنون لحظہ‌ای از آزارش آرام نگرفتند - کہ امروز در شہادتش همچون «سیروس و نس» اشک تمساح میریزند و خلق را «تسلیت» میگویند و در حرف خود را «حامی» پیام او میخوانند و در عمل به مسخ پیامش میپردازند، ما را برآن داشت کہ اگر چہ ناقص به انتشار نوشته‌ها و سخنرانیهای پدر از آزادی (۸ آبان ۵۷) تا شہادت (۱۹ شهریور ۵۸) کہ در برگیرنده فصلی پرفراز و نشیب از چریک پیر می‌باشد، اقدام ورزیم.

مصاحبه اطلاعات با پدر طالقانی^۱

«سرانجام ملت مسلمان در پیکار خود پیروز خواهد شد». این نخستین جمله‌ای بود که امروز صبح حضرت آیت‌الله طالقانی در دیدار با خبرنگار اطلاعات عنوان کرد. حضرت آیت‌الله طالقانی که بسیار خسته و تکیده بنظر میرسید بامداد امروز در منزل خود یکروز پس از آزادی گروه کثیری از مردم و خبرنگاران را که بیدار ایشان رفته بودند پذیرفت. آیت‌الله طالقانی ضمن اشاره به خستگی خود که مانع گفتگوی مفصل با خبرنگاران است گفت:

ما در گذشته از مطبوعات دل خوشی نداشتیم و صحبتها و نظرات ما اغلب اوقات تحریف میشد، اما بخواست خداوند که اکنون در اثر مبارزات کارکنان زحمتکش مطبوعات محیط بهتری بوجود آمده است، میتوانیم مطالب خود را به‌جراید اظهارکنیم. گرچه هنوز محدودیت‌هایی برای ما وجود دارد و با توجه به اوضاع کشور نمیتوان آزادانه حقایق را اظهار کرد، معیناً در اولین فرصت نظرات خود را درباره اوضاع و احوال با اطلاع مردم خواهم رساند.

حضرت آیت‌الله افزود: آنچه در گذشته رخ داده است، در محبس دقیقاً تعقیب میکردیم و میدانیم سرانجام مردم مسلمان ایران در این پیکار مقدس پیروز خواهند شد. ما از خداوند متعال توفیق مردم مسلمان ایران را مسئلت داریم.

گفت‌وگوی پدر طالقانی با کیهان:

باهمبستگی باید دسیسه‌های استعمار را خنثی کرد

حضرت آیت‌الله سید محمود طالقانی صبح امروز در يك گفتگوی کوتاه با خبرنگار ما اظهار داشتند: «همه ما مرهون مبارزات ملت، روحانیون و جوانان و دانشجویان و حرکت اسلامی عمیقی هستیم که پیش آمده است. نه مرهون هیچ‌کس دیگر».

ایشان آنگاه گفتند: «حرکت فعلی مردم که این چنین عمق پیدا کرده است آرزویی است که در مدت چهل سالی که وارد مبارزات اسلامی شده‌ام، همیشه داشتم و امیدوارم هشیاری همه اقشار به‌خصوص روحانیت و طبقه جوان و دانشگاهی دسایس کهنه استعمار و عوامل استعمار را خنثی کند.»

حضرت آیت‌اله طالقانی افزودند: «تمام نیروهای ملت را که اکثرشان مسلمان شیعه هستند به‌اتحاد و همبستگی و خنثی کردن دسیسه‌های عوامل بیگانه و استعمار از هر جناحی که هستند، دعوت میکنم. باید به‌فکر همبستگی و یگانگی و همفکری و رفع اشتباهات گذشته بود و توبه به معنای عام. توبه قرآن تنها استغفار به زبان نیست، تحول فکر و دید هم هست.»

ایشان در مورد حضرت آیت‌اله‌العظمی خمینی گفتند: «من از دوران طلبگی از نزدیک با ایشان بوده‌ام و افکار و نظریات و حس‌سوابق ایشان برای همه روشن و آشکار است. حضرت آیت‌اله‌العظمی خمینی از همان آغاز دارای تقدس خاص و از هر جهت ممتاز بوده‌اند و هستند.»

ایشان تأکید کردند که مطبوعات موظفند وجدان و صدای بیدار ملت ستمدیده ایران باشند. حضرت آیت‌اله طالقانی همچنین افزودند: «آنها که دیده‌اند می‌گویند عده‌ای را که به جرم سوءاستفاده و دزدی اموال عمومی دستگیر کرده‌اند در بهترین محل‌ها - که شبیه ویلا هستند - نگاهداری میکنند. و انواع وسایل را هم در اختیار آنها می‌گذارند. درحالی‌که حتی پیرمردان و افراد مسن که به‌زندان‌های سیاسی افتاده‌اند از حقوق ساده و اولیه خود محرومند و با انواع بیماری و ناراحتی‌ها درگیرند.»

ایشان همچنین گفتند: «شکنجه روحی من زیاد بود و مخصوصاً همه چهل روزی که در کمیته بودم دائماً صدای ضجه و فریاد زندانیان سیاسی به‌گوش می‌رسید.»

حضرت آیت‌اله طالقانی که در زندان مبتلا به فشار خون و بیماری قند شده بودند و سه ماه هم در بیمارستان زندان بستری بودند، در مورد وضع مزاجی خود اظهار داشتند که همچنان بیمارند و حتی تصمیم داشتند که بعد از آزادی در بیمارستان بستری شوند. که فعلاً بنا به خواست مردم از این تصمیم منصرف شده‌اند.

مردم و روحانیون و شخصیت‌های سیاسی امروز دسته‌دسته برای دیدار با حضرت آیت‌اله طالقانی به‌منزل ایشان می‌رفتند. و ضمن خوش‌آمدگویی از سخنان مختصر و کوتاه ایشان که گاه به‌ملنزی تلخ و گزنده آمیخته بود، استفاده می‌کردند.

سه‌شنبه ۹ آبان ۱۳۵۷

پیام پدر طالقانی به‌هفته همبستگی دانشگاهیان ایران

بسم‌الله الرحمن الرحیم

یا ایهاالذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون. فرزندان عزیزم دانشجویان گرامی و با استقامت در راه حق! مایه تأسف است که به‌علت بیماری و ضعف مزاج در حال حاضر نمیتوانم در میان شما باشم. در این جمع یاد جوانان فداکاری را گرامی میداریم که بر مبنای تفکر اسلامی و نجات مردم در میدان تیر و زیر شکنجه و خیابان با نثار خون خود نهضت اسلامی گسترش‌یافته امروز ما را بارور کردند.

در همین‌جا لازمست از فرزند عزیز مهاجر و شهیدم دکتر علی شریعتی یاد کنم که در شکوفائی هرچه بیشتر مکتب اسلام و گسترش آن در میان جوانان سهم بسزائی دارد. بر شما است که با دقت و مراقبت کامل در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان به تشکل و محتوا بخشیدن به نهضت حق‌طلبانه و با برکت خود ادامه دهید و از درگیریهائی که باعث انحراف از وظایف اصلی و موجب بهره‌گیری دشمن میشود پرهیزید.

همبستگی دانشگاهیان با مردم و روحانیت پیشرو و متمهد طلیعه پیروزی و مطلع فجر صادقی است برای همگامی و یکی شدن گروه‌های مختلف ملت در مبارزه بحقشان علیه نظامات طاغوتی، لذا بر شما است که هرچه بیشتر خود را بمردمی که هر لحظه در کوچه و بازار و شهر و روستا قربانی میدهند نزدیکتر کنید، بطوریکه هیچیک از افراد مردم با شما احساس جدائی نکنند و بتوانید با تأیید و خواست خدای متعال رسالت و همبستگی خود را که روشنگری و تشکل دادن است بخوبی ایفا



پدر طالقانی پس از آزادی از زندان، از پنجره منزل خود به احساسات
مردم پاسخ می‌گویند

کنید.

من و دیگر زندانیان به پایمردی و با فداکاریها و شهادتهای مردم مبارز ایران از جمله دانشگاهیان ارجمند از زندان بیرون آمدیم ولی بسیاری از خواهران و برادران شما هنوز در بند و اسیر هستند. کوشش ما باید آزادی بلاشرط همه زندانیان سیاسی و ادامه مبارزه تا برپا ساختن يك جامعه توحیدی بر مبنای قسط اسلامی باشد که حقوق همه انسانهای عضو آن جامعه بخوبی تامین گردد.

در چهل سال مبارزه مستمری که در پشتسر گذاشته‌ام چنین حرکت باشکوه و گسترده و امیدبخشی از طرف تمام گروههای مردم ندیده بودم لذا امیدوارم این نهضت با هشیاری و تقوا هر روز شکوفاتر از روز پیش به جلو رود و به آرمان و هدف مقدس خویش نائل آید.

والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی

سید محمود طالقانی

چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۷

پیام پدر طالقانی

بسمه تعالی

از همه آیات عظام، حجج اسلام، برادران ارجمند و خواهران محترم، از قاطبه ملت مبارز و حقپرست و مسلمان ایران که با مخابره تلگرام، ارسال نامه، پیام تلفنی اظهار تفقد و ابراز همبستگی کردند و یا رنج راه دور و نزدیک را بر خود هموار ساخته پدیدن آمدند و با پیام و کلام و قدوم خود بیداری، یکپارچگی و وسعت مبارزه برحق و ضد طاغوتی خویش را بشارت دادند کمال تشکر را دارم و از اینکه به علت بیماری و ضعف جسمانی و عدم امکانات فنی در سطح کشور، نتوانستم به فرد فرد کسانی که اظهار لطف کردند مستقیماً جواب دهم معذرت می‌طلبم و از درگاه پروردگار یکتا خواستارم که برای اعتلای کلمه توحید، همه مسلمین در صفوف استوار خویش هرچه بیشتر توحید کلمه خود را که در پرتو زعامت و ارشاد آیه الله العظمی خمینی به دست آمده است حفظ کنند و با تشکل و آگاهی بیشتر به دفع طاغوتها

همت گمارند که:

نصر من الله وفتح قريب و بشر المؤمنين

سید محمود طالقانی

اولین درس پدر طالقانی پس از زندان (درسی از سوره والنازعات «در گفتگوی با خانواده اش»)

بسم الله الرحمن الرحيم

قسمتی که راجع به وضع زندان و پیش آمدها و حوادث و وضع مزاجی من در این سه سال اخیر، یعنی آخرین زندان - می شود، مسئله دورانی است که همه خوب می دانید و هرچه بوده گذشته و الان هم مورد بحث نیست.

بهر حال وضع مزاجیم طوری بود که احساس می کردم آخرین زندان باشد و نجات و زنده ماندنم را بعید می دانستم. یادم می آید، زمانی وکلای صلیب سرخ جهت بازدید زندان آمده بودند، وضع مزاجی و ناراحتی هایم را دیدند، از مدت محکومیت من جو یا شدند، مأمورین جواب دادند: ده سال. بازدیدکنندگان گفتند: با وضع مزاجی ایشان بهتر بود یکم رتبه به ابد محکوم کنید.

بهر حال همانطور که گفتم این مسئله ایست گذشته، و من بیرون آمدنم را بعد از سه سال از تفضلات الهی و از احساسات و محبت و مبارزات مردم ایران می دانم. شاید این موهبتی است که اگر حال و توفیقی داشته باشم در باقی مانده عمرم بتوانم مسئولیت هائی را که برای امثال ما هست تا حد ممکن بانجام برسانم. جو جدیدی که پیش آمده برای من مثل حالت احلام است. در زندان که بودم این تحولات و تغییرات در روحیه و اخلاق و وضع مردم را احساس می کردم، درواقع این آرزوها و آمالی بود که سالهاست از طبقه جوان انتظار و امید داشتم، الان احساس می کنم که تا حد زیادی به آرزوها و آمالمان نایل شده ایم. این حرکت اسلامی و تحول روحی در عموم مردم، بخصوص طبقه جوان حتی بچه ها، و آگاهی ای که نسبت به دین خود پیدا کرده اند و شوری که در آنها پیش آمده، همه برای من امیدانگیز است.

گاهی باور نمی کنم که زحمات و کوشش های اهل فکر و نظر،

و اندیشمندان و نویسندگان - که منهم جزء ناچیزی از آن بودم - بهمین زودی به ثمر برسد. از توفیقات الهی است. اما نسبت به شماها که پرسیدید، شما خانواده من، فرزندان نسبی و سببی من باید متوجه مسئولیتتان باشید و به شناختن در دین و فهم مسئولیت‌هایی که دارید بیشتر توجه کنید.

این جوانهای با ایمان دانشجو، دانش‌آموز و کارگر، بازاری، کاسب که اینگونه اظهار علاقه می‌کنند، همه را فرزندان حقوقی خود می‌دانم و از همین جهت نسبت به همه آنها هم مسئولیت دارم. مواظب اعمال و رفتار و اخلاقتان باشید و همانطور که گفتم، در مقابل این مکتب‌هایی که پیش آمده، شناختن را از دین بالا ببرید. من همیشه وصیت می‌کردم حالا هم تأکید می‌کنم، بخصوص در نماز زیاد مراقبت داشته باشید، همانطور که قرآن تأیید کرده، وقتی می‌توانید به نتایج نماز برسید که آنرا انجام دهید و درست هم انجام دهید، یا باصطلاح قرآن اقامه صلوٰه کنید و این يك داروئی است الهی برای بیماریهای روحی و اخلاقی انسان و علاوه بر این انقلاب دائمی است که در مفاسد زندگی شب و روز انسان را از سقوط در غرائز و شهوات و غفلت نگه می‌دارد و تنبه می‌دهد و انسان را با عالم وجود، که آیات الهی است، مرتبط می‌دارد. همین امروز در کشورهای بااصطلاح انقلابی متوجه شده‌اند که اگر افراد به حال سکون و رکود بمانند، سقوط می‌کنند و به زندگی معمولی سرگرم می‌شوند و بهمین جهت درصدد ایجاد يك نوع انقلاب دائمی درونی و فرهنگی در مردم می‌باشند. یکی از آنها در اسلام همین نماز است که در هنگام گذشت فصول زندگی، طلوع آفتاب، زوال ظهر، و هنگام مغرب که عالم در يك حالت تحولی است، انسان از محدودیت زندگی بیرون بیاید و چشم‌اندازش وسیع شود و با کلمه «الله اکبر» و حرکت دست تمام اوها و خیالات، روابط و اندیشه‌های گذرا و پست را پشت سر بگذارد و به عظمت خدا و عالم و جهان کون توجه پیدا کنند. يك وصیت به شماها می‌کنم، در مورد توجه به قرآن است. قبل از زندان هر وقت فرصت بود بطور متوالی یا انتخابی آیاتی را مطرح یا بحث می‌کردیم و بعد هم فهمیدیم که این برای شماها مفید بوده است. حالا هم با اینهمه گرفتاریها و مسئولیتها که پیش آمده، هر وقت فرصت پیش آید، یا مثلاً آیه‌ای بنظرم برسد که در این شرایط زمانی تذکرش برای این حرکت و انقلاب عمومی و

فکری و اجتماعی شما و دیگر جوانها و مسلمانها مفید است، برایتان مطرح خواهم کرد. دیشب به مناسبتی تماسی با آیات سوره شریفه «والنازعات» داشتم. در قسمتی از آیات این سوره مطالبی بنظرم رسید که با وضع روز ما و درگیری ما با طغیان و استبداد مناسب است، البته در تفسیر پرتوی از قرآن، سوره «والنازعات» از آن بحث شده و یک قسمت را بحث کرده‌ایم ولی ممکن است تجدید توجهی باین آیات باشد. سوره «والنازعات» از اول که شروع می‌شود مربوط است به یک حرکت همگانی عالم، یک حرکت نزعی، یعنی از جا کنده شدن، و بعد هم حرکت متوالی است، سپس جهش‌هایی است که در این حرکت در تمام ابعاد جهان و در درون و برون همه پدیده‌ها و در جوامع و در سراسر عالم این حرکت استمراری و تکاملی وجود دارد، تا جهشی که انسان از این جهان به جهان دیگر می‌رود و منتهای این حرکت است. والنازعات غرقاً. والناشطات نشطاً. والسابحات سبحاً

حرکت وقتی در مسیر خود افتاد حرکتی سباحتی است (شناوری)، بعد جهشی در دگرگونی عالم است، این یک قسمتی از اول سوره نازعات. آنچه مورد نظر من است فصل دوم آن است. در پی این حرکت عمومی، حرکت انسانی و اجتماعی را بیان می‌کند:

«هل اتیک حدیث موسی - اذنادیه ربه بالوادمقدس طوی..»

«اذهب الی فرعون انه طفی. فقل هل لك الی ان تزکی..»

«و اهدیک الی ربک فتخشی. فاربه الایه الکبری..»

چگونگی درگیری نبی منذر (بیم‌دهنده) با یک عنصر طاغوت از کجا و از چه نقطه شروع و به کجا می‌رسد؟ یا به تعبیر دیگر، چگونگی درگیری با طغیان تا مرحله طاغوت، که آخرین مرحله طغیان است. این کلمه طاغوت که امروز در اعلامیه‌ها عموماً دیده می‌شود، مسئله‌ای است که از خود قرآن استخراج شده و من در سالهای قبل، از آن بحث کردم و گفتم خیلی جامع‌تر از کلمه مستبد است، گرچه هر دو عربی‌اند. خوشبختانه حالا در نوشته‌ها و اعلامیه‌ها همه جا دیده می‌شود.

ولی طغیان چگونه شروع می‌شود و ظهور می‌کند؟ و رشد آن از طغیان تا به مرحله طاغوتی یا طاغوت‌گونگی، که آخرین نقطه اوج طغیان است، و بعد از طاغوت‌گونگی تا نقطه سقوط و نابودی طاغوت، به چه کیفیتی است؟

در این سوره بعد از آنکه نمودار و نمایشی از وضع عمومی و

حرکت جهان بیان می‌کند، بعد مثل اینکه قرآن می‌خواهد نمونه‌ای نشان دهد که در مقابل این حرکت عمومی و تکاملی در جوامع بشری می‌ایستد. و طاغوت نموداری از مانع و سدی است در مقابل این حرکت، که در آیات قبل نمایش داده است:

هل اتیک حدیث موسی...

«ای پیامبر اگر می‌خواهی این حرکت و این تغییر عمومی را در محدوده اجتماع و زندگی بشری بفهمی، این مطلب بتو رسیده»:

اذنادیه ربه بالوادالمقدس طوی

در تعبیرات و لغات این قسمت همه مفسرین بحث کرده‌اند. وادی مقدس کجاست؟ در وادی مقدس پروردگار موسی را ندا در داد (ندا بانگی که از دور می‌رسد) وادی مقدس که طوی بود (طوی بود یعنی پیچیده بود، در پیچ و خم بود).

ظاهر قضیه این بود که موسی بعد از آنکه با قبطی‌های مصر درگیری پیدا کرد و گریخت و به مدین رفت و آنجا با دختر شعیب ازدواج کرد و دارای اولاد شد، احساس کرد که این زندگی شبانی و معمولی او را قانع نمی‌کند و مسئولیتی در برابر مستضعفین و بنی-اسرائیل در مصر دارد. از همین جهت دست زن و بچه‌اش را گرفت و روانه مصر شد. وقتی بطرف مصر می‌رفت، از يك طرف فشار احساس مسئولیت الهی در درون او شعله کشیده بود و از طرف دیگر خود را در برابر مرحله دیگر اینکه به موسی پشت کرد تا حرف او را نشنود و چهره‌اش را نبیند و درصدد جمع قدرتش باشد، تا اینکه بتواند با يك نیرو ضربه خودش را بزند. در این هنگام تمام کوشش و همش را برای جمع کردن نیرویش تجهیز کرد.

فحشر فنادی

معنیش غیر از جمع کردن است. حشر به معنی جمع کردن و رستاخیز برپا کردن است. «شروع کرد جمعیت و رستاخیز برپا کردن». حزب رستاخیز راه انداخت.

فحشر فنادی

بعد که حزیش متمرکز شد و عریده او بلند شد، آخرین مرحله‌اش این بود که: «اصلاً هیچ چیزی نیست - انا ربکم الاعلی - همه چیز شما، زندگیتان، تغذیه‌تان، موت و حیاتتان، دست من است. می‌گویم بگیرید، می‌گویم ببندید، می‌گویم آزاد کنید، می‌گویم بکشید، تعلیمتان، تربیتتان،

فرهنگتان، من خدا هستم. عبودیت شما هم دست من است.» این مرحله طاغوتی است. پس طاغوت به مرحله «انا ربکم الاعلی» رسیدن است، که همه چیز یک ملت و یک کشور، همه منابع طبیعی و استعدادها باید دست او باشد. خط و مشی زندگی را هم او تعیین می‌کند، این دیگر اوج طغیان است. باین حد که رسید سقوطش شروع می‌شود:

فاخذہ اللہ نکال الاخرة والاولی...

نکال غیر از عذاب است. بمعنی شکنجه هم هست، بمعنی انکار هم هست، همانطور که در فارسی کسی که طلب و حق کسی را نمی‌خواهد بدهد، نمی‌گوید ندارم بدهم، اصلاً نکول میکند، می‌گوید اصلاً تو حق نداری. یعنی شخصی را ساقط کردن، شکنجه دادن و داغ باطله به او زدن. «خداوند داغ باطله به او زد و ساقطش کرد».

ان ذالک لمبرۃ لمن یخشی.

«در این برای هرکس که عظمت خدا را دریابد، عبرتی است.»
والسلام

پاسخ پدر طالقانی به پیام قائد بزرگ اسلام امام خمینی دام‌ظله

۱۷ آبانماه ۱۳۵۷ برابر ۷ ذی‌الحجه ۹۸

کتابخانه آلاء الله العزیز القهار
بسم الله العزیز القهار

حضرت آیه‌الله العظمی خمینی روحی فداه

سلام‌علیکم بماصبرتم فنعم عقبی‌الدار

از پیام گرمی بخش و تفقد آن مرجع عالیقدر، کمال امتنان را دارم. سربلندی و افتخار ما پیوسته تلاش در جهت‌نمایاندن اسلام حقیقی و سربازی و مجاهدت در راه تحقق و پیشبرد انقلاب آنست، تنها با اقدام و ایثار در راه اعتلاء حاکمیت کلمه توحید است که ثبات می‌یابیم. تحمل تبعید و محرومیت و غم امت خوردنها از جانب آنحضرت و تحمل شکنجه‌ها و محکومیت‌های کسانی که در داخل کشور هستند و سایر سربازان امام عصر (عجل‌الله فرجه‌الشریف) چون در راه معبودمان پروردگار بی‌همتا وحذف و نفی موانع و طاغوتها در مسیر انسانها

بسوی کمال مطلق و خالق ذوالجلال میباشد چه باك!! هزاران سرجا و وقت عمر فدای آن باد!! چرا که ما دل در گرو حاکمیت قسط الهی نهاده ایم.

اینجانب و همه زندانیان، آزادی خود را در درجه اول مدیون الطاف پروردگار عزیز و مقتدر هستیم و اراده قاهرش برخدان و ذلت ظالمین و برتری و حاکمیت مظلومین و مستضعفین قرار دارد، و در درجه بعد مرهون فداکاریها و خونهای این امت رنجدیده و ستم کشیده مسلمان ایران هستیم. که تحت قیادت و هدایت آنحضرت، با ایمان و قدم ثابت و شایستگی بی سابقه ای در مقام مرجعیت و رهبری جهاد مقدس امت، با نثار خون خود در شکنجه گاهها و میداین تیر یا در کچه ها و خیابانها، عزت و افتخار برای ملت ایران فراهم کردند، نهال برومند توحید بشکوفائی نشست و خون پاک شهیدان و مجاهدان و اندیشه متفکران آنرا آبیاری کرد. تا مکر و حيله های قدرت فرعونى را بخودشان برگرداند. و امید است این ایمان و مجاهدتهای پاک بر قدرت مالی و اسلحه بی- اندازه اش نیز پیروز شود. و گرفتار نکال دنیا و آخرت گردد: «فاخذه الله نکال الاخره والاولی. و مکروا و مکرا لله و الله خیر الماکرین».

امروز رژیم از اوج قدرت مغرورانه و جباریت خود بموضع زبونی و نکال رانده شده، در برابر طوفان خشم ملت به پوزش خواهی و اعتراف بگناهان نشسته است: «الذین کفروا اعمالهم کرماد اشتدت بهم الريح فی يوم عاصف» همان فردیکه تا چندی پیش وجود هرمخالفی را انکار میکرد و نعره: «انا ربکم الاعلی» سرمیداد و زندانیان سیاسی را یکسره تروریست و خائن میخواند و از هیچ گونه تحقیر و حبس و شکنجه بی- باکانه، خودداری نمیکرد، امروز در برابر خروش انقلاب و عصیان توده های مردم دست نیاز بسوی همان مخالف دراز کرده است تا شاید خود و نظام منحط خود را از میان طوفان نجات دهد. مع ذلك این پایان کار نیست، اگر چه راه تا رهائی کامل طولانی است ولی طلایع آن پی در پی میدرخشد.

اکنون که امت مسلمان و حق طلب و عدالت خواه پس از سالها تحمل و رنجها و فداکاریها و مجاهدات پیشروان صادق خود از میان کوره راههای امید و نجات بالاخره راه و رهبر خود را یافته در جاده حیاتبخش انقلاب و جنبش انقلاب و جنبش رهائی بخش اسلامی به پیش میتازد و میرود که ثمرات جهاد خود را بچینند. وظیفه و مسئولیت

سنگین‌تر و حادث‌تر مینماید. بر ما است که در بستن راه برحیله‌ها و دسیسه‌های دشمنان خارجی و داخلی اسلام هشیار و بیدار و متحد و مددکار هم باشیم تا نظام طاغوتی استبداد و استعمار حیله‌گر بار دیگر و از راه دیگر برامت اسلامی هجوم نیاورد: «وقاتلوه‌م حتی لا تکون فتنه ویکون الذین کلمه‌الله».

اینجانب مصمم هستم که تحت هدایت و یاری پروردگار، درکنار برادران مبارز و مسلمان خود و زیر پرچم واحد، و نظم سازمان متشکل انقلاب توحیدی، با ارشاد و هدایت آن مرجع گرانقدر، و تا آنجا که در توان دارم، تا پایان راه که وصال به‌آستان پروردگار است، ادامه دهم. «ربنا وفقنا لما تحب وترضی» و از درگاهش مسئلت دارم که وجود فی‌قیمت آنحضرت را برای امت و نهضت اسلامی و ملی ایران حفاظت فرماید. «ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا ونصرنا علی‌القوم الکافرین».

والسلام علیکم ورحمته‌الله و برکاته
سید محمود طالقانی

پیام پدر طالقانی به‌ملت مبارز ایران
به‌مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در آغاز محرم ۱۳۹۹

کتابخانه آهو العزیز القهار المنتقم

اول محرم ۱۳۹۹، ۱۱ آذر ۱۳۵۷

ایها الناس ان رسول‌الله (ص) قال: «من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم‌الله، ناکثا لعهد‌الله و مخالفا لسنه رسول‌الله و لم یغیر ما هو علیه بفعل و لا قول کان حقا علی‌الله ان یدخله مدخله» (حسین ابن علی علیه‌السلام).

هشدارید ای مردم! رسول خدا گفت: «هرکس سلطان تجاوزکار ستمگری را ببیند که خواستار حلال شمردن حرامهای خدا، نقض‌کننده پیمان و تعهد خدا، و مخالف با شیوه عمل رسول خداست و وضع و شیوه ظالمانه او را با کردار و گفتار دگرگون نسازد، برخداست که او را به‌همان سقوط‌گاهی سرنگون کند که سلطان ستمگر را».

ماه محرم، ماه خون و شهادت، ماه حسین شهید و شهیدان کربلا،

که نامش و راهش طی ۱۴ قرن الهام بخش فکر و روح پیروان مکتبش بوده است، شهید برتر و سروری که الگوی هر مجاهد راه حق قرار گرفته است، آغاز میشود.

در آستانه آغاز این ماه حرکت و تغییر انقلابی، رژیم جبار و ستمگر ایران، دست به جنایتی تازه زد و در شب گذشته بی‌هیچ دلیلی مردم مسلمان را به خاک و خون کشاند. مردم تهران در سراسر شب صدای رگبار گلوله‌ها را می‌شنیدند و با صفیر گلوله، با فریاد تکبیر لااله الا الله، ایمان توحیدی و نفرت و انزجار خود را نسبت به اعمال وحشیانه و خونخوارانه رژیم ابراز داشتند. تهران در شب گذشته از ساعت ۲۱ تا ۵ صبح حالتی دیگر داشت، حالت مردمی حق‌طلب و رهائی-خواه و بی‌سلاح که در سیاهی شب مورد هجوم سبعانه مهاجمان دمنش قرار گرفته بودند.

بمن خبر رسیده است که در ساعات فوق در خیابانهای جنوبی و شرقی و غربی، صدها خواهر و برادر بیگناه و معترض با گلوله‌های خودفروختگان رژیم، شهید و یا مجروح شدند. جریان فوق امروز نیز در خیابانهای خراسان، مولوی، فردوسی، شاهرضا و مخصوصاً در چهار راه سرچشمه و نیز در محوطه بانک مرکزی و بانک ملی و بسیاری از خیابانهای شهر ادامه داشته است و اینها هنوز آغاز کار است. عجیب آنکه جلوی بعضی از بیمارستانها را سد کرده‌اند تا مردم نتوانند مجروحان را خود به بیمارستان برسانند. این است رفتار رژیم که بتازگی بعد از ۵۰ سال قانون شکنی، از ملت طلب استغفار کرده مجدداً برای حفظ قانون سوگند خود را تکرار کرده است.

اما ملت مبارز و مسلمان ایران هشیارتر از آنست که در برابر این کیدهای فریبکارانه و سالوسهای مذهبی فریب بخورد بلکه بخوبی میداند که دشمن با احساس ضعفی که در برابر مجاهدت‌های پیگیر مردم و اجباری که به تسلیم پیدا کرده است مشی تازه‌ای درپیش گرفته و محور سیاست فعلی خود را بر مطالب زیر نهاده است.

۱- به بهانه نگرانی از سقوط و تجزیه کشور و بخیال واهی جلب رضایت مردم و با فرستادن کادوها و پیکهای دست پرورده خود به نزد رجال قدیمی کشور، آنان را به (وخامت اوضاع) و لزوم تشکیل حکومت ملی ائتلافی (البته با حضور خودش) و حفظ با اصطلاح قانون اساسی سروصدائی براه انداخته، آنان را معطل و منتظر وامیدارد و

ضمناً از صف توده‌ها به‌جنبش درآمده و انقلابی که دردهایشان از زبان مرجع‌عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی بازگو میشود و فرمان ایشان عمل میکنند، جدا کند و از این طریق تفرقه‌ای در صفوف فشرده ملت بوجود آورد.

۲- در کنار آن چهره (دلسوز؟) قیافه واقعی خود را از طریق خونخواری و خونریزی بدست نظامیان و (ژنرالها) با سبعانه‌ترین وجهی که تنها از يك قوم مهاجم وحشی انتظار میرود مینمایاند و حرکات و تظاهرات اعتراض مردم را خونین و سرکوب می‌کند.

۳- تا در این بین فرصت کافی بیابند که اولاً ثروتهایشان را که از ذخائر و ثروتهای ملی بغارت برده‌اند به‌خارج منتقل نمایند، ثانیاً با ادامه سیاست فرسایشی، مردم را به‌خستگی و دلسردی بکشانند و ثالثاً از میان این دلسردی و طولانی شدن مدت شاید راهی برای نجات رژیم از بن‌بست باز شود.

۴- در صورت عدم توفیق در این سیاستها، کشور را به‌آتش و خون بکشانند و آن وعده وحشت بزرگ را که به‌اربابان خارجی داده است محقق سازند.

آیا پروردگار ما به‌ما وعده نداده است که «والذین ینکرون السیئات لهم عذاب کبیر و مکر اولئک هو یبور». و آیا ما در پیش خود نمونه بارز و عظیم‌الشانی چون حسین بن علی‌علیه‌السلام را نداریم؟ راه حسین، راه قیام مظلومان محرومان، سرکوب‌شدگان و غارت‌شدگانی است که به‌عشق حصول به‌مجتمع قسط اسلامی و وصال به‌فضای باز الهی جان برکف می‌نهند و از هستی و حیات خود می‌گذرند تا به‌ملتی و مکتبی حیات و شکوفائی ببخشند. اینروزها روزهای حسینی است.

ما ملت مسلمان و پیروان امان بحق که سلاحمان حق و حقیقت است و فعلاً از سلاحهای معمولی دشمن محرومیم و هنوز به‌فرمان مراجع عالیقدر زمان جهاد همگانی فرا نرسیده است باید عملیات و اقداماتمان اکنون منطبق با این شرائط و موازین باشد:

۱- ضمن برپاداشتن و شرکت کردن در مراسم عزای حسینی و احیای حماسه کربلا بر مردم حق‌طلب لازم است تا آگاهی صحیح و بیشتر از اهداف و وقایع خونبار کربلا دریابند تا برای ادای وظیفه و تحقق بخشیدن به‌آرمانهای انسانی و اسلامی و زنده نگهداشتن مکتب در برابر یزیدیه‌های زمان ایستادگی کنند و شعائر و تظاهرات این ماههای

سوگواری همگی باید با محتوای سیاسی و اعتراضی به وجود رژیم سلطنتی موجود در کشور باشد. دستهای سوگوارانی که بر سر و سینه کوبیده میشد اکنون باید به مشتهای گره کرده و اعتراض علیه وضع موجود تغییر جهت دهد.

۲- تظاهرات اعتراضی و انقلابی حسینی خود را به گونه ای تشکل و سازمان دهند که ضمن کسب پیروزی هر چه بیشتر ضایعات جانی و مالی کمتر باشد. بدیهی است که بهانه و طعمه دادن به رژیم خوبخوار و وحشی که تنها با خون سیراب میشود، با تاکتیکهای انقلابی هیچ مکتبی سازگار نیست. برای تقرب به خدا و رسیدن به هدفها سرمایه گذاری از مال و جان تحت عنوان انفاق و شهادت فی سبیل الله الزامی است که باید برای رسیدن به هدف مورد استفاده کامل و بجا قرار گیرد.

۳- آنچه بر صفوف پشت جبهه و خانواده ها واجب است، مقاومت و آمادگی ذهنی و نفسانی برای تحمل مصائب و مشکلات بیشتر در آینده و حمایت، کمک و تعاون، روحیه بخشیدن به مبارزان و مجاهدان خطوط مقدم جبهه، پناه دادن به مجروحین و کمکها و معالجات اولیه آنها و حمایت مجروحین می باشد.

امید که در پرتو حمایت و هدایت پروردگاری که اراده قاهره اش بر قلع و قمع ستمکاران و پیروزی حق طلبان محروم است، مبارزه امت مسلمان ایران تا سرحد پیروزی نهائی ادامه یابد و بدانیم که اراده ملت های محروم و حقیقت طلب همان اراده خداوند است که از دست و زبان و راه و روش آنان ظاهر میشود. «ان موعدهم الصبح، الیس الصبح یقرب».

سید محمود طالقانی

اعلامیه پدر طالقانی بمناسبت تاسوعای حسینی
و دعوت مردم به راهپیمائی بزرگ در همین روز

بسم الله القاصم الجبارین
هیئات مناذله

«حماسه حسینی»

روز یکشنبه روز یادآوری تاسوعای حسین است. روزی که

پیشوای شهیدان زیر محاصره و محرومیت از اولین ترین حقوق انسانی، در برابر هرگونه پیشنهاد سازش و ائتلاف دشمن «نه» گفت. دامنه کشتار و خونریزی علیه مردمیکه جز حقوق اولیه انسانی خود چیزی نمی طلبند، از حد و مرز و احصاء و عدد گذشت. از گرگان قهرمان تا بوشهر بپا خاسته، از سندانج مبارز تا برادران و خواهران اهل تسنن بلوچ، همه از قری و قصبات تا شهرهای بزرگ زیر مخوف ترین و حيله گرانه ترین روشهای جابرانه تاریخ قرار گرفته اند. چنین رفتار سبعانه ای که با ملت آزاده ما میشود در تاریخ مدنیت و شهرنشینی بشری کم سابقه است، این ملت جان برکف در نهایت خویشتن داری فقط يك کلمه فریاد میکنند که «ما از ظلم و فساد رژیم موجود به جان آمده ایم».

ملت مسلمان ما از سالها قبل بویژه از راه پیمائی بزرگ عید فطر تا امروز که به فریادها و تکبیرهای شبانه پرداخته است به مشرورترین و موجه ترین صور ممکن، رأی خود را نسبت به این رژیم خودکامه وابسته و غرق در فساد اعلام داشته است. ولی رژیمی که از هرگونه پایگاه مردمی و حتی از هدایت و ارشاد عناصری که نسبت به سرنوشت امم و ملل در طول تاریخ بینشی دارند، محروم است و تنها به اتکاء زرادخانه های خود به حمایت از دولتی که منافع استعماریشان در حفظ این رژیم میباشد شب و روز ملت ما را به سوگ و غزا مبدل کرده است. گرچه این پایداری و مقاومت مردم مسلمان که جان خود را بی دریغ در راه خدا و نجات خلق خدا به پیروی از سیره ائمه شیعه علیهم السلام و اجابت دستورات زعیم عالیقدر آیت الله العظمی خمینی نثار میکنند، چنان شورانگیز و حماسه آفرین است که مسلمانها و حتی شرق تحقیر شده و استعمارزده را می رود که از خواب قرون و اعصار برانگیزد و به خویشتن خویششان باز گرداند ولی نامه وجدان و ضجه فرزندان و صحنه های خون آلود خیابانها، و این محشر کبرای بهشت زهرا، بالاخره باید پایانی داشته باشد.

اینك بار دیگر برای رساندن ندای حق طلبانه ملت مسلمان ایران بگوش جهانیان، ما روز یکشنبه را که مصادف با تاسوعای حسینی است به راه پیمائی بزرگ که همه طبقات را دربر میگیرد اختصاص میدهیم. باشد که دستگاه حاکمه لجوج و سفاک و نیز دول حامی او و محافل انسانی و آزاده ای که همواره به حمایت و دادخواهی ملت های مظلوم شهره شده اند، از این حرکت قانونی و مسالمت جویانه ملت ایران به جوش

آیند و مردم ما را برای حاکمیت بر سر نوشت خود آزاد بگذارند.
 اینجانب روز یکشنبه تاسوعا که با روز اعلامیه جهانی حقوق بشر
 مصادف است، از ساعت ۹ با عزم و معرفت و آگاهی به تمام جوانب و
 لوازم امر، این این راه پیمائی را از خانه ام آغاز میکنم. البته هیئت برای
 تدارك انتظام امور این راه پیمائی بزرگ سرپرستی و نظارت خواهند
 داشت.

انتظار دارد برادران و خواهران و فرزندان عزیزم، با رعایت
 هرچه بیشتر توصیه های آنان، رشد و قابلیت اجتماعی خود را یکبار
 دیگر نشان دهند. بدیهی است در سایر شهرها و قصبات نیز برادران
 و خواهران در نهایت نظم ترتیب و با هدایت و رعایت نظرات بزرگان
 مبارز شهر و پیشوایان محترم مذهبی خود، این برنامه را با شکوه
 هرچه بیشتر اجرا خواهند نمود.

والسلام علی الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و رحمة الله
 و برکاته

۵۷۹۱۴

۲۳ محرم ۱۳۹۹

سید محمود طالقانی

پیام پدر طالقانی به ملت ایران
 ۱۵ محرم ۱۳۹۹ برابر با ۲۵ آذر ۱۳۵۷

بسم الله المنتقم

برادران و خواهران و فرزندان اسلام و ایران در تاریخ چندین
 قرن این کشور عزیز امسال سالی پرشکوه و اعجاب انگیز و استثنائی
 است و محرم و ایام عاشورای امسال بیانگر کامل رسای منطق و شهادت
 حسینی بود همچنانکه بوضوح چهره های یزیدی را از زیر پوشش
 اسلامی به همه نمایاند. در این روزها گروهی مزدور و سفله همچون
 فاتحان بیگانه و اوباش بی اصل و نسب زاده مرجانه در شهرستانها
 به تاخت و تاز و قتل و حرح زن و مرد و پیر جوان بیدفاع پرداختند
 و از یورش به معابد و مجامع دینی و صحن مطهر امام هشتم (ع) و
 مراکز علمی شرم نکردند و مردم را وادار به شعارهای مبتذل طاغوتی

و ضد اسلامی نمودند و کشتند و مغازه‌ها و خانه‌ها را به‌آتش کشیدند و غارت کردند. خبرهای متواتر و تلگراف و نامه‌ها و شواهد عینی که از قم مرکز روحانیت و دینی، اصفهان، نجف‌آباد، کاشان، ساری، بهشهر، سیمر، مشهد مقدس، اراک، و دهات اطراف آن، شیراز، سبزوار، رضائیه، کاشمر، اهواز، ایذه، فریمان، تربت‌جام و دیگر شهرستانها و قراء میرسد وحشت‌انگیز و جایی برای توجیه و انکار و عوامفریبی سران رژیم باقی نمی‌گذارد.

اخیراً در مشهد مقدس به بیمارستانها که در میان همه ملل و اقوام، محلی امن است حمله کرده و پزشکان و پرستاران و بیماران را مجروح و مقتول کردند که خاطره حمله به خیام حسینی و ضرب و اهانت به زنان و کودکان داغ‌دیده و تشنه و بیماران حضرت را بیاد می‌آورد و اکنون گروهی از علمای اعلام و پزشکان و مردم غیور در بیمارستان متخصصان در بوشهر و مشهد دو عالم جلیل و مسئول آقایان آشوری و موحدی را ترور کردند. در راه ملایر به اراک سه تن از فضلا (که نامشان نرسیده) بدست دژخیمان رژیم کشته شده‌اند. آیا این اعمال وحشیانه و ننگین جز برای چند روز بقای حکومت پوسیده و ادامه غارتگری و ادامه وفاداری به غارتگران بین‌المللی است؟ چه سفاهتی؟ آیا کسانی که تاریخ پرشکوه و درخشان ایران و اسلام را ننگین کرده‌اند با تظاهر به اسلام و ضریح سازی و چلچراغ آویزی و شمع‌افروزی و خواب‌نمایی می‌توانند چهره کفرآمیز و دد-منشی خود را بپوشانند و فرد مسلمانی که اندک شعور و آشنایی به رسالت پیامبران و اسلام و قیام حسینی دارد بفریبند؟ آیا وجدان و شرافت بشر میتواند با این رفتاری که با ملت حق‌خواه و صلح‌جو میشود بی‌تفاوت بماند؟ آیا عرق شرم برپیشانی انسانیت نمی‌نشیند؟ چرا سازمانهای بین‌المللی، ملل متحد، صلیب سرخ، کمیته دفاع از حقوق انسان و دیگر مجامع حقوقی دنیا بدفاع جدی‌تر از ملت مظلوم ایران برنمی‌خیزند؟ چرا دولتهای استثماری برای ادامه منافع خیالی و نامشروعشان هنوز ننگ حمایت از چنین رژیم منحط و خیانت‌پیشه و فاسدی را تحمل می‌کنند؟ و آبروی باقیمانده‌اشان را (اگر داشته باشند) در گروه نگهداری فاسدان آدم‌کش و دزدان رسوا گذارده‌اند؟ چرا به‌خود نمی‌آیند؟ وه که چه دیوانگی... این کوتاه اندیشان و محدود بینان‌باید

بدانند که مردم ایران با آگاهی کامل و رهبری قاطع حضرت آیت‌الله خمینی و دیگر مراجع عالیقدر و رهبران مسئول دینی و سیاسی خود از پای نخواهند نشست و دیگر هیچ دسیسه و نیرنگی فریبشان نمی‌دهد. همین مردمی که با فریادهای تکبیر در برابر رگبارهای گلوله در خیابانها و بالای بامها و اخیراً راهپیمایی باشکوه و معظم دهما میلیونی روزهای تاسوعا و عاشورا تصمیم قاطع و نظر و خواستههای صحیح خود را بگوش جهانیان رسانده‌اند. و برای پایان رساندن راهی که در پیش و مسئولیت تاریخی که برعهده گرفته‌اند با همه وجود و هستی خویش آماده‌اند از دست دادن عزیزان و هرگونه شداثت و رنج و کمبودها و گرسنگی را تحمل میکنند تا انقلاب اسلامی را بشمر رسانند. و قسط و عدل را هرچه بیشتر استحکام بخشند و براهنمایی و پیش‌بینی قرآن حکیم در مسیر حرکت جهان و آزمایشهای سازنده ابتلائات و بشارت صابران ایمان دارند و هیچگاه متوقف نمی‌شوند و بعقب بر نمی‌گردند (و نبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الـاـ موال والانفس والثمرات و بشر الصابرين) و بدرود پروردگار رشد دهنده و شمول رحمتش در هر اقدام و قدم صبر و مقاومت بخود می‌بالند. (اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمہ و اولئك هم المہتدون) درود خدا و فرشتگان و نیروهای مدبر جهان بر همه پیامبران که داعیان توحید و رهگشا و حامیان خلق در مفاصل تاریخ بودند.

درود بر خاتم پیغمبران و خاندان و اصحاب با ایمان و وفاداراننش که جهان تاریک از ظلم را روشن کردند. درود برعلی و فرزندان پاکش که با منطق حق و راه شهادت بسوی اسلام راستین رهنمون شدند. درود بر حسین و یارانش که فجر خونین اسلام را به ظهر شهادت عاشورا رساندند. و مکتب جانبازی و صبر و مقاومت را به ملت اسلام آموختند.

درود بر پیشوایان مسول و مراجع دینی که در خلال پرنشیب و فراز تاریخ اسلام راهنمای مسلمانان بودند. درود بر مرجع عالیقدر تبعیدی که اسلام و مسلمانان را برای قیام به‌وظیفه‌های زمان رهبری نمود. درود بر شهداء و فدائیان اسلام که با تقوا و وارستگی پشتتاز حرکت انقلابی قرن اخیر بودند. درود بر اندیشمندان قرن اخیر که نسل جوان و رمیدگان از اسلام را جذب و آگاه کردند. درود بر

مجاهدان راه پیغمبران و آزادی و شرف که خونهای خود را به جریان آوردند. درود به رهبران ملی و مذهبی که با استثمار قهار نفتخوار به مبارزه برخاستند و ملت‌های استثمارزده را بیدار کردند. درود بر شهدای دهه اخیر اسلامی و ایران که با نثار خون خود خونهای سرد شده را بجوش آوردند. درود بر دانشگاهیان متعهد که بانور قلم و تحقیق راهنمای نسل جوان ما هستند و برسالت خود آگاهند. درود بر معلمان و فضلا و طلاب علوم دینی و دانشجویان و دانش‌آموزان که با قناعت و آگاهی در شهرها و قصبات و دهات به مردم ناآگاه آگاهی می‌دهند. درود بر همه جوانان پسر و دختر که از میان محیط ترویج فساد و فحشاء زده و لجن‌زار سقوط اخلاقی و شرف انسانی با چهره‌های درخشان سر برآوردند و نفرت نشان دادند و بسوی هدفهای انسانی و سازنده زمان روی آوردند.

درود به تجار و پیشه‌وران که پیشگامان جنبش و سرمایه‌های اصیل مسلمانند و گوش به ندای رهبری دارند تا با همه گرفتاریها و پاپوشهای رژیم از تعطیل تجارت و کسب با افتخار و سربلندی استقبال می‌کنند. درود به کارگران و کارمندانی که با قهر اعتصابی خود رژیم را هراسان کردند بخصوص کارگران و کارمندان با شرف شرکت نفت که غارتگران و دشمنان نفتخوار اسلام و ایران را گیج کرده‌اند.

درود به نویسندگان و کارمندان و خبرنگاران و کارگران چاپ و موزعین مطبوعات که ارکان قانونی و زبان ملت و روشنگر جریانات داخلی و خارجی هستند و در مقابل سانسور ناجوانمردانه ناجوان-مردان افتادند و ماهیت قانونشکنی رژیم را بیشتر به جهانیان شناساندند. و نفرت بر ناشران ورق‌پاره‌هایی که نه حرمت قانون مطبوعات را نگه میدارند و نه غیرت و حمیت صنفی دارند. درود بر کارگران و کارمندان نیرومند آب و برق، دارائی، گمرکات، مخابرات، سازمان برنامه و بودجه بانک مرکزی قضات با شرف و مسول دادگستری. درود به برادران و خواهران و فرزندان عزیز کرد و بلوچ و

عشایر جنوب و ترکمنان که مرزداران غیور و یک ایرانی‌اند، و رژیم نابکار و خودد فروخته در مدت پنجاه سال سیاه گروه گروه مردانشان را کشته و زنانشان را به اسارت کشیده و خانه‌ها و مزارعشان را به ویرانی کشانده و اکنون در صف دیگر برادران مسلمان و ایرانی خود همصدا و متعهد بپا خواسته‌اند.

درود و پیام همبستگی به زعمای مذهبی مشهد و پزشکان و پزشکیاران و کارمندان متحصن در بیمارستان. تحیت و تسلیت به پدران و مادران و همسران و خویشان شهیدای پرافتخار و جاویدان و لعن و نفرین برقاتلان یزیدی و ددمنش آنان.
تهران - سید محمود طالقانی

پیام پدر طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز و رشیدم

یکی از مصائب ملت ما که ناشی از نظام فاسد و منحط سلطنتی ایران است که افراد عادی بحکم اضطراب یا عدم آگاهی مجبور به همکاری با این نظام و یا سکوت در مقابل آن شده‌اند که البته حساب این اشخاص از آنان که از موضع جاه‌طلبی و استفاده‌جوئی، مقام‌های حساس را اشغال کرده و علیه ملت و کشور خود مرتکب خیانت و جنایت شده‌اند جدا می‌باشد، بدون شک گروه دوم که اکثراً سرشناس نیز می‌باشند، می‌باید در دادگاه عدل اسلامی محاکمه و به‌اشد مجازات برسند. لیکن دسته اول یعنی افراد معمولی و عادی بشرط توبه و جبران گذشته و خدمت به ملت می‌توانند مصون از تعرض باشند. بیاد بیاوریم که قرآن می‌فرماید: «فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه آن الله غفور رحیم».

اکنون در جریان انقلاب عظیم ملت به رهبری امام خمینی مشاهده می‌شود که افرادی تحت تأثیر احساسات انقلابی خود که در جای خود قابل تحسین و ستایش است به تمقیب افرادی می‌پردازند که گمان می‌کنند از دسته جنایتکاران شناخته شده درجه اول می‌باشند و رأساً به مجازات آنان می‌پردازند. این عمل ممکن است یکسانی‌زیان مالی و جانی برساند که یا اصلاً در شناسائی آنان اشتباه شده باشد. و یا از افراد معمولی و عادی باشند که مستحق چنان کیفری نباشند و بافرض استحقاق لازم است که اتهام آنان اثبات شود، بخصوص که زنان و فرزندان آنان گناهی ندارند و باید دقیقاً مورد رعایت قرار گیرند.

لازم است این نکته را نیز یادآوری کنم که رژیم هیچ فرصتی را برای بهره‌برداری از احساسات پاك و انقلابی شما فروگذار نکرده و نخواهد کرد و شایعات زیادی پراکنده و کسانی را متهم میکند تا خشم انقلابی مردم را به بیراهه سوق دهد و افکار عمومی را دچار نگرانی نماید و از اشتباه شما بهره‌برداری نماید.

پنا بمراتب بالا اینجانب از شما عزیزانم تقاضا دارم که در عین حفظ اصالت و روحیه انقلابی و پیگیری مبارزه مقدس خود تا سقوط رژیم و برقراری نظام عدل اسلامی از خویشتن‌داری و بینش انقلابی نیز برخوردار بوده باشید تا هیچ مجالی برای سوء استفاده دشمن و دستگاه تبلیغاتی او باقی بماند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید محمود طالقانی

۱۳۵۷/۱۰/۱۶ مصادف با ۷ صفر ۱۳۹۹

از سخنرانی پدر طالقانی جلوگیری شد

از سخنرانی حضرت آیت‌الله طالقانی در مسجد جلوگیری شد. از پیش اعلام شده بود که ایشان ساعت ۴ بعد از ظهر دیروز (جمعه) در مسجد هدایت واقع در خیابان اسلامبول سخنرانی می‌کنند. گروه کثیری از مردم که برای شنیدن سخنرانی ایشان به مسجد آمده بودند. هنگامیکه به محل رسیده متوجه شدند که مأموران حکومت نظامی مسجد را محاصره کرده‌اند و اجازه ورود به مسجد نمی‌دهند. چند دقیقه مأموران مردم را متفرق کردند و سخنرانی انجام نشد. روزنامه کیهان شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۷

نظر پدر طالقانی درباره دولت بختیار

امروز در يك تماس تلفنی با منزل آیت‌الله طالقانی در مورد اینکه نظر آیت‌الله راجع به حکومت غیرنظامی شاپور بختیار چیست سخنگوی ایشان توضیح داد نظر ایشان همان است که چند روز قبل به

خبرنگار رادیو و تلویزیون ای - بی - سی امریکا اظهار شده است این نظر دو روز قبل دو بار در ساعت ۳ و ۵ از شبکه این رادیو و تلویزیون پخش شده است آیت الله طالقانی در مورد این سؤال پاسخ گفتند: هر حکومتی که در ایران تشکیل بشود باید در چارچوب مبارزه کنونی ملت ایران به رهبری امام خمینی باشد. در غیر این صورت مورد قبول و تأیید ملت ایران نیست. اصولاً در رژیمی که از طرف ملت ایران و قوانین اسلام قانونی نیست بالطبع مجالس قانون گذاری آن تعمیلی و فرمایشی است به هیچ وجه نماینده واقعی اراده مردم ایران نمی باشد، چگونه میتواند دکتر شاپور بختیار یا هرکس دیگری با رأی تمایل چنین مجلسی و فرمان چنان رژیمی از اعتبار و مقبولیت برخوردار باشد.

اطلاعات شنبه ۱۶ دی ۵۷

پدر طالقانی:

ذخیره و احتکار روا نیست

حضرت آیت الله طالقانی امروز در مورد ذخیره کردن نفت و بنزین بیش از مصرف روزانه گفتند: «ذخیره و احتکار نفت و بنزین و همچنین سایر نیازمندیهای اولیه زندگی مانند خواربار و غیره و نگاهداری آن بیش از مصرف روزانه که باعث محروم ماندن دیگران می گردد، روا نبوده و از نظر شرعی عملی مذموم و ناپسند است. و با توجه به اهتمام و اقداماتی که توسط هیئت اعزامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به عمل آمده است، هرچه زودتر توزیع فرآورده های نفتی، فقط برای تأمین احتیاجات داخلی، به وضع عادی بازمی گردد.»

پدر طالقانی:

تولید کنندگان مواد غذایی نباید اعتصاب کنند

حضرت آیت الله طالقانی امروز در پاسخ پرسش کارکنان یکی از

شرکتهای صنایع تولیدکننده شیر اعلام کردند که برحسب دستور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مواد غذائی که شیر از مهمترین آنهاست از اعتصاب و هرگونه تضییقی مستثنی میباشد. بنابراین کارکنان تولیدکننده مواد غذائی نه تنها باید از اعتصاب خودداری کنند، بلکه هرچه بیشتر بر تلاش خود در تأمین احتیاجات مواد لبنی بیفزایند.

نظر آیت الله طالقانی زمانی اعلام شد که کارکنان شرکت صنایع شیر ایران در همبستگی با مجاهدین راه آزادی و استقلال کشور به اعتصاب همگانی ملت پیوستند و آقای طالقانی با اعزام نماینده‌ئی نظر خویش را دائر برادامه کار واحدهای تولیدی مواد غذائی ابراز داشتند. کیهان ۱۸ دی ۱۳۵۷

به توصیه پدر طالقانی

آتش نشانیها، اعتصاب را شکستند

بدنبال توصیه حضرت آیت الله طالقانی مبنی بر لغو اعتصاب آتش نشانیان تهران، از صبح امروز مأموران ایستگاههای ۱۸ گانه آتش نشانی تهران دست از اعتصاب برداشتند و کار خود را آغاز کردند. حضرت آیت الله طالقانی طی این دستور به مأموران آتش نشانی هشدار داده اند که کار شما از نظر اهمیت به سزائی که دارد مانند کار پزشکان، و داروخانه ها برای مردم حیاتی است، از سوی دیگر نماینده حضرت آیت الله طالقانی ضمن تماسی با روزنامه کیهان اعلام کرد نظر حضرت آیت الله طالقانی اینست که هیچ مسلمانی حق ندارد که مانع کار مأموران آتش نشانی شود و مردم مسلمان باید تا حد امکان همکاریهای لازم را نیز با این خدمتگزاران مردم بنمایند. کیهان ۱۸ دی ۱۳۵۷

توضیح پدر طالقانی درباره گزارش وقایع خونین قزوین

شب گذشته فرماندار نظامی قزوین به منزل آقای سید محمود طالقانی تلفن زده و اظهار داشتند که مطالب مندرج در روزنامه ها، در

مورد کشتارها و حوادث اخیر شهر قزوین که منجر به انهدام خانه‌ها و مغازه‌ها و شهادت اطفال و نوجوانان و دیگر هم‌میهنان برخلاف واقعیت است و مقامات فرمانداری نظامی صرفاً به‌خاطر اعاده نظم و جلوگیری از تخریب و آتش‌سوزی سینماها و سایر اماکن عمومی، اقدام کرده‌اند. در پاسخ این ادعا، جواب داده شد که ابعاد شیخون مغول‌های فرمانداری نظامی قزوین آنقدر وسیع، ضدانسانی و ضدایرانی بوده که جای هیچ‌گونه تعاشی وجود ندارد. اخبار حوادث شوم قزوین از طرق مختلف، توسط گروه‌های متعدد تحقیق با جمع‌آوری دلائل و مذاکره با شاهدان عینی فاجعه از حد فراتر گذشته و اینک تمام وجدان‌های بیدار و سالم در سراسر ایران و جهان، آن را به‌عنوان اسناد دیگری از شیوه‌های فاشیستی و دیکتاتوری نظام حاکم، می‌شناسند. باوجود، چنانچه مقامات مهاجم فرمانداری نظامی از خود سؤال می‌کنند که راستی اینهمه کشتار از مردمی که صاحبان اصلی این مملکت هستند به‌خاطر کیست و چیست؟ و یا به‌ضرورت تحولات قریب‌الوقوع کشور در جهت استقرار حاکمیت ملی درصدد توجیه بار سنگین گناهان خود هستند؟ بهتر است خود دار و دسته آنارشویست فرمانداری حقایق را آنچنان که ایشان تصور می‌کنند از طریق مطبوعات آزاد به اطلاع همگان برسانند. زیرا آقایان باید بدانند که دیر یا زود باید جواب اینهمه تجاوز به‌حیات انسانها را به‌ملت خود بدهند. ضمناً چنانچه قبلاً نیز به‌صور مختلف اعلام گردیده. تاریخ و ملت قهرمان ایران تنها آمرین و مباشرین مستقیم جنایات ایشان را مسئول دانسته و محکوم می‌شناسد. بنابراین خانواده‌های آنان از هرگونه طعن و انتقام‌جوئی مردم مصون بوده و می‌توانند با آسایش و آرامش کامل از پادگان‌ها و حصارهای نظامی به‌خانه‌های خود در شهر مراجعت فرمایند.

کیهان ۱۹ دی ۱۳۵۷

پدر طالقانی

فرهنگیان باید انقلاب مردم را نیرو بخشد

آیت‌الله طالقانی بمناسبت تظاهرات معلمان در بعد از ظهر دوشنبه می‌جدم دیماه در بهشت زهرا پیام زیر را خطاب به معلمان

فرستادند:

بسم الله الرحمن الرحيم

معلمین مبارز مسئول در این لحظات حساس تاریخی به کلیه قشرها و طبقات اجتماعی در راه سرنگونی استبداد امپریالیسم که جنایاتش در تاریخ این قوم بی سابقه است بپاخاسته و با ایثار خون خود از یکسو و از سوی دیگر با ادامه اعتصابات در کلیه سطوح اعم از کارگر، کارمند، بازاری و غیره پایه های پوسیده این رژیم شیطان را به لرزه درآورده است. بجاست با همبستگی بیشتر بین خود و دانش آموزان و ادامه اعتصابات و روشنگری جوانان، نوجوانان و کودکان این مرز و بوم بکوشید و بیاد داشته باشید که انقلاب موقعی واقعی می یابد که انسانها را دگرگون سازد و تغییرات عمیق در آنان بوجود بیاورد، در این صورت تغییرات سطحی و روپنائی که با دستیاری عناصر سازشکار انجام می گیرد نمی تواند دوام داشته باشد. وظیفه دگرگونی های اصیل انقلاب به عهده معلم است که پس از دگرگونی خود نوباوگان را تغییر داده و در آنان عمق و بینش مکتب توحیدی ایجاد نماید، در چنین نظام آموزشی که عناصر پاسدار انقلاب وجود خود را می نمایاند.

معلم و نقش عظیمش همواره مطمع نظر قدرتهای شیطانی و استعماری است. چنانکه در طول ۲۵ سال گذشته بیش از هرپایگاهی، پایگاه فرهنگ و آموزش و پرورش و دانشگاهی مورد هجوم عناصر امپریالیستی بوده است و شما خود فرزندان عزیز و خواهران برادران مبارز در این زمینه شاهد و ناظر بوده اید و احتیاجی نیست که ابعاد مختلف آنرا بازگو نمائید بنابراین جامعه مسلمان ایران از فرهنگیان انتظار دارد به جبران آنچه گذشت هماهنگ با حرکات جدید انقلاب در ریشه دارکردن و آبیاری کردن آن بکوشید.

بهر تقدیر همبستگی شکوهمند شما با ملت مسلمان و اتحاد دشمن شکنان را تبریک می گوئیم و بروان پاك همه شهدا و بخصوص شهیدان عزیز معلم درود می فرستیم.

کیهان ۱۹ دی ۱۳۵۷

بدر طالقانی:

بدخواهان می خواهند ارتش را به ما بدبین کنند

به دنبال مراجعه گروه‌هایی از خانواده‌های ارتشیان به حضرت آیت‌الله طالقانی و ابراز نگرانی آنها از پاره‌ای شایعات مبنی بر این که ممکن است مخالفان حکومت امنیت جانی و مالی آنها را به خطر بیندازند، حضرت آیت‌الله طالقانی امروز در پیامی خطاب به نظامیان اعلام داشتند:

«در این چندروزه بدخواهان دین و ملت شایع کرده‌اند که کشتارهای بیرحمانه‌ای که انجام گرفته با خواست شما و اصرار شما بوده تا کینه ملت را هرچه بیشتر نسبت به شما پرانگیزند و متقابلاً شما را نسبت به برادران و خواهران بی‌پناه هموطن خود بدبین و نگران سازند. در صورتیکه همه میدانند شما گرفتار بعضی از فرماندهانی هستید که در قیافه و شناسنامه ایرانی هیچ سنخیتی با روح و ایمان و مصالح ملت مسلمان ایران ندارند و بالطبع عذاب وجدانی و رنج و تآلمی که شما از کشتار مردم بیگناه دارید کمتر از سایرین نیست و شما از تبعیضها و تحقیرها و بیمدالتهای و حق‌کشیها کم از سایر طبقات آزار ندیده‌اند. گناه بزرگی که ملت هرگز آنها بر گروهی از فرماندهان از خدا بیخبر شما نخواهد بخشید اینست که آنها از انضباط سربازی حاکم بر ارتش حداکثر سوءاستفاده را نموده شما را به کشتن برادران و خواهرانتان امیدارند. بدانید که بعضی از فرماندهان شما دل از ملت بریده و برای رضای خاطر بیگانگان این ملت را بخاک و خون می‌کشند.

شنیده میشود زنان و فرزندان شما را به شایعات واهی نسبت به سرنوشت خود بیمناک کرده‌اند و گفته میشود در بعضی پادگانها فیلم‌هایی برای تحریک شما بنمایش گذاشته‌اند تا شما را برای ارتکاب به هرگونه ظلم و جنایتی نسبت به هموطنان خود تهییج کنند. در صورتیکه شما در موارد مختلف دیدید هر موقع عملیات تیراندازی به روی مردم متوقف و یا نرمشی از طرف شما نشان داده شده است چگونه مردم شما را در آغوش گرم خود گرفته و چه شعارهای محبت‌آمیزی نثار شما نموده‌اند. ای فرزندان امروز شما را مخاطب ساخته و مطمئن می‌سازم که مردم شما را جز برادر هم‌دین و هموطن نمی‌شناسند و آرزو دارند که

هرچه زودتر شما را در میان خود ببینند تا با کمک و همکاری شما برای نجات وطن از سلطه رژیم خائن که برای خدمتگزاری خارجیان به حد نابودی ملت دست زده است، اقدام نمایند.

کیهان ۲۰ دی ۱۳۵۷

نظر پدر طالقانی در مورد بازگشایی دانشگاهها

این اعلامیه امروز از سوی حضرت آیت الله طالقانی منتشر شد. بسم الله الرحمن الرحيم... ویزکیهم و يعلمهم الكتاب والحكمة

دانشگاه مرکز تزکیه و تعلیم و تربیت نسل جوان و سنگر آزادی و آزادیخواهی است و ملت مسلمان ایران این مرکز دانش و بینش را برای سازندگی انسانهای با ایمان و مبارزه فکری علیه نظام طاغوتی و وابسته به استعمار به رهبری حضرت آیت الله العظمی خمینی می شناسد. از اینرو باز شدن دانشگاهها خواست مردم ایران و اینجانب است و باز کردن دانشگاهها را با همت و همبستگی دانشگاهیان تأیید کرده و از استادانی که برای گشودن این سنگر آزادی به مدت بیست و پنج روز در دانشگاه و چند روز در وزارت علوم متحصن شده اند تجلیل می نمایم و به روان پاک دانشجویان و دانشگاهیان شهید، از جمله استاد کامران نجات اللهی درود می فرستم و اقدام سازمان ملی دانشگاهیان ایران را برای گشودن دانشگاه به یاری ملت ایران در روز شنبه بیست و سوم دی ۵۷ تأیید می کنم. این بسی موجب خشنودی است که دانشگاهیان برای گشودن دانشگاه خود مستقلاً اقدام کرده اند و لازم است که با تزکیه و تعلیم فرزندانمان و محیط دانشگاهی دین خود را با ایجاد دانشگاه مستقل و آزاد به ملت ایران ادا نمایند. و از همگان می خواهم که در کمال نظم و متانت همکاری کرده و برای استقرار نظم و گشوده ماندن این سنگر فکری و اجتماعی و مبارزه ضد طاغوتی نهایت سعی خود را بنمایند و به یاری دانشگاهیان برخیزند. ضمناً یادآور می شوم که با توجه به رشد اجتماعی و سیاسی مردم ایران مسلم است که جریان بازگشایی دانشگاه زیر نظر دانشگاهیان در کمال نظم و آرامش برگزار می گردد

و مسئولیت هرگونه بی نظمی و اتفاق سوئی به عهده رژیم فاسدحاکم می باشد.

سید محمود طالقانی

اطلاعات ۲۱ دیماه ۱۳۵۷

سخنرانی پدر طالقانی در شمیران انجام نشد

شمیران - مأموران ارتشی در اطراف بیمارستان رضا پهلوی مستقر شدند و از ورود مردم و بیماران به بیمارستان جلوگیری کردند. امروز صبح قرار بود حضرت آیت الله طالقانی در مرکز پزشکی رضا پهلوی سخنرانی کند بهمین جهت از ساعت ۶ بامداد هزاران تن از ساکنان و اهالی شمیران در اطراف بیمارستان اجتماع کردند تا به بیمارستان بروند ولی مأموران حکومت نظامی دور تادور بیمارستان را محاصره کرده و اجتماع کنندگان را از اطراف بیمارستان پراکنده میکردند، ولی صدها تن از جوانان توانستند از دیوارهای بیمارستان بداخل راه یابند. اما سرانجام از آمدن حضرت آیت الله طالقانی خبری نشد. اجتماع کنندگان امروز يك تابلو پارچه ای بنام: مرکز پزشکی شهداء، به دیوار بیمارستان نصب کردند که توسط مأموران فرمانداری نظامی پاره شد.

یکی از پزشکان این مرکز ضمن اعلام آمادگی برای پذیرفتن بیماران گفت: آماده پذیرفتن بیماران بودیم که امروز صبح ارتش با استقرار خود در اطراف بیمارستان حتی از ورود بیماران ممانعت کرد. کیهان شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۷

اعلامیه پدر طالقانی خطاب به برادران عشایر و ایلات

برادران عشایر ما در این نهضت عظیم ملی سهم
شایسته ای بعهده میگیرند

مورخه ۲۶ ر ۵۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از جهرم و شهرهای مجاور خبر میرسد که عمال سفاک و مزدور



پدر طالقانی در مراسم بازگشائی دانشگاه توسط مردم

رژیم از ساده‌دلی ایلات و عشایر آن‌بلاد سوء استفاده کرده و موجبات تحریک و اغوا و احیاناً تشویق آنها را به اعمال ضدانسانی که حاصلی جز خشم و سخط پروردگار و در نهایت ایجاد روح انتقام‌جویی در مردم ندارد فراهم میکنند.

رژیم قهار، جبار فاسد رذل تا توانست طی ده‌ها سال بلکه پنجاه سال برادران ایل‌نشین و عشایر ما که جزء پاک‌ترین و اصیل‌ترین طبقات جامعه ما و همچنین حامل و وارث فرهنگ و ادبیات بزرگی از گذشتگان ما بوده‌اند و در نهایت بی‌آلایشی و بزرگواری به زندگی بی‌تجمل و پر از صفا و انسانی خود ادامه میدادند به بیرحمانه‌ترین و فجیع‌ترین وضع به قتل رساندند.

تراژدی‌های هولناکی که رضاخان بدستور بیگانگان با کشتارهای دستجمعی در صفحات استان کردستان و در میان عشایر مظلوم جنوب به بار آورد، چیزی نیست که حتی بشریت بتواند بفراموشی بسپارد، در سال‌های اخیر هر صاحب استعدادی را در میان عشایر و ایلات، ابتدا تا توانستند به فریب و نیرنگ و با حمایت‌هایی از خزانه ملت و به راه انداختن بساط لذت به پلیدی کشاندند و آنجا هم که نتوانستند تمام اینگونه چهره‌ها را که سرمایه‌های پراچ حیات و بقاء طوایف اصیل ایل‌نشین بودند و مه‌لکه کشتار و نابودی و اضمحلال کشاندند و حالا غم‌خوار این قشر شریف که سرزداران واقعی ایران و اسلام هستند شده‌اند.

در تظاهرات دروغینی که چندی پیش بنفع شاه راه انداخته بودند رادیو از اظهار وفاداری فلان ایل و عشیره‌ای که شاید هرگز وجود خارجی هم نداشت و بعلمت نامانوسی اسامی اغلب گوینده خبر را به لکنت میکشاند و به زحمت سخن میگفت رژیم این توطئه را آغاز کرد ولی بحمداله توفیقی نصیبش نشد، به‌رحال از پاره‌ای شهرهای جنوب اظهار نگرانی میشود که عشایر و ایلات را که اغلب مسلح هم هستند آماده کرده‌اند که روستاهای اطراف را مورد تهاجم و قتل و غارت و آواره کردن مردم بیدفاع قرار دهند.

این اخبار ضمن اینکه باورکردنی نیست و همانطوری که در بسیاری از نقاط ایران پرچم حرکت و انقلاب به لطف پروردگار بدست جوانهای غیور عشیره‌نشین و فرزندان شجاع و وفادار وطن که خود دلی پراه و

خون از این رژیم دارند، سپرده شده، اشاعه این اخبار در میان ساکنین روستاهای اطراف فارس، خصوصاً جهرم نگرانی‌هایی بوجود آورده است.

ما انتظار داریم بغوریت برادران ایلات و عشایر با گرویدن آشکار به صفوف انقلاب ملت اولاً اعتماد عمومی را بار دیگر نسبت به خود جلب کنند.

ثانیاً سهمی که شایسته روحیه سلحشوری و رزم‌آوری و غیرت و حمایت این طبقه از جامعه است، مستقیماً خودشان در جنبش بمهدی بگیرند و در اداره و سازماندهی مبارزه‌ها و مقاومت‌ها اقدام کنند و به اعتصاب‌های شهر و روستا که قهرماً فردا به‌اداره و ساختن ایرانی سالم و آباد و منزه از هرگونه ظلم و تبعیض منتهی می‌گردد، همانطوری که بارها زعیم عالیقدر، آیت‌الله العظمی امام خمینی اعلام فرموده‌اند به کمک روحانیون آزاده، آزموده، روشن‌بین و به‌همراهی سایر اقشار از معلم و دانشجو و پیشه‌ور و کارگر و کشاورز و غیره بشتابند، انتظار داریم خبرهای مسرت‌بخشی که رافع هرگونه نگرانی از سکنه روستاها و شهرهای منطقه باشد هرچه زودتر به ما برسد.

والسلام علیکم.

سید محمود طالقانی

هفدهم صفر ۱۳۹۹

اطلاعات - چهارشنبه ۲۷ دیماه ۱۳۵۷

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

برگشت تظاهرکنندگان به دستور پدر طالقانی

دیشب هزاران تن از تظاهرکنندگان در صفوف متشکل به‌سوی زندان قصر رفتند تا زندانیان را آزادکنند، اما حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی از ایشان خواست مسیر خود را تغییر دهند. گروه‌هایی که به این منظور آماده شده بودند دستور آیت‌الله طالقانی را اطاعت کردند و به‌نزدیک منزل ایشان بازگشتند.

کیهان ۲۷ دی ۵۷

پیام حضرت پدر طالقانی به مردم از شورای انقلاب اطاعت کنید

حضرت آیت الله طالقانی دیشب پس از خروج شاه از ایران پیامی خطاب به مردم فرستادند. آیت الله طالقانی که شب هنگام در پیچ شمیران با هزاران نفر سخن میگفتند در پیام خود ایجاد تخریب و آتش سوزی را عملی غیراسلامی و دسیسه دشمنان اعلام کردند.

آیت الله طالقانی در قسمتی از پیام خود گفتند: «اکنون لحظه ای حساس و تاریخ ساز است. امروز به عهده شماست که این پیام را به نسلهای آینده برسانید. شما باید سرنوشت ساز باشید. شما مردم مسلمان با همبستگی خود اعجاب دنیا را برانگیختید. و معلوم شد استعمارگران و عوامل داخلی آنها با همه سلطه اهریمنی و داشتن دستگاههای مجهز جاسوسی هنوز شما را نمی شناسند. اکنون که منابع استعمارگران به خطر افتاده، تقصیر را به گردن یکدیگر می اندازند و به جان هم افتاده اند.»

آیت الله طالقانی سپس هشدار دادند: دشمن هنوز مایوس نیست. هنوز مزدورانش در کمین نشسته اند آنها موجهای کاذبی خواهند آفرید. از جهت روانی، نظامی، ایدئولوژی و فکری حمله خواهند کرد.

باید این موجه را از سر بگذرانیم. فرد فرد شما از طرف من و مراجع عالیقدر مأموریت دارید که مواظب اوضاع باشید. اگر کسی دست به تخریب زد و یا به پادگانها حمله کرد، اعلام کنید که از ما نیست و دسیسه است. سربازان و درجه داران و افسران دشمنان ما نیستند. برادران ما هستند و بالاخره ارتشی که عامل بیگانه بود به ارتش ملی تبدیل می شود.

آیت الله طالقانی در قسمتی دیگر از پیام خود گفتند: «به زودی شورای انقلاب تشکیل خواهد شد اعضای آن از کسانی اند که دارای وجهه ایمانی و اجتماعی می باشند و مبرا از سوابق سیاه و لغزشهای گذشته هستند. بر شماست که از دستورات و فرامین آنها اطاعت کنید. مردم بعد از شنیدن پیام، حدود ساعت ۲۱ در حالی که آیت الله پیشاپیش جمعیت حرکت میکرد به سوی میدان ۲۴ اسفند حرکت کرد.

کیهان ۲۷ دی ماه ۵۷

پدر طالقانی:

موضع گیری خاص خیانت به نهضت است

بسم الله العزيز

والله على كل شیئی شهید... ان بطش ربك لشدید
اربعین حسینی روز یادآوری فریاد مظلومیت و حقانیت شهداء و درود بر آنان، روز قیام و پرخاش علیه دربار شاهنشاهی یزید و تبلیغات فریب کارانه و گسترده اش می باشد. صحابی بزرگوار و با وفای پیامبر جابر در چنین روزی بالای تربت شهیدان سکوت بیابان کربلا را درهم شکست. امروز هم بمانند آن زمان ما مسلمانان و شیعیان حسینی همراه ندای حق طلبانه آیت الله العظمی خمینی و دیگر مراجع مسئول و با وفای امت اسلامی حقانیت راه ملت ایران را برای چندمین بار اعلام میداریم و تبلیغات شوم و مکارانه بازماندگان رژیم طاغوتی را محکوم میکنیم یاد شهدای راه حق را گرامی داشته، منطق واهدافشان را تأیید و در راه تحقق آن می کوشیم.

از برادران و خواهران و فرزندان عزیز انتظار داریم در راه پیمائی روز اربعین حسینی با تظاهرات شکوهمند و پرخاشگرانه و در کمال نظم و انضباط، پایداری و همبستگی خود را بار دیگر آشکارتر سازید. ضرورت دارد شعارها و کلیه امور مربوط به راه پیمائی در یک جهت و هدف بوده، بنابراین در اجرای دستورات مسئولین انتظامی مراقبت کامل داشته باشید.

«کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

در حالیکه دشمنان هنوز در کمین اند برعهده همه مردم و جوانان غیور وطن است که پیاسداری انقلابی که ده ها هزار شهید داشته پیا هاسته، و از هرگونه تشست و اختلاف بپرهیزند. صاحبان هرگونه آراء و عقاید موظف اند مظهر یک حرکت و داخل یک صف باشند. موضع گیری خاص و تغلف از صفوف همه مردم در این شرائط حساس آگاهانه یا ناآگاهانه خیانت و ضربه به نهضت است.

بطور کلی در این روزهای سرنوشت ساز منتهای رشد خود را آشکار ساخته و در تعاون و سازندگی و تنظیم امور بکوشید.

سید محمود طالقانی

اطلاعات ۲۸ دیماه ۵۷

برای شورای انقلاب الجزایر مخابره شد:

تلگرام پدر طالقانی درباره موسی صدر

این تلگرام دیروز از سوی حضرت آیت الله طالقانی برای شورای انقلاب الجزایر مخابره شد:

بوسیله جناب آقای سفیرکبیر جمهوری اسلامی الجزایر

شورای انقلاب الجزایر. برادران عزیز

یکبار دیگر فقدان اسفناك هواری بومدین را بشما و همه ملت الجزایر تسلیت میگویم و موفقیت شما را در ادامه برنامه های نجات بخش و استقرار قسط و عدل از خدای بزرگ مسئلت دارم.

بومدین رهبر فقید شما درباره هموطن و همزم ما آقای امام موسی صدر اقدامات ذیقیمتی نموده بود و خبر میرسد تلاش مداوم آن فقیه میرفت این مشكله جهان اسلامی خصوصاً نگرانی فوق العاده این لحظه ملت مسلمان ایران را مرتفع نمایند.

اکنون که بومدین در میان شما نیست شایسته است شورای انقلاب با جدیت و صمیمیت بهرطریقی که مقتضی می داند در حفظ حیات این شخصیت بزرگ عالم اسلام راه بومدین فقید را تا حصول نتیجه قطعی ادامه داده و نگرانی میلیونها مسلمان جهان را برطرف نمایند. بی صبرانه منتظر وصول پاسخی از شما هستیم.

سید محمود طالقانی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه»

هفدهم صفر ۱۳۹۹
کیهان ۲۸ دیماه ۱۳۵۷

پیام پدر طالقانی:

آثار شوم فرهنگ استعماری را بزدائیم

این پیام، دیروز از سوی حضرت آیت الله طالقانی، در دانشگاه دختران بهوسیله ایشان خانم دکتر وحیده طالقانی قرائت شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران، خواهران و فرزندان عزیز. یورش استعمار و عوامل مزدور داخلی آن برسررمایه های مادی و معنوی ما طی نیم قرن اخیر

بی‌سابقه بوده است. از یکسو غارت ثروت ما، از سوی دیگر تحمل انحطاط فرهنگی و انحرافات فکری غرب پیراندیشه و اخلاق و شخصیت جوانان ما که نمونه بارزش درسال‌های اخیر گسترش جشن‌ها و پایکوبی‌های بی‌شرمانه آنان برقبور استمدادهای مدفون شده او بر روی ابدان سوراخ سوراخ شده شهداء ما بوده است.

هرمرد و زن هرزه و دل‌تکی را همچون لاشخور به نام هنر و هنرپیشگی از اطراف دنیا به سوی کشور دربند کشیده ما فرا خواندند و با فرح و سرور و ایادی دزدشان کیسه‌های آنان را از پول این ملت غارت‌زده پر کردند که داستان‌هایی بیش از هزار و یکشب دارد.

با تمام این مکر و کیدها با یک حرکت ایمانی و با آگاهی نسل جوان به فرهنگ با عظمت اسلامی به رهبری قاطع امام خمینی همه کیدها و نقشه‌هاشان نقش بر آب شد و مهر رو سیاهی و نکبت برپیشانی تاریخشان نقش بست.

اکنون باید با وحدت و همبستگی باقیمانده آثار شوم این فرهنگ مضر و کثیف استعماری را بزداییم و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی را با پیوند به علوم و تجربه و اکتشافات علمی غرب به عنوان فرهنگی آدمساز و شکوفا به دنیا بنمایانیم.

سید محمود طالقانی

۱۷ صفر ۱۳۹۷

کیهان ۲۸ دی‌ماه ۵۷

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

سخنرانی پدر طالقانی

در شب اربعین ۹۹ در مسجد هدایت

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله القاصم الجبارين، مدرك الهارين، تكال الظالمين، صريخ المستصرخين، موضع حاجات الطالبين. الصلوه والسلام على جميع الانبياء والمرسلين، المحدثين، سيما خاتم النبيين ابى القاسم محمد (ص).

بسم الله الرحمن الرحيم - و لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فبه اسلحتهم ومنافع للناس وليعلم الله من تبصره و رسله بالغيب والله قوى عزيز.

در این مدتی که بنای اجتماع این مسجد، چندین سال پایه‌گذاری شد بر مبنای روشنگری جوانان و قرآن و اسلام اصیل، در هر شرایطی که بودم در این کشور موج در شرایط آرام، طوفانی، طوفانهای بعد از آرامش، آرامشهای بعد از طوفان همیشه سعی داشتم طبقه‌ی جوان را با سرچشمه‌ی دین و منبع دین و اصل دین، قرآن و سنت پیامبر خدا و ائمه‌ی هدی و نشان دادن مجتمع عدل اسلامی همیشه بحث‌کنم. مهمترین مسئله همین است تا جامعه‌ی ما با این منابع اصیل فکری و سرچشمه‌های پرمایه‌ی فرهنگی و استعدادها و قوایی که در مغزهای مردم ما خفته است، مسئله‌ی مهم همین آگاهی‌ها است. تا تارهای عنکبوتی و اوام و خرافاتی دنیائی که چهارده قرن است و موجش دائماً پیش می‌رود، با همه‌ی دشمنی‌ها، یا همه‌ی ضدیت‌ها، باز هم پیش خواهد رفت که وعده‌ایست قاطع و سریع در قرآن کریم: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون، این وعده هم تحقق پیدا کرده، و سعی اینکه اسلام دارای چه هدفهایی است، و چه اجتماعی خواسته، چگونه انسانی را خواسته است بسازد. اکنون هم که در یک مرحله‌ی حساس تاریخی بسر می‌بریم، که چشم دنیا و نظرها و مغزها از شرق و غرب متوجه این نهضت عمیقی است که یک باره در این کشوری که گمان می‌کردند همه‌ی مردمش تسلیم، سربزیر و تن به بندگی و استثمار و استعمار داخلی و خارجی و استبداد قهار داخلی با همه‌ی فریبهایش، با همه‌ی قدرتهایش، با همه‌ی امکاناتش، با همه‌ی آنچه استخدام کرده از نیروهای خارج و داخل با همه‌ی پولها و ثروتهایی که از این ملت بدست گرفته هیچ باور نمی‌کردند که این ملت اینطور یکباره بندها را بگسلد و از خواب غفلت و بیهوشی بیدار و هوشیار و آگاه بشود بارها گفته‌ام مسئله، مسئله‌ی یک ملت و محدوده یک مرز نیست، مسئله‌ای است که سرنوشت خاورمیانه و دنیائی را تغییر خواهد داد با همت و آگاهی ملت ما و هوشیاری همه جانبه فرد فرد زن و مرد و بزرگ و کوچک ما، تا این نهضت مثل موجی جلو برود و امیدواریم یک منطق جدیدی و مکتب نوینی از جنبه‌ی دنیا، برای دنیای سرخورده‌ی از هر مکتب و از هر نظامی باز کند. باز این آیه‌ای که چند جلسه‌ای در پیرامون لغات و کلمات و ترکیبات و معنا و مفهوم آن بحث کردم، امشب هم با نداشتن مجال و حال تکمیل همان بحث است و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات... ما رسولان خود را با نیروی «بینات» یعنی آنچه مردم را آشنا کند، شناخت دهد و مسائل شکل انسان

و زندگی او را تعیین کند با آنها فرستادیم و کتاب و میزان فرستادیم، و انزلنا معهم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط... تا اینکه بشر و هرانسانی بخود بیاید و «قیام» به «قسط» کند. «قیام» به «قسط» برای همه‌ی انسانهاست، محدود به یک گروه و یک مردمی که دارای یک مذهب و آراء و نظریات خاصی باشند، نیست. رسالت انبیاء برای انسانهاست، همه‌ی انسانها، همه‌ی انسانهایی که دربنده‌های گوناگون شرک و جاهلیت گرفتارند همه باید «قیام» به «قسط» کنند. قسط به همان معنایی که بارها بیان شد، هرانسانی با استعدادهای خاص و امکاناتی که دارد در محل و موقع متناسب و شایسته خویش قرارگیرد و حقی که در این سیاره‌ی زمین و سفره‌ی گسترده‌ی طبیعت و در این گهواره‌ی آفرینش برای هرانسانی شناخته شده است، اداء و یا آنرا بدست آورد. این قسط به این معنا هماهنگی با نظام آفرینش است. نظام آفرینش بیانگر همین قسط است که هرذره‌ای و هرکره‌ای، و هر عنصری بجای خود و در مسیر خود است و همین گواه قدرتی است. که این عالم را بهم پیوسته است یا عالمی است که مظهر قدرت و علم فوق اراده‌ی انسانهاست. — شهدالله ان لااله الا هو والملائکه و اولوالعلم قائما بالقسط — «قسط»ی است که هدف و همه‌ی انبیاء بوده — و لکل امه رسول فاذاجه رسولهم یقضی بینهم و هم لایظلمون «قسط»ی که اقامه‌ی آن بر فرد فرد کسانی که مؤمن به این حقیقت‌اند، واجب شده است. — و یا ایهاالذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداءلله — در آیه دیگر با اندک تغییری — یا ایهاالذین آمنوا کونوا شهداء بالقسط قوامین الله — ولی آیا هدف انبیاء همین بوده که نظام قسط برپا کنند. یعنی نظام عادلانه‌ای که در بعد زندگی مادی و استفاده‌ی آزاد از منابع و سفره‌ی طبیعت محدود و منحصر است یا مسئله‌ی دیگری که بالاتر و مهم‌تر از این می‌باشد منظور ایشان است؟ انبیاء از کجا شروع میکنند؟ آیا شعار آنان در آغاز قیامشان فقط قسط است؟ یا مسئله‌ایست برتر که ضامن اجرا و تحقق بخشنده‌ی «قسط» است و آن چیست؟ — توحید، توحید در مقابل چه؟ در مقابل شرک، اول شرک‌زدایی از محیط جوامع بشری، و مهم‌تر از همه از محیط ذهن و نفسانیات و روحیات انسانها پتہای ظاهر، پرستش‌های ظاهر یک منشاء بت‌سازی دارد که ذهن انسانهای به بند کشیده و بت‌زده است. سنگ و چوب و جواهراتی که از آن بت می‌سازند مظهر مال‌پرستی و قدرت‌پرستی است، بتها یا از

جواهرات قیمتی بوده‌اند، در سراسر دنیا، یا مجسمه‌ی قدرتمندانی بودند به‌حق یا به‌باطل و یا مظهر اندیشه‌های مردمی بودند که بصورت انواع بتها تجلی می‌کرده.

از ابراهیم خلیل تا خاتم‌انبیاء نخستین کارشان این بود که بتها را از ذهن‌ها بزدایند. وقتی که بت از ذهن و اندیشه بشر زدوده شد و توحید خالص جای آن را گرفت، بتهای بیرونی و مظهرها چه ماه باشد و چه آفتاب، چه شاه باشد و چه قهرمانها، همه از میان خواهند رفت، اگر شما مردم بت‌شکنی کردید در این یکی دو روز، برای این بود که قدمی به‌جلو رفتید، بتهای فکری و ذهنی را شکستید. بتهایی که سالها به‌معجزات او، اندیشه او، خلاقیت او، و ربانیت او لافها زدند و گزافه‌ها گفتند، دنیا را پر صدا کردند. وقتی که این بت و بتها از اندیشه‌ها زدوده شدند، مجسمه‌های سنگی و غیرسنگی خودبخود زائل خواهند شد. ولی آیا ما هنوز از شرک رها شده‌ایم؟ مسئله‌ی بت-تراشی و بت‌پرستی تنها مجسمه پرستی و شخص‌پرستی نیست، مکتب پرستی يك نوع بت است، همانطور که شهرت‌پرستی و مظاهر شهوات بتهایی هستند، مال‌پرستی، شکم‌پرستی، شهوت‌پرستی در سطحی بالاتر، علم‌پرستی، اگر علم حجاب انسان گردیده و آتش غرور افروزد. غرور علمی که ماوراء اندیشه‌ها و فرمولها و دریافتهایش را ندید، و وسیله‌ای پله‌ای در نردبان تکامل نبود، همان بت است که امروز دنیا به‌آن گرفتار شده، دنیای غرب مغرور به‌علوم و اکتشافات و اختراعات است. احزاب مترقی ما گرفتار شرکند، چون مکتبشان را می‌پرستند و آماده نیستند که جز در چهارچوبه‌ی محدوده‌ی مکتبشان ماوراء آنرا ببینند و به واقعیات انسان و زندگی و حیات آشنا بشوید. اینها هم يك نوع بت-پرستی است، شرک است. انبیاء آمدند تا انسان را از همه‌ی شرکها، از همه‌ی بندها، از همه‌ی محدودیتها، از همه‌ی يك جهت‌بینی‌ها يك بعدبینی‌ها در يك بعد بودن‌ها آزاد کنند و برگردانند به انسان متعقل و عاقل فطری.

امروز این نهضت این نهضت عظیم که در کشور ما مشاهده میشود نتیجه کار افراد، اشخاص و مکتب معین نبوده قهرمان‌پرستی‌ها نبوده، حزب‌ها نبوده، نتیجه يك آزادی است برای همه مردم، احساس به‌حقارت یعنی احساس به‌شرک‌زدگی، احساس به‌بندکشیدگی، این مسیر انبیاء است. مبارزه با شرک یعنی آزادی انسانها پس مرحله‌ی

نخستین که انبیاء اقدام کردند و رسالتشان را اعلام کردند، توحید، یعنی آزادی بشر و غیر توحید یعنی شرک و کفر. البته شرک منحط و شرک مترقی که عده‌ای از تحصیل‌کرده‌های ما و روشنفکران امروزی ما دچار شرک مترقی‌اند و همین موضوع منشأ درگیری‌ها و اختلافات در جامعه‌ی ما میباشند. این گروه حاضر نیستند ازدید محدود شرک‌آمیز خود به مردم، انسانها، استعدادها انگیزه‌های این حرکت و این فداکاری‌ها و این قربانی‌دادنها درست بنگرند این مسئله اصلی انبیاء و مسئله‌ی اصلی ما است. انبیاء بالاتر از قسط، بالاتر از مسائل اقتصاد، مسئله‌ی آزادی بشر را مطرح کردند. - یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا... - خطاب به «ناس» است. «ناس» دربند کشیده. - یا ایها الناس اعبد و ارپکم الذی خلقتکم من نفس واحد و خلق منها زوجها... - یا ایها الناس اعبدوا و ارپکم الذی خلقتکم والذین من قبلکم لعلکم تفلحون الذی جعل لکم الارض فراشا... عبادت و بندگی خدا یعنی رستن از همه بندگی‌ها شرکها و گرنه خدا، بندی ندارد که مردم را به بند خود بکشد. این افراد بشر و مکتبها هستند که با مرید و مراد بازی‌ها سعی میکنند، فکر و اندیشه مردم را در بندهای خود محدود نگه دارند. شخص پرستی‌هاست که می‌خواهند مردم را به بند بکشند. همه‌ی اینها شرکند. قرآن می‌گوید خدا را عبادت و بندگی خدا یعنی رستن از همه بندگی‌ها شرکها و گرنه خدا، اصل آزادی است. مکتبهای هم که در دنیا پیش آمد. انقلابات پیش از مسئله اقتصاد و مسئله توضیح ثروت مسئله‌ی آزادی بود. آزادی به زمینه‌ی «قسط»، یعنی توضیح عادلانه. انقلاب فرانسه برای همین بود. جنگهای بشر برای آزادی است نه برای اینکه شکمش بیشتر و بهتر تأمین بشود. انسان به حسب غریزه آزادی میخواهد. اگر آب و نان مطرح باشد، اگر دانه و آشیانه مطرح باشد، طیوری که به قفس می‌اندازند آب و دانه و آشیانه‌شان، مأمن‌شان بهتر از آزاد بودنشان است. آب و دانه حاضر نزدیکشان، ولی می‌بینید دائماً نوك می‌زند که این میله‌های قفس را از میان بردارد. آزادی میخواهد، حیوان آزادی میخواهد، يك گربه‌ی گرسنه را شما در اتاقی نگه دارید و گوش لخم را هم جلوی‌ش بگذارید در عین اینکه می‌خواهد گوشت را بخورد نگاه میکند که سلب آزادی‌ش نشود، تا دید درها بسته شد، گوشت را رها میکند پنجه به در و دیوار می‌زند. يك فرد انسانی، که تحقیر نشده گرسنه است، به

منزلتان دعوت کنید، بهترین غذا را برایش فراهم کنید، ولی ضمناً او را مورد اهانت قرار دهید آیا حاضر است این غذا را بخورد؟ این اشتباه است که انسان را يك موجود اقتصادی بدانیم، بعد هم ساختن مکتبهای اقتصادی. متأسفانه بعد از این همه انقلابها و این همه خونریزیها که در دنیا شد، انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر، انقلاباتی که در گوشه و کنار دنیا پدید آمد، مسئلهی آزادی مطرح بود، و در ضمن آزادی و همراه آزادی مسئلهی اقتصاد. ولی چندی نگذشت که اقتصاد چیره بر آزادی شد چه در کشورهای سرمایه‌داری بصورت آزادی و دمکراسی قدرت به دست سرمایه‌دارها، سرمایه‌پرستها افتاد. چه در کشورهای کمونیستکه مادر کمونیزم است، ما مشاهده میکنیم آزادیهای فردی توسط قدرت حزب سلب شد، و اقتصاد را فوق آزادی قرار داد. کارگر، بتو مزد خوب میدهم، زندگیت را اداره میکنم، فرهنگت هم خوب، بچه‌ات را هم میبرم در جاهائی مانند پرورشگاهها درست تربیت میکنم. ماشین هم داری همه چیز داری، خوب دیگر مرضت چیست؟ میگوید نه، اینها نیست، نارضایتی در این کشورها چیست، میگوید من آزادی میخوام، من انسانم، من با دادن امتیازات که این کارخانه مال تو است، این ثروت مال تو است، تو باید حقوق زیاد بشود، مزایای زیاد بشود، مرا نمیتوانی بفریبی، اگر هم به فربیی چند روزی بیشتر نیست. مگر در این چند سال به کارگرهای ما کم امتیاز دادند که به دنیا نشان بدهند؟ کارگر وضعش از عموم بازاریهای که در سطح پائین هستند بهتر بود از عموم ادارات بهتر بود، اما کارگر فقط نان میخواهد؟ یا آزادی میخواهد، ولی يك سازمان امنیتی چند تا دست‌نشانده بالاسرش توی کامیون بنشینند، حرکت کنید، شعار بدهید، جاوید، جاوید، این بود که کارگر ما را به حرکت آورد، نه مسئلهی استثمار، استثمار مرحله‌یی دوم است، یعنی رفع استثمار. برادران ما، فرزندان ما، که گرایش مکتب‌چی دارند چشمشان را بازکنند این ملت آزادی میخواهد، مکتب‌چپ تکیه‌اش به اقتصاد است، در جهت اقتصاد ممکن است ما اختلافی نداشته باشیم. ولی در این جهت که حزب، گروه، جمعیت، دوقلدر دیکتاتوری درباری را می‌بیند، این ملت نفی میکند. و کمونیزم در دنیا این جور نشان داده شده درست می‌فهمید؟ می‌فهمید حرف من چیست؟ هی پشت سرهم می‌نویسند، روزنامه، نامه‌ی سرگشاده، نامه‌ی خصوصی، که آقا به ما اجازه نمی‌دهند ما هم دادی بزنیم فریادی

بزنیم، حرف بزنیم، اساساً مطلب اینست که می‌توانند خودشان را هماهنگ کنند؟ مسئله دیگر در عین اینکه من در زندان و بیرون زندان به فداکاری این جوانهای چپ‌گرا که به نظر من اندیشه و وجدان و محرکشان همان آزادی بوده، به علل و عوامل داخلی و دیگر علل بین‌المللی به چپ کشیده شده‌اند، جان داده‌اند، فداکاری کرده‌اند، خون داده‌اند، ما به آنها احترام می‌گذاریم، چون این اندیشه از فطرت و وجدانشان برخاسته چون انسان برای اینکه اگر بخواهد مکتبی فکر کند، من خودم را به کشتن بدم، زجر بکشم، زیر شکنجه‌های مخوف و جانگداز جان بدم برای اینکه کارگران برای پنجاه سال دیگر بتوانند کارخانه‌های خودشان را بدست آورند... آیا این عقل است؟ نیست. مطابق مکتب است؟ نیست. ولی مطابق وجدان است، وجدانشان اینها را برانگیخته. يك دين مشخص روشن محرك ندیده‌اند. و دين اوهام و خرافات آنها را منحرف و ناراضی کرد. ناراضی از آزاد نبودن را هم احساس میکردند، خوب کجا بروند؟ همین آقایان افسرهای توده‌ای در زندان خودشان بارها می‌گفتند: ما مکتبی ندیده‌ایم. وسیله‌ای برای فریاد نداشتیم به حزب توده پیوستیم. این يك مسئله را باز هم بگویم، من به شخصه به اینجور مردم فداکار و مقام که کشته دادند، بیست و پنج سال، سی سال در زندان بوده‌اند، از جهت انسانیت، نه از جهت مکتب و وابستگی به مکتب خاص به آنها احترام می‌گذارم، ولی جوانهای ما فرزندان من، دانشگاهیها، اساتیدی که به من نامه می‌نویسند آخر این مسئله‌ی کمونیزم هم تجربه‌ی بدی نشان داده می‌توانیم منکر بشویم؟ تو می‌گویی من نیستم، او بود، کی بود؟ کی بود؟ من نبودم، اما خوب ما دیدیم این تجربه را در تاریخ زندگیمان، در تاریخ کشورهای اسلامی، همیشه در موقع حساس ضربه‌شان را زدند، من نمی‌گویم اینها کمونیست اصیل بودند، ولی عامل، آلت که شدند. نهضت ملی شدن نفت دیدید که وقتیکه رفتند رفقا و دوستان ما برای خلعید سالیهای درازی کارگرا سربزیر توسری‌خور، در مقابل عوامل داخلی و استعمار که انگلیسها بالای سرشان بودند صدایشان درنیامد، همینقدر که مسئله‌ی ملی شدن نفت مرحوم دکتر مصدق هم گفت اقتصاد منهای نفت، ما هم همین الان اعلام میکنیم که تا خاطر استعمارگران جمع باشد و مردم همه دچار زندگی سخت شدند، مردانه مقاومت کردند، نفت بسته شد، حقوق کارگران هم داده میشد، شاید مزایا هم داده میشد، ولی هرروز میتینگ

راه انداختند ما مزایا و اضافه حقوق می‌خواهیم، ما بیمه می‌خواهیم، ما جا می‌خواهیم، ما مسکن می‌خواهیم، تا اخلال کردند، آیا این را کسی منکر است؟ این تاریخ مشهود ماست. و بعد هم آنقدر نهضت ملی را کوبیدند تا وقتی دکتر مصدق ساقط شد، و این دیوسیرت مجدداً برگشت هم ما را کوبید هم آنها را، هم از ما کشت هم از آنها کشت، حالا می‌خواهند باز تاریخ تجدید بشود؟ این تجربه بدی است که ملت ما دارد والا از جهت فکر - لاکراه فی‌الدین - من اعلام نمی‌کنم، حضرت آیه‌الله خمینی اعلام می‌کند. قرآن که ما شاگرد مکتب این کتاب هستیم اعلام می‌کند. لاکراه فی‌الدین قذتبین الرشید من‌الغی هرکه هرچه می‌خواهد بگوید، هر مسلکی آنهایی که می‌ترسند از اینکه دیگران در مقابل اندیشه‌هایشان، حرفی نزنند کاری نکنند، یا آزادی نمی‌دهند برای اینستکه از نارسائی مکتبشان می‌ترسند. اسلامی که می‌گوید قذتبین الرشید من‌الغی دیگر برای چه وحشت داشته باشیم. برو هرچه می‌خواهی تحقیق بکن یهودی هستی، بهایی هستی طبعی هستی، مسیحی هستی زرتشتی هستی مادی هستی، آزادی در فکر کردن. کی جلو آزادی را گرفته؟ هی به‌من نامه می‌نویسند، جلو آزادی را از حالا دارید می‌گیرید. چطور تا دیروز از این سروصداها و این تحریکات اطراف دانشگاه و بیرون دانشگاه خبری نبود؟ هم اینکه این بت ملعون پایش را بیرون گذاشت تحریکات شروع شده؟ آیا اینها برای ما شك‌آور نیست؟ که جوانهای پاك ما همان چپ‌گراهای ما غیرمستقیم آلت شده باشند؟ درست بیندیشید و فکر کنید، اگر من مطلب روی تعصب و خلاف حق، خلاف واقعیت می‌گویم بیائید بگوئید که شما خلاف می‌گوئید، این مسئله ایست که در همه‌جا تجربه شده و علاوه براین آخر چی ما می‌خواهیم؟ این ایسم‌ها و مکتب‌هایی که از خارج مطابق سنن، افکار، اندیشه مردم ایران نیست یا باید به‌آنها تحمیل کرد، این دهاتی، این زارع، این کارگر، را شب و روز برایش بخوان، اصالت ماده، تضاد، تروسنستی تز، آنتی‌تز، این حرفها را بگو. اگر به‌يك امامزاده‌ی دروغش توهین کنی تو را از هرخانه برون میکند، چه برسد به‌اصل این دینش. حالا با این مردم شما می‌خواهید مکتبتان را پیاده کنید؟ کارگر می‌گوید من این حرفها را قبول ندارم تو می‌گویی باید قبول کنی؟ آخر این درست است؟ کارگر قبول دارد؟ کارگر فطری این مملکت. البته از جهت نارضایتی وقتی وعده بدهی. وعده‌ی آزادی آبونان به‌او بدهید، البته

دنبال می‌آید، اما غیر از مسئله‌ی فلسفی است، غیر از مسئله‌ی مکتبی است، اینها را با هم اشتباه نکنید. از جنبه‌ی مکتبی و فلسفی شاید ۵٪ این مکتبهای غیراسلامی اصیل شیعه طرفدار ندارد آن هم شیعه، اسلام، شیعه یعنی مکتب امامت. یعنی مکتب انقلاب. مکتب قهرمان. مکتب خون که از هزار و سیصدسال پیش همانطور ایستاده و خون می‌دهد تا ما وارث آنها هستیم. بنابراین بار تکرار می‌کنم. من نمی‌خواهم هیچ مکتبی را بگویم، اگر مکتبی علمی است، واقعیت دارد، من تا جان و دل می‌پذیرم. ولی مسئله، مسئله‌ی مکتب نیست. مسئله‌ی حساسیت موقع است. مسئله‌ی تحریکاتی است که از همه‌ی جانب بسوی ما متوجه است. من این دیوهای خونخوار، این استعماری که قسمت مهم نیرویش و فشارش روی همین کشور ما است و قسمت دیگرش در سایر جاهای دنیا است، این را می‌دانید؟ مگر آرام می‌نشینید؟ مگر همیشه ما را با این چماق نکوبیده‌اند؟ چماق خطر کمونیست، ۲۸ مرداد هم ما را با این چماق کوبیدند، همین مسجد، در همین‌جا تفسیرم را گفتم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم آنجا وسیله‌ی روزنامه‌رادیو و اینها آنوقت نبود شنیدم که کودتا شده و دکتر مصدق سقوط کرده و دولتش سقوط کرده، بسرعت آمدم تهران، وقتی آمدم در همین مهرباب و همین مسجد، همین حاج ابراهیم خودمان که آنوقت مشدی ابراهیم بود. و حالا حاج ابراهیم شده، آنوقت جوانتر بود، از توی قفسه‌ی پاکتها شاید چهل تا پنجاه تا صد تا برای من آورد و دیدم همه‌اش تزا و شمارهای کمونیستی است. همین حرفهای خلق، کارگر، دمکراتیک و اگر شما مخالفت کردید، به‌دارتان می‌زنیم. خانه‌تان را آتش می‌زنیم. زن و بچه‌تان را از بین می‌بریم، چنین و چنان می‌کنیم. من در ابتدا یکمقداری احساس کردم عجب خطری پیش آمده بوده است، این دکتر مصدق این مملکت را کجا می‌خواست ببرد؟ و بعد فهمیدم نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیه‌الله بروجردی، آنقدر نامه‌های تهدیدآمیز نوشته‌اند، ولی خوب ما می‌دانیم، نمی‌خواهم بگویم اینها مال اینها بوده است. مال آقایان کمونیستها بوده است. بعد هم فهمیدم و منشأش از کجاست. ولی به‌این اسم هم روحانیت و هم توده‌ی مردم را ترسانند یعنی کمونیست ضد خدا، ضد دین، ضد نبوت، ضد وحی، میخواهد بیاید دین شما را از بین ببرد. استعمارگران را ترساند که این کشور می‌رود، ضمیمه می‌شود به‌کشورهای کمونیست و منافع شما از بین می‌رود. در این میان یک

مشت اوپاش را راه انداختند با يك مشت قزاقها و قلدرهایی که آآن هم هنوز تهمانده‌اش هستند، و سروصدا می‌کنند، این جور مردم را کوبیدند. و این نهضت را درهم شکستند، و بعد از آن چقدر کشته دادیم؟ چقدر شهید دادیم؟ چقدر زجر کشیدیم؟ ما این حرفها را می‌زنیم. نمی‌گوئیم شما آزاد نیستید، درست متوجه باشید و همین جواب من است. در نامه‌هایی که بعضی از اساتید دانشگاه در روزنامه نوشتند به‌من دانشجویان نوشتند ما هیچ وقت هیچ کس را طرد نمی‌کنیم ولی می‌گوئیم این تجربه‌ی تلخ را داریم. و ملت ایران این تجربه را دارد. و در این مدت همیشه توی سرما زدند حتی مرا محکوم کردند. روز اولی که مرا به‌کمپته بردند، کمپته‌چی‌ها می‌گفتند، این يك آخوند کمونیست است. پس معلوم می‌شود با این شعار می‌خواهند هرنهضتی را بکوبند. من فقط تقاضائی که دارم دیگر نگذارید از این شعار و این مسئله سوءاستفاده بشود، و دشمن در میان شما نفوذ بکند. شما جوانانی که هرمسلکی که دارید، فطرتتان پاک است، ایرانی هستید، ایرانی اصیل هستید، دردمند هستید، از دین رمیده هستید همه‌ی اینها را من می‌دانم، بهتر از خودت می‌دانم سالتا با تو بوده‌ام ای جوان، مذهبی، کمونیست، می‌دانم درد چیست، ولی مسئله اینجاست این مسئله در این مرحله‌ی حساس تاریخی و سرنوشت این ملت دنبال مکتب نیست، دنبال آزادی است، و هرروز نگران است که يك ضربه‌ای به‌او وارد بشود، و دو مرتبه همان اوضاع و همان قلدر و قلدرها و همان دارودسته‌های چپاولگر فاسد کثیف بتوانند، بازدرباری درست کنند، و شب‌نشینی‌ها و چپاولها و فساد و فحشاء تا آنقدری که شماها بیشتر از من می‌دانید، من نگران این قضیه‌ام من عذر می‌خواهم می‌دانید حال مساعد نیست از این جهت از فرزندان عزیزم در هرمسلکی در هرمکتبی هستند، هوشیار باشند، هوشیار که اینها، دسیسه‌ها هنوز دنباله‌های طاغوت قطع نشده، خودش رفته، سرش رفته، ولی دمش اینجا می‌جنبد، هنوز که يك روزی باز دم علم کند، به‌دست همان چماق‌بدستها، با همان قزاقها، و وارثهای قزاقهای محمدعلی شاه، و استعمار هم کاملاً در کمین نشسته، تقاضای من اینست که همه‌ی شما شعار واحد، هدف واحد داشته باشیم، آزادی مردم را بخواهید علیه استعمار و استثمار باشید، از شعارهایی که تفرقه‌انگیز است دوری کنید، موضع نگیرید، من از شماها استدعا می‌کنم، خواهش میکنم، این مرحله حساس است،

این ملت کشته داده، در خیابانها، و بالای چوبه‌های دار و در همه‌جا هنوز خونش دارد می‌جوشد و بر روی زمین هست، بگذارید این مرحله تاریخی را بگذرانیم، شما را به هرچه که دوست دارید اگر مسلمانید شما را به‌خدا، پیغمبر و نبوت و وحی و امامت اگر به‌دین اعتقاد ندارید، شما را به‌کتاب و شرافت انسانی و حقیقت انسانی سوگند می‌دهم که بیایید يك آهنگ باشیم، در آنچه مشترك بين همه است. آزادی ملت که مالش ثروتش، هستی‌اش، حیاتش و استعدادش به‌سرقت برده شده باید برگردانده شود به‌دستش. این ملت می‌داند با سرنوشت آینده خودش من و امثال من هم شاید چند روزی بیشتر توی شماها نباشیم یا می‌رویم یا اگر این ملت براه و اوضاعش و شرایطش مساعد شده، خودش خواهد توانست راهش را پیش بگیرد. هیچ مکتب هیچ حزبی، هیچ جمعیتی نمی‌خواهد خودشان راهشان را پیش می‌برند، همانطور که می‌بینیم تا به‌حال هم همینطور بوده است. انشاءالله آینده هم همینطور خواهد بود. و این سفارشها و وصیت‌های من است. من هیچ امیدی ندارم الان که از اینجا به‌منزل می‌روم تا فردا زنده باشم. غیر از عوامل خارج با این قلبم، با این ناراحتی‌هایم، بخودم فشار می‌آورم که با شماها، با این چهره‌های پاک، این چهره‌های روشن این چهره‌های مصمم، این دل‌های داغ‌دیده، چند کلمه صحبت کنم. فردا هم انشاءالله توصیه کنید که همه با هم، با همبستگی با شعارهای واحد، حرکت واحد داشته باشند. صدای شما را که تا بحال به‌دنیا رسیده و مردم دنیا را به‌شما جلب کرده عظمت، رشد، واقع‌بینی و همبستگی را که شما نشان داده‌اید دنیا در تاسوعا در عاشورا دید، امیدواریم فردا باز هم ببینید نگذارید با این اختلافها صدای عامه‌ی مردم، توده‌ی مردم میان این اختلافها، آرام بگیرد، یا خدای نخواستہ از میان برود. بگذارید صدای ما به‌همه‌جا برسد. صدای ما آزادی انسانها و زدودن استبداد و استعمار و دنباله‌ا و عوارض و آنچه ناشی از آن شده می‌باشد، یعنی تزکیه روحی و فکری و اخلاقی و اجتماعی این ملت امیدوارم خداوند هم ما را یاری فرماید. امیدوارم که ما همیشه بیدار و آگاه برای انجام مسئولیتی باشیم که تاریخ این کشور حتی تاریخ دنیا به‌عهده‌ی ما گذاشته است. خداوند توفیق دهد که بتوانیم این مسئولیت تاریخی را با سربلندی و سرفرازی و شرافت به‌پایان برسانیم. خداوند ارواح شهدای ما را با شهدای صدر اسلام و شهیدان کربلا همدم و محشور

بدارد.

چند کلمه هم که حالا بیادم آمد باختگی عرض کنم که خصوصیات اربعین را باید متوجه باشیم. اربعین یعنی چه؟ همانطور که در اعلامیه نوشتیم، اربعین این خصوصیت را دارد پسر پیغمبر، اصحابش، یارانش و فرزنداناش در يك بیابان مرتفعی که صدای شان به هیچ جا نمی رسید، گشته شدند. ولی دستگاه تبلیغات امپراطوری شاهنشاهی یزید مگر به همین اکتفا می کرد وسائل تبلیغاتی، معابر و مساجد، نماز جمعه ها و خطبه ها همه بکار افتاد برای اینکه این جنایت را توجیه کند. اینها خارجی بودند، اینها مخالف امنیت کشور بودند، اینها برخلاف قانون کشور (قانون اساسی) قیام کردند. این تبلیغات همه ی مردم را نه تنها شام را بلکه عراق را بلکه حجاز را و همه ی کشورها متحیر کرده بود. چند نفر اشخاصی درباری و قاضی و آخوند درباری اطرافشان بود. و جنایات حسین را عنوان کرد که حسین، حسین قدر خرج من دین جده - حسین قد قتلته به سیف جده. از این چیزها به هم می یافتند و به مردم تلقین میکردند.

خصوصیت اربعین این بود، يك شخصیت بزرگ و مورد اتفاق و موجه به اسم جابر بن عبدالله انصاری که شیعه و سنی از او حدیث نقل میکنند و قبولش دارند، باقی مانده از صحابه ی پیغمبر بود مخصوصاً از مدینه براه افتاد، ببینید برنامه چقدر منظم و چقدر دقیق از جا بلند شد، از مدینه آمد به کوفه و از کوفه رفقاییش را برداشت این صحرای گرم و آرام را پیدا کرد که به اسم کربلا بود، احرام بست یعنی اینجا شعله ای از حج است همانطوری که در مکه ابراهیم فرزندش را در راه آزادی مردم از شرك و کفر مأمور شد قربانی کند و نکرد. در اینجا این شخصیت بزرگ همه فرزنداناش و کسانش و خودش را در راه خدا قربانی کرد. پس شیعه ی حج است. غسل کرد مثل انسان حاج، احرام بست قدم به قدم جلو آمد و آمد سراغ قبرهایی که هنوز معلوم نبود مثل شهدای بهشت زهرا زیرا نمی دانست، این قبر از کی است و آن قبر از کی. فقط بعضی از راهنماها بعضی از قبرها را نشان داد. آنجا ایستاد و شروع کرد به سلام کردن این فریادی بود که از درون این بیابان خونبار ساکت بلند شد، فریادی که حالا ما شیعه به ارث می بریم. و بعد از سلام.... که تو وارث آدمی، تو وارث انبیائی، تو وارث ملحد و خارج از دین نبودی. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

پدر طالقانی:

اگر ارتش کودتا کند، مردم از خود دفاع خواهند کرد

رادیو لندن دیشب در بخش فارسی خود متن مصاحبه‌ای را از حضرت آیت‌الله طالقانی پخش کرد.

این مصاحبه با حضور خبرنگاران خارجی انجام شد، و گزارش خبرنگار بی‌بی‌سی به شرح زیر بود:

در رابطه با يك حكومت اسلامی آیت‌الله طالقانی گفت: اسلام بخصوص در سطح مذهب شیعه دو هدف مهم دارد: یکی از بین بردن حكومت شاه و دیگری آزادی دادن به مردم برای تعیین سرنوشت‌شان که البته در بعضی از کشورها ممکن است حكومت‌هایی وجود داشته باشند که تا اندازه‌ای با این فلسفه مطابقت داشته باشند. نمونه‌اش هندوستان است که همه مردم در آنجا میتوانند آزاد باشند ولی حكومت اسلامی که برای ایران در نظر گرفته شده شباهت به عربستان سعودی نخواهد داشت چون در آنجا حكومت يك خانواده است و موروثی است در حالی که مذهب شیعه براساس امامت پایه‌گذاری شده است در مورد این که در بازگشت آیت‌الله خمینی ارتش نگذارد که آیت‌الله خمینی و هوادارانش فعالیت کنند و حتی کار به کودتای نظامی بکشد آیت‌الله طالقانی گفت: در حال حاضر ارتش نمیتواند کودتا کند چون باید برعلیه خویش کودتا بکند از طرفی اگر ارتش کودتا کند، باید همه را از بین ببرد که در آن صورت مردم خودشان وظیفه‌شان را انجام داده و از خود دفاع خواهند کرد هرچه کشتار بیشتر بشود انقلاب مردم سریع‌تر خواهد بود، ما تا بحال جلو مردم گرفته‌ایم و به آنها گفته‌ایم با سلاح مظلومیت صدایشان را به گوش دنیا برسانند مردم کشته دادند ولی يك يك گلوله به سوی ارتشی‌ها خالی نکردند ولی اگر ارتش دست به کشتار مردم بزند، مردم هم بیکار نخواهند نشست و آنها هم مسلح خواهند شد. در حال حاضر از میزان مسلح بودن مردم خبری در دست نیست و آنرا می‌توان به معنای عام جهاد نام گذاشت و مردم فقط از خود دفاع خواهند کرد و دست به جنگیدن نمی‌زنند.

یکی از از خبرنگاران از آیت‌الله طالقانی پرسید که با این انقلاب که باعث نابودی اقتصادی کشور شده آیا نتیجه‌ای که عاید خواهد شد ارزش آنرا خواهد داشت، آیت‌الله طالقانی گفت: او آزادی را فوق

اقتصاد می‌داند و فقط کشورهای غربی هستند که اقتصاد را فوق آزادی می‌دانند و بهر حال این انقلاب نبوده است که اقتصاد کشور را از بین برده، بلکه شاه اقتصاد را از بین برده، شاهی که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها او را بر مردم مسلط کردند.

اطلاعات سه‌شنبه ۳ بهمن ۵۷

با پیام پدر طالقانی باشگاه معلمان تهران افتتاح شد

باشگاه معلمان تهران واقع در خیابان کاشان، ساعت ۹٫۵ صبح امروز (۳ بهمن ۵۷) توسط گروه زیادی از فرهنگیان گشوده شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

در این برهه از زمان که به‌خواست خداوند متعام، سرنوشت ملت ایران در تحت تعالیم عالیّه اسلام برهبری زعیم عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خمینی بوسیله خود مردم تعیین می‌گردد ضمن تشکر و قدردانی از زحمات معلمان آگاه و مبارز آرزو می‌کنم که این جامعه شریف بتواند در این موقعیت خطیر رسالت تاریخی و اسلامی و سرنوشت‌ساز ملت مسلمان را بانجام برساند و درسایه تعالیم عالیّه قرآن و آموزش و پرورش صحیح و بابر خرداری از فرهنگ غنی اسلامی و ملی نوجوانان و نونهالان میهن عزیز را برای پیشرفت و ترقی هرچه بیشتر که ضامن اعتلای وطن عزیز ما است آماده نمایند.

در این راه توفیق روزافزون مشعلداران دانش و فرهنگ را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. امیدوارم که این خانه معلم که از امروز معلمان دلسوز و واقعی اداره آنرا بدست می‌گیرند برای پی‌ریزی فرهنگ درخشان ملی و مذهبی کانونی پرثمر باشد و نسل جوان در راه ساختمان یک زیربنای فکری سالم براساس ارزش‌های متعالی بشری هرچه بیشتر بکوشد تا بدینوسیله وظیفه خویش را باسلام و دین خود را در پیشگاه خداوند متعال و ملت سرافراز ایران به‌انجام رساند.

کیهان سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۵۷

مصاحبه مطبوعاتی پدر طالقانی در باشگاه هواپیمائی ملی در آستانه ورود امام خمینی به ایران

صبح امروز حضرت آیت الله العظمی طالقانی در يك مصاحبه مطبوعاتی که در باشگاه هواپیمائی ملی تشکیل شد، به پرسش خبرنگاران پاسخ گفت:

یکی از خبرنگاران پرسید: با وضعی که پیش آمده، مسئله ورود امام خمینی به ایران چه صورتی پیدا می کند، آیا فکر می کنید دولت از ورود امام خمینی جلوگیری می کند؟

آیت الله طالقانی: فکر می کنم دولت میل دارد چنین کاری را بکند، خبرنگار دیگر: آیا آیت الله العظمی خمینی از وقایع خرابکاری در هواپیماها آگاه شده اند، یا نه؟

آیت الله طالقانی هنوز اطلاعی ندارند و تا دقایقی دیگر مطلع خواهند شد و معلوم نیست که چه تصمیمی خواهند گرفت.

يك خبرنگار: فکر می کنید که واکنش مردم نسبت به اشغال فرودگاه چه خواهد بود؟

ما سعی می کنیم که مردم در این اوضاع عکس العمل خشن نشان ندهند. اگر دولت با وجودی که غیرقانونی است عاقلانه رفتار می کرد، نه تنها می بایست جلو ورود آیت الله خمینی را نمی گرفت، بلکه می بایست امکانات لازم و بیشتری را نیز فراهم می کرد.

آیت الله طالقانی: احتمالش هست.

يك خبرنگار: احتمال تأخیر سفر امام خمینی به وطن می رود؟

آیت الله طالقانی: امکان دارد.

پدر طالقانی در فرودگاه مهرآباد

صبح امروز یکی از نزدیکان آیت الله العظمی طالقانی اعلام کرد خبر حرکت آیت الله طالقانی به فرودگاه مهرآباد صحت دارد و ایشان ساعت ۹ بامداد منزل را به قصد فرودگاه ترك کردند. اطرافیان ایشان اظهار داشتند که حضرت آیت الله العظمی طالقانی از اشغال نظامی فرودگاه و همچنین لغو پروازها از پیش آگاهی داشته اند، ولی با اینهمه ایشان به فرودگاه رفته اند.

بدنبال این خبر، یکی از خبرنگاران کیهان گزارش داد حضرت

آیت‌الله طالقانی در نزدیکی فرودگاه و در جمع مردم اقداماتی را در جهت تعیین تکلیف وضع فرودگاه مهرآباد آغاز کرده‌اند ولی هنوز نتایج این اقدامات تا این ساعت ۱۰ صبح روشن نیست. به‌علاوه هرلحظه نیز بر تعداد جمعیت در اطراف خیابانهای منتهی به فرودگاه اضافه میشود.

کارکنان ناظر بر اشیغال فرودگاه مهرآباد در صورت مجلسی که شب گذشته امضا کرده‌اند، نوشته‌اند:

● مقارن ساعت ده و نیم صبح امروز خبرنگار ما گزارش داد: جمعیت انبوهی که بر اساس برنامه قبلی به فرودگاه مهرآباد آمده بودند اکنون در زمین فوتبال باشگاه هواپیمایی مستقر شده‌اند و هرلحظه بر تعداد آنها افزوده میشود. حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی و همراهانشان که به فرودگاه آمده‌اند، هم‌اکنون با گروهی از خلبانان و مقامات سازمان هواپیمایی ملی ایران در داخل باشگاه هواپیمایی سرگرم مذاکره و گفت‌وگو هستند.

کیهان چهارشنبه ۴ بهمن ۵۷

اعلامیه پدر طالقانی:

سفر امام خمینی ۲ روز دیگر به عقب افتاد

این اعلامیه از طرف حضرت آیت‌الله طالقانی شب گذشته بدنبال اطلاع از به عقب افتادن سفر امام خمینی به وطن منتشر گردید.

والفجر ولیال عشر... ان ربك لبا المرصاد

درود به فرزندان رشید اسلام و ایران

شما که نوید بیداری شرق را میدهید. شما که مؤده اعتلا و عظمت امت اسلام را دارید، شما که آوای رهائی خلق مستضعف و رنج‌کشیده ایران را سر داده‌اید، شما که با مقاومت و پایداری خستگی‌ناپذیر سنگر به‌سنگر خصم را سرکوب کرده‌اید و بالاخره شما که با تسلط اعجاب‌انگیز بر اعصاب خود هرگونه فرصتی را از دشمن سلب کرده‌اید، بایستی اینک نیز همچنان با سرسختی و هشیارانه در سنگر باشید. «امید که صبح پیروزی در آستانه طلوع است و نصر و یاری خدا بسی نزدیک» لازم است با اطلاع عموم فرزندانم و ملت غیور و سرسخت ایران

برسانم که معاودت و مراجعت رهبر عالیقدر عزیز ملت ما به خاک وطن دو روز دیگر به تأخیر افتاده است. بدین لحاظ شایسته است مردم چشم براه که بانتظار مقدم گرامی آن پیشوای بزرگ لحظه شماری میکنند این روزها و دقایق حساس و تاریخی را با شکوه و عظمتی که درخور ملتی آگاه و مبارز است بگذرانند.

سید محمود طالقانی ۲۸ صفر ۱۳۹۹

کیهان، یکشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۷

پدر طالقانی ساعت ۵ بعد از ظهر ۸ بهمن به جمع روحانیون متحصن در مسجد دانشگاه تهران پیوست.

پدر طالقانی:

عمال دستگاه میخواهند جنجال مذهبی راه بیندازند

این اطلاعیه دیروز از سوی حضرت آیت الله طالقانی صادر شد:
۱- هنوز بعضی ساواکی‌های مزدور در تهران و شهرستانها به تحریک مردم داغدار و شهید داده می‌پردازند و با ایجاد شایعات و تشنج، خانه و مغازه پاره‌ای افراد بی‌گناه را مورد توهین و مزاحمت و آتش‌سوزی قرار می‌دهند. چنانکه بارها گوشزد شده اینگونه اعمال علاوه بر اینکه مردم بی‌گناهی را به صدمات و لطمات بزرگی دچار می‌سازند، تأثیر سوئی در روند عاقلانه و روشن بینانه نهضت انقلابی مردم مسلمان دارند، لذا جداً و قویاً از همه برادران انقلابی خواسته می‌شود با هشیاری و فراست فوق‌العاده از معرض اینگونه تحریکات ایادی رژیم که هر لحظه برای ما فاجعه‌ای می‌آفریند سخت احتراز جویند.

۲- عده‌ای از سکنه مسیحی خیابان هدایت امروز (۵۷/۱۱/۹) به منزل آیت الله طالقانی مراجعه و اظهار می‌دارند دو شب است که در ساعات بعد از حکومت نظامی عده‌ای در خیابان ما راه می‌افتند و شعار می‌دهند مرگ بر مسیحیان، که اینکار مسلماً تحریکی است در جهت ایجاد بدبینی و شوراندن مردم علیه مسیحیان و در نتیجه براه انداختن يك جنجال مذهبی جدید.

آنها از روزنامه‌ها استمداد کرده‌اند این توطئه را بنحوی خنثی کنند.

۳- چون جمعی از جوانان فداکار و مثبت، مسئله انتظامات جایگاههای نفت و بنزین را برعهده گرفته‌اند و بانهایت سرسختی و زحمت و بیخوابی شبانه‌روزی این مسئله خطیر را که توطئه بزرگی علیه جنبش خلق ما بود بحمدالله تا مقدار زیادی مهار کرده و نظم و ترتیبی برای رعایت عمومی و رفع تشنج و ناراحتی از افکار مردم فراهم آورده‌اند، انتظار است تمام مراجعین به‌این جایگاههای سوخت کمال همکاری را با این برادران فداکار ما مبذول دارند.

اطلاعات، ۱۰ بهمن ۱۳۵۷

اطلاعیه از منزل پدر طالقانی درباره حمله به‌قلعه شهرنو حمله به‌شهرنو بتحریرک عمال مزدور بوده است

آیت‌الله طالقانی دیروز در اطلاعیه‌ای حمله به‌قلعه شهرنو را تقبیح کرد و از مردم خواست که تسلیم توطئه‌ها نشوند. متن اعلامیه بدین شرح است:

بتحریرک عمال مزدور و کثیف رژیم صاحبان قمارخانه‌ها و باج-گیرهای محل عده‌ای از برادران معصوم و بی‌خبر مسلمان را به‌تهاجم به‌قلعه شهرنو واداشته‌اند و از این کار چه توطئه جدیدی را علیه جنبش انسانی رهایی بخش و اسلامی مردم برمی‌دارند معلوم نیست ولی چون به‌رحال ساکنین این قلعه که از محکومین نظام فاسد استعمار و استبدادی طولانی این جامعه‌اند و به‌رحال پایستی مصون از هرگونه تعرضی باشند و در فرصت‌های مناسب با الهام از مکتب رحمت و کرامت انسانی اسلام هدایت و ارشاد شوند و بزیور توبه آراسته و بجامه برگردند.

لازم است تمام برادران ایمانی از دست‌انویز شدن این توطئه ناجوانمردانه پرهیز کرده و دست توطئه‌سازان را نظیر دیگر وقایع باز کنند.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۵۷

سخنان پدر طالقانی در دیدار با رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران پس از آزادی آنان از زندان

ثمره کوششهای من

پدر طالقانی در پاسخ سخنان رجوی و خیابانی گفتند:

اگر من کوشش فکری کردم آرزو همین بود در این دنیای آشفته و دنیائی که مکتب‌هایی که از مغز بشرهایی تراوش کرده و دیدیم که مردم متحیر، مردم مظلوم دنیا، مستضعفین دنیا، استعمار شده و استثمار شده دنیا درواقع همه اینها همه انقلابات همه قیام‌های انبیاء تا مصلحین بزرگ بشر از درون و از عمق وجدان يك مطلب بیش نبوده و آن آزادی انسان‌ها بوده از سرکوفتگی و از تحقیرهایی که بانسان شده است. همه آن حرکت فطری درونی که دست قدرت پروردگار و آن ربوتین که همیشه قرآن، تکیه میکند بر ربکم. ربك میدان برای آن ربوبیت و حرکت ربوبی برای انسان در محیط اضطراب باز شد این اصل مطلب است تجربیاتی که بخصوص در این یکی دو قرن خیر بشر برای این مسئله این حقیقت کرده و هنوز هم در راه است ما هم تجربه‌ای داشتیم و داریم من همیشه امیدوار بودم که بتوانم يك نسلی يك جوانهای مصمم ایمانی در این کشوری که وارث امامت است در بین همه کشورهای اسلامی، کشوری که از جهت استعداد و هوش همیشه در عالم نمونه بوده بتوانیم بدنیا نشان بدهیم و راه جدیدی باز کنیم که از این ایسم‌ها، مکتب‌ها و دیگر مسائل راه نجاتی باشد خیال می‌کردم شاید ثمر این کوششهای امثال من که من هم جزئی در این حرکت بودم برای پنجاه سال دیگر شده صد سال دیگر شده محصولش را نسل آینده نسلهای آینده ببینند بحمدالله بشکر خدا این نیرویی است که با همه عوارض جسمی و ناتوانیهای بدنی که دارم ما را به حرکت واداشته هنوز سرپا نگه داشته می‌بینم ثمره این کوشش‌ها اکنون دارد رسیده میشود. این قرآنی که از ابتدا در يك زمان‌هایی که حتی گفتن تفاسیر قرآن نوعی کفر بود ما بدست گرفتیم يك پرتوی از آن که به فکر من می‌آمد ارائه دادیم ولی این پرتوی است این ساحلی است آنهایی که اکنون استعداد فکری و تجربیات، دانش‌ها، نیروی بدنی‌تان آماده‌تر است ما نیز در مسیر همین ساحل قدم بردارند تا همانطوری که امیرالمؤمنین فرمود دریائی است که باید غواص‌های ماهری باشند که

از جواهرات آن از گوهرهای آن استفاده کنند. همانطوری که گفتید دنیا ثابت کرده که قدرت سلاح و سپاه در مقابل فکر و عقیده و ایدئولوژی عاجز است انبیاء هم همین را نشان دادند. تاریخ هم همین را نشان داده شما هم الان همین را می‌گوئید مشاهده می‌کنید میدانید چه قدرتهایی چه سلاح‌هایی چه کارشناس‌هایی بکار رفت ولی همه اینها بیت‌العنکبوت بود در مقابل عقیده - پایداری و راه را پیمودند و تا پای چوبه‌دار صدای تکبیرشان فضا را پر کرده بود اینها ابتدای راه، بشما که ماندید. آنهایی که ماندند و از این سعادت عظمی محروم شدید شاید هم اراده خدا بود که باید بمانید و باید این راه را طی کنید اگر اشتباهاتی بوده جبران کنید اگر نقص‌هایی بوده که تکمیل کنید و اگر نارسائی‌هایی بوده رساترش کنید و این راه دیگر به عهده شماست که بپیمائید (در درون زندان يك قدرت قهاری که با کارشناسان خارجی و اسرائیلی و داخلی و اینهمه سپاه وقتی که در مقابل این شکنجه‌چی‌ها و بازجو‌هایی که خودتان می‌شناسید و دیدید از نزدیک و اینهمه گروه‌های سیاسی که به اسم‌های مختلف چپ و راست در زندان بودند، وقتی اسم مجاهدین برده میشد، اعصاب اینها به هم می‌لرزید، و کنترلشان را از دست میدادند. با این که اغلب در چنگال آنها بودید، این دلیل بر قدرت عقیده و ایمان به حقه. از اسم مسعود رجوی وحشت داشتند. از اسم خیابانی وحشت داشتند) همچنین دیگران این دلیل بر این است که در همین اوج قدرت دشمن به حسب ظاهر که همه در چنگال این دشمن گرفتار بودیم باز قدرت شما فائق بود. این قدرتی است که نباید دست‌کم گرفت. من بیرون که آدم، این حرکت، این تظاهرات، این شهادت‌ها و این اجتماعات می‌بینم که می‌جوشد، همان جوانهایی که اکثرشان سه سال قبل در صف سینماهای کثیف، دختر و پسر ما دنبال مراکز فساد می‌رفتند. حالا همانها هستند یا مردم دیگری هستند تعجب میکنم. همانها هستند، حالا با صدای تکبیر در مقابل توپ و تانک می‌روند. این همان تحول عظیمی است که ما بحمدالله شاهدش هستیم. آنچه من نگرانم و بارها گفتم، اینست که در این مبارزه حاد که بین قدرتی که مسلح است به سلاحهای روز و مردمی که هیچ سلاحی در دستشان نیست و اگر هم هست به کار نمی‌برند درگرفته، و می‌بینیم که باز پیروزی با مردم بی‌سلاح است. آنچه که من نگران هستم، همین است که جوانهای ما هوشمندان، شما مردان و جوان‌های با ایمان که وارث فکر قرآن هستید

و ما به آخر خط رسیدیم، شما باید این راه را تکمیل کنید، از تکمیل معتقداتتان از قرآن و از وحی و سنت پیامبر و از سنت ائمه دریافت کردید باید تکمیل کنید. این مبارزه تمام میشود به يك جایی میرسد، فرق نمی‌کند، حالا رفت، يك بتی شکسته شد، اما این کافی نیست باید همه بتها شکسته بشود و رانده بشود هنوز خیلی بت سر راه داریم. اگر يك مهره‌ای از بت را از کشور بیرون راندیم بصورت‌های دیگری خواهند بود و این کار ابراهیمی است که بتی را به تمام ابعاد فکری و عقیده‌ای و ایدئولوژی. اگر این ایدئولوژی بت شد خودش مخرب است. آنچه از ایدئولوژیها واقعا جنبه عملی و واقعی دارد با تعالیم عالیه قرآن منافاتی ندارد، جنگی ندارد. ولی باید در این بیشتر تفکر کنیم و استقلال مکتب قرآن و وحی را نشان بدهیم. همانطوری که در اینمدت همان سیاستمداران خارجی و همانها که طراح تمام سیاست‌های دینی و جنگهای دنیا هستند از این سرکیچه گرفتند که این نهضت از کجا شروع شده، با هیچ معیاری از معیارهای آنان تطبیق نمی‌کند. نمی‌فهمند چیست، ولی ما می‌فهمیم چیست. آنها که بامن مواجه بودند در روزنامه‌هایی که گاهی خواندید و ترجمه میشود، در آن می‌بینیم که می‌نویسند این همه کار کردیم روی این سرزمین، از کجا جوشید، از کجا پیدا شد. آنها نمی‌فهمند چون در این بعد نیستند. اصالت اقتصاد در شرق و غرب اصل ایدئولوژی شده ولی ما مطلب دیگری داریم که فرق رسالت اقتصاد است. و آنها از آن دید نگاه میکنند. شرقشان و غربشان. باید این را ارائه بدهیم. جلسه‌ای داشتیم وزیر دادگستری آمریکا در زمان کندی هم بود و يك استاد دانشگاه آمریکائی. وقتی يك مقداری از مکتبمان و ایدئولوژی‌مان مطلع شدند، تکان خوردند، بخصوص آن استاد که جامعه‌شناس هم بود. می‌گفتند امیدواریم يك روزی ببانید و ما را نجات بدهید. همانطور که گفتم شما اولین کارتان همین است ما کم و بیش در دسترستان هستیم. انشاءالله این مسایل را، ابعاد قرآن را که هنوز در ساحلش هستیم و هنوز هم باید جلو برویم و نشان بدهیم به دنیا که ماها باید کوشش کنیم (و بعد از این تا بحال اگر مرا يك معلم قرآن می‌دانستید، حالا من میخواهم فکرم، سلولهایم، کم‌کار شدند، تنبل شدند. مریض شدند. امیدوارم بعدها ما از شما درسها و تجربیات جدیدی بدست بیاوریم) انشاءالله تعالی خداوند تائیدتان کند.

اطلاعات، شنبه ۳۱ شهریور ۵۸

پیام پدر طالقانی به ارتش

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز ایران، پاسداران شرف و حیثیت و استقلال وطن: ما به‌خوبی گواهییم که قاطبه شما نظامیان در مشاغل و پستهای مختلف سعی دارید که از رودررویی با برادران هموطن خود بگریزید. ما بخوبی دیدیم که روحیه وطن‌خواهی و عشق به‌مردم بسیاری از شما را از اطاعت فرماندهانی که بر روی فرزندان وطن تیغ میکشند بازداشت. ما و همه مردم دیدیم که عده‌ی بیشماری از شما که برای رهایی از انضباط و نظامات ارتشی که اینک دستاويز عده‌ای سفاک و بیرحم برای کشتن و انتقام برادران شما گردیده است. یانهایت بی‌میلی، سرباز زدید، ما و همه شاهد بودیم که فوج فوج در تهران و شهرستانها، در شبکه‌ای از ناامنی و وحشت محل خدمت خود را ترك کرده، خودتان را به‌زعماي روحانی و ملی می‌رساندید و برای پیوستن به‌صفوف مردم و عرضه‌ی خدمت خود به انقلاب راه چاره می‌خواستید. شما درحالی‌که ذره‌ای روح خودسری و فرار از وظیفه نداشتید از این‌همه رفتار غیرمردمی و کشتار بیرحمانه‌ی شبانه‌روزی در سراسر کشور بستوه آمده بودید، و دائماً درصدد پایان دادن به این غائله‌ی برادرکشی که تحمیل شده بیگانگان و مزدوران کثیف آنانست بودید. ما میدیدیم اکثر آنانکه تفنگ‌ها و مسلسل‌ها را به‌دستور فرماندهان بروی مردم نشانه می‌گیرند، درپی فرصت‌اند تا از شلیک بجان و قلب خواهران و برادران معصوم خود خودداری کنند.

چه حماسه‌هایی آفریدید، چه شبها و دقایقی فراموش‌ناشدنی بود که چنـد تا چنـد تا سربازها و درجه‌دارها که جزو رسته و ستون مراقبین خانه‌ی من بودند مخفیانه خودشان را بمن می‌رسانند، غم و ننگ خودشان را از این مأموریتها آشکار میکردند. اشکهای شرم و انفعال همراه با حریت و آزادگی از صحنه‌ها و زیباییهای فراموش‌نشده‌ی زندگی من است.

بدیهی است بعضی فرماندهان شما که تنها همان عده‌ی معدود هستند و بقای خود را در ادامه‌ی خون‌ریزی و کشتار خلق مظلوم و آلوده کردن دست بیگانه شما در این جنایات میدانند این مشکلات را برای ارتش ایران بوجود آورده‌اند همانها هستند که کشتار بیرحمانه و ضدبشری

۶۰۰ نفر در سالن سرپوشیده‌ی سینما رکس آبادان شروع کردند و آن تراژدی زنده‌سوزان تاریخ بشریت را بوجود آوردند و بدنبال آن به مأموریت‌های مهمتری اعزام شدند، تا امروز که وقایع دهشتناک قزوین، کرمانشاه، اهواز، دزفول، رضائیه را بترتیبی که در دورانه‌های بربریت و وحشیگری بشر هم سابقه نداشته بیار آورده و می‌آورند، و با کمال تأسف هنوز اشتهای خونریزی آنان اشباع نشده و فاجعه‌ی وحشتناک جمعه و یکشنبه خونین اخیر تهران، سنندج و رشت را بیار آوردند. بهرحال شما ارتشیان هنوز درمیان ما هستید، مردم بخوبی نیک را از بد و مقصر را از غیر مقصر تشخیص میدهند و نقش بازدارنده و هشیارانه‌ی شما توده‌ی ارتشیان را ملت ایران نادیده نمی‌انگارد ما میدیدیم شما چه روزها و لحظات حساسی را که هرآن خودتان به‌لبه تیغ نزدیک بودید میگذرانید، مگر ندیدیم در تهران و شهرستانها چگونه هدف گلوله‌ی مأمورین رژیم قرار گرفته، و ارواح شهدایتان به‌شهادی راه وطن پیوست. مگر ندیدیم که با جدیت و قهرمانی در تبریز و اصفهان و مشهد با افزارهای رزمی خود بصفوف مردم پیوستید، مگر ندیدیم، افسران و درجه‌داران نیروی هوایی در اصفهان و تهران و بعضی شهرها با صفوف چندهزارنفری خود بصفوف ملت پیوست و بانك و شعارهای مذهبی و ملی «بفرمان خمینی زطاغوت گسستیم به ملت پیوستیم» سردادند. چه شب تاریخی بود که همافران بعد از يك راه پیمائی طولانی که شهر را بلرزه درآوردند جلوی خانه‌ی من گردهم‌آئی بزرگی برپا کرده و آن کلمات و عبارات شجاعت‌آمیز و تأبانه را چون حربن یزیدریاحی طی قطعنامه خود به‌ملت ایران و به‌جهانیان تقدیم کردند.

واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا بهرحال چنانکه بارها و بارها از طرف زعيم بزرگ و پیشوای سترك ملت ما «امام خمینی» گوشزد شده شما نیز بایستی به صفوف ملت بپیوندید و در این راه از هرگونه تلاشی و تفرق پرهیزید اکنون سنگر مقدم مبارزه‌ی این ملت بدست شما سپرده شده، اگر بعضی فرماندهان شما مرتکب جنایتها یا خیانتها شدند یا نادم‌اند یا مقاوم که در هرحال بایستی در مقابل اعمال ننگین خود بموقع جواب بدهند، ولسی شما قاطبه‌ی ارتش از سرباز، درجه‌دار، افسران جزء، و بعضی امراء که بحق از افتخارات استثنائی ملت ایران هستید در این ایام موقعیت خود را سخت بشناسید، ضمن

اینکه بروی مردم تیغ نگشایید، همت والای خود را صرف این بکنید که ارتش ملی و منسجمی در خدمت هدفهای انقلاب باشید و از هرگونه وابستگی بامپریالیزم و استعمار و اجنبی مبرا باشید.

من همچنین از همه ی برادران و خواهران عزیزم که همگی قلب‌هایشان از بس کشته و شهید داده‌اند و یارای تحمل و صبر را ندارند می‌خواهم درعین اینکه حتی يك لحظه سنگر را ترك نکرده، و با توطئه‌ها و دسیسه‌های بعضی فرماندهان ارتشی که هر لحظه در تدارک درگیری بزرگ ارتش با مردم هستند و از این سودای معرکه و غوغای بزرگی که در سر میپروانند راه نجاتی برای خود و ارباب فراری خود جستجو می‌کنند، با سرسختی و شجاعت مبارزه و دفاع کنند، درعین حال از انتقام‌های شخصی و تصمیم‌گیریهای موضعی سخت پرهیزید که اینکار چه بسا گروههای ارتشی که هرگز دستشان بخون آلوده نشده قربانی انتقام همقطاران بدکار خود بشوند.

بار دیگر از ارتشیانی که خوشبختانه اکثراً تاکنون حضورشان را در صفوف ملت ثابت کرده‌اند می‌خواهم که همه ی همت و کوشش خود را در جهت یکپارچگی و در خدمت به ملت بکار گیرند. مبدا عمل چند فرمانده از خدا بیخبر، خائن فاسد مخل به راه و هدف مقدسشان واقع گردد. امیدوارم برای پاسداری از ره آوردهای انقلابی مردم مسلمان در فردای جامعه نجات یافته، آمادگی کامل داشته باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته سید محمود طالقانی بتاريخ اول ربیع الاول ۱۳۹۹ کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

کیهان، چهارشنبه ۱۱ بهمن ۵۷

پدر طالقانی:

تصرف اراضی عمومی خلاف شرع است

حضرت آیت الله طالقانی امروز اعلام کرد که قطع اشجار و تصرف اراضی عمومی خلاف شرع است و مردم کشور باید از لطمه زدن به ثروت عمومی پرهیز کنند.

۱- از سراسر شمال خصوصاً نواحی مرکزی شمال گزارش میدهند که عده‌ای فرصت طلب که هیچ احساسی در مقابل نهضت و انقلاب خلق

ستمیدیده ایران نمی‌کنند بجان جنگل افتاده مثل اسلاف تاراجگر خود بسرعت بقطع اشجار و تصرف اراضی اطراف پرداخته‌اند. لازم است آحاد و افراد مسلمان بدانند هرگونه مباشرت و اعانت در سوءاستفاده و غارت اشجار جنگلی و راضی عمومی خلاف شرع مبارک و در جهت لطمه وارد آوردن به جنبش خلق محروم این سرزمین محسوب می‌شود. در این لحظات بحرانی همه مردم موظفند در حفظ و حراست و جلوگیری از آسیب‌رسانی به ثروت‌های عمومی علی‌الخصوص جنگلهای شمال و غرب کشور نهایت مجاهدت و هوشیاری و مراقبت اعمال نمایند و این ثروت خداداده که از بدو سالهای سلطنت رضاخان بعنوان املاک اختصاصی و سپس در دوران رژیم فاسد و منحط گذشته بعنوانهای املاک موقوفه و بنیاد پهلوی و در پانزده سال اخیر زیر پوشش جنایتکارانه و کاذب ملی شدن جنگلها پمرز نابودی کشانده و در این بخش نیز نوکری بیگانه را تأمین احتیاجات مواد چوبی کشور (با این انبوه ذخایر طبیعی جنگل چوب) از خارجه پیش بردند، بصورت امانتی برای يك بهره‌برداری سالم در خدمت يك جامعه سالم و عدل اسلامی و انسانی حفظ نمایند. برآقایان علماء و روحانیون محترم شمال نیز فرض و واجب است از عملیات و تجاوزات اینگونه عناصر فرصت‌طلب از خدا بی‌خبر با امکاناتی که دارند جلوگیری فرمایند. ممکن است در بعضی مناطق با مسئولین و متصدیان جنگلبانی که از سابقه پاکسی و حسن خدمت برخوردارند در اتخاذ تدابیری همکاری شود. بهر حال مباشرت در قطع غیرمجاز و نیز هرگونه اعانتی در این امر خلاف مصالح عمومی و شرع انور محسوب می‌شود.

۲- از مرکز ذخیره خون اطلاع میدهند که در این روزها که مردم گروه گروه با اهداء خون می‌شتابند اغلب در اثر مجهز نبودن بیمارستانها به گرفتن خون یا سیستم ذخیره و نگهداری آن، این هدیه شریف و لطیف مردم تفریط و ضایع می‌شود. شایسته است برای اهداء خون حتی المقدور بمرکز انتقال خون که از تجهیزات کافی برخوردار است و امروز از زمره اموال مردم در خدمت مردم باید باشد مراجعه نمایند و راهنماییهای دیگر را بوسیله تلفن شماره ۹-۷۶۸۰۶۱ از آقای دکتر خواجوی جويا شوند.

۳- مراجعاتی است که دائماً از سرنوشت همافران که از پایگاههای هوائی کشور، همدان، دزفول، اصفهان، تهران، ناپدید

هستند، اظهار تشویش و نگرانی میشود. مقامات ارتشی و فرماندهان این واحدها بایستی فوراً برای رفع پریشانی خانواده‌ها و نیز جلوگیری از عصبانیت عمومی پاسخ مناسبی به مردم بدهند.

۴- چون برای تشریفات قانونی و ثبت و ضبط علل و آثار قتل شهدا بایستی بنحوی پزشکی قانونی را مطلع کرد تا با امکانات و بصیرتی که از نظر فنی در اینگونه مسائل دارند پرونده و سابقه‌ای بوجود آورند، لذا بهمه عزیزان هموطن توصیه می‌شود در اینگونه موارد بطریقی که هیچگونه کندی و وقفه‌ای در امر تشییع و تدفین شهداء پیش نیاید مراکز پزشکی قانونی را بنحوی در مسیر انجام وظایفشان یاری نمایند.

کیهان یکشنبه ۱۵ بهمن ۵۷

پدر طالقانی اعلام کرد:

فرماندهان پایگاههای هوائی باید به مردم پاسخ مناسبی بدهند

بدنبال ناپدیدشدن گروهی از همافران حضرت آیت‌الله‌العظمی طالقانی طی اطلاعیه‌ای از مقامات و فرماندهان پایگاه‌های هوائی کشور در همدان، دسفل، اصفهان و تهران خواست تا در مورد ناپدید شدن همافران فوراً برای رفع پریشانی خانواده‌هایشان و نیز جلوگیری از عصبانیت عمومی پاسخ مناسبی به مردم بدهند.

در این اطلاعیه همچنین به موارد زیر اشاره شده است.

● از سراسر شمال خصوصاً نواحی مرکزی شمال گزارش می‌دهند که عده‌ای فرصت‌طلب که هیچ احساسی در مقابل نهضت و انقلاب خلق ستمدیده ایران نمی‌کنند به‌جان جنگل افتاده مثل اسلاف تاراجگر خود بسرعت بقطع اشجار و تصرف اراضی اطراف پرداخته‌اند. لازم است آحاد و افراد مسلمان بدانند هرگونه مباشرت و اعانت در سوءاستفاده و غارت اشجار جنگلی و اراضی عمومی خلاف شرع مبارک و در جهت لطمه وارد آوردن جنبش خلق محروم این سرزمین محسوب میشود. در این تظاهرات بحرانی همه مردم موظفند در حفظ و حراست و جلوگیری از آسیب‌رسانی به ثروت‌های عمومی علی‌الخصوص جنگل‌های شمال و

غرب کشور نهایت مجاهدت و هوشیاری و مراقبت اعمال نمایند.
اطلاعات - دوشنبه ۱۶ بهمن ۵۷

پیام پدر طالقانی به مردم «سنگسر»: روزگار سربلندی شما مردم تحقیر شده، فرا می‌رسد

حضرت آیت‌الله طالقانی در پاسخ نامه اهالی سنگسر که برای آن حضرت ارسال شده بود، پس از اشاره به عملیات عمال خودفروخته‌ی فاسدالاخلاق که با دستیاری و حمایت چند نوکر جان‌نثار رژیم زندگی را بر مردم سنگسر خفت‌آمیز کرده بودند، مرقوم داشته‌اند. اینک روزگار سربلندی و عزت شما مردم ستم‌دیده و تحقیرشده فرا می‌رسد. ندای امام خمینی از کران تا کران مردم این مرزوبوم را پیدا کرده و قدرتی به ملت بخشیده که برهمه‌ی تیرگی‌ها، فسادها، تبعیض‌ها، نفاق‌ها، انحرافات عقیدتی و تعدیات و سوء استفاده‌ها به‌ر شکل و زیر هر پوشش و ادعائی بحول و قوه الهی و به بازوی توانای شما فرزندان اسلام باالهام از تعلیمات عالیّه و نجات‌بخش اسلام راستین خاتمه خواهد داد. به امید روزگار سعادت و عدالت و مساوات. بار دیگر برای شما موفقیت و پیروزی از درگاه باری تعالی مسئلت می‌نمایم.

السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

سید محمود طالقانی - ششم ربیع‌الاول ۱۳۹۹

اطلاعات - ۱۶ بهمن ۵۷

نظر گاه‌های پدر طالقانی درباره حکومت اسلامی

آیت‌الله طالقانی عصر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی که در خانه‌اش برپا شد، به سئوال‌های خبرنگاران داخلی و خارجی درباره اوضاع کنونی و انقلاب ایران پاسخ گفت:

خبرنگار تلویزیون سوئیس پرسید: در اروپا برای ما خیلی مشکل است تصور کنیم که روحانیون بتوانند رهبری سیاسی هم داشته باشند. آیت‌الله طالقانی در پاسخ گفت: بله، منهم تصدیق می‌کنم که برای

اروپا مشکل است، چون روحانیت مسیحی براساس انجیلی قرار دارد که ۵۰ سال بعد از مسیح تدوین شده و مضمون آن فقط دعوت به همان روحانیت مورد نظر شماست. اما در اسلام و قرآنی که ما داریم و همه، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، آنرا قبول دارند که همان کتاب پیغمبر اکرم است، از روحانیت با برداشت شما اثری نیست. اگر معنای سیاست مسئولیت در برابر انسان‌ها و حمایت از مظلوم‌ها و مبارزه با ظلم است که این در متن قرآن و تعالیم قرآن هست و همیشه خفیف یا شدید جریان داشته. ولی اگر مفهوم سیاست، دروغ - پولتیک و چندگویی و عدم صحبت باتوده‌های مردم باشد، روحانیت اسلام این سیاست را محکوم میکند.

خبرنگار پرسید: در ایران تعداد آقایان آیت‌الله‌ها زیاد است، چگونه میتوان توجیه کرد که کدام يك از اینها نظرشان ارجح است و نظرشان باید اجرا شود. مثلاً آقای خمینی که صحبت می‌کنند، نظر دیگران را هم مدنظر دارند؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: در مکتب اسلام و بخصوص در مکتب امامت شیعه، مبارزه با ظلم و فساد و رژیم‌های فاسد و برقراری در جامعه از مسائل ضروری است و هیچ آیت‌الله‌ای و هیچکس که آشنا به اصول اسلام باشد، نمیتواند در مقابل ظلم و فساد بی‌تفاوت باشد. تفاوت فقط در چگونگی مبارزه است و شرایط مبارزه. به این جهت می‌بینم که در تاریخ اسلام و بخصوص شیعه، رهبران اصیل اسلامی با حکومت‌هایی که برطبق موازین اسلام نبوده سازش نداشتند. منتها گاهی که قدرتی بدست می‌آوردند، مبارزه‌ها اشکار بود و گاهی پنهانی که ما از آن تعبیر به «تقیه» میکنیم. پس با این شرح، آیت‌الله و عالم روحانی یا فرد مسلمان نمیتواند اهل مبارزه نباشد و با دستگاه و رژیم فاسد سازش کند.

نقش کمونیست‌ها

خبرنگاری پرسید: بسیاری از کمونیست‌ها در گذشته برضد شاه مبارزه کردند، بسیاری زندانی بودند، بسیاری برای انقلاب شهید شدند. آیا شما آنها را مخالفین اسلام میدانید و آیا در حکومت جمهوری جایی برای آنها هست؟

آیت‌الله طالقانی گفت: مسأله مکتبی غیر از مبارزه است. از جهت مبارزه، ما خود شاهد بودیم که بسیاری از آنها کشته شدند، زندانهای

طولانی کشیدند و در این مبارزه سهمی داشتند. از این جهت شکی نیست، اما مسأله مهم اختلاف در ایدئولوژی کمونیست‌هاست نه اختلاف در مبارزه. بنابراین کمونیست‌ها در مبارزه فعلی تا آنجا که وابستگی به کمونیسم بین‌المللی و پایگاه‌های کمونیستی نداشته باشند و الهام از خارج مرزهای اسلامی نگیرند و در طریق این مبارزه که فعلاً نفی استبداد و استعمار است مزاحمتی ایجاد نکنند، هیچگونه تعارضی با این انقلابی که از اکثریت و توده مردم ایران آغاز شده، نخواهند داشت. آنها هم خودشان را طرفدار خلق و توده میدانند و ما هم شمارمان همین است که توده‌های مظلوم را باید نجات داد. بعد که بمرحله اثبات رسید، یعنی تأسیس حکومت اسلامی که بر مبنای آزادی و دموکراسی است، آنها هم میتوانند آزاد باشند، هم در گفتن مسائل‌شان و هم حتی در تشکیلاتشان. آیت‌الله طالقانی سپس به خبرنگاران تلویزیون سوئیس گفت: ما از نزدیک نمیدانیم، ولی سوئیس کشوری است که ما از آزادی و وضع زندگی مردم آن و تربیت و سلامتی روح و فکرشان همیشه تعریف شنیدیم ولی فعلاً متأسفیم که سوئیس مرکز نگهداری پولهای دزدهای بین‌المللی شده، مخصوصاً دزدها و غارتگرهای مردم ما و این لکه ننگی شده بر دامن سوئیس که هرچه دزد و غارتگر است، پولهایشان را بردند در بانکهای سوئیس گذاشتند. حتی نمیشود معلوم کرد چقدر دزدیده‌اند. بگوئید این لکه ننگ را از دامن‌تان پاک کنند.

بهره‌برداری از سرمایه

خبرنگاری پرسید: آیا در جمهوری اسلامی بهره‌برداری از سرمایه چنانکه در سیستم سرمایه‌داری متداول است، مجاز است یا خیر؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: خیر، در اسلام نه‌استثمار هست نه استعمار. هرکس به اندازه کارش و زحمتش و هرکس هم در جای خودش و بر اثر استعدادش بهره‌میرد. این همان معنای قسط است که مسلمان‌ها موظف‌اند اقامه کنند.

خبرنگار دیگری پرسید: آیا نمونه‌ای از حکومت اسلامی را که وجود داشته یا دارد میتوانید نام ببرید؟

آیت‌الله طالقانی جواب داد: نمونه کامل در عصر پیغمبر اکرم بود. ناقصش در عصر خلفا تشکیل شد و باز کاملترش در چند سال حکومت «علی» بود. پس از آنکه خلافت به سلطنت و آنهم به سلطنت

میراثی تبدیل شد، اساساً از مسیرش منحرف گشت. در جاهایی اصل اسلام انحرافیست و فروعش رامدعی هستند اجرا میکنند، مثل سعودی که اساساً چون سلطنت میراثی در اسلام بشدت نفی شده و در سعودی سلطنت خانوادگی بر مردم سلطه دارد، این نمونه اسلامی نیست. اگر در کشورهای دیگر اسلامی هم آراء مردم تا حدی دخیل در قوای مقننه و اجرائیه شده است ما می بینیم که این قسمتی از اسلام است و قسمتی از مکتب های دیگر که وارد اسلام شده. البته این انحراف ها بخصوص در قرن اخیر در اثر فشار استعمار غربی بود. ولی ایده یی که ما داریم مجتمع اسلامی خالصی است که با معیارهای مرقی قرآن و آراء آزاد همه مردم شکل بگیرد.

خبرنگار سؤال کرد: در مورد قوانین و معیارهای مرقی قرآن منظورتان چیست، آیا این قوانین متغیر هستند یا خیر؟

آیت الله طالقانی پاسخ داد: هر جمهوری در دنیا معیارهایی دارد. در نظام اسلامی که من اسمش را حکومت نمیگذارم، چون حکومت معنای حاکمیت عده ای بر عده دیگر را دارد، اما در اسلام حاکمیت جز برای خدا که خالق همه مردم است، نمی باشد و همه مردم بنده خدا هستند و زمین و آنچه ذخائر که در زمین نهاده شده سفره گسترده ای است برای همه مردم که باید به اندازه احتیاج و نیاز کارشان از آن استفاده کنند، این اختصاص به یک گروهی ندارد. چون همیشه قرآن خطابش به «ناس» است و «ناس» یعنی همه مردم نه مسلم یا مؤمن به تنهایی.

از این جهت اصل همین است که انسان اولاً به شخصیت خودش و شخصیت انسانی خودش برگردد، یعنی به شخصیتی که در اثر نظامهای فاسد از دست رفته است، و دیگر اینکه در شرایط اجتماعی آن قسط و عدالت همگانی پیاده شود. این اصل یک مجتمع سالم اسلامی است، ولی ممکن است همه اینها در یک شرایطی و در یک فصلی از زمان در اثر عوامل خارج و داخل یا ناآگاهی مردم پیاده نشود. کوشش کسانی که طرفدار این مکتب هستند، اینست که تا حد امکان این را پیاده کنند و همین جهت تغییرش است. مثل همه اصولی که در مکتبها و دانشگاهها علمی و ثابت اند و در عین ثبات، تکامل و تغییر هم در آنها هست. نکته مهمی که باید تذکر دهم اینست که انقلابات و حرکات اصیلی که در تاریخ دنیا از گذشته تا انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب های دیگر، هدف اصلی آزادی انسان ها بوده و هست و مطبوع اصیل انسان بیش از

مسائل خوراك و مسكن و.... «آزادی» بوده و مسائل اقتصادی در پرتو «آزادی» قرار داشته‌اند. ولی بتدریج ما می‌بینیم که در غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیست، آزادی انسان‌ها تحت‌الشعاع اقتصاد قرار گرفته و اقتصاد است که انسان‌ها و جامعه را شکل می‌دهد و یکنوع توده‌های مردم را به بند می‌کشد. این مسأله‌ای است که نسل امروز که تحت تأثیر مسائل اقتصادی قرار گرفته‌اند، نمیتوانند آنرا درست درك کنند. ولی در ایران می‌بینیم که توده‌های مردم، طبقه مرفه و غیرمرفه و تحت فشار زندگی، همه پیا خاسته‌اند، چه می‌خواهند؟ مسأله اول «آزادی» می‌خواهند و مسأله «قسط» یا عدالت اقتصادی خود بخود در پرتو آزادی به عقیده ما تأمین خواهد شد.

خصوصیت انقلاب ایران

خبرنگار روزنامه «النه‌ار» چاپ بیروت درودهای مردم فلسطین را تقدیم کرد و آیت‌الله طالقانی در جواب گفت: مردم ایران درباره مسأله فلسطین هرگز بی‌تفاوت نبوده‌اند صدای مظلومیت آنها را من خودم و فرزندان ما در ایران و خارج ایران همه‌جا منعكس می‌کردند، حضور من در کنفرانس‌های اسلامی کراچی - بیت‌المقدس - مکه و قاهره در زمان عبدالناصر، اصلاً برای دفاع از حق فلسطینی‌ها بوده، چون دشمن فلسطینی‌ها فقط دشمن فلسطین نیست و نبوده، بلکه دشمن همه عالم اسلام است. پیروزی فلسطینی‌ها پیروزی ما است و خدای ناخواسته شکست آنها شکست ما. بیاری خدا و تبعیت از اولیای اسلام امیدواریم معاضدت و همفکری و همیاری ما بعد از این بیشتر خواهد شد.

خبرنگار النه‌ار پرسید: ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران از نظر شما چیست، موقعیت انقلاب اسلامی ایران را در جهان سوم چگونه می‌بینید و آیا این بخشی از جنبش عدم تعهد هست یا نه؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: چون رهبری انقلاب اسلامی با شخصیت‌هایی است که به مبانی اسلام و جهاد اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر آشنایی کامل دارند، یکی از خصایص انقلاب اسلامی ما اینست که اسلام اصیل و دارای دینامیک خودمان را بدون دخالت فکری و سیاسی دیگران تا آنجا که قدرت و توانایی داریم پیش ببریم. ولی در انقلاب‌های دیگر اگر در کشورهای اسلامی هم بود، اسلام خالص نبود. قسمتی التقاطی بود و یا بوسیله يك حزب و گروه خاص هدایت میشد.

در کشورهای انقلابی کمونیست یا ناسیونالیست ما می‌بینیم که يك گروه انقلاب می‌کنند و بعد هم حکومت را خود آن گروه بدست می‌گیرند و قهراً وقتی گروه یا حزب خاصی بود، چه نظامی، چه غیرنظامی دنبالش دیکتاتوری و استبداد بود. ولی خصوصیت انقلاب اسلامی ما اینست که ما رهبری‌های مذهبی داعیه حکومت برای خودمان نداریم و نمی‌خواهیم حاکم باشیم. انقلابی است که از توده همه‌مردم، همه‌قشرها آغاز شده و برای همه قشرهاست نه يك حزب و جمعیت خاص. این یکی از ویژگی‌های انقلاب ماست.

از نزدیک هم مشاهده می‌کنید که این انقلابی است که از زارع، کارگر، کارمند، تاجر، دانشگاهی و... همه مردم در آن شرکت دارند. از همه مردم برای همه مردم شروع شده و هیچ حزب و جمعیتی هم حق ندارد برای خودش سهم بزرگتری در نظر بگیرد و از اینجهت حکومت را در انحصار خودش درآورد. این خصوصیت اصلی است و باقی مسائل فروع این مسأله می‌باشد. در مورد رابطه با سایر کشورها و موضوع عدم تعهد، وقتی که انقلاب ما از همه مردم است و در برابر استبداد و طاغوت داخلی و استعمار ایستاده‌ایم، قهراً ما وابسته به يك پایگاه نخواهیم بود و این همان معنای عدم تعهد است. ما نمی‌خواهیم متمایل به‌چپ یا راست باشیم. می‌خواهیم روی پای خودمان بایستیم، همانطور که همه کشورهای بیطرف می‌خواهند و الان این مسأله دارد توسعه پیدا میکند که گروهی و جوامعی تشکیل بدهند که از زمان مرحوم عبدالناصر درست شد و مرحوم نهرو و آقای تیتو رئیس جمهوری یوگسلاوی هم تأیید کردند. البته تز آنها با تز ما مشترك است و ما می‌خواهیم گروه مستقلی باشیم.

انقلاب ایران و کشورهای مسلمان

خبرنگار گفت: توجه فلسطینی‌ها اکنون به‌شدت متوجه ایران شده است، در حالیکه قبلاً نظرها متوجه جنبش فلسطین بود که چه نقطه نظرهایی را باید از آن گرفت. ولی حالا برعکس شده، به این ترتیب که در انقلاب ایران چه نقطه نظرهایی هست که باید آنها را فراگرفت. از اینجهت برای تمام مردم عرب ماهیت اجتماعی و دموکراتیک انقلاب اسلامی مطرح شده است.

آب‌اله طالقانی گفت: تأثیر انقلاب ما در دیگر کشورهای مجاور

عربی و اسلامی غیرعربی بیشتر از نظر منطقه جغرافیایی حساس ما است و دیگر اینکه سرمایه‌های مادی ما و رابطه با شرق و غرب و دیگر آن تعالیم خاصی که شیعه بوده و نگذاشته‌اند ظهور کند. بخصوص در این چندسال اخیر که استعمار به شدت تسلط پیدا کرد. از جهت منطقه جغرافیایی و از جهت سرمایه‌های مادی و سرمایه‌های فکری که قابل تفهیم برای همه مردم است (نه يك ایدئولوژی که خاص يك طبقه باشد) این انقلاب خواه ناخواه ریشه عمیقی از هرجهت داشت و در کشورهای دیگر مخصوصاً کشورهای مجاور، مسلماً این انقلاب تأثیر بسیاری خواهد داشت. حالا کیفیت تأثیر و اندازه تأثیرش مربوط به اینست که تا چه قدر بتوانیم پیروزی بدست آوریم و در این راه پیش رویم. توده‌های عرب درعین اینکه بعضی‌هایشان تا حدی مدعی هستند آزاد شده‌اند، اما قید و بندهایی برای آنها از طرف رژیم‌ها (حتی رژیم‌های مدعی آزادی) هست که عموم توده‌ها این را بتدریج دارند لمس و درک میکنند. این ندای آزادی مطلق که ما برای همه گروه‌ها سردادیم، شباهتی با آنچه که در کشورهای عربی عمل شده یا ادعا میکنند، ندارد.

نقش زنان در حکومت اسلامی

يك خانم خبرنگار از روزنامه «آیدین‌لیغ» ترکیه پرسید: اگر امکان دارد در مورد نقش زنان در حکومت اسلامی بفرمائید.

آیت‌الله طالقانی گفت: خانم‌هایی که مصاحبه میکنند، بیشتر روی همین موضوع حساسیت دارند. اگر ایشان خواهر مسلمان و آشنا با اسلام باشند، این سؤال را نباید بکنند. بلکه باید از متون اسلام و قرآن بدانند اسارت زن و مهجور نگه‌داشتن او مربوط به اسلام نبود. بلکه مربوط به زندگی اشرافی و درباری بود و بعد هم زن را در کشورهای اسلامی به اسم آزادی بصورت کالا و مصرف‌کننده کالا درآوردند (تجمل‌پرستی). از این جهت آن آزادی که در غرب معتقد هستند اسلام آن آزادی و آن مفهوم آزادی که بی‌بندوباری و وسیله‌شدن و آلت‌شدن زن برای سرمایه‌دارها و مصرف‌کننده‌ها باشد، آن را ما قبول نداریم. اگر معنای نگرانی درباره زن اینست که اسلام زنها را در مسائل اقتصادی و اجتماعی و تکامل فکری و دانش مهجور میدارد، در اسلام نیست و ما نمونه کامل از همان زنهای صدر اسلام داشتیم مثل فاطمه

زهره دختر پیغمبر که هم خانه‌دار بود و هم در میدان‌های جهاد پشت سر مجاهدین خدمت میکرد و هم بموقعش در مسجد برای دادخواهی فریاد می‌کشید. و یا دختران ائمه ما، اینها زن اسلامی بودند. اگر زن اسلام میخواهند مطابق این نمونه باشد، همانست که ما عقیده داریم، ولی اگر میخواهد نمونه عروسکهای غربی باشد، این از نظر اسلام آزادی زن نیست و بنظر ما از بین بردن شخصیت زن در اجتماع است. این دیدگاهی است که ما درباره زن داریم. الان هم می‌بینید در همین مبارزه میلیونها زن ایرانی شرکت دارند و بزرگترین پایگاه مبارزه ما همان زنهای ما هستند، چه دختران و خواهران دانشگاهی و چه زنهای خانه‌دار.

خبرنگار پرسید - الان امام خمینی موضوع ایجاد دولت انقلابی را در نظر دارند و دولت بختیار هم موجود است این دوگانگی دولت بنظر جنابعالی چطور است؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد - این دوگانگی نیست. مردم اینهمه خون دادند و مبارزه کردند برای چه؟ برای اینکه يك رژيم فاسد و غیرقانونی از نظر مردم که مطابق همان قانون اساسی هم که آنها مدعی هستند نبوده (که رژيم سلطنت دیکتاتوری بوده) آن را نفی کنند. همه مساله اصلی مبارزه مردم این بوده و این آقای بختیار اگر از طرف مردم یا مجلسی باشد که منبعث از مردم می‌بود، می‌توانست این ادعا را بکند. ولی مردم ایران حکومت او را اصلاً قانونی نمیدانند و همان مبارزه‌ای را که با آن سلطنت و شاه کردند دنبال خواهند کرد و بختیار بیخود معطل است او اگر آدم عاقل باشد و درباره مبارزه‌های سابقش راست بگوید که برای آزادی مبارزه کرده، ما نفهمیدیم فرق بین بختیار، از هاری، شریف‌امامی چه بوده، آنها هم از طرف شاه نصب شدند، بختیار هم از طرف شاه نصب شده، به آنها همین مجلس رای داده آنها را همین نظامیان طرفدارش هستند. پس مسئله مبارزه چه میشود. بختیار ممکن است مقاومت کند ولی بنظر ما نتیجه ندارد، خونریزی‌ها بیشتر میشود نه اتکائی به مردم دارد نه اتکائی به قانون فقط يك مرکز اتکا دارد و آن آمریکائی‌ها هستند که اصرار دارند و همین آمریکائی‌ها بودند که پدر شاه را درآوردند وقتی علنی کارتر اعلام میکند (همه مردم نمیدانستند شاه اینقدر دست‌نشانده است ما از شاه حمایت میکنیم. برای اینکه تعهد داریم و او را نگهداریم) مردم عصیان‌شان بیشتر شد حالا هم آمریکا رسماً اعلام میکند که ما بختیار را می‌خواهیم نگهداریم. عصیان

مردم فقط زیاده‌تر خواهد شد.

خبرنگاری پرسید: آقای بختیار در مورد مسأله اعلام جهاد گفتند که جهاد را فقط می‌توان بر علیه کفار داد که زمینهای مسلمانان را غصب کرده باشند و در غیر اینصورت برادر کشی میشود.

آیت‌الله طالقانی جواب داد او اصلاً جهاد را نفهمیده است بر هر فردی که حقیقت غصب شده باشد، دفاع از حق واجب است ما جلوی مردم را میگیریم تا آن حد که با فریاد دفاع کنند. ولی وقتی فریاد به جایی نرسید و طرف حمله کرد، یورش کرد، غصب کرد، مردم اگر خودشان هم با اسلحه جلو بروند، حق قانونی‌شان است و لازم به فتوا نیست. هیچ کافری کافرتر از آن نیست که حق مردم را از بین میبرد و قانون را می‌شکند و به غصب بر مردم سلطه پیدا میکند.

خبرنگار پرسید: درباره دستگیری دکتر علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی نظر شما چیست؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: آقای حاج‌سیدجوادی از شخصیت‌های ارزنده ما است و هیچ تهمت و مارکی به او نمی‌چسبید. چون کتابهایی که نوشته و مقاله‌هایی که مینویسد، مقاله‌های اصیل ملی، بلکه قسمتی اسلامی است که نهضت کمونیست هم به او نمی‌چسبید و همه مردم خصوصاً طبقه جوان نسبت به او حساسیت خاصی دارند و گرفتن ایشان هم از اشتباهات دیگری است که رژیم مرتکب شده است.

کیهان سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۵۷

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

پدر طالقانی:

مردم را تهدید به قتل و آتش‌سوزی نکنید

از منزل آیت‌الله طالقانی درباره سه‌مشکل و مسأله روز که منجر به مراجعات مکرر به منزل ایشان شده است اطلاعیه‌ای صادر شد. یکی از این مشکلات مربوط به کسانی است که تهدید به مرگ میشوند.

در اطلاعیه ضمن ارائه یکی از این «دست‌نوشته»های تهدیدآمیز چنین آمده است:

۱- از این‌فرم نامه‌های تهدیدآمیز این روزها برای خیلی از مردم

بوسیله پست یا انداخته پشت در خانه‌ها ارسال میشود و دائماً مراجعاتی که مردم را به تشویش و نگرانی می‌اندازند.

اگر بنا باشد مردم انتقام بگیرند اول بایستی تکلیف یکی دو هزار جنایتکاری که آمر و عامل اصلی جنایات وحشتناک این سالها بوده‌اند معلوم کنند، سپس افرادی مثل بیچاره دکتر احمدی (پادوی بدبخت سرپاس مختاری) را بدار بیاویزد، انتقام و مجازات و قصاص فجایع دوران طلایی ۲۰ ساله را حکومت فروغی در دار آویختن پزشک احمدی (که نه پزشک بود نه داروساز) خلاصه کرد و آقای عبده دادستان آنروز آن دادگاه جنایتکاران موجبات رهایی و پاکی تبرئه‌شان را فراهم کرد. بهر حال توصیه ما چنانکه در مراجعات پی‌درپی بارها باینگونه اشخاص گفته‌ایم و نوشته‌ایم: شما مردم بیچاره و متوسط برفرض که در گذشته مرتکب خطاهای کوچکی هم بوده‌اید، چاره‌ای نداشته‌اید، که مثلاً راننده فلان آدم دزد یا فلان افسر بیرحم و فاسد باشید این گناهی نمیشود که امروز سزاوار مجازات آنهم از طریق عناصر و افراد غیر مسئول. و مسلماً بر ما باور است که اینگونه تهدیدات و تحریکات فقط و فقط از ناحیه عوامل رژیم سابق در مسیر خواست آنها است که جنگ روانی بزرگی به‌دستکاری کارشناسان امریکائی و اسرائیلی خود علیه این ملت براه انداخته است و توسعه میدهد، این بر مردم است اولاً باین تهدیدات ترتیب اثر ندهند و افکار خود و خانواده‌شان را مشوش نکنند، ثانیاً فرضاً هم که مورد تعدی، سرقت، رذالت‌های دیگری قرار گیرند با نهایت جدیت و غیرت و شجاعت و سرسختی از جان و مال و ناموس و حیثیت خود دفاع کنند که این حق هرکسی است که مورد هجوم قرار گیرد.

آزار برادران کارگر

۲- طبق اخبار و گزارشات واصله برادران کارگر را بعضی ارتشی‌ها در شهر صنعتی قزوین سخت در فشار قرار داده و آنان را تهدید کرده‌اند که اگر از دستورات ما (در مواقع لزوم!) سرپیچی کنید شما قتل‌عام خواهید شد و کارهائی که از آنها خواسته‌اند «آتش زدن و تخریب کارخانجات آن منطقه صنعتی است» متأسفانه با رفتار ناجوانمردانه و زشتی که از بعضی از ارتشی‌ها نسبت به‌دکان و خانه و خانواده شهر قزوین سر زد اینگونه تهدیدات یا توقعات امری طبیعی

بنظر میرسد. لازمست اولاً مقاماتی که هنوز خود را مسئول وجوابگوی مردم میدانند و یک عمر از خزانه ملت حقوق و مزایا گرفته‌اند تا یک روز خدمت کنند فوری غائله را خاتمه داده و رفع نگرانی و تشویش از برادران عزیز ما و خانواده‌های آنان بنمایند ثانیاً خود کارگران که اکثراً در اثر سستم اسثمار از بهره و امکان مادی کافی برخوردار نیستند. ولی خوشبختانه در عوض غالباً از قدرت جسمی قابل توجهی نصیب دارند. خودشان مردانه با مقابله با این دیوصفتان و دفاع از حیثیت و جان و ناموس خود هر لحظه آماده باشند و در این کار اندک درنگ و تأملی بخود راه ندهند که در هر قانون و مکتبی دفاع حق مسلم هر موجود زنده است و معاف از هرگونه مواخذه و مجازات میباشد. در هر حال فراموش نشود که این کارخانجات جزو سرمایه‌های عمومی جامعه و حفظ حراست آن بر همه فرض و واجب است نباید تحریکات و غفلت‌ها در مؤسسات صنعتی و کارگری به اقتصاد جنبش لطمه‌ای وارد کند.

مزاحم زحمتکشان گورستان نشوید

۳- از طرف مسئولان گورستان بهشت‌زرها خبر میرسد که پاره‌ای غیرمسئول در امر تفسیل و تدفین اموات مداخله و در مورد بعضی از انجام فرایض شرعی مقتولین و شهداء ایجاد اشکال می‌نمایند. جداً و قویاً توصیه میشود که هیچکس دراموری که برعهده پرسنل گورستان است نباید بهیچ بهانه و دستاویزی مداخله کند فقط مراجعین حق دارند در امر تشییع اموات و تکریم کشته‌شدگان تا آنجا که می‌توانند و مصلحت می‌دانند و اقدام نمایند. البته برادران ایمانی با مراقبت و همکاری سعی خواهند داشت که هیچگونه اشکال و نارضایتی‌ای برای متصدیان زحمتکش گورستان فراهم نکنند. خداوند همه را برای دقت در انجام وظائف و مسئولیت شما موفق بدارد.

کیهان ۴ شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۷

پیام پدر طالقانی درباره حمله مسلحانه به نیروی هوایی

واقعه دیشب و امروز صبح پادگان نیروی هوایی توطئه‌ایست که

مسلمانان از ناحیه بعضی از مسؤولین جزء برای تدارك يك برادرکشی بزرگت و ایجاد خصومت و دشمنی بین فرزندان ارتشی ما بوجود آمده. انتظار بود که پاسداران استقلال و سعادت کشور صلح و دوستی فیما بین خود را به تحریک چند نفر عناصر مشکوک یا عصبانی به دشمنی و برادرکشی تبدیل نکنند. اینک نیز از طرفین قضیه به عنوان يك پدر روحانی تقاضا دارم برای پیشبرد و تحقق هدفهای انسانی و نجات بخش رهبر ملت امام خمینی به ستیزه جویی و درگیری خاتمه داده همه به سربازخانه های خود برگردند و از متصدیان مقامات بالای ارتش نیز جداً و قویاً خواستارم مسؤول یا مسؤولین تهاجم شبانه به پایگاه هوایی فرح آباد را تعیین و به مجازات حق تسلیم نمایند و عموم ملت نیز با تسلط بر اعصاب خود از مداخله جویی و مقابله های فردی سخت پرهیز نمایند.

کیهان شنبه ۲۱ بهمن ۵۷

اطلاعیه ای از منزل پدر طالقانی: کاخ های ستم شاهنشاهی را حفظ کنید تا به معرض نمایش گذاشته شود

امروز این اطلاعیه از منزل آیت الله طالقانی صادر شد:
۱- قصر نیاوران خانه ی ظلم، آشیانه فساد و تباهی، لانه جاسوسی و نوکری، بنیروی بازوی توانای فرزندان غیور انقلاب سقوط کرد. اینجا و دهها و بلکه صدها نظایر آن، که آثار و نشانه هایی از ظلم طولانی است که باین ملت حاکم و عامل بوده، بایستی همگی حفظ شود. اینها سمبل و مظهر تعدیات جانکاهی است که قرن ها و نسلها این مردم مظلوم گرفتار بوده اند. برپائی همین ها ملازم با تداوم زورگوئی ها، حق کشیها، استثمارها، تزیورها، تحمیق ها و بالاخره بخت و خون کشیدن گزیده ترین فرزندان اسلام و ایران در هر عصر و زمانی بود. بقا و سرپا ماندن این قصور و ابنیه گواه صادقی است که بملت ما چه گذشته. پس از همه فرزندان رشید انقلاب اسلامی ایران خواستارم که در نگهداری و حراست اینگونه تأسیسات از آنجمله قصر نیاوران بکوشند و با گماردن محافظین غیور و با کفایت زیر نظر مسئول مستقیمی از هرگونه دستبرد و تخریب که نتیجه قهری خشم مردم است، سخت جلوگیری

کنند تا در اولین فرصت مسئولین مملکت برای تعیین تکلیف آن ترتیب صحیحی معمول دارند.

۲- بعضی از فرماندهان پادگانها با ارسال پیامها و یا تلگراف- هائی خدمت امام خمینی رهبر عالیقدر نسبت به جنبش ملت مسلمان ما اظهار وفاداری و تبعیت نموده اند. ضمن اظهار خشنودی، که هرگاه از ناحیه عقل و درایت و حق پذیری باشد قابل ستایش و قدردانی است. این نکته نیز باید برای عموم هموطنان هر لحظه مورد نظر باشد که ممکن است در میان آنان عناصر سرسپرده برژیم طاغوتی گذشته بوده باشند که هنوز سودائی بسر دارند. لذا بایستی با هشیاری و فراست انقلابی ضمن اینکه مزاحمتی برای ارائه خدمت پیش نیاید اعمال آیندسته از فرماندهان زیر نظر قرار گرفته مجال و فرصتی برای نیات پلید و وسوسه های شیطانی احدی از آنان باقی نماند. مخاطب این توصیه بیش از پیش و مخصوصاً آقایان افسران جزء و رده های پائین پادگانها هستند. طبیعی است با پشت سر گذاشتن این ایام بحرانی درجه ای صداقت و کفایت همه روشن میشود. کیهان سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۵۷

۵۷۱۱۲۷

بسمه تعالی

اطلاعیه به هموطنان گرامی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ها»

۱- چون اصولاً نمی بایستی و نمی خواهیم که در عزل و نصب مقامات دولتی و رسمی دخالتی داشته باشیم یا به نحوی از انحاء توصیه بنمایم بخصوص که باید دست دولت موقت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان (دوست و همقدم ۴۰ ساله ام) مبعوث امام خمینی و شورای انقلاب از هر جهت باز بماند لذا از هرگونه مراجعه ای در این مورد به این جانب خودداری فرمائید.

۲- اطلاعیه و اعلامیه ها و نمایندگی ها از طرف اینجانب کتباً یا شفاهاً تأیید و معرفی شده و خواهند شد و در غیر اینصورت از درجه اعتبار ساقط است.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته سید محمود طالقانی

اطلاعات شنبه - ۲۸ بهمن ۵۷

پدر طالقانی:

همه رؤسا باید بوسیله مردم انتخاب شوند

حضرت آیت الله طالقانی، دیشب در يك گفتگو با نمایندگان رسانه‌های عمومی داخلی و خارجی، نقطه‌نظرهای انقلاب اسلامی ایران را تشریح کردند و نقش آینده روحانیت را در جامعه پرشمردند.

آیت الله طالقانی در پاسخ این سؤال که موضع جمهوری اسلامی و نظام طبقاتی و اقتصادی آن چیست، گفتند:

● در نظام جمهوریت اسلامی مثل همه نظامها و جمعیت‌ها، یکسری: ضوابط و معیارهای عمومی وجود دارد که ما در دست داریم و همه این ضوابط مربوط به مسائل همه مردم است. همه مردم با تمام ابعاد انسانیشان، نه صرفاً از بعد اقتصادی. یعنی انسان بیش از آنکه يك موجود اقتصادی و اجتماعی باشد و نیازهای مادی داشته باشد، احتیاج به آزادی دارد. مفهوم آزادی آنقدر ارجمند است که انسان حتی حاضر است که در مقابل آن امکانات رفاهی را از او سلب کنند. خصوصیت دیگری که در نظام اسلامی وجود دارد این است که فرد نمی‌تواند سلطه کامل بر دیگران پیدا کند، چرا که این حق بر هیچ فردی نیست، حتی آن افرادی که ما آنها را افراد بالاتری میدانیم، یعنی انبیا.

همین‌طور يك حزب و يك گروه حق سلطه داشتن را ندارد. سلطه داشتن غیر از رهبری است. در نظام اسلامی يك فرد می‌تواند رهبری کند، ولی امکان تسلط یافتن را ندارد. از این جهت در نظام اسلامی حزب خاصی وجود نداشته و ندارد.

یعنی اگر در يك مجتمع همه اکثریت آن اصول اسلام را بپذیرند بدون آنکه کارت و یا وابستگی حزبی داشته باشد خودبه‌خود جزو این مجتمع هستند، آزاد و بدون قید و بند سازمانی. پس همین فرقی است مابین نظام اسلامی (بطور کلی) با نظامهای اجتماعی دیگر دنیا. چه دیکتاتورها و سلطه‌های فردی، چه نظام سرمایه‌داری که تعدادی سرمایه‌دار، یا بوسیله زور و یا بوسیله پول بر اکثریت سلطه پیدا می‌کنند، و چه کمونیسم که بوسیله يك حزب مسلط می‌شود. این فرق اساسی بین جمهوریت اسلامی است با سایر نظامهای اجتماعی که در دنیا معمول است.

شورای انقلاب

● خبرنگاری پرسید: شورای انقلاب به چه علت معرفی نمی‌شود و کلاً بگوئید تاکنون چه نقشی داشته‌اید و از این پس چه نقشی خواهید داشت؟

* اصلاً به چه مناسبت این سؤال را از من می‌کنید؟

● به عنوان يك فرد مطلع.

* شما از کجا احراز کردید که بنده يك فرد مطلع هستم؟

● به عنوان یکی از اعضای احتمالی شورا از شما این سؤال را کردم.

* به عنوان يك عضو احتمالی که نمی‌شود از من سؤال کرد. من يك آدم مریض هستم بهمین دلیل از متن و کارهای دولت بی‌خبرم (البته نه کاملاً) ولی چون سؤال کردید در حد همان اطلاع و آگاهی برایتان می‌گویم. شورای انقلاب پیش از برگشت آیت‌الله خمینی تأسیس شد. کار این شورا شناسائی افراد دولت احتمالی بود که پس از منهدم کردن رژیم اداره امور را در دسترس بگیرند در بازگشت آیت‌الله خمینی بعضی از افراد آن شورا در رأس دولت موقت قرار گرفتند. و در آن شرایط به يك تجدید نظر نیاز داشت. مخصوصاً بعد از درهم شکسته شدن رژیم که من به‌شخصه به علت گرفتاری‌ها و ناراحتی مزاجی در این شورا شرکت نکردم. در نتیجه اطلاع کاملی از جریان‌ات این چند روز اخیر ندارم.

آیت‌الله طالقانی در مورد وضع رادیوتلوویزیون گفتند:

● اصولاً مجال زیادی برای استفاده از رادیو تلوویزیون نداشتم و از این جهت معیار چندانی برای ارزیابی ارزش‌های رادیوتلوویزیون در دوران محمدرضا شاهی و بعد از آن ندارم. ولی اجمالاً میتوانم بگویم که تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. مسئله کلی این است که خصایص شرقی‌ها و اصولاً ایرانی‌ها این است که هم عجل هستند و هم بلند پرواز. این حسنی دارد و ما هم نمی‌خواهیم که سنگ توقفی باشیم چرا که برای خیر و شر، خوب و بد معیار مطلق وجود ندارد بلکه نسبی است، و يك بدی هم دارد و این آنکه این عجل بودن باعث بهم‌ریختن کارها است. یعنی مردم به مقامات فرصت نمی‌دهند تا کارها در روند خودش پیش برود. رادیوتلوویزیون هم شعبه‌ای از همان سیستم است. و ما امیدواریم که رادیوتلوویزیون به همان قدری که در آلوده کردن افکار

در رژیم سابق دست داشته در شرایط حاضر نقش مثبت و سازنده تری را در تزکیه اخلاق و بینش‌های اجتماعی ایفا کند. چرا که رادیو و تلویزیون وسایل قوی و اثرگذاری هستند. به‌رحال افرادی که انتخاب می‌شوند نمی‌توانند از افراد فاسد گذشته باشند. بلکه باید افرادی سالم و صالح که آلودگیهای مغزی نداشته باشند.

انتخاب مدیران

● در اینجا یکی از خبرنگاران گفت. کارکنان رادیو تلویزیون پس از چهارماه اعتصاب به‌همراه همزمان دیگر در شرایطی قرار گرفتند که فضای مطلوبی بوده و هست. در این فضای مطلوب مسئله انتخاب مطرح است، نه انتصاب. افراد رادیو تلویزیون باید حق آنرا داشته باشند که مدیری را از میان خودشان انتخاب نمایند. نظر شما در این مورد چیست؟

● وقتی که ما نظام جمهوریت اسلامی را براساس حق همه مردم می‌دانیم، و باید همه مردم در سرنوشتشان دخالت داشته باشند - البته به‌اندازه درک و همتشان، چون میدانیم که آدمها متفاوتند، وقتی اساس جمهوریت اسلامی براین پایه است، به‌مطلب دوم می‌رسیم که گروهها، جمعیتها حالا چه اقتصادی و چه اداری، چه کشاورزی، چه کارخانجاتی، همه اینها حق دارند که سرپرستهایشان را خودشان انتخاب کنند. ما آن نظام را براساس حقوق عمومی قرار می‌دهیم خواه ناخواه این حق برایشان است. عقیده شخصی منم براین است. البته يك مقدار توضیح بیشتری بدهم چرا که این سؤال مقدر است و در زمینه‌های دیگر هم وجود دارد. پس از همین الان نگفته، ولی دانسته بدانها پاسخ می‌دهم تا خیال شما و خودم را هم راحت کنم. باری مسئله‌ای را که بارها بدان اشاره کردم، مسئله آزادی است، آزادی در تمام ابعاد. وقتی که اساساً این مطلب مطرح است، و وقتی که ما آزادی را برای انسان بالاترین هدیه الهی و بشری می‌دانیم که انسان آزاد آفریده شده است، هیچ کس هم نمی‌تواند آنرا سلب کند. اصولاً تمامی انقلابات برای باز کردن بندها بوده است. چه بندهای اجتماعی و چه بندهای اخلاقی. قرآن درباره بعثت پیغمبر (ص) چنین می‌گوید که: پیغمبر برای این مبعوث شده که بندهای تحمیل شده به‌انسان را از هم بگسلد. پس ما هیچ وقت در اسلام نمی‌توانیم تحمل کنیم که استبداد جایش را به‌يك

حزب و یا استبداد دیگری بدهد. این يك اصل کلی است.

روی این اصل کلی، هرفردی میتواند که در زندگی، مشی و روش خودمختارانه داشته باشد و آزاد باشد. البته این آزادی او نباید به آزادی دیگران لطمه بزند. پس هرگروه و دسته‌ای آزاد است که برای خود نماینده و سرپرست انتخاب کند. این مسئله در مورد دولت هم صادق است. باید مجموع نمایندگان گروهها بصورت مجلس منتخب، آزاد و از مجلس منتخب دولت تشکیل شود که البته مستلزم آن است که ما بطور مصطلح در اسلام دولت داشته باشیم که نداریم. همین ملتی که تا چند ماه و چند سال قبل نمی‌توانست يك جزوه بخواند، چرا که برای او محکومیت‌های خاصی داشت. در اثر يك جرعه و جهش تمامی این بندها پاره شد و یکباره احساس آزادی کرد. از این جهت آنها عجله دارند که تمامی این مسائل در عرض يك روز حل شود. مسائلی از قبیل دولت، تلویزیون، ارتش و یا همین اعتراضاتی که همافران نیروی هوایی به انتصابات فرماندهان خود کردند و خواستار انتخاب فرمانده از میان خودشان شدند، که البته ما این حق را به آنها می‌دهیم. چرا که همین همافران نقش بسزائی در پیروزی داشتند. ولی این را باید همه افراد ملت خصوصاً جوانها بپذیرند که مسائل زندگی و سازندگی، مسئله‌ای تدریجی است. با يك زلزله و با يك کلنگ، يك کاخ را میشود خراب کرد ولی ساختن مجدد آن مستلزم يك عمل تدریجی و مصالح و مواد و عناصری است. فقط مسئله مهم آن است که این نهضت ادامه پیدا کند و متوقف نشود. و متأسفانه به نظر من در این شعارها، و در درخواستهای بیش از حد شرایط و زمان که جوانهای ما دارند، احتمال می‌دهم که انگشت‌های ارتجاع سابق و امپریالیسم عامل محرکند. این دولت يك دولت انتقالی است. يك دولت موقت است. دولت موقت باید يك مقدار با این بهم‌ریختگی سروشکل بدهد و از این پراکندگی و رکود وضع اقتصادی، از هم پاشیدگی وزارتخانه‌ها، مراکز اقتصادی و کارخانه‌ها راه بیافتد و بعد نوبت انتخابات آزاد همه مردم شود. این مطلب به این دلیل نیست که همه‌ی گروهها و صنفها از حالا شروع به کار کنند.

افراد مصلح بدون دخالت‌های فردی، بدون حب و بغضها و وابستگیها افراد صالح و شایسته به معیار تقوا، تقوا با تمام ابعاد، تقوای نفسی و تقوای اجتماعی انتخاب شوند تا بتوانند در آینده دولت

را تشکیل بدهند.

دوره انتقالی

● همان خبرنگار توضیح داد: يك نکته در بین صحبتها تان بدان اشاره کردید و آن عجل بودن قضیه است. این ممکن است که در مورد سایر سازمانها، صادق باشد، ولی در مورد رادیو و تلویزیون نیست، چرا که در همان روز اول درهم کوبیدن ارتش با ورود کارکنان رادیو و تلویزیون نقششان هم ثابت شد. مخصوصاً اینکه شما اشاره به این موضوع نمودید که ما الان در حال گذراندن دوره انتقالی هستیم...

● ... من نگفتم که وقتی مجلس مؤسسان تشکیل شد وضع ما مشخص می‌شود. عقیده‌ی من این است که از همین الان، از پایه باید شروع کرد. چرا که این انقلاب، يك انقلاب همگانی است. این مردم بیشتر از همه‌ی ما حق رأی و تصمیم‌گیری دارند. چرا که آنان خون دادند. و الان می‌بینیم بچه‌هایی هستند که شبانه‌روز دو ساعت بیشتر نمی‌خوابند و در خیابانها پاس می‌دهند و مواظب اوضاع هستند. انقلاب مال آنهاست تنها کاری که ما می‌توانیم بکنیم این است که حامی اینها باشیم. چون انقلاب مال اینهاست ما باید منتخبین اینها را در هردسته و گروهی که هستند انتخاب کنیم بنابراین من معتقد نیستم که اول مجلس مؤسسان تشکیل بشود بعد کارها شروع بشود.

وضع ارتش کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه‌ها»

● از ایشان سؤال شد: مسئله ارتش این روزها مسئله روز است. یک‌عده می‌گویند که با تغییر مهره‌ها و دست نخوردن سازماندهی در ارتش، مار را در آستینمان پرورش داده‌ایم. و عده‌ای دیگر معتقد هستند که ارتش سرجای خودش باشد و فقط فرماندهان و افرادی که در رژیم گذشته دستشان به خون آلوده شده است باید عوض شوند. شما با تشکیل ارتش ملی موافق هستید؟ و دوم آنکه آیا ارتش فعلی باید درهم ریخته شود و ارتشی مجدد سازمان پیدا کند، یا خیر؟

● شما اول باید سؤالتان را تفکیک بکنید در وهله اول باید بگویم که ارتشی نمانده است که شما از آن صحبت می‌کنید. این ارتشی است که فعلاً با تمام تبلیغاتی که رژیم برای آن می‌کرد با چند ضربه متلاشی شد. یعنی از درون يك ارتش ملی و وابسته به مردم و وطن

نبود. وایسته به چند فرد و استعمار بود. بنابراین ارتشی بمعنای ارتش فعلاً وجود ندارد. آنچه که هست، آن افرادی که برای ارتش منصوب می‌شوند، آنطوریکه من میدانم، برای آن است که اینها بتوانند به ارتش فرو ریخته شکل بدهند. مخصوصاً در این روزها که وسایل و ابزار جنگی در دست مردم افتاده است و بعضی از آنها هم به غارت رفته.

این انتصابات صرفاً به منظور حفاظت از سرمایه‌های عظیم ملی در پادگانهاست. تا به تدریج از بنیان تغییراتی در آن داده شود. اما از نظر من ارتش به یک سری از عوامل وطن پرست و با ایمان نیازمند است تا بتواند رهبری صحیح داشته باشند. برای آنکه ما یک ارتشی می‌خواهیم که حافظ سرحدات و مرزهایمان باشد. و از مملکت در مقابل حملات بیگانگان حفاظت کند. این ارتش دیگر نمی‌تواند ده هزار یا بیست هزار باشد. باید همه‌ی ملت ارتش باشند و از نظر اسلام ارتش هم همین است.

شما وقتی در صدر اسلام نگاه کنید می‌بینید که ارتش مردم بود و مردم ارتش بودند. و با همان ارتش دو امپراطوری را در طول ربع قرن فرو کوفتند. نظام حاکم در ارتش اسلام نظام درجه نبود بلکه نظام لیاقت بود. ولی در ارتش رژیم ملاک ارزش پرونده‌های اطلاعات و ضد اطلاعات بود. چند روز پیش پرونده‌های ضد اطلاعات و اطلاعات را آورده بودند و من نگاهی بدانها کرده بودم دیدم با سابقه چند خطی فلان سرتیپ می‌شود سرلشگر، معیار سابقه بدین شکل بود که فلان آقا در روزهای جشن دوهزار و پانصدساله فلان کارها را کرده، شاهدوست بوده است و همین چند خط چند درجه به همراه داشت و کل ارتش ما را این میرزا بنویس‌های بادمجان دور قابچین تشکیل می‌دادند. ولی حالا ارتش باید دو کار انجام بدهد، یکی آنکه تمامی امرا را که دستشان به خون مردم آلوده است به محاکمه بکشند و آنها که در حواشی بودند، اگر خوردند و بردند، ببینند که اگر دزدی‌هایشان مسلم شد اموالشان را مصادره کنند و آنها را خانه نشین کنند. و بعد به مراحل پائینی ارتش می‌رسیم، آنها‌ئی که حسن نیت داشتند میمانند و آنها‌ئی که نداشتند اخراج کنند. اگر کار بدست من باشد، من یک پاسبان لایق و با ایمان و کاری را در رأس شهربانی قرار می‌دهم. و ستوان یک لایق را در رأس ستاد قرار می‌دهم. اما هنوز در خصوصیات ارتش این تلقین وجود دارد که یک دوستاره باید در مقابل سه ستاره سلام بکند

و باور نمی‌کند که يك دوستاره بر سه - چهار ستاره فرماندهی کند. این نیاز به زمان دارد تا به تدریج این روابط از بین برود.

*** استنباط من از حرفهای شما این است که ارتش ما در آینده با ارتش فعلی کاملاً متفاوت خواهد بود؟**
 ● بله.

آینده ایران و فلسطین

*** سپس سؤال شد که: الان برادران فلسطینی ما در ایران هستند من می‌خواستم محبت بفرمائید و بگوئید که روابط و کمکهای که ما بدانها خواهیم کرد به چه ترتیبی خواهد بود؟**

● فلسطینیها مردمانی هستند که با زور از خانه‌هاشان رانده شدند. که این برخلاف تمامی موازین حقوقی و انسانی است. و اینها يك حرف بیشتر ندارند و آن اینکه ما از خانه‌هاشان رانده شدیم و خانه‌هاشان را می‌خواهیم. این مظهر مظلومیت فلسطین و ظلم و استعمار بطور کامل متبلور شده در داستان فلسطین. و اما مسئله روابط، ما از همان لحظات که وضعیت فلسطین بوجود آمد پشتیبانی خود را اعلام داشتیم. درست در همان جهت که رژیم مدافع اسرائیل بود ما مدافع فلسطین بودیم و این بخشی از پرونده‌های من است و این حمایت تا لحظه پیروزی خلق فلسطین ادامه خواهد داشت.

*** سؤال شد این همکاری می‌تواند دو صورت داشته باشد. یکی روابط دوستانه غیررسمی و یکی روابط دیپلماتیک دولت وقت ایران و فلسطین، و اصولاً بفرمائید که مقدار صلاحدید روابط تا چه اندازه است؟**

● اگر بتوانیم خودمان را نجات بدهیم، نه تنها از دولت فلسطین بلکه هر دولت مظلوم دیگری را طبق وظایف اسلامی و انسانی حمایت می‌کنیم. چگونگی دستگیری هم به زمان بستگی دارد. اگر توانستیم از طریق دولتها و اگر نتوانستیم از طریق ملت‌ها. این در احکام اسلام هم وجود دارد. ما به هر فرد و گروه مظلوم از هر مذهب و مسلکی که باشد کمک خواهیم کرد.
 گلایه از دولت شوروی

*** پرسیده شد که: در مورد روابط دولت آینده ایران با شوروی نظرتان چیست؟**

● ما با کشور شوروی که هم مرز ماست و وسعت پهناوری دارد. قدرت دارد. روابط ما باید روابطی باشد که سوء قصد به یکدیگر نداشته باشیم. شوروی نباید ما را آلت دست مسائل بین‌المللی خودش قرار بدهد. تا وقتی که روابط عادلانه باشد و سودجویانه نباشد، بلاطبع روابط ما حسنه خواهد بود. البته ما گلایه‌ای از کشور همسایه‌مان داریم. برای اینکه ما می‌دیدیم که شوروی بنا به سیاست خودش این رژیم سرنگون شده را تأیید می‌کرد. و این مسئله برای مردم ایران دردآور بود. ما میدانیم که شوروی يك کشور استعمارگر به مفهوم کشورهای غربی نیست و استعمارگری با تزشان منافات دارد ولی گله‌مندی ما همین بوده که در طول انقلاب اخیر بطور مستقیم از ملت ایران دفاع نکرده است، و این گله‌ای است از ما بر شوروی، همانطور که در دولت دکتر مصدق هم حمایت نکرد. در این اواخر هم که به‌رادیو مسکو گوش میدادیم، هیچ وقت بطور مستقیم به شاه و دار و دسته‌اش حمله نمی‌کرد. به‌رحال در مورد حسن روابط نه تنها در مورد شوروی بلکه در مورد تمامی کشورها ما نمی‌خواهیم روابطی تیره و تار داشته باشیم. بلکه روابطی روشن چه از نظر روابط سیاسی و چه از نظر اقتصادی و اجتماعی.

خلع سلاح خطرناك نیست

* پرسیده شد که: در روزهای اخیر اقداماتی برای خلع سلاح افراد چریك انجام شده است. با در نظر گرفتن اینکه گروههای مسلح مجاهدین و فدائیان در کنار نیروهای مسلح مردم عادی جنگیده‌اند فکر نمی‌کنید در شرایطی که ضداقلاب هر لحظه می‌خواهد سر بیرون کند این خلع سلاح خطرناك باشد؟

● این مسائل باید از یکدیگر تجزیه شوند. يك مسئله، مسئله خلع سلاح است. در شرایطی که سلاح در دست افراد غیرمسئول افتاده است خودش میتواند خطری برای امنیت داخلی کشور باشد. پس از نظر من جمع کردن سلاح کار درستی است ولی البته سلاح‌ها باید در دسترس افراد مسئول باشد تا از مردم دفاع کنند. و این افراد مسئول دارای مکانهای ثابت باشند تا نظم اجتماعی به‌هم نخورد.

* پرسیده شد که: من منظورم گروههای مسلح است که در کنار مردم از زمان اختناق هم مسلح بودند.

● خلع سلاح به نظر من بدان معنی نیست که سلاح از دسترس آنها دور باشد. ولی در این شرایط نباید طوری باشد که در دسترس افراد غیرمسئول بیفتد. البته در اینجا باید يك مسئله را عنوان کنم و آنهم اینکه با آنکه این سلاح‌های قوی که در دسترس مردم قرار گرفته‌اند، این مردم چقدر با شرافت و صدیق هستند که از آنها به عنوان حربه‌های شخصی و راهزنی استفاده نمی‌کنند. آنهم در شرایط فعلی و اوضاع تحول و تحرك. این قابل قدردانی است.

* سؤال شد که: معیار مسئولیت چیست؟

● همانقدر بدانیم که سلاحها در مورد مسائل نهضت بکار می‌رود، بهترین معیار است.

موضوع کناره‌گیری آیت‌الله

مردم معتقدند که کناره‌گیری شما از بعضی از مسایل به جنبش لطمه می‌زند و از شما میخواهند که به عنوان يك فرد آگاه در مسایل ایران درباره انتصابات و دیگر عوامل به‌عنوان رهنمود به‌دولت بگوئید؟ ● من اینجا درست درك نمی‌کنم که وجود پیر و ضعیف من چه عامل مهمی می‌تواند در جنبش باشد، و در ثانی چند روز کناره‌گیری من نباید لطمه‌ای به جنبش بزند، چرا که اگر جنبش با این عمل ناچیز من صدمه ببیند آنوقت باید در اصل جنبش شك کرد. بهر حال من آنچنان هم کناره‌گیری نکردم چرا که در منزل من از صبح تا دوازده شب باز است و هر کمکی که توسط فرزندان نسبی و سببی من فراهم باشد به مراجعین می‌کنند، خودم هم همین‌طور. تازه اگر نظرخواهی در مورد مسائل روز باشد من هم نظر میدهم چه در مورد دولت و چه در دیگر مسائل چرا که من با آقای بازرگان دوست صمیمی هستم. دوستی نزدیک به چهل سال.

روابطمان روابطی خانوادگی است. تازه این مسئله مطرح است که اگر من بخواهم در مورد انتصابات و انتخابات نظر بدهم ایشان بدلیل دوستی نمی‌توانند دست به‌کارهایی بزنند. آنوقت مسائل دیگر پیش خواهد آمد. دیگر آنکه در خانه مرا از پاشنه درمی‌آورند و هر روز عده‌ای برای پست و مقام با هزاران توصیه خواهند آمد. این یکی از بدبختی‌های بشر است. آنهم در این شرایطی که باید به خواسته‌های توده‌های مردم برسیم، باید به رتق و فتق این عالیجنابان برسیم به‌رحال

دولتی است که تشکیل شده است. این دولت و آقای بازرگان برای همه مردم يك ایده تقریباً شناخته شده است. و من و هر کس دیگر اصولاً با آدمی که ضعف و قوتش را بشناسد بهتر می‌تواند با او کار کند. از این جهت آقای بازرگان بهتر از افراد ناشناس است، ولی این دلیل آن نیست که آقای بازرگان ایده‌آل است نه. خودش هم همچنین حرفی را نمی‌گوید.

آقای بازرگان به عنوان يك ایرانی مبارزه کرده است افکارش در کتابهایش مشخص است پس برای مردم شناخته شده‌تر است. من هم به سهم خودم با ایشان همکاری دارم. با هم مشورت می‌کنیم. پس دلیل کناره‌گیری من چیست؟ آیا باید وزارت می‌گرفتم، اینکار که با مواضع روحانیت جور در نمی‌آید. نه من و نه آیت‌الله خمینی هیچکدام دنبال صدارت و وزارت نیستیم. ما فقط نظارت خواهیم داشت. البته یکسری از مسائلی که این روزها مطرح شده است مسئله جانشین شدن استبدادی بر مسند استبداد قبلی است یا به زبان دیگر نعلین جانشین چکمه شده است این کار آدم‌هایست که جز نق‌زدن کار دیگری نمی‌توانند بکنند. ما اگر بخواهیم که يك ملت مبارز باشیم باید از هر نوع دسته‌بندی جدا باشیم. اول آزاد باشیم بعد مبارز.

اطلاعات دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

مذاکرات خصوصی خمینی - طالقانی

آیت‌الله عظمی خمینی و آیت‌الله طالقانی ساعت پنج بعد از ظهر روز گذشته با هم ملاقات کردند. دو رهبر در این ملاقات یکساعت بطور کاملاً خصوصی با هم مذاکره و گفتگو کردند.

پس از این مذاکرات آیت‌الله عظمی خمینی و آیت‌الله طالقانی به‌طور مشترک با نمایندگان جبهه آزادیبخش صحرای پولی‌ساریو - و نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه تهران دیدار و گفتگو کردند تا ساعت ۱۰ دیشب از سوی کمیته‌های امام خمینی پیرامون موضوع مذاکرات یکساعته دو رهبر مطلبی منتشر نشد.

آیندگان سه‌شنبه ۸ اسفند ۵۷

نقش حساس‌تر برای طالقانی در انقلاب

دیروز بعد از ظهر حضرت آیت‌الله طالقانی، بدیدار امام خمینی رفت و دو ساعت با رهبر انقلاب مذاکره داشت.

آیت‌الله طالقانی زمانی به منزل امام رسید که نمایندگان ارامنه، اسقفها و کشیشان اعظم این طایفه، رهبران پولیساریو، سفیر الجزایر، و گروهی از روحانیون در منزل امام خمینی بودند. آیت‌الله طالقانی نخست با این جمع ملاقات کرد. و در سخنانی، موضع انقلاب اسلامی ایران را در برابر حرکت‌های مبارز جهان و اقلیت‌های مذهبی برشمرد، و اظهار داشت که اسلام آئین آزادی است و مسلماً در دموکراسی که ببرکت انقلاب برقرار خواهد شد آزادی بطور کامل در جامعه ما برای همه افراد وجود خواهد داشت.

مدتی بعد امام خمینی به این جمع وارد شدند، و دقایقی با حاضران دیدار کردند. امام خمینی در سخنان خود خطاب به رهبران پولیساریو گفتند: اطمینان داشته باشید که انقلاب آزادی‌بخش ملت مسلمان ما، اثری شگرف بر جهان خواهد گذاشت ماهه به‌ادران مبارز خود را یاری می‌دهیم که بر ارتجاع صهیونیسم و امپریالیسم پیروز شوند. امام خمینی در دیدار با رهبران ارامنه نیز با ردیگر تأکید کردند، که همه اقلیتها محترمند و می‌توانند با آزادی کامل در کشور ما زندگی کنند.

پس از این ملاقات امام خمینی و آیت‌الله طالقانی بطور خصوصی بگفتگو نشستند. محافل نزدیک به رهبری انقلاب ضمن تکذیب اخباری که پیرامون بوجود آمدن اختلاف نظر بین آیت‌الله طالقانی و رهبری انقلاب، منتشر شد، اظهار داشتند. هرگز صف روحانیت مترقی ایران تا بدین پایه متشکل و هم‌رای نبوده است به گفته این محافل آیت‌الله طالقانی همواره در مسیر انقلاب اسلامی با رهبری انقلاب همصدا و همدل بوده‌اند، ولی عوامل پیگانه و کسانی که هنوز وابستگی‌هاشان با رژیم مزدور سابق قطع نشده، با انتشار شایعاتی از این قبیل قصد آن دارند که در صف یکپارچه ملت شکاف بیندازند.

مسئولیت بیشتر

در مورد چگونگی مذاکرات امام خمینی و آیت‌الله طالقانی با آنکه هیچ خبری منتشر نشده ولی گفته میشود از آنجا که رهبری انقلاب

پنجشنبه (پس فردا) به قم عزیمت می‌کنند مسئولیت‌های حساستری به آیت‌الله طالقانی واگذار خواهد شد. یکی از نزدیکان امام خمینی در این زمینه اظهار داشت: از آنجا که امام خمینی بسبب سنگینی کارهای مهم مملکتی، باید همه وقت و تلاش خود را معطوف به رسیدگی و مشورت در زمینه ایجاد یک جامعه توحیدی انقلابی کنند، حضور شخصیت‌هایی چون آیت‌الله طالقانی با آن سابقه درخشان در مبارزات در محل مشورت و مسئولیت بیشتر، ضروری است.

به گفته رادیوهای خارجی امام خمینی و آیت‌الله طالقانی در مذاکرات خود کلیه مسائل مهم مملکتی از جمله تشکیل نیروی پاسدار انقلاب، آینده نظام سیاسی ایران، نقطه نظرهای گروههای مختلف از جمله تشکیل نیروی پاسدار انقلاب، آینده نظام سیاسی ایران، نقطه نظرهای گروههای مختلف از جمله چپی‌ها - موقعیت ایران در منطقه و جهان و مسائل اقتصادی مهم مملکت و باز شدن دانشگاهها را مورد بررسی قرار دادند.

رادیو مونت کارلو در گزارشی که دیشب پیرامون این ملاقات‌پخش کرد از قول محافل آگاه در تهران گفت: از آنجا که آیت‌الله طالقانی با نیروهای رزمنده مجاهد و فدائی در تماس هستند، مذاکرات رهبر انقلاب و آیت‌الله طالقانی بسیار با اهمیت بوده است.

اطلاعات سه شنبه ۸ اسفند ۵۷

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما» سخنرانی پدر طالقانی بر مزار مصدق

برادران، خواهران، فرزندان گرامی، امروز روز خاطره‌انگیزی است برای ملت ما، همه در پیرامون تربیت شخصیتی مبارز و تاریخی جمع شده‌ایم. نام مرحوم دکتر محمد مصدق برای همه ملت ایران و برای تاریخ ما و نهضت ما خاطره‌انگیز است. نام دکتر مصدق همان اندازه که برای هشیاری بیداری نهضت، مقاومت، قدرت ملی، خاطره‌انگیز است. بهمان اندازه برای دشمنان ما، دشمنان داخلی و خارجی، استعمار خارجی، و عوامل استعمار داخلی وحشت‌آور و نگرانی‌آور است. دکتر مصدق ۱۲ سال پیش در حال تبعید در میان این قلعه و بیابان چشم از جهان فرو بست ولی قبر او، مزار او، نام او، همه

اینها برای دشمنان ملت وحشت‌انگیز بود. چه سالهائی که گذشت و مردم ما، ملت پا وفای ما، ملت هوشیار ما برای زیارت قبر او، برای زنده کردن نام و نهضت او بسوی مزار او می‌آمدند و پلیس و مأمور-های دژخیم از زیارت کردن و فاتحه خواندن بالای قبر او وحشت داشتند و همه راه‌ها را بر روی ما و همه ملت ما در این گوشه بیابان می‌بستند. چرا؟ مگر چه بود دکتر مصدق؟! دکتر مصدق خفته‌ی در خاک چشم از جهان دوخته، چه وحشتی از او داشتند. دکتر مصدق مجموعه‌ایست، نام او، راه و روش او از مبارزه بیش از نیم‌قرن ملت ایران، دکتر مصدق در پی نهضت‌های پیش از خود و ادامه‌ی نهضت‌های پس از وفاتش، حلقه‌ای و واسطه‌ای بود برای ادامه نهضت مردم ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار و استثمار این نام و این مزار همیشه مورد توجه مردم ایران و دنیای آزاد و آزادیخواه بوده‌است و خواهد بود. امروز که ما در اطراف مزار او جمع شده‌ایم پیش از اجتماع ظاهری ما باید مرکز اجتماع فکری اندیشه‌ی انقلابی ملت ما باشد ما تا چندی قبل چنین روزی را باور نمی‌کردیم. که همه ما از اطراف و اکناف در چنین مکانی با هم جمع بشویم و راه مصدق و راه روش مصدق را باز زنده‌تر کنیم. دکتر مصدق مجموعه‌ایست از سلسله‌ی حوادث و موج‌های قبل از خود و بعد از خود. ما و شخص مخلص شما، باین وضع و حال مزاجم که اینجا نشستیم، اگر هرچه بگوییم و هرچه بیادیم هست باهمه ضعف حافظه کافی نیست.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

شکست‌ها و پیروزی‌های

شاید اگر همه سکوت کنید و دراندیشه فرو بروید و تذکرات گذشته را بیاد آرید این سکوت بیش از هزار زبان گویا باشد و گذشته و وضع کنونی و آینده ما را تعیین کند. آنچه من میتوانم در این مکان و در این شرایط بشما ملت عزیز شرافتمند ایران بگویم فقط تذکراتی است یادآورهای است که شاید این تذکرات هرچه بیشتر، نافع‌تر باشد. تذکرات شکست‌ها و پیروزی‌ها، تذکرات راه‌های مستقیم و منحرف، تذکرات علل شکست‌ها و پیروزی‌های ملت ایران که مانند امواج دریا، گاه طوفانی میشد و گاه آرام ولی در عمق موج و متحرک بود. دکتر مصدق چرا پیروز شد؟ دکتر مصدق چرا به‌حسب ظاهر نه‌واقع شکست خورد؟ دکتر مصدق یعنی نهضت ملی و دینی ایران. چرا پیروز شد و

چرا به شکست منجر شد. چرا این موج برخاست و دومرتبه آرام گرفت. آیه‌یی در آغاز سختم بیان کردم باهمه‌ی فشرده‌گی و کوتاهی و اعجاز-آمیزی بیان علل شکست‌ها و پیروزی‌های ملت‌ها و مردم و امم است تغییر و تحول و شکست و پیروزی، عزت و ذلت و انهدام و سازندگی هم مربوط به چیست؟ به روحیات و اخلاق و روش اراده‌ی خدا و سنن جاریه الهی. تغییر با اراده انسان در خود انسان. تغییر نفسیات، اخلاق و روحیات، حیل، اگر بهرجهتی تغییر کرد.

سنن الهی هم آن ملت، آن امت را در همان جهت تغییر می‌دهد تغییر از عزت به ذلت، تغییر از ذلت به عزت، تغییر از استقلال و سربلندی، تغییر بسوی خفت و سرشکستگی. تغییر در جهت مذلت. تغییر ضعف، همه اینها از زبان قرآن مربوط میشود به تعبیر انسان‌ها. چرا امروز ما عزت و بهروزی خود را جشن می‌گیریم. برای اینکه فرد فرد ما گروه‌های ما تغییر کرده‌اند، از آن وابستگی‌ها، خودخواهی‌ها خودپرستی‌ها در برابر استبداد قهار و استعماری که در تمام شئون زندگی ما در اقتصاد ما، در اجتماع ما در فرهنگ ما در اطراف ما رسوخ کرده بود، یک مرتبه هشیاری، بیداری، قاطعیت رهبری همه را بیدار کرد. این بیداری، این هشیاری وقتی به اوج کمال خود رسید همه قدرت‌هایی که علیه ما بودند، قدرت‌هایی که باهمه قوا در سکوب ما می-کوشیدند، اعم از قدرت قهار خارجی و داخلی شکست خورد و ما پیروز شدیم.

تغییر کردیم سنن الهی هم بیاری ما آمد. در گذشته هم همینطور بود. زندگی گذشته حیات اجتماعی پستی بلندی‌ها، عزت و ذلت‌ها، پراکندگی‌ها، اجتماعات، نهضت‌ها، همه مربوط به هم بود و باید ما هرچه زودتر هشیاری و آگاهی خودمان و تغییر نفسیات خودمان را توجیه کنیم، بشناسیم.

مرد ملت، مرد نهضت

شخص دکتر مصدق چه بود، فرد دکتر مصدق مردی بود تحصیل کرده ولی در زندگی اشرافی. در دربار با پیرامون دربار تغییر کرد و تحول پیدا کرد و مرد ملت شد. مرد اجتماع شد، مرد نهضت شد همانطوری که قرآن درباره‌ی موسی بیان میکند و میگوید:

«یا موسی ترا درستت کردم، خواستم که یکروزی بدرد من

بخوری، براه من و مشیت من».

دکتر مصدق مثل بسیاری از رهبران اجتماع در درون طبقه‌ی اشراف بود. پوچی آنها را از نزدیک می‌دید. ساخت و سازهای دربارها را از نزدیک مشاهده می‌کرد و همه اینها را دید. او گفت، آن مقبولیتی که مردم از چنین قدرتها دارند در نظر او کاهش یافت و از بین رفت و پوچی قدرت‌های ظاهری را همانطور ریکه موسی در درون دربار فرعون، این مرد خودخواه، مغرور، ضعیفی که ادعای خدایی می‌کرد و ملتی را به اسارت و بردگی کشیده بود. او هم از نزدیک دید و شناخت و شناخت. او توسعه پیدا کرد، انقلابی شد، بدرد مردم رسید و از نزدیک دید که مردم مقهور و ذلیل، چگنه مردمی هستند، مردمی که جز هوس و هوی و جز خودخواهی اطراف خود را نمی‌بینند. مرحوم دکتر مصدق در ابتدای کودتای رضاخانی که با همکاری استعمار قوی انگلستان از همان ده «آق‌بابا» نزدیک قزوین با همان لباس سربازی که می‌گویند جرئت نمی‌کرد در مقابل کنسول انگلیس صحبت کند. ولی او را پیدا کردند دیدند بدردشان می‌خورد، دیدند برنامه‌شان را خوب اجرا می‌کند. دیدند انسانی است، فردی است که در نهضت مرحوم میرزا کوچک‌خان خوب توانست بوسیله او و با پشتیبانی استعمار شکست بخورد. مردی است دارای روح نظامی و در عین حال طماع و خودپرست بسیار خوب پیدا کردند بوسیله او کودتا کنند. چرا کودتا کنند. رضاخان برای چه کودتا کرد؟

دکتر مصدق رفیق مرحوم مدرس خوب فهمید که این کودتا عاقبتش برای این ملت فاجعه‌ای خواهد بود آن‌کس که استعمار انگلستان در بین همه‌ی مردم کشور انتخاب کرده برای چه و چه برنامه‌یی دارد؟ برای اینکه تمام قدرتهای ملی و دینی را بکوبد. تمام عشایر را سرکوب کند و همه جناحها و گروههایی که درک و دردی دارند آنها را بکشد. یا خانه‌نشین کند، راه را برای چاول و غارت انگلستان باز کند این برنامه آنها بود آنروز چه مردمی بودند که عاقبت چنین حکومت و سلطنتی را ارزیابی کنند؟ عده‌ای معدود و اکثریتی متوجه نبودند و بعدها به‌عنوان امنیت و ثبات کشور بعنوان سرکوبی اشرار از او حمایت می‌کردند و عده‌ای می‌فهمیدند ولی جرئت مقاومت نداشتند. در آن دوره‌ای که دو قدرت بزرگ روس و انگلیس، هم در کشور ما راه نفوذ و راه پایگاهها و استفاده‌ها را می‌جستند در هیأت حاکمه عده‌ای طرفدار روس بودند و

عده‌ای طرفدار انگلیس در این بین که حقی ملحوظ نمی‌شد و آن چهره‌ای که به چشم نمی‌آمد مردم ایران بود دکتر مصدق با همکاری مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این چهره را نشان داد که نه روس و نه انگلیس بلکه ملت، این ملت است که باید سرنوشتش را بدست بگیرد و راهش را بیابد و پیش برود. مدرس در تبعیدگاه مرد و کشته شد. چه خاطراتی من از مرحوم مدرس بیادم هست که با پدر من روابطی داشت و نامه‌هایی که از تبعیدگاه می‌فرستاد بوسیله کاغذ سیگار که آنوقت معمول بود، از وضع خودش شکایت میکرد و درد دل‌هایش و راه و روشش را به بعضی از علما و مراجع دینی می‌فرستاد که من در تبعیدگاه هستم و می‌میرم ولی این راه را ادامه می‌دهم. دکتر مصدق و مرحوم مدرس دنبال چه موجی و چه تزی بودند؟

خواب ملل خاورمیانه

سالها ملت ایران و ملل اسلامی و خاورمیانه خواب بودند. در این میان از همین سرزمین پاک ما و ملت هشیار ما مانند سیدجمال‌الدین قیام کرد تا ملل اسلامی و مشرق‌زمین را بیدار کند. همان وقتی که اسلام و قرآن وسیله بی‌هوشی و بی‌دردی شده بود، این سیدجمال‌الدین بود که به عمق اسلام و قرآن آگاه بود و با او اولین موج شروع شد.

آیت‌الله طالقانی با اشاره به سفر هیأت اعزامی جبهه آزادیبخش صحرا «پولیساریو» به ایران گفت:

مردمی که سالها با انگلیس و فرانسه جنگیدند و در میان صحرا و در محاصره استعمار بودند، چشم به انقلاب ایران داشتند. به مناسبتی در ملاقات من با این گروه، نام سیدجمال‌الدین به میان آمد. گفتم: می‌شناسید گفتند: بله. ولی گفت سید جمال افغانی است! گفتم: اشتباه است، سید جمال‌الدین از ایران بود، خانه او در شهرش اسدآباد همدان باقی است و مردم ایران او را می‌شناسند. تعجب کرد گفت: پس همه نهضت‌های قدیم از ایران شما شروع شد گفتم: بله به همان جهت هم دشمنان ما بسیار نسبت بما کینه‌توز هستند.

آیت‌الله سپس نهضت تنباکو را پیش کشید و گفت: يك مرد عالم هشیاری در گوشه‌ای از اراك تمام جریانهای آنروز ملت ایران را زیر نظر گرفت و با وجود آنهمه دوری روابط، وقتی قرارداد «رژی» در دربار ناصرالدین‌شاه امضاء کرد همه خواب بودند، ولی او فهمید دنبال این

قراردادها چه اسارتها بود، چه فریبتها بود چه ذلتها بود با سه کلمه که امروز استعمال تنباکو در حکم معارضه با امام زمان است. تمام ملت از جا بلند شد، زن و مرد ایرانی علیه این قرارداد قیام کردند، قلیانها را شکستند. وقتی زنان ناصرالدینشاه از بردن قلیان برای شاهخودداری کردند ناصرالدینشاه به آنها گفت: شما زن من هستید شما چرا بخاطر حرف يك شيخ قلیان را تحریم کردید؟ گفتند: ما زن تو هستیم ولی بحکم همان شيخ بر تو حلال شدیم و اکنون او حرام کرد. ما هم بتو قلیان نخواهیم داد. این نهضتی بود که در عمق خانه‌ها در دهات و در گوشه و کنار دربار ناصرالدینشاه را با همان تظاهرات دینی اسلامی اش متزلزل کرد.

با هشیاری ارزیابی کنید

برادرها! فرزندان! نهضت‌های ایران را با هشیاری ارزیابی کنید، تعصب يك جهت‌بینی، يك بعدبینی همیشه ما را بیچاره کرده است. نهضت مشروطیت، از چه بود؟ با همه مخالفت‌ها و با همه اینکه يك عده از قشریون از نام مشروطیت وحشت داشتند، غیر از علمای بزرگ که در نجف و ایران بودند چرا شکست خورد؟ در میان آن خون‌هایی که ریخته شد و آن فداکاریها سروکله‌ی رضاخان مستبد بیرون آمد. برای اینکه يك عده فرصت‌طلب، يك عده فراماسیون، يك عده غرب‌زده خودخواه، مشروطیت را خدشه‌دار کردند و مشروطیت که در انتخاب دولت و نماینده سرنوشتشان باید حق ملت باشد، به‌آلت و وسیله‌ای برای قدرتهای استبداد و استعمار داخل و خارجی شد. ساکت ماندیم و در مقابل ظلم و استبداد رضاخانی مردم زبانشان بسته بود. خلقهای ایران در حرکت بود و منتظر فرصت تا شهریور ۲۰ پیش آمد. ملت هشیار شد. آنکه در مقابل ملت شمشیری بود برسرهمه، در مقابل اجنبی ذلیل و زبون بود، چقدر بدبخت بود. بخوبی یادم هست همانقدر که حاکم انگلستان اولین حمله را متوجه رضاخان کرد، بیچاره خودش را باخت. و بهمین دلیل هرشب و روز در کاخ سعدآباد در هرگوشه‌ای از ترس بخود می‌لرزید، چندبار فرار کرد، از بین راه‌برش‌گرداندند مثل پسر خلفش می‌خواست صندوق جواهرات را با خودش ببرد که مثل يك بچه‌گربه‌ی بیچاره پشت گردنش را گرفتند و بردند به‌جزیره موریس!

تعهد مصدق

تازه مرد حسابی ناحبایی، تو شاه بودی که می‌بایستی در مقابل اجنبی ایستادگی کنی، بفرض که کشته می‌شدی، چرا در رفتی؟! آنهم با آن زبونی و بدبختی، بعد هم شدی رضا شاه کبیر! اگر در نمی‌رفت پس چه می‌شد. همانطور که پسرش هم در رفت. اگر ملت با تو بود چرا فرار کردی؟ اگر خطر اجنبی بود، تو باید با ملت جلوی اجنبی می‌ایستادی، پس چرا تو در رفتی؟ وقتی ملت فهمید رضا شاه کی بود، حرکت شروع شد. جنگ بین الملل پیش آمد.

در این بین مردم دریافته بودند که باید نجات پیدا کنند، شخصیت دکتر مصدق مانند یک پزشک ما هر انگشت روی نقطه‌ای درد گذاشت و گفت ما باید در دنیای شرق و غرب بی‌طرف باشیم، تز عدم تعهد را ابراز کرد. همان‌تزی که مرحوم ناصر، نهرو، سوکارنو همه دنبال کردند او گفت بدبختی ما همین انبارهای نفت ماست. ما نفت نمی‌خواهیم، گرسنه می‌مانیم ولی آزادی و استقلال می‌خواهیم نهضت اوج گرفت. چه شد که اوج گرفت؟ در اینجا حضرت آیت‌الله طالقانی با ذکر آیه‌ای از کلام‌الله مجید، گفت: وقتی که وحدت نظر بود، همه نیروهای ملی و دینی در یک مسیر حرکت کردند. مراجع دینی مانند آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله کاشانی، فدائیان اسلام، با هم شروع کردند و ملت را به حرکت درآوردند. هر کدام براه خود و فدائیان اسلام جوان پرشور و مؤمن آنها راه را باز می‌کردند، موانع برطرف شد و انتخابات آزاد شروع گردید، صنعت نفت در مجلس ملی شد. فتوای مراجع و علما برای انتخابات و پشتیبانی از دولت ملی در تمام دهات و روستاها و در میان کارگران یک شعار شد، یک حرکت و یک هدف بود. بعد چه شد و از کجا ضربه خورد؟ ضربه از درون خودمان خوردیم. این یک تذکر است بیان واقعیات است تا موقع کنونی خودمان را درک کنیم.

برگشت می‌کنم به روحیات و نفسیات آن سال همانطوری که انواع میکروبها در پیرامون انسان موجود است ولی از وقتی که بدن علیل شد، جراحی پیش آمد، از همانجا بیماری نفوذ پیدا می‌کند و در روحیات و اخلاق انسان‌ها هم مسئله همینطور است عوامل استعمار و استبداد داخلی جاسوسها اطراف نیروها شروع به بررسی کردند، نقطه ضعفها را پیدا کردند و به فدائیان اسلام گفتند که شما بودید که این نهضت را پیش بردید، فدائیان می‌گفتند ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. آنها به

فدائیان اسلام می‌گفتند که دکتر مصدق بی‌دیدن است و به دین توجه ندارد و نمی‌خواهد خواستهای شما را برآورده کند. به‌دکتر مصدق می‌گفتند که فدائیان اسلام جوانهای پرشور و تروریست هستند، از آنها باید بپرهیزید. من که خودم می‌خواستم بین اینها تفاهم ایجاد کنم دیدم نمی‌شود. امروز صحبت می‌کردم، فردا می‌آئیم، می‌دیدم چهره‌ها عوض شده، باز خصومت، باز موضع‌گیری.

مرحوم دکتر مصدق می‌گفت: نه من مرد مدعی حکومت اسلامی هستم و نه می‌خواهم همیشه حاکم و نخست‌وزیر شما باشم. مجال بدهید بگذارید، من قضیه‌ی نفت را حل کنم. این جناح را جدا کردند. آمدند دوباره سراغ مرحوم آیت‌الله کاشانی با انواع نفسیات که این نهضت‌مال‌توست، دکتر مصدق چکاره است؟ او را نیز از دکتر مصدق جدا کردند یادم هست روزی که گفتگو بود در بین مردم که مرحوم آیت‌الله کاشانی حمایت از «زاهدی» می‌کند و توطئه‌ای در کار است. پنهانی رفتم منزل ایشان. او در اتاقش تنها بود، پریده‌ای از خربزه‌ای در دست داشت، بعنوان تعارف جلوی من گرفت گفتم حضرت آیت‌الله دارند زیر پایت خربزه می‌گذارند. مواظب باش! گفت: اینطور نیست من حواسم جمع است، گفتم من شما را مرد مبارزی می‌شناسم، شما مزایا و سوابق خوبی دارید متوجه و هشیار باشید که تفرقه ایجاد نشود گفت: خاطرتون جمع باشد. با همین مسایل جزئی و کثرتها پناه بر خدا از غرور از هوای نفس، همانطوری که معتقدیم که شیطانی که قران توصیف می‌کند. از نقطه ضعف درونی انسان استفاده می‌کند. یکی نقطه ضعفش مال دوستی است، از همین‌جا استفاده می‌کند، یکی شهوت دارد، یکی جاه‌طلب است. همانطور که شیطانهایی که مظهر شیاطین درونی هستند، جاسوسها و کارکشته‌ها، درون گروهها و افراد می‌گردند و می‌گویند نهضت مال‌توست، تو همه‌کاره‌ای آنها را بادش می‌کنند و مقابل هم قرار می‌دهند. اینها همه تذکار است.

کاشانی را هم از مصدق جدا کردند آن چند نفری هم که دوروبر دکتر بودند آنها هم در گوششان گفتند، این دکتر پیرمرد است، عقلش کم شده. تو باید جای او را بگیری، باد به‌آستین او کردند، او را از یکطرف بردند. اما دکتر مصدقی که بایک حرکتش، با یک فرمانش مردم اجابت می‌کردند، وقتی از درون، این نیروها متلاشی شد با یک ضربه‌ی ۲۸ مرداد چنان فاجعه‌ای برای ملت ایران پیش آوردند، یک‌عه‌لات ولوت،

يك عده بدکاره‌ها براه افتادند و در مقابل چند دینار اساسش را از بین بردند، خانه‌نشین کردند و به محاکمه‌اش کشاندند و به زندانش افکندند به این هم اکتفا نکردند و بعد از زندان سالها در این قلعه زندانی بود. یادم هست وقتی در زندان بودم احوال ایشان را می‌پرسیدم، می‌آمدند، میگفتند، دکتر تنه‌است و خانواده‌اش همیشه فرصت نداشتند و همیشه کنارش نبودند. گفته بود، يك کاری بکنید که مرا هم بیاورند پیش شما که باشماها باشم. ولی خودش را حفظ کرد و هدفش را حفظ کرد.

چقدر باید تجربه کنیم

برادران! فرزندان! چقدر انسان باید تجربه بکند؟ کافی نیست؟ تجربه‌های گذشته کافی نیست؟ يك مقداری در خودبینی‌ها، گروه‌بینی‌ها، مردم‌بین باشیم. خدا بین بشویم. خودمان را فراموش کنیم. آینده را بنگریم. ببینیم چقدر دشمنان در کمین ما هستند. نهضت دکتر مصدق دنیای خاورمیانه را تکان داد، دنبالش مصر انقلاب شد. الجزایر انقلاب شد ولی ما محکوم شدیم. ما متلاشی شدیم، باز غارتگران بین‌المللی بعد از ۲۸ مرداد آمدند، کشتند و بردند و خوردند جوانهای ما را پی‌درپی در مقابل مسلسلها قرار دادند. عده‌ای اوپاش و دزد و جانی و پست را برحیات و زندگی ما مسلط کردند. در مصر و در مکه، نمایندگان الجزایر می‌آمدند و می‌گفتند: ما دنبال نهضت شما حرکت کردیم، شما چرا به این روز افتادید. من می‌ماندم که چی بگویم این تاریخ نهضت‌های گذشته ماست، این تاریخ دکتر مصدق ماست. گذشت ولی ملت ما را اگر به ظاهر زبانش را بریده بودند ولی به هزار زبان سخن گویا بود. پس از شکست حکومت دکتر مصدق، نهضت مقاومت ملی تشکیل شد، برای اینکه چراغ مبارزه خاموش نشود. از عده‌ای فرزنانگان شخصیت‌های ملی، دینی رهبری را بعهده گرفتند این نهضت ادامه پیدا کرد، چه بود این نهضت از کجا شروع شد؟ از شخصیت‌های سیاسی هشیار و بیدار، شخصیت‌هایی که آگاه به سیاست‌ها و شیطنت‌ها بودند با پشتیبانی شخصیت‌های اسلامی، مذهبی. آیا می‌شود اینها را نادیده گرفت. از نهضت سیدجمال‌الدین، تنباکو تا این زمان. فرزندان، من نمی‌خواهم، مبارزه گروههای مختلف را نادیده بگیرم. شما که فرزندان من هستید. من دلم برای همه می‌تپد. در زندان

از هر گروه که می‌شنیدم، خبر می‌دادند که مقابل تیر گذاشته‌اند، مثل اینکه به قلب من تیر می‌زدند، ولی آیا می‌شود - شرایط کشور، اخلاق مردم روحیه‌هاشان و ایمانشان را نادیده گرفت؟

این کارگران، این کشاورزان و این توده‌های مردم که شمارشان یکی است از کجا جوشیده، از آن عمق ایمانی و اسلامی عرب فقط ناقل اسلام بود، این ایران بود که اسلام را شناساند، همه دنیا این اهمیت و موقعیت و شخصیت مردم ایران را می‌شناسند هر جا فلسفه‌ای هست، عرفانی هست، علمی هست در دنیای شرق و غرب معترفند که پایهی اصلی‌اش از ایران بوده‌است.

بقول «جبران خلیل جبران» مصری علی «ع» این شخصیت بزرگ این نمونه عالی انسانی، در زمان خودش شناخته نشد تا مردم هوشمندی از ایرانیان و فارسیان برخاسته، تمیز می‌دادند علی را شناختند، منطق علی را فهمیدند و علی را تشخیص دادند.

این سابقه ما ایرانی‌هاست، در بین طوفان‌های دنیا سربلند برخاستیم و هیچوقت برای همیشه تن به ذلت و استعمارگری ندادیم. اگر بدنمان را به بردگی کشیدند، فکرها و قلب‌های ما به بردگی کشیده نشد.

اکنون ما ملت ایران قیام کردیم. بعد از ۱۵ خرداد، یک شخصیت علمی، یک شخصیت دینی، یک مرجع مصمم و قاطع فریادش علیه رژیم بلند شد - اما وقتی که اکثریت مردم ما و رهبرهای ما جرئت نمی‌کردند انگشت روی درد بگذارند، که شاهنشاهی درد بیدرمانی است، این مرد بلند شد. گفت: این رژیم قانون اساسی نمی‌شناسد همانجائی که درد همه‌ی مردم بوده «قانون مشروطیت آلت دست رژیم استبداد سلطنت است، بقول دوستم آقای بازرگان: اعلیحضرتا! مشروطیت و قانون سازگار نیست. آن خودش را «اعلا» می‌داند. مردم حرکت کردند، جان دادند ۱۵ خرداد پیش آمد ولی ملت ایران به موضع درد انگشت گذاشته بود، دیگر ساکت نشست شرایط تغییر کرد، خفقان زیاد شد، کشتار زیاد شد. گروه‌های مسلح به میدان آمدند، وظایفشان را انجام دادند. امروز یک مرحله بزرگ تاریخی را پشت سر گذاشتیم، مراحل دیگری در پیش داریم، دستگاه استبدادی و سلطنت منهدم شد ولی باز تجربه‌های سابق را باید در نظر بگیریم، در زمان دکتر مصدق، متأسفانه، یک قسمت هم گروه‌های راست و چپ، هر دوی اینها در مقابل نهضت ایستادگی

کردند. چپ‌نماها یا چپ‌راست‌ها و یا راست‌نماها. همانوقت که ملت ایران فریاد می‌زد، سرنوشت خودمان را خودمان باید تعیین کنیم، نفت باید بر روی استعمار بسته شود که این پایگاه استعمار است. دیدید که چه شعارها پیش آمد شرق و غرب، نه روسیه از مصدق ما حمایت کردند و نه دیگران. ماملتی هستیم که روی پای خودمان می‌ایستیم ما حمایتشان را نمی‌خواهیم، اما با ما دشمنی کردند تحریک کردند، توده‌ایهای نفتی درست شد من به آن اصلی‌هاشان جسارت نمی‌کنم. یک عده جوان هم آلت دست قرار گرفتند. می‌شعار پشت شعار، چه شعارهایی. و مصدق را متهم کردند طرفدار آمریکاست متهمش کردند که اهل سازش است آیا این اتهامات به مصدق به این شخصیتی که در تاریخ امتحان خودش را داده می‌چسبد؟ نفت بسته شد. بر روی استعمار ولی همان کارگران شرکت نفت که در دوره انگلیس‌ها سربزبر بودند بلند شدند. پول نداشتیم، هرروز بهانه‌ای تازه: ما مسکن می‌خواهیم، ما تأمین می‌خواهیم.

داستان ۲۸ مرداد

آخر بگذارید یک مقداری نفس بکشیم، در مقابل این غول استعمار بگذارید، حواس ما جمع باشد، این نفت مال شماست هرچه می‌خواهید استفاده کنید، اما نشد. همینطور اختلافها را دامن زدند تا داستان ۲۸ مرداد پیش آمد خوب شد؟ بهره بردیم؟ نباید این تاریخ برای ما تجربه باشد؟ من وقتی به مسجد می‌آمدم یک مقدار شعار توده‌ای بود که ما می‌دانستیم دروغ است، ولی می‌گفتند کمونیست می‌خواهد مسلط شود که یک عده‌ای داد و اسلما سردادند، این وسط چه شد؟ چه نتیجه‌ای گرفتیم؟ چند سال ذلت، چقدر قربانی دادن، ما باید متنبه بشویم.

امیدوارم که همه فرزندان، برادران و عزیزان ما با حسن نظری که شاید اکثریت بمن دارند، بعنوان یک پند، یک تذکار یک پدررنجوری که اواخر زندگی‌اش را می‌گذرانند که جز خیر و صلاح ملت را نمی‌خواهد، از این نصایح من کسی دلخور نشود. من صلاح همه را می‌خواهم من هیچ کنش یا محبت خاصی به هیچ گروهی ندارم، فقط ملت را می‌خواهم. این ملت شریف، این ملت رنج‌دیده مواظب باشید در بین این چپ‌گرانی و راست‌گرانی باز هم دچار عوامل استعمار و استبداد و اسرائیل و اینها نباشد باز همه‌ی ما کوبیده می‌شویم، مثل ۲۸ مرداد، بدتر از آن. دندان‌های

آنها تیزتر شده و با همه دسیسه‌ها و با همه وسایل نظامی و غیرنظامی درکمین نشسته‌اند، هشیار باشید، این تفرقه افکنی‌ها. این موضع گیریه‌ها، این شعارهای بیجا را کنار بگذارید. همانطور که در انهدام سلطنت پهلوی کوشیدید، در سازندگی بکوشید. به اندازه کوهها بار مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی درپیش داریم. این دولتی که فعلا مسئولیت خطیر را درپیش گرفته، بارها گفته‌ام، نه دولت ایده‌آل شما چپ‌گراها، راست‌گراهاست و نه ایده‌آل من. اما ایده‌آل غیر از واقعیات است و اینرا باید اعتراف کنید که اینها مخلصند هواپرست نیستند. مشکلات دارند. گاهی در جلسات، در گوشه و کنار در جلساتشان شرکت می‌کنم از شنیدن مشکلاتشان وحشت می‌کنم، انتقاد بکنید هرچه دلتان می‌خواهد، در انتخابات انتصابات در کارها انتقاد کنید، ولی باید همکاری کنید با محبت بکوشیم که این مشکلات را از پیش پا برداریم. رفتند و هزاران خرابی پشت سر گذاشتند، در همین اطراف کرج باغهایی است که الان دارد از بین می‌رود. وضع ارتش ما متلاشی شده، اینقدر شعار تلاشی ارتش ندهید، خدا می‌داند که این شعار به مصلحت نیست. ارتش باید باشد. ارتش ملی. ارتش تصفیه شده، میلیونها خرج این ارتش شده، خرج این وسایل شده، آیا باید این را توی دریابریزیم. و بالاخره باید متخصصینی باشند که بشناسند نظام ارتش بد بوده، نه ارتش. مگر ما فراموش کرده‌ایم که نظام هواپیمائی (پرسنل هوائی) چه خونها دادند، چه حماسه‌ها، سربازانی که شبها به منزل من می‌آمدند، افسرانی که می‌آمدند، چه گریه‌ها، چه ناله‌ها اینها برادران من هستند، اینها فرزندان ما هستند. در يك نظام سراپافساد، بالاخره هرکس دامنش آلوده می‌شود. هیچکدام نمی‌توانیم خودمان را تبرئه کنیم. همه باید استغفار کنیم. یعنی برگردیم. و بخدا برگردیم، یعنی به صلاح مملکت. ملت ایران!

مملکت مال شماست

باور کنید این مملکت مال شماست، هنوز هم نمی‌خواهید باور کنید، این کارخانه‌ها مال شماست، این منابع طبیعی مال شماست؟ ولی مهلت بدهید اینها براه بیفتد. این کارخانه‌ها بکار بیفتند. زراعت سر و صورت پیدا بکند، اینها مال شماست. این نظام و ارتش مال شماست. دیگر در مقابل شما نیست. نخواهد بود، تصفیه خواهد شد.

باشدت هم تصفیه خواهد شد.

اما همه که اینطور نبودند، ارتشی از حیث کیفیت قوی و از حیث کمیت فشرده برای تعیین کردن گارد ملی شهر و روستا. که همه پاسداران انقلاب و ادامه دهندگان راه انقلاب برای ما باشند. برادران، خواهران، فرزندان، امروز شرق و غرب دنیا چشمها به شما دوخته شده است.

از هرسو سراغ ما می آیند، این نهضت ما را معجزه می دانند. چندی قبل به ملاقات آیت الله خمینی رفته بودم پرسیدند باور می کردی این چنین روزی را گفتم، واللّه. می گفتند معجزه است، معجزه قرن است. این اعجازی است که بدست شما صورت گرفته قدرش را بدانید از همه جای دنیا متوجه اند، و منتظرند ما چه می کنیم. امیدواریم که بتوانیم این مسئولیت عظیم تاریخی را نه درباره خودمان، بلکه برای سرنوشت دنیائی که در زیر سلطه است ما بتوانیم، در آنهام مؤثر باشیم. قدر خودتان را بدانید، همبستگی تان را حفظ کنید از خودبینی ها بیرون بیائید. امیدواریم به لطف خدا بتوانیم هرچه بیشتر این نهضت را شکوفا کنیم. ما مردنی هستیم باور کنید می میریم ولی تاریخ ما. سرنوشت ما، مسئولیت ما نسبت به نسل آینده، باقی می ماند. مبادا کاری بکنید که مورد لعن و نفرت آیندگان قرار بگیرید.

همه، هم عهدیم

ما بالای تربت مرحوم دکتر مصدق، زیر این آسمان مطهر سوگند یاد می کنیم که همه باهم هم عهدیم، سوگند یاد می کنیم که همه باهم، همه یکقدم، همه یکدل، همه یک زبان در راه نجات ملتمان بکوشیم و این نهضت را به ثمر برسانیم. همانطور که قرآن درباره ی مؤمنین می گوید. در بین «خودتان بسیار رحیم، مهربان، دلسوز، در مقابل دشمن شوید، قوی، مقاوم مثل سد بایستید. سقراط در شرایط مدینه فاضله اش می گوید حکام مدینه فاضله باید چنین باشند، بعدهم مثالی می آورد که باید بسیار نرم و مهربان باشند، بین خود، برای امت خود و در مقابل بدسگال باید پرخاشجو، قوی و بی باک باشند.

مرحوم دکتر مصدق در مقابل ملت مثل خاک خضوع میکرد، ولی همین پیرمرد که در مقابل مردم در مجلس، خانه اش خاضع بود، در

مقابل این استعمار قوی انگلستان که سیطره‌اش تمام دنیا را گرفته بود، مثل شیر می‌غریده. ما هم هرفردی از کسانی که دارای خصلت عالی انسانی باشند و با تربیت قرآنی، باید این‌چنین باشیم. بین خود مهربان، دلسوز، اما در راه عقیده باهم مخالفند دعوائی ندارد بیایند ببینند می‌توانید باهم بسازیم صحبت می‌کنیم، ما هم همدیگر را قانع می‌کنیم، تو اینطور فکر می‌کنی. من اینطور فکر می‌کنم، ولی در اصل سرنوشت آیا نباید وحدت نظر داشت؟

من خسته شدم، شاید شما را هم خسته کردم ولی شاید مجالی بیشتر از این، خدا می‌داند تا چند مدت دیگر با این وضع مزاجیم در میان شما باشم آنچه که یادم بود، درخاطرم بود از گذشته تاریخ از روابط تاریخ سلسله‌های تاریخ، نهضت‌ها تا به امروز آنچه که خودم درمیانم بودم، آنچه که در تاریخ دیده بودم، درصد سال اخیر من باب تذکار عرض کردم، الان رسیده‌ام به یک سرفصل تاریخی دولت جدید. این افرادی که در رأس حکومت هستند امکان دارد نقایصی داشته باشند و راه شما با راه آنها نخواند اما آنها را می‌شناسید آدمهای مؤمن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند، پس باید نواقص را از بین برد و عوامل منیت را تشدید نکرد. یک باغبان معمولاً آفت‌های درخت را از بین می‌برد ولی درخت را حفظ می‌کند من یقین دارم با اینکه شما علی را خیلی دوست دارید اگر بیاید الان حکومت شما را قبول کند، همین مخالفتها پیش خواهد آمد. فرشته را از آسمان بیاورید همین است. سرنوشت‌های کل و تاریخی را فدای مسایل جزئی و خصوصیات اخلاقی خودمان نکنیم خداوند باز هم مارا یاری خواهد کرد و این بارهای مسئولیت را از دوش برخواهیم داشت. هوای بدی برای من نیست. چهره‌های درخشانی مقابل کنار قبر یک تاریخی هم نشسته‌اند، من هم می‌خواهم حرف بزنم از یکطرف می‌بینم خسته شدم. از همه شما می‌خواهم، خداوند همه شما را حفظ کند. خداوند تاییدتان کند. خداوند همه ما را اصلاح کند. خداوند همه ما را بیدار کند. خداوند همه ما را اصلاح کند. تفرقه و اختلافات را از بین ما می‌برد و همه اختلافات با حسن تفاهم، با اخلاص و با نظر پاک بتوانیم برطرف کنیم، همه شما باز هم تکرار میکنیم، فرزندان عزیز من هستید مثل فرزندان خودم، هیچ فرقی نمی‌کند. فرزندان من هم گوناگون هستند ولی پاره‌ی تنم هستند، با آنها همین رفتار را دارم که باشما دارم، بعضی‌هاشان

از يك جهت و يكطرف و يك فكر خاصى دارند، ولى من سعى مى‌كنم، آنها را از اشتباه بيرون بياورم. من اشتباه مى‌كنم، آنها مرا از اشتباه بيرون بياورند، شما مى‌توانيد يك خانواده سالم تشكيل بدهيد، تابحال يكي از دسائس بزرگ استبداد همين تفرقه افكنى بوده است. پدر نسبت به پسر و زن با شوهر و همينطور همه باهم. اين كار استبداد و استعمار است و همه با نظر وحشت و بدبينى بهم نگاه مى‌كنند، همه ما در يك خانواده هستيم بايد باهم بسازيم. اختلافات در حد يك خانواده باشد نه بيشتر. يك خانواده نبايد همدیگر را بگویند ما بايد عكس راه استبداد و استعمار قدم برداريم و هشيار باشيم و بدانيم كه فرد فرد باهم برادریم با اين آيه كه قرآن كريم به مردم عرب مى‌گويد سخنانم را تمام مى‌كنم:

بينيد اى عرب جاهليت، همه ازهم وحشت داريد، همه ازهم مى‌ترسيد، يكمرتبه ايمانى آمد و هشيار شديد و همه باهم برادر شديد، صبحى طالع شد، ديگر همه ازهم نمى‌ترسيد و حالا باهم برادرید، بدانيد كه باهم برادرید، بدانيد كه باهم زندگى كنيد، باهم بميريد و سرنوشت خودتانرا بايد بدست خودتان پي‌ريزي كنيد.

اطلاعات سه شنبه ۱۵ اسفند ۵۷

پدر طالقانى:

«كتابخانه آيت الله طالقانى و مؤلفان»
ايسم‌هاى وارداتى مد شده!

* مسايل مكتبى بايد در ميزگردها حل شود

* زنان در اسلام آنقدر حق دارند كه مردها براى برابرى با آنها

بايد قيام كنند

* هر مليتى در داخل مرز حق دارد نمايندگان واقعى داشته باشد.

حضرت آيت الله طالقانى، مجاهد كبير و مبارز دلير، در گفت و شنيدى با خبرنگاران خبرگزارى پارس، در زمينه حقوق زنان، نقش وزارت امر به معروف و نهى از منكر، بانكها و مسئله خودمختارى كردستان توضيحاتى دادند، متن مصاحبه باين شرح است:

حضرت آيت الله طالقانى درباره چگونگى تشكيل، وظايف و هدفهاى

وزارت امر به معروف و نهى از منكر كه صحبت از تشكيل آنست و اين

نکته که چه قدرت اجرائی از آن پشتیبانی میکند گفتند:

● یکی از اصول قرآن مسئله امر به معروف و نهی از منکر است که مسئولیت عمومی است، یعنی هر فردی نسبت به فرد دیگر، هر طبقه‌ای نسبت به طبقه دیگر. حکومت این وظیفه را نسبت به مردم دارد و مردم نسبت به حکومت دارند که همیشه مراقب هم باشند و از انحراف و اعمال بد، چه فردی و چه در سطح اجتماع، از فحشاء، فساد، فسق و فجور و هم انحرافات سیاسی جلوگیری کنند و راه خیر و سعادت و تقوا را بهمدیگر بشناسانند و مضار کارهای انحرافی و منکر را بفهمانند. البته در يك حکومت اسلامی، غیر از مسئولیت تبیینی مسئولیت اجرائی هم خواهد داشت.

حقیقت جهاد اسلام هم يك نوع مسلحانه امر به معروف و نهی از منکر است. تقریباً اینها بهم وابسته است، یعنی جلوی کفر، استعمار و فساد را با کار مسلحانه گرفتن و هنوز هم وزارتی به این عنوان تشکیل نشده است، باید اساسنامه‌اش نوشته شود و اشخاصی که شایسته يك چنین وظیفه سنگینی هستند، در این وزارتخانه بکار گرفته شوند.

آیت الله طالقانی در پاسخ مربوط به سیستم بانکی و محتوای اقتصادی کشور مطابق قوانین اسلامی اظهار داشتند:

● مبنای بانکها بر ربا است. یعنی سوداگری بدون زحمت، یعنی بدون رنج پول بدست بیاورد که اساساً از نظر اقتصادی کار استعماری است.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

حتی بدتر از استثمار، یعنی استثمار آن است که از کار بهره بکشد ولی این که از پول بهره بکشد، بدتر از استثمار است.

باین جهت بانکها تا آن حدی که برای مبادله پول و براه انداختن کار مردم و تمرکزی برای پول و ثروت عمومی باشد، لازم است، ولی ما میدانیم که بانکها در ایران با سرمایه‌های سرمایه‌داران استعمارگر خارجی و عوامل داخلی‌شان تشکیل شده است و جز فقر و فساد، دریک طرف و تمرکز ثروتها، در طرف دیگر، نتیجه‌ای نداده و نخواهد داد. به این جهت بانکها در حد ضرورت و احتیاج به گردش پول، باید تقلیل پیدا کنند. یعنی لانه‌های سرمایه‌سوزی مردم و دزدی و سرقت، سرقتی که بصورت قانون در آمده. بانکی که طبق موازین اسلامی تأسیس می‌شود، محل تمرکز ثروت است و از جهت دیگر هم ممکن است با پول-

هائی که متمرکز شده، کارهای زراعی و تجاری انجام بدهند که در فقه ما به اسم مضاربه است و بعد هم درحد سود و زیان بین آن کسی که سرمایه داده، البته سرمایه از راه حلال که البته در اسلام بسیار محدود است، یعنی سرمایه‌ای که نتیجه کار و معاملات مشروع باشد که در فقه ما خیلی محدود شده، یعنی در واقع مضاربه حرکتی است از ترکیب سرمایه با نیرو برای گسترش اقتصاد عمومی و سرمایه‌های عمومی مردم.

البته باید اقتصاددانانی که به اصول اسلام آشنا باشند، برنامه‌اش را تنظیم و پیاده کنند.

الان وضع اقتصاد سرمایه‌داری که از غرب بما رسیده و همه معیارهای اسلامی را بهم زده، باعث میشود که مدتی طول بکشد تا دولت بتواند این وضع را سروسامان بدهد.

— سؤال شد اگر وحدت فقط در سایه مبارزه و مبارزه در سایه وحدت میتواند انجام‌پذیر باشد، ادامه این وحدت را تا کجا می‌بینید و آیا این وحدت باید بر مبنای احترام متقابل نیروهای خلق‌های مختلف باشد یا خیر؟

آیت‌الله طالقانی پاسخ دادند: اساساً، من نیروهای خلق‌های مختلف را درك نکرده‌ام. برای آنکه اگر منظور عدالت اجتماعی باشد، ما در مبنای انقلابی اسلام، از نظر عدالت اجتماعی، از هر مکتبی جلوتر هستیم و چون تابحال مبارزه، یعنی تا چندی قبل در اثر فشار و اختناق مبارزه، محدود به گروه‌های مخصوص و متشکل و معین بود، این مبارزه و این گروه‌ها، در آن شرایط میتوانستند به اسم گروه و مکتب خاصی مبارزه کنند و یا مخفیانه یا آشکار، یا مبارزه سیاسی و یا مبارزه مسلحانه، ولی حالا که مبارزه در سطح عمومی کشور توسعه پیدا کرده و رژیم منهدم شده، حال دیگر مبارزه، پیش‌گیری و سازندگی است. یعنی پیش‌گیری از دسیسه‌ها، تخریب‌ها، انحراف‌ها، و سازندگی کشور بر مبنای عدالت و قسط اسلامی و توحیدی، در اینجا دیگر موردی برای ایدئولوژی‌های مختلف که بخواهند مطرح بکنند و موضع‌گیری بکنند، برای همیشه باقی نمی‌ماند، چون این ایدئولوژی‌ها از قرن هیجده به بعد که مسأله اقتصاد در دنیا مطرح شد و تحولی که در غرب پیش آمد، همه بر مبنای اقتصاد طرح‌ریزی شده، کاپیتالیسم، کمونیسم، مارکسیسم، و ایسم‌های دیگر، ولی در همه این‌ها معنای آزادی و تعالی

انسانی و کشف انسان مطرح نیست یا در حاشیه قرار گرفته است. در اسلام آزادی و شرافت انسان مهمتر از مسأله اقتصاد است. اقتصاد از نظر اسلام، زیربنا نیست. اسلام انسان را البته با شرایط اقتصادی، منشأ تحول و تکامل می‌داند، بنابراین از نظر اسلام ما جلوتر از هر مکتبی هستیم و کسانی که بنام مکتب میراثی خودشان موضع‌گیری کنند، قهراً در این حرکت اسلامی فراگیر اصیل، منزوی خواهند شد. جوانهای ما بخصوص و عموم ایرانیان همیشه يك حالت تقلیدی داشته‌اند و امروز هم این ایسم‌های وارداتی يك مقداری مد شده است، بی‌آنکه عمقی داشته باشد. من همیشه پیشنهاد کرده‌ام که اعلام کنند ما حاضریم افراد و گروه‌ها در يك میزگردی بنشینند و مسائل مکتبی خود را منصفانه و واقع‌بینانه مطرح کنند.

آیت‌الله طالقانی اضافه کردند: اگر اسلام مترقی و حرکت رهبری اسلامی نبود با این مکتبها نمی‌توانستیم این رژیم را منهدم کنیم. گرایش به این مکتبها اساساً بنظر من در نتیجه اختناق و فشار، استبداد و دور بودن طبقه جوان ما هم از فهم اصول مترقی اسلام و هم فقدان نمونه‌هایی که به آنها نشان داده بشود، پیش آمد. آیت‌الله طالقانی در پاسخ مربوط به حقوق زنان اظهار داشتند: بزودی يك سخنرانی رادیو تلویزیونی در این زمینه ایراد خواهند کرد. آیت‌الله طالقانی در این زمینه اضافه کردند: در اسلام بقدری حق به زنان داده شده که باید مردان قیام کنند و مطالبه حق نمایند. حضرت آیت‌الله در پایان گفتند: اسلام اولین دینی است که حق مالکیت مطلق به زن‌ها داده است. یعنی زن‌ها می‌توانند هم ثروت داشته باشند و هم در ثروتشان تصرف کنند. که این حق در دنیا نبوده و هنوز هم شاید در اروپا به این حد نباشد.

اطلاعات - ۱۷ اسفند ۵۷

پدر طالقانی:

فکر میکنم امام موسی صدر مرده است

خبرگزاری فرانسه از تهران گزارش داد که حضرت آیت‌الله طالقانی گفته‌اند که فکر میکنم امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان مرده

باشد. حضرت آیت الله طالقانی دیروز به خبرنگاران عرب گفتند که علیرغم اعتقاد پاره‌ای افراد فکر نمیکنند که امام موسی صدر در لیبی باشد. چندی پیش دکتر کریم سنجابی وزیر امور خارجه در ملاقات با یک هیئت عالیرتبه شیعیان لبنان پیرامون آزادی امام موسی صدر اظهار امیدواری بیشتری کرد و گفت ایران هرکاری را برای آزادی امام موسی صدر انجام خواهد داد.

سنجابی در سخنان خود اشاره‌ای به لیبی نکرد، اما ناظران این سخن سنجابی را چنین تلقی کردند که وی فکر میکند امام موسی صدر در قید حیات است.

ناظران خاطر نشان ساخته‌اند که دیدار احتمالی قذافی از ایران مبنی بر این موضوع است که امام موسی صدر در تریپولی است یا نه؟ اطلاعات، ۱۷ اسفند ۵۷

پدر طالقانی:

هیچکس زنان را به داشتن حجاب مجبور نمی‌کند

● عناصری می‌کوشند یک جناح بزرگ انقلاب، یعنی زنان را از انقلاب جدا کنند.

● اجازه نمی‌دهیم کسی به زنان اهانت کند.

حضرت آیت الله طالقانی، پیش از درگذشت همسرشان، که روز جمعه گذشته اتفاق افتاد، در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی شرکت کرد و به پرسشهای خبرنگار رادیو تلویزیون در خصوص مسئله حجاب و رفتن بانوان به ادارات و مؤسسات با حجاب اسلامی و شرعی توضیحاتی داد.

ابتدا خبرنگار رادیو تلویزیون گفت: چند روز قبل از قول امام خمینی در روزنامه‌ها نوشته شده است که زنان میتوانند در ادارات و مؤسسات کار کنند ولی با حجاب اسلامی و امروز این توهم و تصور برای گروهی از آنان مطرح شده که باید با حجاب باشند و اگر بی حجاب باشند از ورود آنان به محل کارشان جلوگیری خواهد شد، نظر شما در این باره چیست.

حضرت آیت الله طالقانی در پاسخ این پرسش گفت: من مجالی

نیافتم تا متن بیانات امام خمینی را در روزنامه‌ها ببینم، ولی مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و خواهران ما و دختران ماست و هم مطابق موازین اصولی اسلام است. هم ایشان و هم ما در این حرکت انقلابی همیشه نسبت به این سهم بزرگی که زنان داشته‌اند، قدردانی کردیم و واقعاً هم سهم بزرگی دارید و در این حرکت تاریخی باید نام زنان در این فصل تاریخی مانند اوایل مشروطه در تاریخ ضبط و ثبت گردد. وقتیکه همه این ملت، زن و مرد، حضرت آیت‌الله خمینی را يك پدر رئوف و مهربان و فداکار برای نجات ملت میدانند، قطع نظر از مسایل دیگر، واجب است که نصایح ایشان، راهنماییهای ایشان را که به خیر و ثواب هر طبقه و هر گروهی هست بپذیرند و تصور نکنند که اگر مسأله‌ئی مطرح میشود، خدای ناخواسته به ضرر و زیان و نادیده گرفتن حقوق چه زن و چه دیگر طبقات است. اگر بخواهیم مسئله حجاب را از جهت اسلامی و از نظر ملی بحث کنیم، يك مسئله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق مطرح بوده است. همیشه زنهای ما دارای يك فرم حجاب بوده‌اند، حجاب بمعنای عামش نه مخصوص به چادر و وضع خاص یعنی حفظ عفاف یعنی وقار، حفظ وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و کشورهای شرقی اسلامی و غیر اسلامی بوده و شما ملاحظه میکنید که هندوها، زنهای هندوستان با اینکه مسلمان نیستند برای حفظ سنت اصیل ملی‌شان، اکثراً دارای حجابی سرپوشی هستند که مظهر کامل زنان متمدنی و مدبر و سیاستمدار شرق خانم «گاندی» است. خانم «گاندی» میدانید که از جهت قدرت سیاست و اداره يك کشور وسیع با آن همه اختلافات قومی و مذهبی، سالها توانست این کشور را اداره کند و آبروی هند را نگاهدارد و استقلال این کشور را حفظ نماید و مورد احترام همه سیاستمداران دنیا بوده و من در کمتر روزنامه‌ای عکس این خانم را بدون روسری دیده‌ام، با اینکه مسلمان نیست و هیچکس هم این را اهانت نمیدانست، درباره خانم «گاندی» و همه به شخصیت او احترام میگذاشته‌اند. سنگینی و وقار و حیثیت و قدرت اداره او حالا اگر در داخل هند اختلافاتی ایجاد کرده، ما نمیخواهیم دخالت کنیم، چرا که این يك مسئله داخلی و مربوط به این کشور است. گاندی هنوز هم مورد احترام همه دنیاست و با اینکه شخصی غیرمسلمان است برای حفظ سنت خودش روسریش همیشه روی سرش بوده و به این جلفی‌ها و سبکی‌ها که در غرب معمول

است و به شرق نیز متأسفانه سرایت کرده، در تمام مجالس و مجامعی که میرفت شرکت نمیکرد جز برنامه عمومی. این رفت و آمدهای شخصیت‌های سیاسی همیشه در دنیا این است که عده‌ای شب‌نشینی‌هایی، مجالس رقص داشته باشند، ولی هیچوقت شنیده نشد که این‌خانم شرکت داشته باشد. بنابراین می‌خواهم عرض کنم اگر خانم‌هایی فکر می‌کنند که اگر يك روسری به سرشان ببندازند، از حیثیت‌شان کم میشود، اشتباه می‌کنند و از شخصیت‌شان نیز کاسته نمی‌گردد. قطع‌نظر از مسلمان بودن، حافظ سنت شرقی هستند و این حفظ سنت شرق، اصالت است. اگر يك کشوری بخواهد مستقل باشد، معنایش این نیست که فقط دروازه‌هایش را محدود کند به‌روی دنیا، این است که سنتش را حفظ کند.

معارفش و سنت‌هایش را حفظ کند. این است معنای استقلال واقعی متأسفانه این نحوه بی‌حجابی که در این سالیان از زمان رضاشاه تا بحال آمده بر اکثریت زنان مسلمان ما تحمیل شده، این را باید بدانید که رضاشاه یا بر اثر برنامه‌های استعماری خواست زنان ما را سبك و خفیف کند و به‌جلافت و بی‌پندوباری بکشانند و همانطوری که برنامه عمومی استعمار است که زن و مرد را سرگرم شهوت‌رانی‌ها، خوش‌گذرانی‌ها، عیاشی‌ها بکنند تا بتوانند کارشان را پیش ببرند یا از جهت عوامی‌اش این بود که خیال میکرد همین قدر لباسها را که کوتاه کرد مردم ایران که كت و شلوار پوشیدند. شاپو گذاشتند، زنها که بی‌حجاب آمدند، دیگر ترقی کرده‌ایم کار رضاشاه همین‌طور بود، خیال کرد که دنیای غرب که مترقی شده و پیشرفت کرده است، دلیلش اینست که زنان بی‌حجابند و توسعه اقتصاد و علم و قدرت و صنعت نیز بهمین دلیل است. آنها که شاپو می‌پوشند و كت و شلوار به تن میکنند، مترقی‌اند و ما ایرانیها نداریم. بعد هم اگر کسانی که آزمون یادشان هست، میبینیم به‌چه وضعی، مأموران شهربانی و پاسبانها، بجان مردم افتادند، کلاه مردم را از سرشان برداشتند، عمامه‌ها را پاره کردند، لباسها را قیچی نمودند، چادرها را از سر زنان کشیدند و روی سری— هایشان را پاره‌پاره کردند برای اینکه بگویند ما مترقی شده‌ایم و مترقی هستیم و بدنبال آن میبینیم که گروهی از زنان ما را به‌غرب‌زدگی کشاندند و بجای پیشرفت علمی و سیاسی و آگاهی و وظایف و مسئولیت— هائی که بمعده‌شان گذاشته میشد، ریختند توی ادارات و وزارتخانه‌ها،

مجلس شورایملی و حزب رستاخیز وقتی درست شد، دیدیم که چه مفاسدی ببار آمد ما نمی‌خواهیم بگوئیم که زنها به ادارات نروند و هیچ کس هم نمی‌گوید.

زنان در مرحله انقلاب

زنان يك عضو فعال اجتماع ما هستند، بخصوص زنان ما درچنین مرحله انقلاب که واقعاً من وقتی از زندانی بیرون آمدم، همه اقشار بخصوص زنهای ما آنطور که بچشم من آمد، خیال میکردم اینها، زنائی غیراز زنهای سه یا چهار سال قبل هستند یا اینکه کسان دیگری هستند. فرشته‌هائی پاک و پرمسئولیت هستند که اینطور با روسری و چادرشان مشتها را گره کرده‌اند و مثل شیر توی خیابانها فریاد میکشند و در مقابل رژیم ایستادند، کشته دادند و انقلاب را به‌ثمر رساندند. چه بودند این زنهای همان زنهایی که بخودآرائی و مصرف کردن و خود-نمائی توی خیابانها و توی ادارات و وزارتخانه‌ها مشغول به‌کارند. این روح انقلابی این زنهای باید حفظ شود، باید اینها همیشه این روح انقلابی را داشته باشند. این منوط است براینکه زنهای ما به‌آن‌تجمل-پرستی‌ها و آن ابتذالهایی که کشانده شده بودند، برگردند. اصل‌مطلب این است. اگر این انقلاب ادامه یابد وقتی‌ما این اصل‌را درنظر بگیریم، میدانیم که خطری هست و خانمها اینرا حس میکنند. خیال میکنند که گفته امام خمینی یا دیگر علمای دین است که اینان توی خانه‌هایشان بروند و توسری‌خور باشند و محجور بمانند. ولی خطری که ما حس میکنیم این است که زنان دومرتبه به‌آن ابتذال‌ها کشانده شوند، اما حجاب اسلامی چه معنی دارد، حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت، ساخته من و فقیه و دیگران نیست، این نص صریح قرآن است، آن قدری که قرآن مجید بیان کرده نه‌ما میتوانیم از آن حدود خارج شویم و نه زنائی که معتقد به‌این کتاب بزرگ آسمانی هستند که هر سوره‌اش بنام دوگونه رحمت خداوند آغاز میشود. بسم‌الله، الرحمن، الرحیم. چندین سوره نیز برای حقوق زنها و حدود آنهاست، سوره نساء سوره نور، سوره نور اساسش پاکسازی داخل خانواده‌هاست و پاکسازی زنان و مؤمنات است. آنهائی متعهدند که مسئولند. آنهائی که در راه خدمت انقلاب اسلام هستند، یعنی همانطور که آسمان و زمین مظهر نور خداست، «الله نور السماوات والارض....» (سوره نور) این نوری

رجوع کنیم، به فرهنگمان برگردیم و می‌خواهیم به قدرتمان اتکا داشته باشیم، باید استقلالمان از خودمان باشد، سنتهای خوبمان هم باید زنده شود، این از نظر سنت و اینهم از جهت آیه، ولی این مانع اینست که زن کار اداری داشته باشد؟ نه، مانع از اینست که کار فرهنگی داشته باشد؟ نه. بشرطیکه در راه خدمت باشد. انسان دارای غرایزی است. مقداری صادق است مانند گرسنگی و شهوت که این خودبخود انجام میگیرد، مقداری از این غرایز نیز کاذب است و تحریک بیش از حد است که اسلام سعی دارد این تحریکات را مهار کند و مانع می‌شود که تحریکات بیش از حد اخلاق انسان و جسم و اراده و تقوی انسانی نباشد. علاوه بر این موضوع، مسئله اقتصادی است، زنان ما، آنهایی که در خدمت ادارات هستند، حقوقی که می‌گرفتند، چه قدر از حقوقش را صرف تزئینات و آرایش و پیرایش خود میکرد. برای اینکه چند ساعتی به اداره برود، روی رقابت میدید آن یکی آرایشش بیشتر است، بیشتر پول خرج میکرد، می‌دید مد چگونه است، فوراً عوض می‌کرد. اگر ما انقلاب کرده‌ایم، باید اکنون همه اینها را دور بریزیم. اسلام، قرآن و مراجع دین می‌خواهند شخصیت زنان حفظ شود، مسئله اینست که هیچ اجباری در کار نیست. مسأله چادر هم مطرح نیست. مگر در دهات ما از صدر اسلام تاکنون زنان ما چگونه زندگی میکردند؟ مگر چادر می‌پوشیدند؟ این زنان زحمتکش، این زنهای خدمتگزار، دهات ما، کردستان ما، مازندران ما، ایلات ما همه يك روسری می‌بستند، دوش بدوش مردان کار میکردند. مگر کار منحصر به رفتن به اداره است و پشت میز نشستن؟

اینهم نوعی کار است. کار راصیل همین است. آن کار، کار تحمیلی است و مصرفی، ولی اینکار، کار تولیدی است و اینها هم الان دارند همین کارها را میکنند. برنجی که ما می‌خوریم، گندمی که ما می‌خوریم، سایر تولیداتی که ما اکنون مصرف میکنیم، يك قسمتش بعهده زن‌هاست که متأسفانه به آنها ظلم بیشتری شده، یعنی زنان دهات و روستاها بیشتر از زنان شهری ستم و جور دیده‌اند. اسلام راضی نیست این مردان بنشینند توی قهوه‌خانه‌ها در مازندران و کردستان و زنان بروند در جنگل‌ها و مزارع و مراتع، توی شالیزارها، چرا ملاحظه حقوق آنها را نکنیم؟ معذالك عفت‌شان را حفظ کرده و میکنند. بچه‌هایشان را نیز تربیت میکردند، کانون خانه را هم گرم نگاه میداشتند.

يك زندگى باصفا با همت و همكارى مردان، و توليد. ما همه‌اش خيال مي‌كنيم كه زنها منحصرند به يك مشت زنانى كه ريخته‌اند توى شهرها و دائماً مى‌خواهند مصرف‌كننده باشند. اينها ميخواهند ادارات را پر كنند، خوب برويد با آنها همكارى كنيد. اگر واقعاً راست مى‌گوئيم، البته گروهى از زنها، اينها باقيمانده و تفاله‌هاى رژيم منحل پهلوى هستند كه ديگر زنهای مبارز ما را دارند تحريك ميكنند، بگويند به ما اهانت ميشود، چه اهانتى شده؟ اينهمه هم تجليل شده. از زنانى كه باز هم تكرر ميكنم، در اين انقلاب سهم بزرگى داشته‌اند، تجليل شده و در تاريخ نيز اين سهم‌شان ثبت ميگردد. پنجاه سال زنان در ادارات بوده‌اند و مى‌ديديم كه چه اشتغالاتى داشتند، آيا نامشان در تاريخ بوده؟. چقدر ساقط شدند، از حيثيت، شرافت و عفت چه كانونهاى بهم خورد. ما نميخواهيم مجدداً به آنجا برگرديم، آنها هم نبايد راضى باشند، همين زنهایی كه من به مناسبتى از اينها قدرداني ميكنم، پس از اينكه چند روز پيش فرصتى دست داد، به يكي دو بيمارستان سر زدم و از مجروحان و تيرخورده‌ها عيادتي كردم، وقتى پرسيدم اين خانمهاي پزشكيار ميگفتند، اينها قدرشان مجهول است وقتى ما مى- رفتيم و مى‌ديديم غير از آرايش و خودآرائى و خود درست كردن و نمايش دادن، اصلاً چيز ديگري نداشتند و گاهگاه به مريضها بي‌اعتنائى ميکردند، گاهى به مريضها اهانت مى‌کردند، گفتند روزها و شبها شده كه اين خانمها نخواييده‌اند. دائماً فعاليت مى‌كنند و اغلب خودشان را فراموش كرده بودند، چنين زنى انقلابى است ديگر ما نمي‌خواهيم زنهايمان به شكل سابق باشند، اصل مسئله همين است. مسئله محدود كردن زنها نيست. مسئله چادر نيست. مسئله محدود كردن خانمها كه بارها حضرت آيت الله خميني، ما و ديگران گفتيم اگر به حساب موازين و حقوق اسلامى بسنجيم، ما مردها از آنها طلبكارهستيم نبايد آنها ادعاى حق بكنند، ما بايد ادعاى حق بنمائيم. بر مرد واجب است خرج زنش را بدهد. تعهد بكد با او بهترين رفتار را داشته باشد، با او به‌طور متساوي رفتار كند. هرچه كه از بيرون در مى‌آورد، حقوقى كه مى‌گيرند، توى مشت خانمها بدهند و مطالعه هم نكنند. ايراد هم نمى‌تواند بگيرد كه اين غذا چه جور است. جرئت هم نمى‌كند چيزى مطالبه كند كه مثلاً اين غذا خوب پخته شده است يا نه.

مرد كار كرده، زحمت كشيده، جان‌كننده به اداره رفته ولى وقتى

می‌آید خانه. پولها را سربرج باید به‌خانم بدهد، اگر نفسش هم در بیاید که مثلاً این غذا چرا شور است یا چرا ترش‌شده، دعا درمی‌گیرد. می‌خواهیم دعاها از خانه‌ها بیرون برود.

بین زن و مرد صمیمیت وجود داشته باشد. صفا باشد يك مملکت مثل يك خانواده، ما می‌خواهیم در این مملکت دیگر «قلعه» نباشد که عده‌ای از زنان به‌دبختی‌کشیده شوند. ما می‌خواهیم دیگر سرپز و توالث و ماشین، طرز لباس پوشیدن، جنگ بین زن و مرد در نگیرد. بطور کلی خلاصه نظرم چنین است:

جلوگیری از اینکه زنهای ما به عهد جاهلیت پهلوی و شرک پهلوی و شرک خاندان سلطنت که منشأ تمام مفساد بودند، برگردند و همانگونه مسئولیت اسلامی و ایرانی خود را تا بحال بخوبی انجام دادند. ادامه یابد، این است اصل کلی.

مسئله حجاب یکی از مظاهر این حرکت انقلابی است. کی در این راه پیمائی‌ها، خانمها، خواهران و دختران ما را مجبور کرد که با حجاب یا بی‌حجاب بیایند، هیچ طرفش مجبور نبودند، پس خودشان با احساس مسئولیت اسلامی که این لباس یکی از شعارهای اسلامی و ایرانی است، اصالت خودشان را نشان دادند و به دنیا فهماندند و مورد اعجاب جهانیان واقع شدند. اما حالا اینکه روسری سر کنند. یا نکنند، باز هم هیچکس اجباری در این کار نکرده است و ما درخواست می‌کنیم. حضرت آیت‌الله خمینی نیز اجبار و اکراهی به شکل اکراه بیان نکرده‌اند ولی ما قصد نمایش دادن نداریم، اکنون در انقلابات و ادارات ما، وزارتخانه‌های ما متحول و انقلابی شده‌اند. از این جهت من نیز درخواست می‌کنم که زنان آلت دست واقع نشوند، هو و جنجال راه نیندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد بود.

هو و جنجال راه نیندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد ماند و از آنها خواهش می‌کنیم که با لباس ساده، با وقار روسری هم روی سرشان ببندازند، بجائی بر نمی‌خورد، اگر آنهایی هم که میخواهند مویشان خراب نشود. اگر روی مویشان روسری ببندازند، بهتر است و بیشتر محفوظ می‌ماند. همانطور که من آن آیه شریفه را تلاوت کردم که می‌فرماید: ولیفرین نجومورهن ولایبدين زینتهون الالبهولتمهن، کسانی

که زن‌ها نمیتوانند زینت‌هایشان را در مقابل آنها بنوشانند بیان میکند تا آخر نمی‌توانند زینت‌هایشان را در مقابل آنها بنوشانند بیان می‌کند تا آخر آیه آمده است: لعلکم تفلحو راه رستگاری همین است که این روابط محفوظ باشد بین خویشاوندان و مردان غیر خویشاوند، اجنبی‌ها و چقدر پیش آمده که همین تحریکات شهوانی کاذب، دخترها، پسرها به سقوط-کشانده شده‌اند چه جنگ‌ها.

چه قتل‌ها، چه فجایع که تا یکسال قبل دائماً هر روز يك قسمت اخبار روزنامه‌ها همین فجایع بود. منشأ اینها کی بود؟ ریشه اینها از کجا بود؟ غیر از همین تحریکات بی‌جا بود؟ واقعاً يك عده زن‌ها این جوان‌ها را اذیت میکردند آنها يك عده بی‌شکایت داشتند جوان‌ها ما را اذیت می‌کنند. يك جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد، وسیله کار ندارد زندگی و سروسامان ندارد وقتی این زن را باین صورت می‌بیند که گاهی يك پیرزن ۵۰، ۶۰ ساله خودش را مثل يك دختر ۱۴ ساله نمایش میدهد توی خیابان و سرکوچه این بیچاره اذیتش می‌کنند، ناراحتش می‌کند و این يك جور آزار جوان‌هاست و امیدواریم که بعد از این جوان‌های ما هم سروسامان پیدا کنند زن‌های ما هم بوظایف اصیل خودشان بیشتر آشنا بشوند و وظایف اداری، معلمی، پزشکیاریشان را با حواس جمع و قدرت فکری که همین تجمل‌پرستی‌ها و رقابت‌ها مانع درست وظیفه انجام دادن هست، در بین نباشد و بتوانند خوب انجام بدهند.

اجباری حتی برای زن‌های مسلمان هم نیست، چه اجباری؟ حضرت آیت‌الله خمینی نصیحتی کردند مانند پدری که به‌فرزندش نصیحت می‌کند راهنمائیش می‌کند که شما اینجور باشید باین سبک باشید بهتر میتوانید روح اسلام و همانطوریکه گفتم سنت ایرانیت را متجلی کنید. استقلال و شخصیتتان را حفظ کنید. وقتی نسبت به آنها اینطور نیست چطور ما میتوانیم بگوئیم که اقلیت‌های مذهبی مسیحی، زردشتی، یهودی که اکثر اینها خصوصاً یهودیها و زردشتیها برخورد می‌بینم مقید به حجاب روی همان سنن ایرانی که از قبل بوده، برای آنها هم اجباری نیست و در اسلام هم همیشه بارها گفتیم و گفتیم و عملاً هم نشان دادیم حتی اقلیتهائی که با اسم مذهب هستند نه اینکه مذهب صحیح باشند، مذهب ساختگی، مذهب استعماری، مذهب اسرائیلی بودند و اینها وسیله استعماری و جاسوسی بودند و ما جلوگیری کردیم که

معارض آنها هم نشوند، چه رسد به اقلیت‌هایی مانند زردشتی‌ها، یهودیها، مسیحی‌ها و دیگر اقلیت‌ها که همیشه جزو این مملکت بودند مورد احترام بودند و فرقی نداشتند در زندگی اجتماعی و اقتصادی با دیگران و چه بسا بعضی آنها از خیلی مسلمانها هم بهتر بوده در این مملکت خود یهودیها بعضی‌ها اعتراف می‌کنند، بعضی‌ها که به اسرائیل رفته‌اند و از آنجا فرار کرده‌اند، می‌گویند اینجا اصلاً زندگی ما بمراتب بهتر از اسرائیل است امکانات ما در اینجا بیشتر از هرجائی است.

خبرنگار رادیو تلویزیون آنگاه عنوان کرد در کتابی که «فرانتس فانون» نوشته بنام سال پنجم انقلاب الجزایر با جامعه‌شناسی یک انقلاب مسأله حجاب را در الجزایر خیلی عمیق و بسیار جالب مطرح می‌کند و تجزیه و تحلیل کرده که زنان الجزایر بر اثر رشد انقلابیشان به نتیجه رسیده‌اند که باید شخصیت خود را بالا ببرند و نگذارند که آلت دست استعمار فرانسه بشوند و ما در راه‌پیمائی‌های گذشته هم میدیدیم که واقعاً عده‌یی از زنها با اینکه بی‌حجاب هستند ولی شعارهای اسلامی میدهند و عقیده به این حرکت و به این جنبش اسلامی دارند. آیا واقعاً میشود آنها را سهل‌انگار دانست یا اینکه بی‌عقیده و رفتاری که نسبت به آنها میشود چگونه باید باشد اصولاً این مربوط میشود به تلقی اسلام از زن که برخلاف تبلیغات رژیم گذشته که میخواست چنین وانمود بکند که اسلام نظری توهین‌آمیز نسبت به زن دارد، و حجاب را برای این بوجود آورد که زن در خانه محبوس بماند و فعالیت اجتماعی نکند در شرایط کنونی انقلاب ما نسبت به این مسایل چه عکس‌العملی باید داشته باشیم؟

حضرت آیت‌الله طالقانی: منظور کدام مسایل است یکی یکی بیان کنید:

خبرنگار: یکی شخصیت زن و دیگری مسأله حجاب و ارتباطش با مسایل اجتماعی و سیاسی و انقلابی.

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: همانطوریکه شما البته شاید با دقت بیشتر کتاب «فانون» را خواندید منم دیده‌ام که اساساً میگوید که انقلاب الجزایر آنوقت اوج گرفت و پیش رفت که زن و مرد الجزایری که مدت‌ها تحت نفوذ فرهنگ استعماری و روشها و لباسها و مدهای استعماری بودند، به خودشان برگشتند و شروع کردند ملتشان را احیاء کردن و همین زنهای الجزایری بودند که فهمیدند در آن وضع انقلابی بهترین

که در هر ذره‌ئی و در هر قسمتی از جهان که تلالو دارد، باید از خانواده‌های ایمان، نور صفا، نور ایمان، نور محبت، نور صحت ساطع و ظاهر شود. این نور از کدام خانه‌هاست؟ از واحد خانه‌هایی که باید پاکسازی شود، بعد همین آیه در قسمت‌های آخر سوره نور تکرار شده و توضیح داده شده که خانواده چگونه باید پاکسازی گردد. (ادامه سوره نور). اگر بخواهند تزکیه شوند و مردان مؤمن از چشم‌چرانی، شهوت‌پرستی باید چشم بپوشند و همین‌طور زنان مؤمنه.

به زنان مؤمن یعنی زنان متعهد، زنان مسئول، زنانی که با خدا و با ملت مسلمان تعهد دارند بگو، چشم‌پوشی کنند، عفاف خود را حفظ کنند، زنهای مسلمان ما، زنهای مملکت ما آنگونه که تا چندی قبل بودند که امیدواریم از این بیعت نباشند، چه بودند؟ در خانه که باید برای شوهرشان خودشان را آرایش بکنند، هر جور که میخواهند لباس می‌پوشند و این اغلب لباسهای کهنه و گرد و خاکی و معمولی است، ولی همین خانم وقتی میخواست به خیابان برود و سبزی بخرد یا به فلان اداره برود، دو ساعت توالی میکرد قرآن می‌گوید عکس این موضوع عمل شود، توی خانه خودتان هر چه قدر که میخواهید خودتان را آرایش کنید، ولی وقتی بیرون رفتید، همدوش مرد باشید.... شخصیت خود را بروز دهید. در آیاتی از این سوره آمده است که: «خمار» روسری‌هایی بوده که در تمام دنیا معمول بوده، این «خمار» (نوعی روسری) دنباله‌ای داشته که گاهی آویخته میشد روی سینه و گلو.... در مدینه منوره زن‌ها گاه بی‌توجهی میکردند، دامنه‌های خمارشان را باز می‌گذاشتند، سینه و محل‌های محرک آشکار میشد و جوانها آنها را تعقیب میکردند و متلک میگفتند، مانند حالا و اینها خیال میکردند برده هستند. برده‌ها اینجور بیرون می‌آمدند، سروپای لخت و برهنه داشتند که همواره مورد تعقیب و تحقیر جوانان بی‌بندوباری قرار میگرفتند و آیه حجاب نیز همین است.

آیه حجاب برای شخصیت دادن به زن‌هاست. برای شخصیت انسانی اوست.

زن در اداره

اگر ما میخواهیم سراپا مقلد باشیم، خوب بشویم، هر چه میخواهیم بشویم، اما اگر بخواهیم همانگونه که بخودمان برگشته‌ایم، به خودمان

وسیله هم برای نشان دادن شخصیت خودشان هم برای روابطی که با گروههای انقلابی مسلح دارند، همین است که با حجاب بتوانند این خدمت بزرگ را انجام بدهند. این مسلم است که در تاریخ الجزایر هست شاید در بین عموماً کشورهای انقلابی خود بخود زنهای به‌سنتها و روشهای خودشان برگشتند و از فرهنگ و تقلید بی‌جا که از کشورهای غربی و تقلیدهای وارداتی و کارهای وارداتی خودشان را توانستند رها بکنند برای اینکه گفتم استقلال معنایش این است که بتوانیم معنا ما مستقل باشیم مستقل شدنمان این است که فرهنگمان و راه و روشمان را دومرتبه پس از اینکه دو مرتبه تحمیل شد بما یا زور و سرنیزه مثل زمان رضاخان یا بوسیله تبلیغات مثل زمان پسرش اینها را از خودمان شستشو کنیم و زنهای ما اگر انقلابی باشند باید بگویند که آنها به‌این وسایل و یا با این سلاحها با زور و فشار و با تبلیغات این نوع زندگی مدپرستی و خودآرائی و بی‌بندوباری را و خروج از سنن بما تحمیل کرده‌اند، ما باید برگردیم به‌مان حال و آنهایی که بخواهند دو مرتبه آنها را احیا کنند که خیلی‌ها هستند آنها مطرود اجتماع هستند آن وضعیت آن شرایط یعنی مطرود این انقلاب هستند آنها باید برکنار باشند از این انقلاب آنها کی دائماً راه مصرف یعنی راه دزدی، راه رشوه را بی‌بندوباری به‌روی مردم باز می‌کردند آنها را ما يك زن اصیل نه مسلمان، ایرانی هم نمی‌دانیم. واما اینکه گفتید جوانهایی ممکن است معترض بشوند که البته هیچ حق ندارند، امروز (شنبه) از یکی از دبیرستانها بمن تلفن کردند راجع به‌همین مسایل پیامی فرستادم برای دخترها و معلمه‌های دبیرستان گفتم شما بد فهمیدید برگردید سر کلاس‌ها این مسائل حل شدنی است، عجله نکنید و بعد بمن گفتند که سر يك چهار راهی به‌يك خانمی کسی اهانت کرده من ناراحت شدم و گفتم حتماً تعقیب بکنید و ببینید این آیا از این مأمورینی است که خودشان را به‌کمیتها منتسب می‌کنند یا يك کسی است که خواسته از این راه سوءاستفاده کند و بخواهد چهره این انقلاب را خراب بکند و نارضایتی ایجاد بکند همانطور که بشدت عده‌ی مشغول هستند چه عوامل رژیم سابق، چه عواملی که زیر پرده از جناحهای غربی و استعماری و وابسته‌های به‌آنها و ساواکی‌هایی که دارند کار می‌کنند، این کارها را می‌کنند باسم انقلاب می‌گذارند.

برای اینکه يك جناح بزرگ انقلاب اصیل ما که زنهای ما باشند

اینها را از انقلاب جدا کنند و بسوی نارضایتی بکشانند.

حضرت آیت الله طالقانی در پایان گفت: من سلام و درودم را برزنها و خواهرانم و دخترانم که باز میگویم سهم بزرگی در این انقلاب داشته‌اند باید هم این حق و سهم بزرگی که دارند ادامه بدهند، به ثمر برسانند، آلت دست تحریکات نشوند، اغوا نشوند و وظیفه و مسئولیت خطیری که بیش از مسئولیت زندگی عادی واداری است که آگاهی و هشیاری خودشان و خصوصاً خانمهایی که در پست مهم و پرمسئولیت تعلیم و آموزگاری هستند و وظیفه‌ی سنگین نسبت به بچه‌های مادرند، وظایفشان را بخوبی انجام بدهند و هر مشکلی و هر مسأله‌ی پیش آمد ما در دسترس آنها هستیم و اجازه نمیدهیم کسی به اینها اهانت بکند. شاید قبلاً خودم هم دلم میخواست به آن زن‌ها، با آن صورت‌ها، با آن وضعیات اگر اهانت کردند، خیلی هم ناراضی نبودم، ولی حالا اگر کسی بخواهد به یک زن ایرانی که در این جهاد مقدس شرکت کرده، اهانت کند، اهانت به همه مردم این کشور و به همه ایرانی‌ها و به همه مسلمان‌ها هست، سرکارشان بروند و درادارات هم سنگین، با وقار مسئولیتشان را خوب انجام بدهند و از آرایش و پیرایش اینها که خودشان را هم خسته هستند من میدانم که چقدر تحمیل شده به آنها و چقدر ناراحت بودند و از این رقابت‌ها انشاله پرهیزند و برای اطاعت از راهنمایی و نصیحت شخصیتی که هم قبولش داریم و به‌پدیری، به دلسوزی برای این ملت‌گوش بدهند تا اگر مسایل بازپیش آمده‌مانطوری که عرض کردم مشکلات فکری، مشکلات عملی ما حاضریم آنقدری که قدرت داریم، در دست ما هست بیاری خداوند و به‌همت این ملت شریف و این مردم مشکلات را حل کنیم و روز بروز راه‌ها بازتر بشود تفاهم بیشتر بشود نه بین زن‌ها و مردها، بین تمام طبقات تمام گروه‌ها، بین همه قشرها بیاری خداوند تبارک و تعالی از خداوند مسئلت آن راهی که خیر این ملت و خیر این کشور و آینده این کشور است روز بروز بروی ما بیشتر بگشاید و ما را از لغزش و خطا حفظ کند. الحمدلله رب العالمین.

کیهان یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷

سپاسگزاری پدر طالقانی از مردم

بیانیه زیر از سوی حضرت آیت‌الله طالقانی منتشر شد:

بسمه تعالی

از آیات عظام و عموم خواهران و برادران ارجمندی که از داخل و خارج کشور با ارسال تلگرام - نامه و پیام و در مطبوعات اینجانب را مورد تفقد قرار دادند، از همه عزیزانی که در تهران و شهرستانها و روستاها مجالس ترحیم برپا کرده‌اند. از اقلیت‌های مذهبی و سفیران برخی از کشورهای اسلامی و همه کسانی که در مجلس ترحیم شرکت کرده‌اند، کمال تشکر را دارد و ضمن آرزوی موفقیت برای کلیه مردم مجاهد، مبارز و انقلابی فی‌سبیل‌الله از عموم هموطنان تقاضا می‌کنم که بعلت مسؤولیت‌های مهمی که در این موقعیت حساس برعهده فرد فرد شماست، از تشکیل مجالس ترحیم بیشتر و ارسال پیام تسلیت خودداری فرمائید و خداوند همه افراد مملکت ایران را مشمول رحمت و توفیق خود قرار دهد و انقلاب ما را پایدار دارد و به‌پیروزی نهائی برساند.

سید محمود طالقانی

کیهان، چهارشنبه ۲۳ اسفند ۵۷

توصیه‌های پدر طالقانی در مورد پاکسازی محیط‌زیست

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

حضرت آیت‌الله طالقانی دیشب طی يك مصاحبه تلویزیونی نقطه‌نظرهای خود را درباره پاکسازی محیط زیست اعلام کردند. و ضمن راهنمایی مردم در این زمینه، این‌کار را يك فریضه دینی دانستند. آیت‌الله گفتند: اساساً مسئله طهارت و تزکیه با تمام ابعادش از تعالیم اصلی و ریشه‌داری است که در قرآن و فقه اسلامی نیز این مسئله بصورت‌های گوناگونی تاکید شده که يك انسان مسلمان در شبانه‌روز باید به تزکیه و تطهیر بپردازد. این يك صورتی از تسبیح است که برای انسان يك امر درونی فکری و تذکری است قبل از عمل و قبل از زبان یعنی انسانی که سبحان‌الله میگوید.

آیت‌الله طالقانی افزودند: این ذکرها مبین آن دردها و واقعیت‌ها و معنویات انسان باید باشد، یعنی انسان در هر وضعی که هست آلودگی

آن وضع را به‌گردن تقدیر و خدا نیاندازد. با این تذکر، انسان مسئولیت را درخودش احساس می‌کند که باید خود را از هرگونه آلودگی ذهن و نفسیات انسانی و خیالات بد و آثار گناهی که از عمل به روح انسان منعکس میشود و انسان را آلوده می‌کند نجات بدهد و همیشه لباسش، بدنش و محیطش و خانه‌اش را اگر تطهیر نکند. و تسبیح نکند در معرض آلودگی است، پس این يك حرکت فکری و اخلاقی و عملی است که وظیفه هرمسلمان است سبحان‌الله، خدا منزه است، خدا من را آلوده و پست و ذلیل نخواستہ پس هرچه هست از ناحیه خود من هست که معنای عمیقی از تسبیح است. انسان اگر بخواهد خودش را نجات بدهد در مرحله اول تکیه به‌خودش است.

ما انسان‌ها در این حیات حالت شنوری را داریم که اگر مایوس شدیم و از هدفمان روی‌گردانیم خودمان را فراموش می‌کنیم و در اثر فراموشی از خود و مرعوب‌شدن در برابر عوامل گناه، غرق در فساد و انحطاط و یاس خواهیم شد.

فلسفه نماز

آیت‌الله طالقانی در قسمتی دیگر از سخنان خود ضمن اشاره به فلسفه نماز و برخاستن انسان به‌قصد رها شدن از آلودگی گفتند: مطلب این نیست که من بیشتر در فلسفه این عبارت پرمعنی صحبت کنم این مقدمه‌ای بود برای اینکه مطلب را به‌تمام برادران و خواهران و فرزندان تذکر بدهم که تزکیه و تسبیح بر همه مسلمانها واجب است که از داخل و خارج از روحش و لباسش چه کهنه و چه قیمتی شروع بکند، از داخل خانه‌اش پاک باشد تا شهرش. همه باید نمونه يك تربیت و رشد اسلامی برای همه مسلمانها باشند. ما در زمانهای سابق پیامان هست که تهران شهرداری نداشت ولی در همین کوچه‌های جنوب شهر و در دهات هرروز صبح در خانه‌ها جارو و آبپاشی میشد براساس تربیت اسلامی، ولی بعد از آنکه شهرداری‌ها این مسئولیت را برعهده گرفتند اینطور نبود بخصوص شهرداری رژیم طاغوت که وسیله‌ای برای دزدی‌ها و مالیات بستن به‌مردم و مردم را از مسیر طبیعی‌خودشان بازداشتن بود.

الان مردم باید فکر کنند شهرداری ندارند، باید خودشان همه‌جا را تمیز نگهدارند، درخت‌ها را پرورش بدهند، آبیاری کنند تا شهر

نمونه‌ای داشته باشند. اکنون مردم باید بدانند که این شهرداری بعد از سقوط رژیم، مثل همه ادارات در خدمت مردم است نه آقابالاسر آنها. هرکس از هرناحیه‌ای که از شهرداری شکایت دارد در آن پرویشان باز است. در کارها با شهرداری همکاری بکنید، اینها که در رأس شهرداری هستند جوانهایی پاک و آماده خدمتند برای خدا به قصد قربت اینها مثل فرزندان من هستند، مردم باید روی وظیفه دینی به تمام معنا با اینها همکاری کنند تا شهرها و دهاتشان همیشه در حال نظافت و پاکیزگی باشد. در قرآن آمده که. خداوند تقواکاران را دوست دارد، دوستی خدا يك دوستی نفسانی نیست، جاذبه الهی متوجه به اینهاست و تقرب به خدا. خداوند کسانی را که دائماً در حال تذکرند و خودشان را از آلودگی‌ها باز میدارند و يك حرکت و تحرك انقلابی درونی دارند دوست دارد.

خراب نکنید

امیدواریم این شهر و همه کشور ما بجای اینکه در رژیم طاغوتی يك ملت کینه‌ورز و بدبین نسبت به هم بودیم، يك کشور با شهرها و دهاتی بشود که همه باهم با محبت و همکاری با یکدیگر و با دوستی و برادری بتوانند همه چیزشان را سرو صورت بدهند و کسانی که شهر را خراب می‌کنند - شنیده‌ام در حوالی تهران عده‌ای دیوارهای خانه‌های دولتی را خراب کرده‌اند - از اینکارها دست بردارند.

مردم ما باید باور کنند که جدا از دولت نیستند، باید باور کنند که این سرزمین، آب و خاک و منابع و جنگل و معادن مال خودشان است و در خدمت به ملت باید باشد. معنای انقلاب همین است، ولی از آنجا که مردم سالهای طولانی دولت را حق بر و توسری‌بزن تشخیص دادند و تشخیصشان هم درست بود و هر مطلب و عمل دولت را دروغ میدانستند، این بود که نه گفته‌های آنها را باور می‌کردند نه اعمالشان را و نه با مامورین آنها همکاری داشتند و هنوز هم خیال می‌کنند دولت آقابالاسری است برای مزاحمت، آنها که سالها منابع خودشان را مال خودشان نمی‌دانستند حالا هنوز هم نمی‌توانند باور کنند که مال آنهاست. اما مال آنها بودن هم معنایش این نیست که به جنگل‌ها و منابع طبیعی و سایر جاها تجاوز کنند، مال همه است مال يك گروه و يا يك فرد نیست، فرد حق ندارد آن را برای خودش بسازد. اگر کسی خانه ندارد، دولت

موظف است برایش خانه بسازد، شهرداری موظف است مسکن مردم را تضمین کند نه اینکه خودسرانه بروند زمین‌ها را تسخیر کنند و شهرداری را به زحمت بیندازند گزارش‌هایی از تصرف جنگل‌ها و منابع طبیعی بمن رسیده و در دهات باز مثل قدیم خان خانی شده و در شمال و جاهای دیگر دارند زمین‌ها را تصرف می‌کنند، این اعمال مزاحم پیشرفت انقلاب و خلاف شرع است.

دولت به هر کس به اندازه نیرویی که میتواند مصرف کند زمین میدهد که میتوانند بسازند. اساساً خانه‌سازی در تهران با این کثرت جمعیت و کمبود وسائل صلاح نیست. دولت باید خانه‌های نیمه‌کاره را کامل کند و پس از این مردم را متوجه مناطقی سازد که وسایل آب و زمین فراهم است، آنجا خانه‌سازی کنند تا تهران از این خفقان و فشرده‌گی بیرون بیاید. ما امیدواریم دولت و شهرداری اینکار را با خودپاری مردم انجام دهد و بتواند مسئله مسکن را با فرصت و صبر حل بکند.

مساله ترافیک

بعد، مسئله ترافیک شهر مهم است که چه نیروها در آن مصرف میشود و چه اعصاب‌ها را ناراحت میکند، مثل تنبل‌خانه‌ای شده که همه میخواهند یک ماشین داشته باشند و یک ماشین چند متر خیابان را اشغال کرده، با اینحال دیروز که می‌آمدیم دیدیم که در ماشین‌ها یک نفر یا دو نفر سوارند. این یک نقشه‌های ضد انسانی بوده برای به هدر دادن نیروهای خلاق مردم ما برای همین رفت و آمدها. مردم وظیفه دارند انشاءالله روز جمعه همه با شهرداری همکاری کنند و وسائلشان را در اختیار شهرداری بگذارند و شهرداری هم با آنها همکاری کند، مردم ما قبلاً رشد اجتماعی خودشان را نشان داده‌اند و انشاءالله بعد هم این عمل هرچند هفته یکبار تکرار میشود.

آیت‌الله طالقانی در مورد افراد سودجویی که در زمین‌های خارج محدوده مشغول خانه‌سازی هستند گفتند: سودجوها اگر زمین‌های موات یعنی مال مردم یا دولت را تصرف بکنند باید مردم و دولت جلوی آنها را بگیرند اگر مال خودشان است و متراژ آن تعیین شده و ثبت شده میتوانند خانه بسازند ولی این سودجوها خاطرشان جمع باشد و بدانند که دیگر آن مودها را نخواهند برد، دیگر آن جور مضیقه مسکن پیش نخواهد آمد همانطور که خود حضرت آیت‌الله خمینی هم فرمودند.

در هرزمینه‌ای باید جلوی سودجویی و خودخواهی را گرفت. وقتی يك شهر تحت نظارت عموم بود به این معنی است که هرکس هرجایی را که بسازد فقط متعلق به خودش نیست باید تمام ملاحظات را در نظر بگیرد و آسایش همسایه‌اش را باید با نقشه صحیح باشد تا يك شهر در هم و بیقواره‌ای همانطور که الان هست نداشته باشیم. در اصل مسئله زمین‌های اطراف تهران و زمین‌های موات که بعضی‌ها فقط روی سند معامله کردند بدون بودن امکانات رفاهی و آبادی، يك مسئله فقهی است که در مورد زمین‌ها و منابع طبیعی در کتاب اسلام و مالکیت به مقدار کافی صحبت شده است.

الان که فصل بهار دارد نزدیک میشود و يك نوروز به معنای واقعی خودش داریم یعنی روز نو بعد از ۲۵۰۰ سال که در جای خودمان درجا زده‌ایم، من به نیروهای جوانان توصیه می‌کنم که نیرویشان را برای سازندگی به تمام معنا متمرکز کنند. در دهات و شهرها و در اطراف همین تهران که يك شهر خشک و سوخته‌ای شده به درختکاری و کارهای تولیدی بپردازند، و از دولت بخواهند که امکاناتی را در اختیار آنها قرار دهد تا مشغول سازندگی بشوند تا ما از جهت رفاه زندگی و تغذیه از دیگران بی‌نیاز بشویم، منتهای بدبختی و حقارت است برای ملتی که مواد غذایی‌اش از جاهای دیگر برسد و دست‌گدایی‌اش بطرف دیگران دراز باشد، در حالیکه گنج‌هایی را در اختیار دارد. ما امیدواریم این نیروهای جوان ما از حالا در دهات و اطراف تهران مشغول کار شوند، بجای آنکه در مسائل بی‌ریشه مقابل هم موضع‌گیری بکنند و کارها را فلج کنند و نیروهایشان را هدر دهند و بجای دادن شعارهای طرفدار کارگر یا طرفدار مستضعفین بیل به دست بگیرند، من هم با این سنم حاضرم بیل به دست بگیرم و با آنها مشغول کار شوم. وقتی قسمتی از قوایمان متوجه کارهای تولیدی شد به آنچه که از دست داده‌ایم خواهیم رسید و دیگر آن مخالفت‌ها و جنگ‌هایی که میدانم ریشه‌هایی از خارج و داخل دارند تمام خواهد شد.

اطلاعات پنج‌شنبه ۲۴ اسفند ۵۷

اطلاعیه از منزل پدر طالقانی:

از صید بی‌رویه ماهی جلوگیری کنید

از منزل آیت‌الله طالقانی خطاب به مردم شمال ایران اطلاعیه‌ای درباره‌ی صید غیر مجاز صادر شد. متن اطلاعیه چنین است:

بسمه تعالی

هموطنان عزیز سواحل شمال، اخیراً گزارش شده است که تعداد کثیری از برادران شمالی اقدام به صید بی‌رویه و غیرمجاز ماهی در دریای مازندران، رودخانه‌ها و مرداب‌ها کرده‌اند که در صورت ادامه این وضع بزودی این ثروت ملی که به‌عموم هم‌میهنان عزیز و بخصوص به‌شما مردم رنج‌دیده و محروم تعلق دارد در خطر نابودی قرار خواهد گرفت و مضافاً آنکه آنچه را شرکت شیلات با صرف هزینه بسیار برای تکثیر ماهی و ترمیم ذخایر صید شده انجام داده است به‌انهدام کامل خواهد کشاند و ثروتی را که باید شما طبقه مستضعف و نسل‌های آینده از آن متمتع شود مضمحل خواهد شد.

لذا وظیفه دینی ملی و میهنی شما برادران مسلمان ایجاب می‌نماید که از صید بی‌رویه ماهی به‌هر دلیل و عنوان خودداری نمایند و دام‌های خود را از دریا، رودگاه‌ها و مرداب‌ها خارج سازید چرا که ادامه این روش غیرمعقول جز خسران و زیان ملی بهره‌ای عاید ملت نخواهد کرد و صیادان مجاز و کارکنان زحمتکش شرکت سهامی شیلات را نیز از خدمت به‌خلق باز خواهد داشت. «طالقانی و زمانه ما»
امید است حقوق حقه شما که در رژیم منحل گذشته پایمال شده است با رعایت موازین اسلام جبران شود و این منبع ملی در خدمت همگان قرار گیرد.

آیندگان - شنبه ۲۶ اسفند ۵۷

مصاحبه مطبوعاتی پدر طالقانی

حضرت آیت‌الله طالقانی در یک مصاحبه مطبوعاتی که با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی در منزل ایشان انجام شد به‌سئوالات آنان پاسخ دادند.

یکی از خبرنگاران خارجی سؤال کرد: دادگاههای انقلابی چرا در ملاء عام قرار نمیگیرند و چرا به متهمین اجازه نمیدهند که برای خودشان وکیل بگیرند.

آیت الله طالقانی گفتند: در همه کشورهای انقلابی هزاران نفر در روزهای اول انقلاب اعدام می شوند اگر ما میخواستیم مانند همه کشورهای انقلابی عمل کنیم یا عصبانیتی که مردم ما از عوامل رژیم سابق داشتند باید روزی صد نفر را اعدام کنیم از ابتدای سقوط رژیم تابحال، من خیلی در این محاکمات وارد نیستم و نمیخواهم دخالت کنم ولی در روزنامه ها که می بینم و میخوانم اکثر اینها را که میشناسم دستشان به خون جوانان ما آلوده است و هزاران شهود عینی برای مجرمیت آنها در میان مردم موجود است احتیاج به آن طرز روش دادگاههای معمول هیچ نیست. از جهت دیگر کسی وکالت آنها را قبول نمی کند، حتی آن وکلای عادی و بی تفاوت نیز درخودشان احساس شرمندگی میکنند و قدرت دفاع ندارند. درباره مخفی بودن اینها اولاً مخفی نیست و عده ای در آنجا هستند و در روزنامه ها هم نوشته می شود و اگر بخواهند در این شرایطی که دستگاهها و مأمورین رژیم سابق در تلاش و فعالیت هستند با کمک پلیس های مخفی خارجی آمریکا و اسرائیل خطراتی در پیش است شاید علت اینکه آشکار نمی کنند از جهت امنیتی باشد. ولی گفته های اینها، دلائل جرم آنها در روزنامه ها منعکس میشود. متأسفانه قریب يك دهه یا بیشتر است. که در ایران در رژیم سابق دائماً دادگاههای مخفی فعالیت داشته و دسته دسته میکشند و نه علل جرمش برای مردم معلوم بوده و نه هم شهود عینی در آن حضور داشتند. و از شما غربی ها هم هیچوقت اعتراض ندیدیم و حالا هم سروصدا راه می اندازند. در کشورهای غربی آنها که منافعشان بخطر افتاده اینرا يك نقطه ضعفی برای ما کرده مشغول تبلیغات در دستگاهها و رسانه های عمومی شان هستند.

تکلیف جانباين و آدمکشان

سؤال شد چرا آنها را به مرگ محکوم می کنید و چرا به حبس ابد محکوم نمیشوند.

آیت الله طالقانی پاسخ دادند: در قانون اسلام اساساً مسئله زندان و محکومیت زندان بصورتی که در دنیا معمول است نیست و اینها

دلائلی دارد که من بارها گفتم و خواهم گفت که زندان اساساً جنایتی است برای افراد. چون کسی که جانی و آدمکش باشد و مفسد در زمین و قابل اصلاح نباشد، در همه دنیا محکوم به مرگ است. بعضی از کشورهایی هم که قانون اعدام را ندارند بصورت دیگر مردم را می-کشند، اسرائیل مثلاً مدعی است که قانون اعدام ندارد. فلسطینی‌ها را در کوی و برزن و هرجا شکار میکنند، مردم بی‌گناه جنوب لبنان را زن و کودک و زارع و کاسب را زیر بمبها از بین میبرد، بدون اینکه گناهی داشته باشند و یا آمریکای باصطلاح آزادیخواه بعقیده شما روی این اصل همه آدمکشها آنهم نه آدمکش فردی بلکه آدمکش حرفه‌ای باید در زندانها پذیرائی بشوند و از نظر تغذیه و بهداشت و وسائل زندگی تأمین باشند. یک روز هم باز می‌آیند بیرون و کارهایشان را از سر بگیرند، آیا این درست است؟ بگوئید اگر شما بودید با این جانی‌ها چکار می‌کردید؟ اینهمه جوان‌ها را از بین بردند نفسها را حبس کردید؟ اینهمه جوان‌ها را برای یک کتاب پی‌درپی حکم اعدام صادر می‌کردند و یک عده از بهترین جوانهای ما هنوز مفقودالاثَر هستند و معلوم نیست چه بلائی سرشان آمده. این اعمال بدست همین کسانی که اعدام شدند صورت گرفت.

مجال برای همه هست

خبرنگار رادیو تلویزیون اطیش پرسید: در حال حاضر گروه‌هایی مانند چپی‌ها با این طرز رفتارند موافق نیستند و حتی خود جنابعالی و آیت‌الله شریعتمداری هم چندان موافقتی نداشتید. در حال حاضر نظر شما در این مورد چیست.

آیت‌الله طالقانی: موضوع رفتارند همین است که اعلام شده یعنی جمهوری اسلامی و این برای تسریع کار بهترین روش است.

و بعد مجال برای گروههای دیگر هم هست که در مجلس مؤسسان و مجلس شورا بتوانند نمایندگان خودشان را تعیین کنند و اگر با توجه به افکار عمومی مردم نوع دیگری از حکومت خواستند وسیله نمایندگان نشان آنها اعلام میکنند، هیچ مانع و مزاحمی هم برای گروههای دیگر نیست. این خواست یک مرجع دینی نیست بلکه خواست عموم مردمی است که در تهران و شهرستان‌ها همه‌جا در راهپیمائی‌هایشان به جمهوری اسلامی تمایل نشان داده‌اند البته یک گروههای خاصی هم هستند که به ایسمها

و پسوندهای غیر مفهوم برای مردم چسبیده‌اند و همانطور که گفتیم پسوندهایشان را برای ملتی که سالها زیر فشار دیکتاتوری قهار و استبداد و استعمار خارجی بوده تغییر بدهند. دمکراتیک غربی از نظر اسلام یک حکومت مردمی نیست. و بنفع مردم هم نیست. آنچه که غربی است شما می‌دانید چهره‌ای استعمارگر دارد بر همه مردم مسلط و باتبلیغات دروغین مردم را می‌فریبند و حکومت‌های استعمارگری که مردم را به خون کشیدند و مردم را زبون کردند منبعث از همین دمکراسی است و از طرف دیگر فحشاء و بی بندوباری که در غرب و در آمریکا بخصوص هست. من به وضوح می‌بینم دیری نخواهد پائید که آنها را منهدم خواهد کرد.

چون جمهوری اسلامی بر طبق معیارهای اخلاقی و انسانی و آزادی همه مردم است نه یک گروه یا دسته خاصی برای انتخاب دولت و حتی بالاتر از دولت رهبری‌های عقیدتی، فکری و ایدئولوژیک. از آیت‌الله طالقانی سؤال شد: قرار است هیاتی بنمایندگی «جنبش رهائی بخش‌اریتره» به ایران بیایند نظر شما در این مورد چیست؟ حضرت آیت‌الله طالقانی گفت: بله ملتی هستند که حقشان پایمال شده ما هم حرف‌هایشان را گوش می‌دهیم و آنها مهمانان ما هستند.

انحرافی نمی‌بینم

خبرنگار دیگری پرسید: در شرایط حاضر و بعد از پیروزی انقلاب ما هدف مبارزه بر علیه امپریالیسم بود آیا شما فکر نمی‌کنید مردم و دولت تا حدی از مسیر مبارزات خودشان منحرف شده باشند و این انحراف را بوسیله توطئه‌های امپریالیسم نمی‌دانید.

آیت‌الله پاسخ داد: من احساس انحراف نمی‌کنم فقط قبل از این یک دوره درگیری بود و حالا دوره سازندگی است و مبارزات شصت، هفتاد ساله اخیر از زمان آغاز مشروطیت و مبارزات مرحوم مدرس، مسئله ملی شدن نفت اساس تفکر ما و همه مردم آزادیخواه ایران بر این مبنا بوده که ما کشوری داشته باشیم غیر متعهد بهر حال «تز ما» از اول این بود که نسبت به هیچ کشوری تعهد خاصی را نخواهیم پذیرفت (مبارزه منفی).

قبل از آمدن رضاخان که ایران تحت فشارهای خارجی قرار داشت آزادیخواهان، مذهبی‌ها و ملی‌های اصیل با نفوذ هر یک از اینها مبارزه کرد و همینطور ادامه داشت دکتر مصدق هم که مسئله ملی شدن

نفت را پیش کشید برای این بود که مسئله نفوذ امپریالیسم را که از طریق نفت قدرتش را بر مردم تحمیل میکرد و در تمام امور داخلی ما انگلیس و آمریکا دخالت میکردند از بین ببرد. این يك مسئله اساسی است و هیچکس نمیتواند از آن منحرف شود اگر با بعضی گروههای چپ مخالفت میکنیم برای اینکه آنها خواه ناخواه کشیده میشوند به يك جهت و ما نمیتوانیم اینطور بشود و میخواهیم در صراط مستقیم خودمان حرکت کنیم و هرکس هم از این مسیر منحرف شود تا آنجا که میتوانیم جلوی این انحراف را خواهیم گرفت.

موضع گیری نکردند

آیت الله طالقانی در جواب یکی از خبرنگاران در مورد نقش مجاهدین و فدائیان در دولت و امور کشور گفتند: در مقابل اینها هیچوقت ما و رهبری روحانیت و رهبران مذهبی موضع گیری نکردند. مگر اینکه بخواهند در برابر این انقلاب انقلابی ایجاد کنند و مانع پیشرفت انقلاب شوند در اثر درگیریها، پشت سر آنها عوامل ارتجاع امپریالیسم و ساواک و سیا و اسرائیل تحریکاتی میکنند و ملت ایران حاضر نیست در مقابل تحریکات سکوت کند. حرفشان را بزنند ولی در مسیر انقلاب تزشان را نشان بدهند ولی در مسیر انقلاب، گروه هایشان را هر طوری میتوانند بحرکت درآورند ولی در مسیر انقلاب ما هنوز در حال انقلاب هستیم و دنباله ها و عوامل خارجی در حال تحرك هستند و قطع نشد و ما میبینیم يك عده زنهای ما، جوانهای ما که واقعاً اخلاص دارند آلت دست قرار میگیرند این برای من محسوس است. برای مثال مسئله حجاب که مهم نبود بهانه کردند بعد هم ثابت شد که محرك اینها کی است و از کجاست، همینطور گروههای دیگر، اگر خواست آنها عدالت اجتماعی است و اگر طرفداری از کارگر و همه قشرهای محروم و یا باصطلاح قرآن مستضعفین است همان است که ما میخواهیم پس بیایند در انقلاب همکاری کنند کار تولیدی صورت بدهند این کارها بیشتر دارد جلوی حرکت خدمت به محرومین را میگیرد. و این برخلاف شعاری است که میدهند اگر واقعاً شعارشان خدمت به مردم است داد و فریاد ندارد. شعار يك وقتی داده میشد در مقابل دولتی که تا دندان مسلح بود و همه صداها را خفه میکرد.

بجای اینکه کارخانه ها را بعضیها تحريك میکنند این کارخانه ها

مال اینهاست محصولش مال اینهاست چرا تحریک می‌کنند بگذارند کارخانه‌ها راه بیفتد و تولید کنند.

شرکت در تدوین قانون اساسی

آیت‌الله طالقانی در مورد روش رادیو و تلویزیون گفتند: ممکن است نواقصی داشته باشد ولی من همیشه به‌سهم خودم تأکید کردم که آنچه در اجتماع مطرح می‌شود هست، واقعیاتی که هست منعکس کنند، همانطور که به‌شما خبرنگاران روزنامه‌ها همین تأکید را میکنم. حضرت آیت‌الله طالقانی در جواب سؤال خبرنگاری درباره شرکت گروهها و احزاب مختلف در تدوین قانون گفتند: مردم ما به‌آن‌حد رشد رسیده‌اند که بخواهند درباره قانونی که باید آینده مملکت را حفظ کند رأی بدهند. قانون اساسی بدهند. قانون اساسی نوشته می‌شود. در رأی مردم گذاشته می‌شود. این جنبه تخصصی دارد. ولی اگر برخلاف مصالح عموم بود میتوانند جلویش را بگیرند.

گروههای مختلف هم اگر در اصول با ما مغالط باشند نمی‌توانند در تدوین قانون اساسی شرکت کنند. ما جمهوریت اسلامی می‌خواهیم و قانون سیاسی هم برطبق جمهوریت و اسلامی است. این خواسته اکثریت مردمی است که انقلاب کردند و انقلاب را رهبری کردند. ما حقوق دیگران را نادیده نمی‌گیریم. در جمهوریت میتوان بحث کرد که چقدر حق مردم را تأمین میکند ولی اسلامی بودن آنرا نمی‌توان تغییر داد. آیت‌الله طالقانی تأکید کردند که در اصول و بطور کلی باید تضادهای طبقاتی و استثمار افراد از بین برود. و گروههای مختلف نیز میتوانند در ارائه زیربنای اقتصادی و تدوین قانون اساسی چنانکه در جهت اسلام باشد شرکت کنند.

فشرده قانون اساسی

آیت‌الله طالقانی در مورد قوانین و مسائلی از قبیل قانون حقوق بشر از نظر اسلام که از ایشان سؤال شده بود گفتند: هرچیز که انسانی است مورد قبول اسلام نیز هست.

سؤال شد: چند روز دیگر تا فرماندوم نمانده است شما فکر میکنید قانون اساسی را به چه صورت میتوان در خدمت مردم گذاشت. حضرت آیت‌الله طالقانی گفتند: امکان دارد قبل از اعلام فرماندم

فشرده قانون اساسی در اختیار مردم قرار گیرد.

توطئه‌ها

آیت‌الله طالقانی در مورد توطئه سازمانهای سیا و ساواک و تظاهرات مشکوکی که علیه مطبوعات صورت میگیرد اظهار داشتند: من یقین دارم که دست عوامل خارجی در کار است و شواهدی هم موجود است که این را ثابت میکند.

شما فرض کنید «سیا» و «ساواک» نباشند همین عوامل رژیم گذشته که جلوی عیاشی و چپاولگریشان گرفته شده ساکت نخواهند نشست. و علاوه بر این که «سیا» و «ساواک» هم با آنها همکاری میکنند و منافی که از غرب در اینجا محدود شده و یا از بین رفته است. مستشارانی که در اینجا بودند تنها نبودند آنها عده‌ای برای خودشان به چهره ایرانی گذاشتند و خودشان چهره آمریکائی داشتند و فرار کردند. مردم باید هوشیار باشند و آنهایی که تحت تأثیر این تحریکات قرار میگیرند باید آگاهشان کرد. و آنهایی که سوءنیت دارند باید شناخته شوند.

نه حالا قبل از اینکه انقلاب پیروز شود شما ملاحظه می‌کردید کسانی که میرفتند مغازه‌ها را آتش می‌زدند، افراد مشکوک بودند من خودم بارها این خطر را اعلام کردم. مثلا کشتاری که در دانشگاه شد چه کسی رفت مجسمه را در آن شرایط پائین بیاورد.

اشخاص مشکوک برای این که بهانه‌ای بدهند بدست رژیم و بعد هم آنها را به گلوله ببندند و مردم را مرعوب کنند. بهر حال این دنباله‌ها و اذتاب هست و قرآن هم اسم اینها را «ادبار» گذاشته است، یعنی دنباله‌ها. که آیه‌ای هم در اینمورد هست.

سؤال شد در شرایط فعلی دولت را چگونه راهنمایی میکنید؟

آیت‌الله طالقانی گفتند: دولت احتیاج به راهنمایی دارد برنامه‌اش معین است اگر بگذارند و اگر هم جائی اشتباه بکند ما تذکر میدهیم در همه موارد، این نه فقط حق من که حق تمامی ملت است.

آزادی گروهها

حضرت آیت‌الله طالقانی در مورد آزادی گروههای مختلف گفتند همه گروهها آزاد بوده و خواهند بود که عقایدشان را مطرح کنند و این مردم هستند که باید راهشان را انتخاب کنند.

در زمینه مشکلات کارگران از قبیل مشکلات مسکن و غیره آیت‌الله گفتند: اولین برنامه ما همین است که مشکل مسکن حل شود که این مشکل بیشتر در تهران است که از دهات و اطراف در تهران جمع شدند و وسائل کم و زمینها گران شد. بورس‌بازی شروع شد زمین‌های مردم، زمینهای موات افتاد در مسئله بورس و غارتگران شروع کردند از این‌راه استفاده کردن و مضیقه مسکن بیشتر شد.

من عقیده‌ام اینست که باید خانه‌های نیم‌ساخته که در تهران است ساخته شود و مسئله مسکن حل بشود و یک عده‌ای هم که اینجا (تهران) کاری ندارند، چون بعضی از اداره‌ها بوسیله باج‌سبیل باز میشد، از این بیعد اینها بیکار میشوند، بروند دنبال بیل‌زدن، عوض پشت میز نشستن و مزاحم مردم بودن، تا هم تولید زیاد شود و هم مسئله مسکن حل شود. ● آیت‌الله طالقانی در پاسخ یکی از خبرنگاران خارجی که پرسیده بود چنانکه قوانین مملکتی مثلاً قانون سقط‌جنین در پارلمان با اکثریت آراء مورد تأیید قرارگیرد شما چه میکنید گفتند: هیچ قانونی برخلاف اسلام از مجلس نخواهد گذشت و اگر چنین شود ما آن پارلمان را طرد خواهیم کرد.

آیت‌الله طالقانی در پایان مصاحبه مطبوعاتی در مورد یکی از مصاحبه‌های قبلی‌شان توضیح دادند که چندی پیش از قول من در روزنامه‌ها منعکس شد که امام موسی صدر شهید شده است.

در حالیکه این تنها یک حدس شخصی بود، و در پی این اشتباه عده زیادی از علاقمندان این شخصیت عالم اسلام از من میخواستند که اطلاعاتی در اختیار آنها قرار دهم. ولی بهر حال ما در حال تحقیق هستیم و امیدواریم در قید حیات باشند.

اطلاعات شنبه ۲۶ اسفند ۵۷

پیام پدر طالقانی به برادران ارتشی در میدان آزادی

حضرت آیت‌الله طالقانی که بطور ناشناس و بدون برنامه قبلی در اجتماع عظیم میدان آزادی ظاهر شده بود طی سخنان مشروحی از اینکه برادران ارتشی با درک موقعیت انقلاب اسلامی و به‌نشانه ابراز همبستگی، به تظاهرات پرشوری پرداخته‌اند ابراز امتنان کرد و در

سخنان خود یادآور شد:

آن نظام ارتش شاهنشاهی بود که در برابر مبارزات مسلحانه توده‌های مردم از پای درآمد، زیرا آن ارتش توسط امپریالیسم و صهیونیسم و برای سرکوبی مردم و جنبش‌های آزادیخواهانه پا گرفته بود اما افراد ارتشی که خود قربانیان آن نظام به‌شمار می‌آیند، امروز متوجه واقعیت شده و دریافته‌اند که چگونه در یک سیستم فاسد و در مقابل هموطنان مبارز و آزادیخواه خود قرار گرفته بودند.

آیت‌الله طالقانی خاطرنشان ساخت که در همان ایامی که ارتش در مقابل مردم قرار گرفته بود و گلوله نظامیان قلب ملت مسلمان را نشانه می‌کرد، بسیاری از افسران و درجه‌داران ارتش به‌منزل ایشان پناهنده می‌شدند و حتی می‌گریستند و راه چاره می‌خواستند و صریحاً تأکید می‌کردند که می‌دانند در یک نظام فاسد و از روی ناچاری در مقابل ملت مسلمان ایران قرار گرفته‌اند.

آیت‌الله طالقانی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شدند، ارتش ایران، در زمانی که هنوز با سلاح‌های مدرن مجهز نشده بود، اما تحت سلطه و نظام فاسد استبداد و امپریالیسم نیز قرار نداشت، با تجهیزات اندک اما باایمان موفق شده بود با اجنبی بجنگد و آنها را از خاک ایران براند، اما ارتشی که در رژیم شاهنشاهی بامدرن‌ترین سلاحها مجهز شده بود، در برابر مبارزات حق‌طلبانه مردم تاب مقاومت نیاورد و از هم پاشید، این ارتش چگونه می‌خواست در مقابل مهاجم خارجی مقاومت کند.

حضرت آیت‌الله طالقانی با ذکر آیاتی از کلام‌الله مجید، برادران ارتشی و مردم را به‌همبستگی و وحدت فرا خواند و تأکید کرد که خلق مسلمان ایران باید باهم محبت و یکرنگی داشته باشند ولی در برابر بیگانگانی که قصد تجاوز به‌خاک میهن ما را داشته باشند مدافعان سرسخت و آشتی‌ناپذیری باشند.

حضرت آیت‌الله طالقانی خطاب به‌کسانی که از روی ناآگاهی در نظام فاسد پیشین، در مقابل ملت قرار گرفتند اما دستشان به‌خون مردم آلوده نشده است، خواست که در پیشگاه قادر متعال توبه کنند و به صفوف ملت بپیوندند.

آیت‌الله طالقانی، ارتشیان را از اطاعت کورکورانه برحذر داشتند و تأکید کردند، این اطاعت کورکورانه بود که ارتش را در

مقابل ملت مسلمان و حق طلب ایران قرار داد، در پادگان‌ها، بیشتر از تعالیم نظامی باید، آموزش‌های دینی و ملی به مورد اجرا درآید. تا افراد ارتش اعم از افسر، درجه‌دار و سرباز، باشناختی آگاهانه در جریان مسایل مملکتی باشند و اطاعت کورکورانه نداشته باشند.

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود از برادران ارتشی خواستند که در معابر ظاهر شوند، زیرا دیگر مردم آنها را به چشم نظام پیشتر نگاه نمی‌کنند آیت‌الله، خاطر نشان ساختند، که به قول عده‌ای از نظامیان آنها هنوز از ظاهر شدن در خیابان‌ها و معابر عمومی واهمه دارند، زیرا می‌پندارند که مردم به آنان روی خوش نشان ندهند، اما حال که، برادران ارتشی با درك انقلاب اسلامی ایران به صفوف ملت پیوسته‌اند، این ابهام باید از میان برود و برادری و همبستگی مردم و ارتش تحکیم یابد.

اطلاعات سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۵۷

پیام پدر طالقانی به مناسبت حوادث گنبد

در پی حوادث گنبد کاووس، دیشب حضرت آیت‌الله طالقانی طی يك پیام رادیو-تلویزیونی گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم

متأسفانه هنوز از مشکل کردستان و تمشیت امور آن سامان فارغ نشده بودیم که اخبار ناگواری از خطه گنبد راجع به احوال برادران ترکمن می‌رسد، بنظر می‌آید که دشمنان خالق و خلق در این ایام از هیچ فتنه‌گری و تحریکی در قبال پیشرفت انقلاب ما فروگذار نکرده و علیه آن به انواع طرق دسیسه می‌کنند، دسائسی که حالیه و در نخستین مرحله متوجه تنوعات قومی و فرهنگی ملت ما شده و به یقین در نقاط دیگر هم نیز دامن زده خواهد شد، بخصوص که ظلم و ستم نظام طاغوتی حاکم در خلال سال‌های دراز گذشته زمینه مساعدی برای دسائس و تحریکات ایجاد کرده است، نظام فرعونی به اتکاء حامیان استعمارگر خود توانست مردم ما را طبقه به طبقه گرداند و یکدیگر را جدا نمود و میان آنان خائن‌های مصنوعی و شرک‌آمیز قرار داد، چه همیشه تفرقه و دشمنی میان مردم این سرزمین وسیله مؤثر برای نفوذ استعمار و حاکمیت

استبداد و علوفی الارض بوده و خواهد بود و تفاهم و برادری برای دشمنان مردم بسی ناگوار است. اکنون که نظام شرك و جاهلیت و خصومت با آگاهی توحیدی مردم ما فرو ریخت، این رشته توحیدی برادری و تفاهم قدرت آفرین را بیشتر در گوش هوش خود رساتر گردانیم و پایه‌های اجتماعی و اقتصادی خود را محکم سازیم تا روز بروز نیرومندتر شویم و کیدهای شیطانی را علیه دشمنان و دسیسه‌سازان برگردانیم. بارها حضرت امام خمینی پیشوای انقلاب ایران و نیز اینجانب تأکید شده است که برای ما و مکتب ما مرزبندی میان ترك و فارس و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن را و امثالهم هیچ اعتباری ندارد، معتبر همبستگی و برادری و برابری اسلامی و ایرانی است که باید همه در تحکیم آن بکوشیم لذا به‌حول و قوه‌ی الهی و با اطمینان از حمایت کلیه مردم ستم‌کشیده ایران، هرگز نخواهیم گذاشت که فتنه‌گری‌های استعمار و ایادی آن که سعی می‌کنند آتش اختلاف و جنگ داخلی را روشن کنند به نتیجه برسد و انشاءالله نخواهیم گذاشت که به بهانه تجزیه‌طلبی، مبارزه‌ی عادلانه مردم ایران از مسیر حقه خود منحرف و متوجه داخل گردد، این مهم مرا برآن داشت تا مطالبی را در مورد مسائل مبتلا به منطقه گنبد متذکر شده و اجرای نکات مربوطه را چه از دولت و چه از عموم برادران و خواهران و فرزندانم در آن خطه بخواهم.

۱- ترك هر نوع مخاصمه و برخورد قهرآمیز و تعرض و دخالت نظامی از جانب هر فرد و یا گروه و ایجاد آرامش در سراسر منطقه تا محیط مسالمت‌آمیز مناسبی برای گفتگو و تفاهم و حل مسائل فراهم گردد. تعرضات و درگیری‌های خصمانه نه تنها به تنظیم امور کمکی نکرده بلکه مشکلات را پیچیده‌تر می‌گرداند و تقبیح می‌شود.

۲- درد برادران و فرزندان ترکمن ما اساساً و بطور اعم همان درد همه مردم رنج‌دیده و مظلوم سایر نقاط و ایالات کشور بوده و چیزی جز عوارض فقر و محرومیت ناشی از حکومت طاغوت نیست.

۳- مردم ما در این منطقه بطور اخص از يك مسئله ارضی و تقسیم نامتناسب زمین رنج می‌برند که بایستی بطور عادلانه حل و فصل شود. رژیم طاغوتی بخاطر منافع خود و در رأس آن دربار، در این ناحیه حتی از آن اصطلاحات ارضی کذایی نیز ابا کرد، لذا از دولت انتظار داریم که اقدام در این مورد را به‌نحو مقتضی در رأس برنامه‌های خود

در این ناحیه قرار دهد.

۴- چنانکه در مورد سایر استانهای کشور و بویژه کردستان مقرر شد، اداره امور داخلی ایالات و ولایات بایستی تاسرحد امکان به وسیله خود مردم و با مشورت و تشکیل انجمنهای شهری و روستایی صورت گیرد.

۵- حداکثر احترام نسبت به آداب و سنن و فرهنگ ناحیه باید مراعات شود.

۶- به لحاظ تعقیب و مجازات مجرمین، احدی حق ندارد بدون اجازه مقامات ذیصلاح قضائی ایجاد مزاحمت کند.

۷- از برادران و فرزندان بالیمان ترکمن مخصوصاً از جوانان غیور انتظار دارم که به هرگونه تفرقه اندازی و عنوان کردن مطالبی نظیر شیعه و سنی که به لحاظ اصول و حقوق هیچ تفاوتی در نظر ما ندارند بی اعتنایی نموده و با متانت و شکیبایی لازم، کفایت، هوشیاری خود را برای تصدی امور خودشان و پیشرفت در مسیر مصالح انقلاب اسلامی تمام کشور به ثبوت رسانند.

والسلام علی من التبع الهدی
اطلاعات ۸ فروردین ۵۷

مصاحبه پدر طالقانی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ رفتارندم

پنجشنبه شب حضرت آیت الله طالقانی مجاهد بزرگ در مصاحبه‌ای با صدا و سیمای انقلاب اسلامی ایران، دربارهٔ رفتارندم گفت: چون مردم خواستار رژیم سلطنتی نیستند بنابراین احتیاج به رأی گیری درباره رژیم سلطنتی و برگزاری رفتارندم نبود زیرا اکثریت توده‌های مردم نظر رهبری انقلاب را پذیرفته‌اند. ولی ممکن است اعضای سازمان منحلہ ساواک خواستار رژیم سلطنتی باشند.

آیت الله طالقانی شرکت در رفتارندم را يك فریضه دینی و ملی دانست و بشدت از کسانی که در رفتارندم شرکت نمی‌کنند انتقاد کرد. ایشان افزود: عده‌ای در مطبوعات نظر داده‌اند که جمهوری اسلامی را درک نمی‌کنند. اولاً ملتی که اکثراً مسلمان و تابع قرآن و

ائمه طاهرین هستند، در چنین شرایطی اگر مسایل اسلامی خود را درك نکنند، چطور می‌توانند مفهوم جمهوری دمکراتیک و سوسیالیستی را با آن تعاریف بزرگ بشناسند. شما نظیر چنین جمعیت مردم‌پسند کمونیست و سوسیالیست را در کجا سراغ دارید؟ در دمکراسی‌های غربی، نوعی دمکراسی سرمایه‌داری است و این سیستم نمی‌تواند بر ما حاکم باشد و رژیم سوسیالیستی شوروی و نظام کمونیستی چین را هم قبول ندارند، پس غیر از جمهوری اسلامی یا دمکراسی واقعی مردم ما به چه چیز باید تکیه کنند.

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود خاطر نشان ساخت: در وضع کنونی اکثریت مردم رها شده از رژیم طاغوتی طرفدار حکومت جمهوری اسلامی هستند و نپذیرفتن نظر مردم شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است.

ایشان با اشاره به عدالت اسلامی که در صدر اسلام وجود داشت افزودند: مطالعه تاریخ چهارده قرن گذشته نشان می‌دهد که برابری و برادری فقط در اسلام واقعی محمد وجود دارد. که مهاجرین درمانده در زندگی مسلمانان و خانه‌هایشان سهیم میشدند. حتی مسلمانان صدر اسلام که دو زن داشته‌اند یکی از زنان خود را طلاق داده و آن را به مهاجرین نیازمند می‌دادند و در جمهوریهای ادعائی خلق چنین مساواتی وجود ندارد و مسلمانان نباید منکر آن باشند.

آیت‌الله طالقانی با نقل خطبه‌ای از حضرت علی «ع» گفت: در زمان حضرت علی «ع» چپگرا و راستگرا که وجود نداشت ولی حضرت فرموده‌اند راه راست رفتن سعادت جامعه را متضمن است و حضرت محمد رسول خدا می‌فرمایند هرگاه يك محیط تقوی و درستکاری بوجود آید همه مردم رستگار خواهند بود.

آیت‌الله طالقانی در سخنان خود یادآور شد که در زمان رژیم طاغوتی اساس دین را عوض کردند و عده‌ای اسلام را تضعیف نمودند هرگاه آخوند واجد شرایطی نباشد و مسخ‌کننده باشد چنین آخوندی هرگز حق مداخله در امور مردم را نخواهد داشت.

ایشان با تشریح عدل اسلامی در پاسخ آن عده از مخالفان که می‌گویند حق ما را بدهید گفت: ما به مردم می‌گوییم بیایند حق خود را بگیرند.

آیت‌الله طالقانی با اشاره به اقلیت‌ها و گروه‌های کوچک سیاسی

گفت: اینها باید بدانند بدنبال مرید گشتن و شعار دادن غیر از توجه داشتن به واقعیتهاست ایشان افزود: تصور میکنم همه طالب يك چیز هستیم و آن برقراری آزادی و مساوات است، پس باید از خودپرستی بپرهیزیم و به واقعیتها توجه داشته باشیم.

آیت الله طالقانی به نقل از حضرت رسول گفت: سرنوشت مردم بدست خود مردم باشد و مردم باید خود بر مقدرات خود حاکم باشند. ایشان درباره طرفداری از کارگر، گفت: این يك شعار وارداتی است. همه جا استثمار وجود دارد حتی افراد مذهبی هم استثمار شده اند. امیدوارم در جمهوری اسلامی ریشه استثمار و استثمار کننده شود. اطلاعات، ۱۱ فروردین ۵۸

سخنان پدر طالقانی در مراسم سوگند پرسنل شهربانی جمهوری اسلامی ایران

در قسمتی از این مراسم حضرت آیت الله طالقانی طی سخنانی اظهار داشتند: اجتماعی است از برادران و خواهران و فرزندان مؤمن به انقلاب، افسران، درجه داران، پاسبانها و افراد پلیس ما. مقدمه هر سوگند به حق، سوگندی که منشاء تعهد و مسئولیت و انجام وظیفه است، توبه است. توبه در فرهنگ اسلام و مبانی قرآن، راه آشتی خلق، انسان گناهکار با خدا و مردم است. در همه ادیان و مذاهب مسئله تزکیه و توبه به صورت های مختلف وجود دارد. رهبانیت، قسل تعمید و قربانی ها براساس همین اصل توبه است. توبه یعنی برگشت انسانی که خود به خود به طرف گناه سوق داده می شود و يك تضاد درونی بین جاذبه حق و زندگی و حیات مادی و شهوات در درون هرفردی پیش میاید. این انسان راه توبه می جوید. توبه یعنی تحول و تغییر درونی انسان، انسان متحول، انسان قابل برگشت. این از مسائل بسیار مهم اسلامی است که در توبه را به روی انسان باز کرده است.

همانطوریکه آدم ابولبشر مرتکب گناه شد، همه افراد بشر هم مستحق گناه هستند. ولی آنچه بیش از حرکت طبیعی خلاف حق انسان، افراد را دچار گناه می کند، محیط اجتماعی است. یعنی انسانی که خواه ناخواه به جاذبه شهوات و هوس ها و هوئها دچار گناه میشود. اگر

محیط و نظام اجتماعی در مسیر حق و در مسیر صلاح و در مسیر عدالت نبود افراد بیش از آنچه که به طور طبیعی دچار گناه میشوند، انحراف‌هایشان افزایش مییابد. در رژیم منحط و ازگانه برخلاف مسیر حق و عدالت فاسدها منشاء رتق و فتق امور بودند. این همان محیطی است که علی علیه‌السلام به نام محیط جاهلیت از آن نام میبرد. وقتیکه می‌گویند محیط جاهلیت، تصویری قبل از اسلام و بیابان جزیره‌العرب، بت‌ها، وحشیگری‌ها... در ذهن ما ترسیم می‌شود و گمان می‌کنیم همان معنی جاهلیت است. اما وقتی علی علیه‌السلام جاهلیت را ترسیم میکند میفرماید: سرزمین جاهلیت سرزمینی است که در آن دانشمند، متعهد، مسؤول لجام خورده است و جاهل بر کرسی زعمات نشسته است.

در چنین محیطی که افراد متعهد در بند باشند هیچ‌کس نمیتواند مدعی باشد که دامنش از لوث گناه پاک بوده. هرکسی، هرطبقه‌ای در هر موضعی که بوده کم و بیش دچار گناه شده است. در يك فضای آلوده و دودزا هرکس در حد خود دامنش و صورتش آلوده میشود. بنابراین در يك محیط اجتماعی که ما تا چند ماه قبل دچار آن بودیم و آتشفشان شهوت، خودخواهی و گناه همه مردم را کم و بیش مبتلی به گناه کرده بود، بعضی گناهشان بیشتر بود و مستقیماً در گناه و ظلم و غارت و شکنجه مردم دست داشتند، بعضی در کنارش بودند، بعضی ساکت بودند، بعضی‌ها هم رژیم را همراهی و کمک میکردند. یعنی اکثراً گناهکار بودند. جز آنانی که به پای استقامت قیام کردند. و گناهانشان را با خون بدنشان شستشو کردند.

از این جهت عاملی که ساکت نشست، روشنفکری که فکرش را اختیار نظام استبداد قرار داد. آنکه در گذشته در چنین روزی جاوید شاه گفت، مسیر زندگی او را به اینجا کشانده بود که برخلاف درك و شعورش که هیچکس جاویدان نیست نعره جاوید شاه بکشد. من به طور کلی میگویم که اکثریت ملت ما کم و بیش گناهکار بودیم و ما را به سوی گناه کشانده بودند. همه باید توبه کنیم. نباید عده خاصی، گروهی و افرادی را گناهکار بشماریم و دیگران را تبرئه کنیم. خداوند راه توبه را برایمان باز گذاشته و ما که مسلمان، موحد و پیرو قرآن هستیم باید با سینه باز راه توبه را باز کنیم و بپذیریم.

حضرت آیت الله طالقانی در قسمت دیگری از سخنانشان گفتند: ما باید به خاطر زخم‌هایی که خوردیم، غارت‌هایی که شدیم، بخاطر کشته‌دادن بهترین جوان‌هایمان، به منطق عقل و دین و شرافت باید انتقام‌جویی کنیم. دیگران هرچه می‌خواهند بگویند بگذارید بگویند. ولی يك مسئله را نباید فراموش کنیم و آن اینست که ما ملتی هستیم وابسته به هم. گناهکار و بی‌گناه به هم وابسته‌ایم. ما در مرحله اول از ملت ایران و در مرحله بعد از رهبری انقلاب - چون رهبر ما رهبر ملت است و فریاد ملت است - می‌خواهیم درباره جنایتکاران اصلی آن‌هایی که مستقیماً دستشان به خون مردم و اموال و ثروت‌های مردم آلوده شده است گذشت نشود. ولی آن‌هایی که در پست‌ها و جاهائی بودند که خواه ناخواه به طرف گناه کشیده شدند مقصرین اصلی نیستند و باید وضع زندگی آن‌ها در يك محیط آرام بررسی شود. ما می‌خواهیم يك عفو عمومی که باقیمانده سنت پیامبر است صورت بگیرد تا بتوانیم به جهانیان بفهمانیم انقلاب ما خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

آیت الله طالقانی در پایان سخنرانی خود خطاب به پرسنل شهربانی گفتند: امروز پلیس از ملت است و ملت باید همکاری پلیس باشد. ما بسیار متأسفیم که در مراکز کلانتری‌ها و شهربانی هنوز پلیس خودش کنار می‌گردد. و این يك نوع حالت دل‌زدگی و افسردگی است که باید با همکاری و روی خوش ملت برطرف شود. مردم باید در خیابان‌ها و جاهای دیگر با پلیس همکاری کنند. همه قوانین، احکام و مصوبات باید به دست پلیس انجام گیرد. پلیس واقعی را نمی‌توان با پول و درجه خرید، چون وجدانش براو حاکم است. خصوصاً در کشور اسلامی باید وجدان مسئولیت در فرزندان پلیس ما زنده‌تر شود. آنها باید در مقابل این نهضت عظیم احساس مسئولیت کنند. امیدوارم وضع پلیس بهتر شود در کلانتری‌ها، باید رئیس کلانتری به معنای واقعی کلانتر باشد. یعنی سرپرست محل، نگهبان محل و مسئول جان و مال و ناموس ساکنین آن محل و شهربانی هم باید ناظر بر کارهای کلانترهای باشد.

کیهان چهارشنبه ۲۲ فروردین ۵۸

پیام پدر طالقانی بمناسبت روز پاکسازی جنوب شهر

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیزم، اهالی محترم تهران
بار دیگر به ندای پاکسازی شهردار خود گوش فرا دهید و در
زدودن ناپاکی‌ها از در و دیوار به‌کوچه و خیابان خویش بخصوص جنوب
شهر همیاری و همکاری کنید باشد که این تصفیه بیرونی به تزکیه
درونی بینجامد و با پاک شدن محیط خارج فرصتی و توجهی برای پاک
ساختن داخل و وجدان و ضمیر و قلب بدست آید.

مردم جنوب شهر در رژیم ضد مردمی و طاغوتی گذشته بیش از
دیگران مورد ظلم و ستم و ناپرابری قرار داشتند و در بدترین شرایط
غیر انسانی و باکمترین امکانات میزیستند و از حقوق اولیه شایسته
برای یک انسان والا محروم بودند. اکنون که به فضل خدای قهار و
همت والای مردم محروم و مستضعف و همه گروه‌ها و قشرهای اجتماعی
ورهربری حضرت امام خمینی رژیم طغیان که ننگ تاریخ و بشریت بود از میان
برداشته شد، برای اینکه فراموش نکنیم که انقلاب سازنده ما همچنان
ادامه دارد، برای اینکه از یاد نبریم که هیچ کاری بدون همکاری وسیع
مردم با یکدیگر و با مقامات دولتی که اکنون در خدمت مردم قرار
دارند امکان‌پذیر نیست برای اینکه حق مردم محروم و مستضعفی را که
سهم اساسی و اصلی در انقلاب ضد طاغوتی به آنان تعلق داشت تا
اندازه‌ای ادا کرده باشیم، برای اینکه به گفته امام بزرگ علی (ع)
آنانکه بناحق در بالا نشسته‌اند و در رفرا ندیم بیشترین «نه» را گفتند.
به پائین بازگردانده شوند و آنانکه بناحق در پائین قرار دارند بجای
شایسته خود بازگردانده شوند (یعنی یعود واسفلکم اعلاکم و اعلاکم
اسفلکم) و برای اینکه داغ ننگ فاصله طبقاتی بجدائی غیر عادلانه
جنوب شهر و شمال شهر را از پیشانی جامعه رو به رشد خود پاک کنیم
من از همه خواهران و برادران شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز
شهر خواستارم که بعنوان قدم نخستین در جهت از میان بردن این
فاصله در پاکسازی محیط در روز جمعه ۲۴ فروردین ۵۸ (فردا) دامن
همت به کمر زنند و هروسيله و نیروئی که دارند در اختیار مردم جنوب
شهر و جاهای دیگری که بیشتر نیازمند به تمیز کردن هستند قرار
دهند. باشد که برفع نیازهای دیگر آنان از لحاظ مسکن و فرهنگ و

بهداشت و غیر منتهی شود.

امیدوارم این تلاش شما برای صفا دادن به خانه و کوچه و خیابان و محیط زندگی‌تان به صفای قلب و تقوای درون شما منجر گردد و با دل‌های بهم نزدیک و دست‌هایی بهم پیوسته و سینه‌هایی آکنده از مهر و غم یکدیگر بسوی جامعه‌ای توحیدی وزدوده از آلودگی پیش بروید.
ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين

سید محمود طالقانی

اطلاعات پنجشنبه ۲۳ فروردین ۵۸

**پدر طالقانی پنجشنبه ۲۳ فروردین ۵۸ بدنبال دستگیری
فرزندانش به دستور رؤسای پاسداران سلطنت آباد
از تهران خارج شد**

پیام حضرت پدر طالقانی به مردم

احساسات خود را کنترل نموده و عملی انجام ندهید که باعث سوءاستفاده عناصر فرصت طلب و ماجراجو قرار گیرد.

در تماس تلفنی که شب گذشته حضرت آیت الله طالقانی با فرزندان گرفتند ضمن تشکر از احساسات پاک و بی‌شائبه مردم آزاده تقاضا کردند که عواطف و احساسات خود را کنترل نموده و عملی انجام نداده که باعث تحریک و احیانا سوءاستفاده برخی از عناصر فرصت طلب و ماجراجو قرار گیرد. ایشان یکبار دیگر تأکید نمودند که موضوع بهیچوجه جنبه شخصی ندارد و مربوط به فرزندان خاص ایشان نمی‌باشد بلکه در رابطه با توده‌های محروم ملت و پاسداری از آزادی و استقلال کشور عزیز و اینکه بار دیگر مملکتمان به دامن دیکتاتوری و استبداد سقوط نکند میباشد.

اطلاعات ۲۸ فروردین ۵۸

پیام پدر طالقانی به مردم ایران

حضرت آیت الله طالقانی مقارن ظهر امروز پیامی بشرح زیر

خطاب به مردم ایران فرستادند:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران و فرزندان، دانش‌آموزان، دانشجویان و دیگر گروه‌های متعهد و مسئول.

احساسات پاکی که در عرض این چند روز نسبت به این مخلص ابراز داشته‌اید نمودار قدردانی شما از خدمتگزاران به‌اسلام و ملت می‌باشد.

مخلص را بیش از این مدیون ساخته‌اید، از همه شما سپاسگزارم، بیاری خداوند در همین روزها میان شما عزیزان خواهم بود، لذا تقاضا دارم از تظاهرات و راه‌پیمایی در این روز و پس از آن خودداری کنید و شما دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز به کلاسهای خود بروید. و همه مواظب باشید تا در صف فشرده و هماهنگ ما ملت اسلام و مردم ایران، فرصت‌طلبان و مفسده‌جویان رخنه نکنند و انقلاب اصیل و عالی ما را به‌راستگرایی و چپ‌گرایی افراطی نکشانند پس از بررسی حوادث جاری و دسائس دسیسه‌گران در حضور حضرت آیت‌الله امام خمینی آنچه می‌باید باشما در میان خواهم گذاشت.

در این روزها بیش از هرچیز ما محتاج به تفکر، تأمل، بررسی، شناخت به‌اوضاع و شرایط زمان خود باید باشیم و از احساسات تند و افراطی باید خودداری کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اطلاعات، چهارشنبه ۲۹ فروردین ۵۸

متن پیام پدر طالقانی از رادیو جمهوری اسلامی ایران
(۳۱ فروردین ۱۳۵۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله‌ای روز پنجشنبه غیر مترقبه برای من پیش آمد که موجب نگرانی‌هایی برای شخص من شد، نه از جهت این که برای فرزندان من پیش آمده، بلکه برای من از این جهت نگرانی‌آور بود که شاید توطئه‌ای، دسیسه‌ای در پشت این مسئله باشد در داخل مرز، خارج مرز ایران، و این حادثه منشأ حوادثی در مرکز و در تهران بشود. در آنروز مثل کسی

بودم که در يك خواب و خیال خوشی به سر می بردم و آرامشی بعد از ماهها ناراحتی - اضطراب - نگرانی، و ناگهان از این خواب خوش بیدار شدم و مواجه با يك مسئله خطیری. خوابی که برای من لذتبخش بود این بود که میدیدم حادثه سنندج در يك مسیر صحیحی و مردمی پیش می رود و آن نگرانیهایی که در این نقطه حساس برای همه مردم پیش آمده کم کم ظاهر میشود. پس از آن مسئله گنبد پیش آمد. با تلاشی که همه کردند، همه کسانی که بینشی دارند، حسن نیتی دارند، صداقتی دارند گروههایی که با صداقت نمی خواهند این حوادث گسترش پیدا کنند ریشه های این مسائل را میخواهند بفهمند و علاج صحیحی یکنند. در آنجا هم دیدیم که در همان روزها کم کم مسائل و پیش آمد گنبد به صلح و خاموشی این مسئله انجامید، و به تدریج رو به مسیر اصلاحی پیش میرفت و همه اینها برای من لذتبخش بود. از نواحی دیگر ایران که نگرانی هایی داشتیم باز خبرهایی برای رفع این نگرانی و تفاهم مرام به ما میرسید و دولت هم احساس میکردم به تدریج برکارها مسلط شده و برنامه های سازنده اش را در صدد است پیاده کند و از این جهت هم نگرانی ها کم شده بود ولی ناگهان مواجه با يك همچین مسئله ای شدم.

صلاح دیدم دفترها بسته شود

ربودن فرزندانم در روز روشن و آن هم بعد از ملاقاتی که با نماینده فلسطین داشتند از طرف من، این برای من نگرانی آور شد و احساس کردم همان کبریت هایی که در سنندج منشأ اشتغال شد و در گنبد از اینجا این برنامه ها شروع شده، برای این که مسئله به صورت تفاهم و دقت و بدون احساسات بررسی بشود از جانب دولت، از جانب مراجع - شورای انقلابی - کمیته ها - من صلاح در این دیدم که چند روزی تهران را ترک کنم و دفترها بسته باشد، تا مراجعات گوناگون، آمدن افراد متنوعی که بعضی ها شاید شناخته نمیشدند تحریکاتی در خانه من و نسبت به افرادی که با حسن نیت - با صداقت و با کوشش در خانه من مشغول خدمت به مردم هستند پیش بیاید و دنبال آن مبادا حوادثی در پی داشته باشد. من آنطور به نظرم میرسید که این راه حل قضیه است، بدون دخالت من و بودنم در تهران و باز بودن دفترها، گروه ها، افراد، دولت این قضایا را پی گیری کنند برای اینکه هم ریشه های آن بدست بیایند و هم تکرار نشود ولی متأسفم این غیبت چند روزه من باعث توجیهات، بهره گیری ها و منشأ این شده که گروه هایی یا حالا با حسن نیت

یا سوءنیت این مسئله را هم در بیان خبری‌اش و هم در توجیهش اینها تنوع پیدا کند. تشتت و بعد در مقابل هم ایستادن. آنچه در روزنامه‌ها نوشتند خوب مقدار زیادش درست بود، اما همه‌اش این نبود.

از این جهت من نگران شدم که مبدا همین غیبت من با اینکه نظر اصلاحی داشتم مسائلی پس آمدهائی بشود، که در این شرایط حساس ملت ایران، مردمی که انتظاراتی دارند، امیدهایی دارند دچار مسائلی بشویم که مشکلات را بیشتر و تحریکات زیادتر بشود و انقلاب ما که انقلاب اصیل اسلامی است به وضعی، از راهی و در مسیری پیش برود که هم خدای ناخواسته در يك مدت دیر یا زودی تبدیل به ضد انقلاب که استبداد و دیکتاتوری، اینها بشود. با آنکه من بیرون بودم، دائماً بچه‌هایی که با من بودند، فرزندانم یا رفقا و دوستان و کسانی که در تهران بودند تماس داشتند و قضایا را آنطوری که بود بررسی می‌کردند و به من می‌رساندند. در این ضمن به من خبر دادند که از طرف حضرت آیت‌الله خمینی فرزند آزاده‌شان حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج احمد آقا به تهران تشریف آوردند و مطالبی دارند. تصورم این بود که آمدن ایشان به تهران فقط يك فرم دلجوئی برای من بوده از طرف آقا. بعد که گفتند ایشان مسئله‌ای است که باید مطرح کنند، محلی که آنجا بودم آنجا تشریف آوردند، و نگرانی حضرت آیت‌الله خمینی را به من گفتند و خودشان هم اظهار کردند که ممکن است نبودن شما منشأ نگرانی‌ها و مسائلی بشود. از این جهت من با اشتیاقی که داشتم بعد از مدتها ملاقات با حضرت آیت‌الله خمینی با ایشان حرکت کردم. و علاوه بر این سالها بود که من به قم نیامده بودم با همه محبتها و لطفهایی که از مراجع اعظام، فضلا، علمای اینجا، چه کتباً، چه با تلگراف و چه با فرستادن افراد من را مرهون لطف خودشان قرار داده بودند و من مدیون خود را میدانستم. عشق و علاقه‌ای داشتم که با این وطن ثانوی که مکتب فکری من بود یعنی شهر قم يك تجدید عهدی بکنم. احساس کرده‌ام امام نگران هستند

این بود که در خدمت ایشان حرکت کردیم دیشب آمدیم از جهت دیگر احساس کردم که حضرت آیت‌الله امام خمینی نگرانی‌هایی پیش آمده برای ایشان که مبدا تفرقه افکنها - فرصت‌جوها - عوامل مستقیم و غیرمستقیم داخلی و خارجی استعمار و رژیم می‌خواهد از این مسائل بهره‌برداری کند و یا چنین بنمایاند که بین نظریات مراجع دینی - رهبر

های دینی اختلافاتی هست و همیشه هم ما می‌دانیم که عوامل ضد انقلاب و دشمن و ارتجاع داخلی و خارجی و استعمار، تجربه تاریخی ما است که از همین احساس اختلاف نظرها سوءاستفاده کرده و انقلابات همیشه و بیشتر از مواردی که ما در تاریخ می‌دانیم در داخل و خارج از کشورمان سوءاستفاده کرده‌اند با اینکه بارها این مطلب را ما تذکر دادیم، همان وقتی هم که حضرت آیت‌الله خمینی در تهران بودند باز هم چنین انتشارتی در گوشه‌وکنار جراید و اعلامیه‌ها منتشر کردند که من جواب گفتم ما رهبری حضرت آیت‌الله امام خمینی را نه‌ما دنیا پذیرفته است.

خبرنگارها - خبرگزاریها - روزنامه نگارهایی که به ما مراجعه می‌کنند و با اعجابی به این رهبری و به این انقلاب می‌نگرند، مسلمانهای دنیا - آزادگان دنیا اینها همه پذیرفته‌اند که این رهبری، رهبری غیر عادی بوده، برطبق موازینی که دنیا در رهبری دارد آنها نبوده، رهبری است که منشأش ایمان - تقوا - وارستگی - صمیمیت قاطعیت. و من خودم کسی نیستم که تازه ایشان را شناخته باشم. سال‌ها از دوره طلبه‌گیمان ایمان و تقوا و وارستگی - صلابت درایمان ایشان را می‌دانستیم و این چندین سالی که ایشان شروع کرده‌اند به مبارزه همیشه ما مبارزات ایشان را تأیید کردیم. گفته‌هایشان - طرحشان - شعارهایشان همه مورد تأیید بوده، و از این جهت، از این راه آن کسانی که می‌خواهند اندیشه تفرقه افکنی دارند و بخواهند سوء- استفاده کنند یا آگاهانه یا ناآگاهانه از این جهت باید خاطرشان جمع باشد که ما تا وقتی که زنده هستیم ممکن نیست که بین ما که اصولمان را، اصول مکتبمان را قرآن و سنت مشخص کرده و هدفهایمان مشخص است.

گاهی ممکن است بین رهبرهای دینی آنطوریکه در مسائل فتوایی گاهی نظرهای مختلف داریم غیر از مسائل رهبری در مسائل اجتماعی و اصولی است، در این مسائل اصولی هیچ‌یک از رهبرهای دینی که در این مکتب تربیت شده‌اند نمی‌توانند اختلاف داشته باشند. ممکن است در مشی بعضی تندتر، بعضی آرامتر، بعضی در مسائل - مسائلی را مطرح کنند که مثلاً این مسائل باید در مرحله دیگر مطرح شود، ولی در اصول و مشی و به‌ثمر رساندن این انقلاب اسلامی بین هیچ‌کس اختلاف نیست. بین این مخلص که نسبت به رهبری ایشان بارها و بارها نظر داده‌ام و رهبری قاطع ایشان را برای خودم پذیرفته‌ام و همیشه سعی

کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن با اسلام مشی من خارج نباشد.

وضع کمیته‌ها و پاسداران

مسئله دیگری که پیش آمده مسئله این کمیته‌ها و پاسداران انقلاب است که مطالبی گفته شده، در روزنامه‌ها نوشته شده، حمله‌هایی به اینها شده که به نظر من این حمله‌ها یا ناآگاهانه است، یا مغرضانه. برای اینکه ما می‌دانیم يك چنین انقلاب عظیمی در هر جای دنیا پیش می‌آمد چقدر ضایعات و کشتارها در پی داشت. کی توانست تهران این شهر بزرگ مخلوط و ترکیب شده از عوامل مختلف، عوامل ضدانقلاب، ساواک، سیا، اسرائیل و همینطور عوامل بی‌مسئولیتی که می‌خواهند به خانه‌های مردم نوامیس مردم تجاوز کنند، کی توانست این شهر و دیگر شهرها را حفظ کند؟ همین کمیته‌ها، همین پاسدارها بودند، همین‌هایی که شب و نصف شب من خودم از خیابانها عبور می‌کردم این جوان‌هایی که سراسر ایمان سراسر عشق به انقلاب چه بسا زن و بچه داشتند روزها و بلکه هفته‌ها به سراغ زن و بچه‌هایشان نمی‌رفتند و با اندك غذائی اکتفا می‌کردند. شب و روز چندساعتی بیشتر نمی‌خوابیدند، برای اینکه حافظ انقلاب باشند، پاسدار انقلاب باشند، برای اینکه انقلاب به ثمر برسد. آنها که بطور درست به پاسدارها و به کمیته‌ها اعتراض دارند انتقاد می‌کنند، اینها به نظر من درست نیست. اگر از ابعاد مختلف مسائلی را بررسی کنند و صادقانه قضاوت کنند، از نزدیک این جوانها را ببینند که چه می‌کنند، چه افتخاری هستند اینها برای دین‌ها و برای انقلاب ما. البته در بین این پاسدارها و کمیته‌ها اشخاص غیر مسئول خصوصاً در این چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دارند رخنه کرده، کارهایی انجام دادند، ایراد گیری‌هایی بوده. حتی ما از بعضی کمیته‌ها چیزهای خیلی بدی یعنی از بعضی از افرادشان نشان دادند و حتی ما دیدیم که بعضی‌ها می‌روند در خانه مردم بعنوان يك پاسدار از مردم پول گرفته‌اند، بدون اینکه رسیدی بدهند، بدون اینکه خودشان را بشناسانند. اینها است، این مسائل و این مسائل ربطی به اصول کمیته‌ها و پاسداران اصیل و مؤمن انقلابی ما ندارد و بارها حضرت آیت‌الله امام خمینی به کمیته‌های اصلی ۱۴ گانه که آقایانی که در راس این کمیته‌ها هستند سالها من از نزدیک می‌شناسم این تذکر را

دام ولی نخواستم که مبدا درگیری پیش بیاید، مبدا حوادثی پیش بیاید گفتم آهسته. آهسته شناسائی بشوند و کمیته‌ها و پاسدارها تصفیه بشوند. ما دیدیم در قضیه گنبد یک‌عده‌ای با اخلاص و عده‌ای افراد مشکوک که در گزارش‌هایی که به‌ما دادند، ما رفتیم آنجا عده‌ای جوانهایی کشته شدند در آنجا و بعد که برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته‌هایی بوده که فرعی و غیر مسئول بودند.

امیدواریم پاسداران تصفیه شوند

این حوادث هست، خاصیت انقلاب است، بیشتر از این هم ما باید انتظار داشته باشیم. واقعاً باید دعا کنیم به‌اینها که در همین حد بوده و امیدواریم که در این حد هم پایان پیدا کند و پاسداران و مامورین ما تصفیه بشوند سوابقشان سنجیده بشود، مسئولیت‌هایشان مشخص بشود و دیگر از اینگونه حوادث پیش نیاید و بارها این تاکید شده که اگر هرزیانی داشت این غیبت چندروزه من، این سود را داشت که آگاهی عمومی برای همه پیش آمد و اینکار را لازم و واجب دانستم که کمیته‌ها را بیشتر نظارت کنند و این افرادی که پاسدارند بهتر بسناسند. این مسئله‌ای بود که بطور مختصر می‌خواستم به همه برادران و خواهران و فرزندان عزیزمان که این چند روزه احساساتی نسبت به این خدمتگزار در راه پیمائیهایشان، شعارهایشان ابراز کردند باید تشکر کنم ولی در عین حال همه فرزندان ما باید مراقب باشند، تحت تاثیر تبلیغات منحرف واقع نشوند راست افراطی همانطور که گفتم و چپ افراطی هردو مضرند.

ما مسلمانها شب و روز مهمترین دعایمان که در متن نمازمان واقع است که هر مسلمان لااقل باید ده مرتبه شب و روز این دعا را بخواند و از خدا بخواهد و هر فرد مسلمانی در شبانه‌روز ده بار اگر حساب کنیم ششصد تا هفتصد میلیون مسلمان نمازخوان مقدارش هیچ دعایی و هیچ ذکری در شبانه‌روز آنقدر تکرار نمیشود، برای اینکه بسیار حساس است:

اهدنا صراط المستقیم یعنی در هر قدمی در هر اقدامی در هر مسئله‌ای راه چپ و راست است که هردو منحرف است، همانطور که علی آن روز فرمود الیمین والیسار مذهب - چپ و راست روبه‌گمراهی می‌رود - اهدنا صراط المستقیم برای همین است، اگر منظور شناسائی دین بوده

و احکام فرعی دین بوده خوب آن شناخته شده دیگر هدایت نمی‌خواهد ما شبانه‌روز از خدا بخواهیم. این که شبانه‌روز از خدا می‌خواهیم همه مسائل روز است که نه به طرف چپ برگردیم نه به طرف راست برگردیم. راه مستقیم انقلاب ما در صراط مستقیم باید باشد برای همه مردم، برای همه قشرها، برای این مردم که جان داده‌اند، در خیابان‌ها سینه‌هایشان را در مقابل توپ و تانک و گلوله سپر کرده‌اند این انقلاب مال این مردم است. يك عده‌ای می‌خواهند از این مردم و از این انقلاب به نفع نظریات شخصی و انحرافی - آگاهانه یا ناآگاهانه - خودخواهیها - خودنشان دادن - خود بهره‌گیری - فرصت‌جوئی استفاده کنند، این آگاهی مردم است که جلو این فرصت‌جوئیها و بهره‌گیریهای بی‌مورد نابسامان را بگیرند تا انشاءالله این انقلاب ما که مرحله نفی‌رژیم را گذرانده و در مرحله مشکل و حساس سازندگی، همه به سازندگی بپیشدازند. دانش‌آموزان ما در مدرسه‌ها برای دریافت آگاهی‌ها - وظائف مسئولیت‌ها علم باید سرگرم درس خواندن بشوند، نه تنها درسهای محدود، درس زندگی، درس حیات، درس هدف‌داری و همانطور دانشجویان ما هر روز برای مسئله‌ای که پیش می‌آید ما انتظار نداریم که به خیابان‌ها بریزند و مقابل هم شعار بدهند، و همانطور دیگر گروه‌ها و دیگر مردم. امروز روز سازندگی است، روز حرکت به طرف سازندگی است و چشم دنیا به ما معطوف است و ما باید نه تنها در مرز محدود به ایران بلکه در خاورمیانه - عالم اسلام - کشورهای عربی - دنیا همه نظر دارند و می‌خواهند این انقلاب را آزمایش کنند. ملت‌های محروم که از هر طرف و سری خوردند به اسم محرومها انقلاب شد و بعد هم علیه محرومها برگشت، امروز می‌خواهند این انقلاب ما را آزمایش کنند و ما باید به دنیا نشان بدهیم این انقلاب ما به نفع محرومها در طریق محرومها است، برای زندگی کردن آنها است برای برانگیختن استعدادهای آنها است برای درك زندگی است، برای مردمی که نمی‌گذاشتند درکشان وسعت پیدا کند و شناختشان بالا برود، برای بالا آوردن زندگی مادی و معنوی آنهاست و از این جهت همه باید در این مسیر بکوشیم و از خداوند می‌خواهیم که هیچ سوءتفاهمی با کسانی که صداقت دارند، در راه خیرند، در راه خدمتند برای هیچکس پیش نیاید. همه جوانها را من فرزندان خود میدانم، تا آنجائی که ممکن است اینها را جمع میکنم، بحث میکنم، اشتباهاتی اگر هست رفع بشود، اگر صداقت دارند میتوانند

به تدریج آن راهی که هست و ما انتخاب کرده‌ایم راه خدا و راه خلق است راه خدمت است راه نجات کشور است و راه نجات دنیا است انشاءالله پیش برویم به امید خدا.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

اطلاعات اول اردیبهشت ۵۸

سخنرانی پدر طالقانی در مدرسه فیضیه

(۳۱ فروردین ۱۳۵۸)

آیت‌الله طالقانی در سخنان خود ضمن سلام و درود به مردم و طلاب و مراجع مسئول قم گفتند: این شهر مقدس روزی در انزوا بود و امروز سرنوشت‌ساز نه تنها کشور ما بلکه جهان شده است.

آیت‌الله طالقانی افزودند: با حرکت انقلابی که پدید آمد دو مسئله مطرح است، مواجه شدن با دشمنی قوی و نیرومند و نیز بزرگ نشان دادن دشمن از آنچه که بود و فرد انقلابی در مرحله اول پیروزی خود را بزرگ دیدن از آنچه هست. شرایطی که انقلاب برای او فراهم آورده است که هردوی اینها در راه انقلاب خطرناک است.

دروغ، خودسری تحمیل شدن بر مردم همه اینها راه انقلاب را می‌بندد. در طریق انقلاب، آلودگی، خودنمایی و خودبینی مرحله دیگریست از شکست و توقف حرکت انقلابی. فرد انقلابی جمعیت انقلابی و پیشرو انقلابی که فقط توجه به مسیر انقلاب داشته باشند خود را باید پاک نگهدارند مبادا آلوده به گناه، آلوده به مال‌پرستی، آلوده به موضع‌گیری در برابر دیگران، آلودگی به خودبینی، صنف‌پرستی و گروه‌پرستی‌ها مرحله خطرناکی از همه اینها که یک جامعه انقلابی و افراد انقلابی قدرت یافته وقتی است که آب توی پوست انقلابی می‌رود یعنی دچار غرور و نخوت می‌شود. اینجاست که انقلابی تبدیل به ضد انقلابی خواهد شد. ما مراحل را گذرانیده‌ایم و مرحله‌هایی که اکنون در گذر آن هستیم و می‌خواهیم بگذریم اینست که از نخوت حذر کنیم. باید هنوز کارمان را زیاد نبینیم، باید بردبار باشیم، باید هیجانزده نباشیم و در این مرحله انقلاب گمان نکنیم که کار ما پایان رسیده و انقلاب پیروز شده است و مرحله انهدام آسانتر از مرحله سازندگی است. ما

هنوز در همین مرحله هستیم ضربهای که استعمار می‌تواند وارد کند همین مرحله است که شایع کند که این انقلاب برای مردم زود بوده و مردم ایران شایستگی آنرا ندارند.

روزنامه‌های شرق و غرب پکار افتاده‌اند و دارند انقلاب ما را اندازه‌گیری می‌کنند و ما باید مواظب باشیم. عده‌ای از جوانان ما با همه احساسات پاک، یا همه خلوص نیت شاید خودشان هم ندانند ولی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. امروز ما گرفتار خوارجی هستیم که نه به نصایح امام و نه به پندهای ناصحین گوش میدهند. همانهایی که من را هم نصیحت میکنند.

خوارج نصیحت‌ناپذیر

نگرانی ما از این گروه مردمی که دائماً در گوشه‌وکنار کشور به سر می‌برند زیاد است خیلی آسانست يك ساواکی با چهره‌ای فریبنده در میان جوانان ساده‌لوح نفوذ کند. ساواکی‌هایی که چهره‌هایی روحانی داشتند و چون شیطان با چهره شیطانی مخوفشان انسان را می‌فریبند. حوادثی که در این روزها بوجود آمده احساس کردم که در میان جوانان ما چنین جاسوسانی رخنه کرده‌اند. مسئله، مسئله آسانی نیست این خطر خطر بزرگی است. من اگر از خانه‌ام هجرت کرده‌ام، اگر از مردم دور شده‌ام برای اینست که خودشان این چهره‌ها را بشناسند اگر به‌قسم آمده‌ام برای همین خطر بود.

آیت‌الله طالقانی در ادامه بیانات خود گفتند: ما با دست خالی و نداشتن هیچ‌پناه خارجی و نداشتن هیچگونه سلاح توانستیم چنین طاغوتی را سرنگون بکنیم. این موفقیت کمی نیست، موفقیتی است که همه ملل اسلامی، مسلمانان زجر دیده و دنیای زجر کشیده به‌ما چشم دوخته‌اند که ببینند چه کردیم و چه خواهیم کرد و در چه مرحله‌ای هستیم. دشمن در کمال قدرت در پشت پرده بین صفوف ما دارد رخنه میکند. بیکاری هست ولی دشمن آنرا چند برابر نشان میدهد. اقتصاد مختل است ولی دشمن چند برابر مسائل اقتصاد ما را بیشتر میکند. اختلاف هست، ولی اختلافات را بزرگ می‌نماید. ما نباید خودمان را در مقابل آن ببازیم، دولت با نهایت حسن‌نیت، با کمال خلوص شب و روز کار میکند. مشکلات زیاد است البته کارشکنی هم زیاد است.

آیت‌اله افزودند: چه کسانی بودند که قیام کردند؟ اصالت این

قیام از چه بود؟ از توده مردم، از آنهایی که به پست و مقام نمی‌اندیشند — ماهها تجارتخانه‌ها — مغازه‌ها — کارخانه‌ها تعطیل بودند. آیا خواسته آنها اقتصادی بود؟ این چه بود؟ ایمان — وجدان ایمانی و وجدان مسئولیت. من فراموش نمی‌کنم جوانانی که جان خود را در راه این انقلاب گذاشتند و بهشت‌زهرها را بهشت‌تر کردند. این چه بود وجدان اصیل مردم.

امروز گروه‌هایی تشکیل می‌شوند و هرگروهی عده‌ای را بدنبال خود میکشند. از این‌رو کار دولت کند پیش می‌رود. مردم هیجان‌زده هستند چرا شما اینجا جمع شدید؟ چون این انقلاب شما را هیجان‌زده کرده است. برای اینکه میخواهید بدانید که ما چه میخواهیم بکنیم. ما انقلاب کردیم و ما غول را از پای درآوردیم حالا چکار کنیم؟ چه کاری که کارگران بکار مشغول شوند؟ چکار کنیم که زمین‌های ما کشت شوند و صنایع ما رونق گیرند. چکار کنیم که کمکی برای دولت باشد و بار آنرا کمتر کنیم؟ چه کنیم که جلو خودسری بعضی از کمیته‌ها را بگیریم؟ مردمیکه سالها مالك برسرنوشت خود نبودند و دزدان بر آنها حکومت میکردند و اگر حزبی تشکیل میدادند يك مشت دلقك و معلوم — الحال ریاست را برعهده می‌گرفتند، و همینطور مجلس آنها که محل دلقك‌ها بود مجالس جشن آنها که يك مشت زنهای آرایش‌کرده و مردهای شیک‌پوشیده شرکت می‌کردند. مسلماً برای این مردم رسوبات آنها وجود دارد. دولت در خدمت شماس، روحانیت در مسیر شماس، زمین‌ها و منابع طبیعت مال شماس، نیروهای انسانی بسیار عمیق در خدمت شما است. پلیس و ارتش و ژاندارمری در خدمت شما است. آیا باور نمیکنید که ارزش پیدا کردیم؟ و سرنوشت بدست خود ما است. ازطرف امام و مراجع این وعده‌ها داده شده ولی چگونه این وعده‌ها پیاده شوند؟ من يك راه بنظرم میرسد راه شرعی، راه قانونی، راه دنیا پسند. مردم واقعاً باید بحساب بیایند. مردم ما واقعاً باید سرنوشت خود را بدست گیرند. مردم باید بتوانند راهی برای زندگی خود پیدا کنند. این مسئله‌ایست که علمای ما هفتاد و چند سال با آن مواجه هستند. بنظر من انجمنهای ولایتی و ایالتی در هر شهر، در هر روستا و هر دهکده باید بوجود بیایند و افراد مورد اطمینان مردم بوسیله خود مردم انتخاب شوند و سرنوشت خود را با نظارت خودشان بدست گیرند.

کمونیست هیچ چیز نیست

حضرت آیت‌الله در ادامه سخنان خود گفتند. چرا امام خمینی مورد تأیید مردم است؟ برای اینکه ایشان انگشت روی دردها گذاشتند، برای اینکه حرف اول و آخرشان یکی است. این مردم هستند که میبایست حاکم باشند و لاغیر. حکومت باید در خط و مشی مردم پیش رود. روحانیت با همه نظارت خود بدرد مردم برسد. این پایه محکمی است که بما استحکام میبخشد و راه نفوذ را از همه عوامل میبندد. این راهی است که میتواند همه مشکلات منطقه‌ای - کرد - ترک - فارس - و بلوچ را راضی نگه‌دارد.

من در کردستان بودم و تعجب کردم که چرا بحرف اینها کسی گوش نمیدهد. مردمیکه دارای خصلتی خاص مردم خوش‌اخلاق با غیرت اصیل این مردم را تجزیه‌طلب میدانستند. اینها اگر هم تجزیه بشوند به کجا بروند؟ اگر به آنها بگوئید جدا شوید باز هم بایران ملحق میشوند. اینها يك حرف داشتند منطقه و ملیت خودمان و سرنوشت خودمان دست خود ما باشد. طاغوتیان نمیخواستند که ما بزبان خودمان حرف بزنیم، آنها از ما مالیات میگرفتند و شمال تهران را زیبا میکردند. آیا این حرفها درست نبود؟ ما هم به درد دل آنها گوش دادیم و گفتیم که سرنوشت خودتان دست خودتان و مال خودتان و اکنون هم انتخاباتش پایان میرسد و هراشکالی که هم پیش بیاید خودشان میدانند این مسئله باید در همه ابعاد مملکت پیاده شود. عده‌ای گفتند که کمونیستها نفوذ پیدا میکنند بکنند وحشتی وجود ندارد وحشتی که رژیم سابق از کمونیست داشتند الان هم هست، در حالیکه کمونیست هیچ چیز نیست، هرچه توسری بیشتر بخورد هرچه بیشتر باو فشار بیاید قویتر میشود - چون اسلحه مظلومیت از هر سلاحی قویتر است - کمونیست مولود استبداد سیاسی و اجتماعی و دینی است. در هرکشوری که استبداد و محرومیت بود و چهره این مسخ شد کمونیست تشکیل میشود. مسئله کمونیست غیراز مسئله علمی و یا غیرعلمی ماتریالیسم است. اگر ما در مقابل کمونیست بگوئیم که نمیتوانیم مقابله بکنیم در واقع اسلام را ناقص میدانیم و یا نشناخته‌ایم.

آیت‌الله طالقانی در پایان گفتند: مسئله انجمن‌های ولایتی و ایالتی بحمدالله شب گذشته با امام مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چاره‌اندیشی شد که مردم در سرنوشت خود باید حاکم باشند.

امام امر فرمودند که: باید تشکیل شود نه دولت میتواند مقابل امر ایشان که امر معتبر و مرجعی است و مردم به مرجعیت قبولش دارند مخالفت کند، و یا هرکس دیگر.

مخالفت با رهبری و شخص ایشان مخالفت با دین اسلام است. گروههایی هم اکنون با وزارت کشور موضوع را مورد بررسی قرار میدهند و بزودی طرح آن اعلام خواهد شد.

حضرت آیت الله طالقانی اضافه کردند که دفاتر من در تهران از فردا (امروز) شنبه باز خواهد بود و در خدمت عام میباشم. اطلاعات اول اردیبهشت ۵۸

تلگرام پدر طالقانی به آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر

حضرت آیت الله طالقانی، در پی تلگرافی حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر تلگرامی برای ایشان به خرمشهر مغایره کرد. متن این تلگرام چنین است:

بسمه تعالی

خرمشهر - حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر دامت برکاته با تقدیم سلام و تحیات وافر شنیده می شود که به علت پاره ای تبعیض ها و دخالت های ناروای بعضی از کمیته ها و دیگر مسایل جاری در منطقه آزرده خاطر هستید و یا قصد هجرت دارید. وجود جناب عالی آن هم در چنین موقعیتی برای ارشاد و حل مشکلات برادران عرب و فارس در این ناحیه حساس ضروری است و امید است با تشکیل شوراهای که مورد تأکید و امر حضرت آیت الله خمینی قرار گرفته بسیاری از این مسایل و مشکلات و نارسایی ها از میان برداشته شود.

ولاتكن كصاحب الحوت ولربك فاصبر.

بیست و پنجم جمادی الاول ۱۳۹۹

سید محمود طالقانی

۳ اردیبهشت ۵۸

پیام پدر طالقانی به مردم نقده:

با تشکیل شوراهای، سرنوشت خود را بدست گیرید

حضرت آیت الله طالقانی شب گذشته اعلامیه‌ای خطاب به مردم نقده صادر فرمودند و طرفین درگیر را به آرامش دعوت کردند.

متن پیام آیت الله طالقانی

بسم الله العزيز المتعال

برادران، خواهران، فرزندان عزیز کرد و ترك نقده، سلام بر شما، حوادث خونین چند روزه آن سامان موجب نگرانی و رنج و تأسف اینجانب و دیگر برادران و خواهران شما گردید، تأسف از اینکه حادثه سنج و گنبد که با شلیك يك گلوله آغاز شد و عده‌ای از مرد و زن رنج کشیده و محروم ما به خون غلطیدند و با صدها امید چشم از دنیا بستند، چرا شما نباید هشیار و آگاه باشید تا چهره انقلاب اسلامی ما اینگونه نمایان بشود، آیا با گشودن آتش و گلوله به روی هم مشکلی حل می‌شود و نابسامانیها پایان می‌یابد؟ آنهم در چنین فصل تاریخی، که همه مردم این سرزمین می‌توانند رشد و آگاهی استعدادهای خود را بنمایانند و توطئه و فریبها و دسیسه‌های ارتجاع و عوامل پلید رژیم سابق و استعمار جهانخوار را به‌خودشان برگردانند و دست خون‌آلود غارتگران را قطع کنند و خود را از تعصبها و اختلافات نژادی و زبانی که از آثار جاهلیت است برتر آرند و چهره اصیل اسلامی و ایرانی خد را بنمایانند. و سازنده زندگی با شکوه و تاریخشان باشند.

برادران، خواهران آینده‌نگر باشید و به‌ریسمان توحید اسلام اعتصام یابید و با انتخاب افراد آگاه و مسئول و خدمتگزار و تشکیل شوراهای سرنوشت خود را بدست گیرید و مشکلات خود را حل و فصل نمایید و پایه زندگی خود را محکم سازید و به‌زندگی برادرانه و پراز صفا و محبت روی آرید.

با توفیق و یاری خدا و هوشیاری و آگاهی شما به‌پیش.

والسلام علی من‌التبع‌الهدی

کیهان - ۴ اردیبهشت ۵۸

پدر طالقانی در جلسه ملاقات با نمایندگان اتحادیه جهانی سندیکاهای عرب گفت:

کارگران نیروی مؤثر علیه صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا هستند

*کارگران نیروی فعال در رویدادها هستند
نمایندگان اتحادیه جهانی سندیکاهای عرب: امید خلقهای عرب
به انقلاب ایران است.

حضرت آیت الله سید محمود طالقانی در ملاقات با نمایندگان اتحادیه جهانی سندیکاهای عرب اظهار داشت: گرچه کارگران از طبقه محروم جامعه اند ولی شما نیروی فعال در رویدادها هستید. انقلاب متعلق به تمامی زحمتکشان جهان است.

هیئت نمایندگی سندیکاهای عرب در این دیدار که معاون نماینده انقلاب فلسطین نیز در آن حضور داشت به اهمیت و نتایج انقلاب ایران بر تمامی رویدادهای منطقه اشاره نموده و خاطر نشان ساختند که امید خلقهای عرب به انقلاب ایران بستگی دارد زیرا ایران از لحاظ جنبه های جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت حیاتی است. نمایندگان اتحادیه کارگران عرب شادباشهای کارگران عرب را بخاطر پیروزی مردم قهرمان ایران که یکی از حلقه های بزرگ امپریالیزم آمریکا در منطقه را پاره کرده تقدیم مجاهد آیت الله طالقانی کردند.

آیت الله طالقانی در پاسخ سخنان نمایندگان گفت:

بسیار خوشوقتم که با نمایندگان واقعی مردم و طبقه کارگر عرب ملاقات میکنم.

گرچه کارگران از طبقه محروم جامعه اند ولی شما نیروی فعال در رویدادها هستید نیروی مؤثر در نبرد علیه صهیونیسم بین المللی و امپریالیزم آمریکا و کلید حل مشکلات و ابتکار عمل در دست شما است. سپس آیت الله طالقانی افزودند: شما عملاً ابتکار عمل را در جنگ ۱۹۷۳ با بستن لوله های نفتی بروی آمریکا در دست گرفتید، چنانچه کارگران ما در آبادان اینکار را کردند و آنها نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب ایران ایفا کردند و شما کارگران عرب میتوانید با کوشش خود نیروهای عرب را بر علیه دشمن اصلی امپریالیزم آمریکا و صهیونیسم بین المللی متحد کنید.

ایشان افزودند: انقلاب ما برضد استثمارگران و استعمارگران و طاغوتها است و تمامی مستضعفین و فقرا در جهان پشتیبان ما هستند. آیت الله طالقانی در خاتمه افزودند:

انقلاب ملك ایران و خاورمیانه نیست بلکه متعلق به تمامی زحمتکشان جهان است و انشاءالله تمامی طاغوتهای حاکم بر شماسرنگون میشود چنانچه طاغوت حاکم بر ما سرنگون شد و ماهمیشه با شما بر علیه امپریالیزم و صهیونیزم دشمنان شما و دشمنان اسلام هستیم.

کیهان، ۱۰ اردیبهشت ۵۸

متن سخنرانی پدر طالقانی در حسینیه ارشاد بمناسبت شهادت استاد مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا.

هیچکدام ما تصور نمیکردیم در سوک یکی دیگر از فرزندان عالیقدر اسلام، به این زودیها، دور هم جمع شویم. جایی که اکنون من نشسته‌ام محلی است که دو شخصیت محقق و دو گوینده و نویسنده اسلامی، در اینجا نشستند و گفتند و هر دو شهید شدند، تا سرنوشت من چه باشد. آن شخصیتهایی که هردو در مسیر هدفهای عالی اسلام پیش رفتند و جالب و جاذب جوانها و نوباوگان ما بودند، نوباوگانی که پیوسته، سالها، در اثر ناشناسائی به اصول و مبانی انقلابی و محرك اسلام، در بین افکار و اندیشه‌های وارداتی شرق و غرب متحیر بودند، هر کدام از يك دید و يك بعد.

اسلام دارای ابعادى و جهاتی است، و کسانی که در راه تحقیق اسلام و تفهیم اسلام کوشیده‌اند، هر کدام از يك بعد، اصول و حقایق قرآن و مکتب اسلام را شناختند و شناساندند. مرحوم شهید عالیقدر و محقق بزرگ ما، مطهری، سالها، مدت‌ها، در اینجا مسائل اسلامی و اصول پوشیده شده اسلام را در ابعاد فلسفی توحیدی، مسأله عدل، مسائل معاد را با زبان روز، استدلال و تحقیق کردند. در آن دوره‌های

اختناق و در آن دوره‌هایی که رژیم طغیان و ضد‌دین و اربابهای او نمیخواستند جوانهای ما با مسائل اصیل و محرك و انقلابی اسلام آشنا بشوند، کوشیدند و شب و روز سعی کردند و نوشتند و گفتند.

باز فراموش نکنیم که مرحوم دکتر علی شریعتی با يك مسأله جدیدی اسلام را مطرح کرد، از دید تخصص و تحقیق خود، که دید جامعه‌شناسی بود. هیچوقت نباید ما تصور کنیم که این دیدها با هم اختلاف دارد، یا تضادی بین اینها هست. ملاحظه میکنید از قرن اول اسلامی، تفسیر قرآن که سرچشمه اسلام و منبع دین ما و مدرک و سند ما مسلمانهاست، از وقتی که شروع به تحقیق در قرآن شد، جهات و ابعاد و بینشهای مختلفی در تحقیق قرآن وارد شد و هرکدام از دید خود: محدثین، فلاسفه، معتزله، اشاعره و عرفا - هر کدام از دیدی، در این دریای عظیم وحی غواصی کردند و درهائی (همانطوری که امیرالمؤمنین درباره قرآن بیان میکند) از قرآن بروی مسلمان گشودند و به مسلمانها ارائه دادند و هیچوقت با هم تضاد و تنافی نداشتند و هرکدام در مرز خود پیش میرفتند. تفسیرهایی که از دید محققین معتزله مانند فخر رازی و بیضاوی نوشته شد، تفسیرهایی که علمای ما از نظر خود و از دید خود تحقیق کردند و بعد از اشاعه عرفان و فلسفه در بین مسلمانها می‌بینیم که بزرگترین فیلسوف اسلامی ما، صدرالدین شیرازی تفسیر نوشت. البته همه اینها هم بر حسب زمان خود تحقیقاتشان بسیار مفید بود. اشتباهاتی هم داشتند. خودشان هم اعتراف داشتند و بعد، امثال تفسیر لاهیجی، تفسیر محی‌الدین. اینها چرا با هم دعوا و جنگ نداشتند؟ چرا تضاد نداشتند؟ فقط تحقیقی بود. گاهی هر کدام از مرز خود بیرون میرفتند، و گاهی هم انتقادات صحیحی داشتند و از مجموع اینها بتدریج بینش قرآنی مسلمانها گسترش پیدا کرد. ولی چه شد که در این سالهای اخیر آن محقق فلسفه و حدیث و کلام اسلامی (مانند شهید بزرگ ما مرحوم مطهری)، که این همه منابع فکری و سرمایه به جوانهای ما، اعطا کرد، و شهید دیگر ما (مرحوم دکتر شریعتی) که فقط از دید جامعه‌شناسی (که يك مسأله و علم جدیدی بود) وارد تحقیق اسلام و تبیین اسلام، برای نوجوانهای ما و مجذوبهای ما، به مکتبهای دیگران شد، اینهمه سروصدا بلند شد. با اینکه از اول اسلام تا بحال، در بیان حقیقت مسائل اسلامی قرآنی، همه بحث کردند، چه بسا بحثهایشان هم با هم هماهنگ نبود،

یا مخالف بود، به چه علت عده‌ای از روی اخلاص، شروع کردند به سروصدا راه انداختن. من از ابتدا یقین داشتم و میدیدم که اینها آلت دست شده‌اند. همیشه مسائل اختلافی بوده. شما هر آیه‌ای و هر سوره‌ای از قرآن را در نظر بگیرید از صدر اسلام تا بحال میبینید که هرکسی، هر محقق، هر محدثی و هر عارفی، هر فیلسوفی، نظری داده، پس مسأله تازه‌ای نبود. پس چرا اختلاف ستیزه‌انگیز؟ برای اینکه ما در بحبوحه عصر استبداد و استعمار جهانی بودیم و آن خطری که شرق و غرب برای منافع خود و برای گسترش نفوذ خود در عالم اسلام میدید، همان اسلام اصیل بود، همان اسلام محرك بود، همان اسلام انقلابی بود. این را شنیدید و همه میدانید که گلاستون یهودی، نخست‌وزیر طلیعه استعمار قهار انگلستان، با آن همه درگیریهائی که در شرق میانه داشت، قرآن را برداشت و گفت: تا این کتاب در میان مردم و مسلمین، حاکم و نافذ است، مانع نفوذ ماست. آیا گمان میکنید این حرف را از روی استهزاء یا شوخی بیان کرده بود؟ نه! واقعاً هم همین بود. همینطوری که میبینید، که الان مشاهده میکنیم، برنامه گذاشت برای این که هرچه بتواند قرآن را از مکتبهای ما، از دانشگاه ما و از دسترس تحقیق محققین ما و از مجامع دینی ما دور بگرداند و ببرد به قبرستانها برای تیمن و تبرکها و استخاره و غیرذلك. عمل هم شد. کارشان را هم کردند. من خودم بیاد دارم در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ که از قم به تهران برگشتم در جنوب تهران، قسمت قنات‌آباد، که محل ما بود و مسجد مرحوم پدر من بود، من شروع کردم تفسیر قرآن گفتن. از دو طرف کوبیده میشدیم: از یکطرف مجامع دینی که چه حقی دارد کسی تفسیر قرآن بگوید؟! این قرآن در بست باید خوانده بشود، و به قرائتش مردم بپردازند. گاهی هم در مجالس فاتحه، اگر يك آدم جانی، خائن، دزد، فاسد که يك عمری فساد کرده، چند آیه‌ای قرآن، بعدش هم این خلد آشیان! جنت مکان! مدتی خدمت به کشور و مملکت کرده خدا بیامرزدش!! و چقدر من خودم فشار تحمل کردم تا بتوانم این راه را باز کنم که قرآن برای تحقیق است، برای تفکر و تدبر است نه برای صرف خواندن و تیمن و تبرک جستن. همانطوری که مرحوم سید انقلابی ما، مرحوم سید جمال‌الدین، قبل از آن گفت. تکیه او هم برای حرکت مسلمانها و برای بیداری مسلمانها همین بود که چرا قرآن برکنار شده. پس این اختلافی که دامن میزدند (چون اینجا حسینیّه ارشاد است).

ما باید به این مسائل خاتمه بدهیم: «تلك امه قد خلت لها ماكسبت و لكم ماكسبتكم» و دنبال نکنیم، که متأسفانه هنوز داریم دنبال میکنیم. چه شد که دو محقق، دو مظهر از دو دید اسلام را به جوانها ارائه کردند، قرآن را ارائه کردند، اصول اسلام را ارائه کردند، اینطور منشأ بگو مگو شد؟! آنوقتی که باید همه فکر کنیم، بیندیشیم، آماده باشیم، متحد باشیم در مقابل این قدرت طاغوتی و استبدادی قهار که همه قوای استعمار پشتسرش ایستاده ما در بحث این که او چه گفت و این چه گفت، او ولایت دارد و این ولایت ندارد بمانیم و ولایت اشخاص را اندازه گیری کنیم! بدون اینکه اصلاً بفهمند معنی ولایت چیست، ولایت یعنی چه؟ ببینید چقدر ما در اثر این مسائل ضربه خوردیم! ولی «یکیدون کیداً و اکید کیداً فمهل الکافرین مهلمهم رویداً». همین ضربه‌ها هم مثل همه ضربه‌ها، منشأ بیداری و هشیاری ما مسلمانها و دیگر عالم اسلام شد که مرکزش و اساسش ایران و مکتب اهل بیت (مکتب امامت) است.

دو شهید از این حسینیه ارشاد دادیم، که هم حسینیه است و هم ارشاد. هم ارشاد کرد هم مکتب حسین را زنده کرد، هم فکرأ و هم عملاً، بعد از آن که همه جا بسته شد من هم محدود شدم، زندانی شدم، مسجد هدایت بسته شد، اینجا همان فکر، ادامه پیدا کرد و بحمدالله باز هم امیدواریم ادامه پیدا کند. و حسینیه است که شهید میدهد باز هم شهید میدهد، باز هم شهید خواهد داد، چون مسأله شهادت بعد از اعلام هدفها و مقاصد و مبانی حکومت و ولایت اسلامی است، اینجاست که درگیری پیدا میشود والا نشستن توی خانه‌ها و بحث کردن و بعد هم آخر يك فاتحه‌ای برای اموات در پی قرآن خواندن، اینکه به‌گاو و گوسفند کسی ضرر نمیزند! چرا اینجا را بستند؟ چرا بهر صورت اینجا را کوبیدند؟ برای همین! برای اینکه يك نقطه انفجار بود. نمیخواهم بگویم منحصر به اینجا بود، اما اینجا مرکزیت داشت. اولین پایه‌گذاران اینجا، یعنی دوستان ما، رفقای ما، بخصوص مرحوم مظهری شهید ما، از همین‌جا آغاز کرد. نوشته‌هایش، کتابهایش و تبیین‌هایش، و فعلاً به همین‌جا انجامید. ما امیدواریم که این حسینیه ارشاد که در و دیوارش و کرسی‌اش و همه ساختمانش، بازگوکننده صداهای اسلام و فریاد انقلابی اسلام بود، ادامه پیدا بکند، خداوند همه آنها را با اولیائشان و با شهیدای بزرگ محشور بدارد، و این شهید عزیز ما را که چند شب پیش

آخرین سجده را برای خدا کرد ولی با چهره‌ای خون‌آلود سر به زمین گذاشت، با اولیائشان محشور پدارد.

بعضی از دوستان، از جمله همین دوستان حسینیہ ارشاد و رفقای دیگر، اصرار میکردند که گاهی من بتوانم صحبتی کنم، آیه‌ای، مسأله‌ای. عذرها خواستم که عذر هم نبود، واقعاً هم معذورم. همینطور هم از دستگاه رادیو و تلویزیون، و بهایشان گفتم که اگر تفسیری نوشتم و هیچ ادعا نمیکنم، همانطوری که هیچ‌کس نباید چنین ادعائی کند که آنچه میگوید و آنچه میاندیشد درست است، مطابق واقع است بهر حال مورد توجه واقع شده، میدانید از برکت چه بود؟ از برکت زندان بود! زندانی که دیگر هیچ مسئولیتی نداشت، جز اینکه راه بروم، يك سوره‌ای، يك آیه‌ای را در نظر بگیرم، دور حیاط زندان، وقت خوابیدن، وقت آسایش، چیزی بفهمم و یادداشت کنم و مهمترین مسئولیت را برای خودم همین میدیدم و با وسائل و مشکلاتی به خارج بفرستم، تا به صورت چاپ و انتشار دربیاید. ولی حالا خود آقایانی که شاید اینجا بسیاری باشند این تقاضا، این مسأله را مطرح میکنند، شرایط روحی و مزاجی مرا در نظر بگیرند که تا وقتی از زندان پا بیرون گذاشتم شاید نتوانستم چند صفحه کتاب بخوانم یا بخیال و فکر خودم فرو بروم و مسأله‌ای را بیان بکنم. از اینجهت من معذورم و مرا باید معذور بدارند. ولی از باب خالی نبودن عریضه این نکته را عرض میکنم که از خصائص قرآن و درك قرآنی، که شاید کمتر ما توجه داشته باشیم، اینست که بعضی از مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت برای انسان تبیین میشود، نه نشستن يك گوشه‌ای و این تفسیر و آن تفسیر و این بیان و آن بیان، این اظهار نظر را دیدن و اینها را جمع کردن. من باب مثال، عرض میکنم، تفسیر سوره: «والنازعات» را. همانطوریکه کسانی دیدند در همین پرتوی از قرآن من نوشته‌ام، ولی وقتی بیرون آمدم و این حرکت انقلاب را دیدم، باز دیدم يك مسائل جدیدی برای من روشن شد، و این سعه نظر قرآن است. همانطوری که خود قرآن بیان کرده با حرکت و احتیاجات و برخوردهاست که بعضی از متشابهات باید تاویل یابد. «والنازعات غرقاً و الناشطات نشطاً والسابحات سبحاً و السابحات سباً فالدبرات امراً».

نزع به معنی لغوی: چیزی را از ریشه بیرون آوردن، درختی

را از ریشه درآوردن و بشدت کنند. حال احتضار انسان را هم، حال نزع میگوید، برای اینکه در آن وقتی است که انسان دچار اضطراب و کشمکش است تا روحش از بدن مفارقت کند و تسلیم شود، این يك نکته دیگر این است که نزع از افعال متعدی است و قرآن در این آیه بیان نکرده که چی را از جا میکنند. مفسرین، که هیچ اعتراضی هم بر آنها نیست (بارها من گفتم و نوشتم که تفسیرها عموماً تطبیقی است نه تفسیر کامل. قرآن مطالب کلی بیان میکند. ولی برحسب فراخور زمان و درك شنوندگان و محیط، امام، معصوم، يك مصداقی و يك موردی را برایش بیان میکند، این نباید باعث شود که انسان جمله و آیه را در همان قسمت محصور بداند. ازین جهت میبینیم آیه اطلاق دارد) این نزع کنندگان را، تفسیر کردند به فرشتگانی که روح را هنگام احتضار میکنند و باخود میبرند، روح مؤمن، کافر یا اعم. بعضی تفسیر کردند به حرکت درونی انسانها به طرف حق، بعد از مرگ که تکامل بعد از موت است. اینهم يك تفسیری است. ولی وقتی که به خود قرآن برمیگردیم «والنّازعات» يك معنی عام و شاملی دارد. انسانی که از جهت خلقت و وابستگی به زمین و زندگی و ریشه‌های غرائز، مانند حیوان آفریده شده و عمر میگذارند. این انسان اگر به حالت نزع و نزوع یا نهضت درآمد، اولین شرطش این است که از جا کنده بشود. آنهاییکه در تفکر و تدبیر، مسائل علمی مسائل اکتشافی، مسائل تدبیرهای سیاسی فرو میروند و غرق میشوند، کسانی هستند که از وابستگیها و دلبستگیها، غرایز، حتی اوضاع و شرایط محیط، بشدت خودشان را از جا بکنند.

تشبیهی است که گویا در تفسیر هم هست که در همه حرکات موجودات: از ذرات عالم گرفته تا کرات، از ابتدای تکوین و انسانها و مصنوعات متحرك، می‌بینید این قانون جاری است. طیاره خود به خود به زمین وابسته است، جرمی است از زمین وقتی بخواهد حرکت بکند، نیروئی که به او فشار می‌آورد که مافوق جهت وابستگی و جاذبه زمین است. این را باید بتدریج از جا کند. این حرکت نزعی است. وقتی از جا کنده شد، بتدریج مستغرق در حرکت میشود «والنّازعات غرقاً» و یکسره از محیط و جاذبه زمین که بالا رفت، در حرکتش، دیگر احتیاج به نیروی فوق‌العاده نیست، حالت نشاط پیدا میکند. یعنی خود بخود به

حرکت می‌آید: والناشاطات نشطاً، و شناور میشود در فضا و پیش میرود: «والسایحات سبباً فالمدیرات امرأ»: بعد آن وظیفه‌ای که برای آن حرکت است، انجام می‌گیرد، باری را به منزل میرساند، مسافری را از جای خود به جای دیگر میرساند، یا فرض کنید دستور بمباران جایی (این هم امری است) را، به حق یا به باطل انجام میدهد. انسان هم از اینجهت، چنین موجودی است که هدفی که پیدا کرد و دل بست به آن، باید از جا کنده بشود و الا متوقف خواهد شد، برمیگردد، رجعت میکند.

وقتی که من از زندان بیرون آمدم، دیدم که این جوانها، غیر از جوانهای ۳ سال قبل بودند، این زنان ما غیر از آن زنان قبل بودند، این روحانیت ما غیر از آن روحانیت است، این بازاری، این کاسب، این اداری، این ارتشی که همه یک سر وابسته بودند به محیط و محل و زندگی و انجام غرائز و تولید، جوانهایی که توی خیابانها صف می‌کشیدند، برای دیدن فلان منظره شهوت‌انگیز، همانهایی که برای زندگی و یافتن وسائل تأمین شهوات در این محدوده دور خودشان می‌گشتند، دیدم که یک مردم دیگری شده‌اند. «نازعات، نفوس نازعه»، شدند همه از جا کنده شدند، یک موجود دیگری شدند، یک حرکت دیگری. من واقعاً گاهی شك میکردم، توی این خیابانها عبور میکردم، این مشتبه‌ای گره کرده، این فریادهایی که به روی نظام طغیان و استبداد زده میشد... آیا اینها همان جوانها هستند؟! همان زنها و دخترهایی که دائماً بخودآرائی و خودنمایی میپرداختند؟! این نزع است! این حرکت نزعی است! حرکت و کنده شدن از جاذبه علائق و وابستگیهای زمین، به طرف چی؟ به طرف توحید، نجات انسانها، خورش را میدهد! همان کسی که از صدای یک تیر به خود میلرزید، صدای مسلسل را میشنود و فریاد شهادت را برمی‌دارد! این انسان چه‌جور انسانی است! این انسان نازع است که خودش، خودش را از جا کنده، به اراده خود و در اثر درک و دریافت هدفهایی که سالها روی او کار شده و ارائه شده. او غرق در حرکت میشود و سر از پا نمی‌شناسد: «والنازعات غرقا»، و نشاط! گرسنگی می‌خورد، وحشت از در و دیوار می‌بارد، ولی او با نشاط، شب، نصف شب، توی خیابان، فریادش بلند است! یا خودش، خودش را از جا کنده، یا هدف، یا رهبری قاطع.

ببینید آیه چه جور منطبق میشود! نمی‌خواهم بگویم این تفسیر

آیه است، ممکن است بعد هم يك مسائل دیگری پیش بیاید. «والناشطات نشطا و السابحات سبحا»: همه در يك دریای خروشانى به حرکت در میانند پیرزن، پیرمرد، زن بچه دار، مرد علیل، این خیابانها را طی میکند، باز هم نشاط دارد، نمیگوید خسته شدم، میگوید باز هم میروم جلو، و در این حرکت میخواهند سبقت بگیرند؛ آخرش بکجا میرسد؟ آخرش: «فالمدبرات امرا» اینها هستند که باید قدرت تدبیر و سیاست و رهبری ملت و ملتہائی را بدست بگیرند، تا کی؟ تا «یوم ترجف الراجفه»: البته منظور قیامت است، چون حرکت ادامه پیدا میکند، در همه عالم است، در همه مظاهر و پدیده‌های طبیعت هست، در قوای مدبر عالم (یعنی فرشتگان مدبری که با شعور، عالم را اداره میکنند) هست اگر نباشد فناست، موت است، وقفه است، وقفه فناست وقفه موت است؛ «یوم ترجف الراجفه» یعنی این هست تا اینکه زمین منهدم بشود، این هست تا حرکت از زیر بیرون بیاید و بهم بزند همه چیز را. حرکت بنیانی! «رجف» غیر از «زلزل» است. زلزل معنای اعمی دارد از هر جور حرکتی، ولی رجف، حرکت عمقی است، از درون زمین، انسانها «تتبعه الراجفه»: دنبال او مسائلی پیش خواهد آمد «قلوب یومئذ راجفه» در روز قیامت بزرگ (هر روز قیامتی است، هروقتی که نزع باشد و نهضت باشد، دنبالش قیامتی است که گناهکار، خادم و خائن از هم امتیاز پیدا میکنند) دلہائی که محکم است که رو به حق است. دلہائی هم در اثر شکست و رسوائی در درون خانه‌اش می‌طپد.

یکبارہ سخن قرآن و آهنگ و طول آیات تغییر میکند: «هل اتیک حدیث موسی؟ اذنادیه ربه بالوادالمقدس طوی»، این يك مسأله دیگری است: چگونگی برخورد وحی و مسئولیت برخورد نبوت باطغیان و اینکه چگونه طغیان تبدیل به طاغوت خواهد شد، و مسیر نہائی طاغوت، موسی است و فرعون، ولی مثل اینکه این آیات، همین امروز نازل شده است، شنیدید داستان موسی چه بود؟ کجا رفت؟ اینها مهم نیست. آنوقتى که در مقابل مستضعفین احساس کرده و برگشت به طرف مصر برای نجات مستضعفین از يك سو مسئولیت نسبت به زن و نسبت به همسر باردارش، از يك سو مواجه شدن با چنین قدرت فرعونی که همه مردم را خفه کرده و میگوید منم آن کسی که همه چیز شما دست من است، از يك سو احساس مسئولیت برای نجات مستضعفین بنی اسرائیل

و قوم مصر، حرکت میکنند.

همانطوری که هرانسانی دراین نزعها واین حرکتها دچار وادی سرگشتگی میشود که مسئولیت را از کجا آغاز کند و چگونه انجام دهد، کشمکش! تنها وادی ظاهری نیست، وادی درونی هم هست، تپه‌ها، ماهورها، گم کردن راه، شب تاریک، ظلمت طغیان، ظلمت طبیعت، هراس، ترس، همه چیز درش هست، ولی مسئولیت را فراموش نمیکند. دراین وادی که اورا به هم پیچیده، سرگشته‌اش کرده، مسئولیت را احساس میکند و میداند که دراین سرگشتگی و دراین تحیر و رعب و ترس و ظلمات، نباید مایوس بشود.

در اینجاست که صدا و ندای حق را می‌شنود «اذ نادیه ربه بالواد المقدس طوی» به سبب وادی مقدس (که مقدس شد برای همین) و در وادی مقدس و باکشش وادی مقدس، وادی به هم پیچیده، سرگردان-کننده «طوی»، که از کجا کار را شروع کنم و به کدام جهت بروم؟ همین اندیشه مسئولیت است که راه را باز میکند اینجاست که انسان صدای خدا، صدای وجدانها و صدای محرومین را بشدت میشنود، از نزدیک صدا میاید تا به درون وجدانش منعکس بشود. «اذهب الی فرعون انه طغی»: برو! نترس! ما با تو هستیم، چی داری! هیچی سلاح داری؟ نه یک عصا! ولی وقتی نیروی ایمان بود، همین عصا، همه کار میکند همانطوری که مشتهای ملت ما در مقابل این همه دسیسه‌ها و سلاحها، همه کار کرد دنیا را به اعجاب آورد.

«اذهب الی فرعون انه طغی» «طالقانی و زمانه ما»

از کجا شروع کن و چرا؟ طغیان کرده برای اینکه شاه است! فرعون برای اینکه ثروت مدار است، طغیان کرده، برخلاف نظام عالم و اراده خدا، این فرعون سرکشی میکند و نظام عالم مخالف سرکشی است. وقتی کوهها تکوین میشوند و بعد از سالیانی، سر از میان دریاها بیرون میاورند و به زبان حال میگویند این منم که سربلند شدم و به همه‌جا مسلطم، تمام عوامل طبیعت: باد و باران و تگرگ و مورها و همه چیز براو مسلط میشوند تا سرش را پائین بیاورند، این کوههایی که، بیچاره‌ها، تبدیل شدند به تپه‌های بی‌خاصیت، همه کوههای طغیانی بودند! برای اینکه اراده خدا مخالف طغیان است. پس برو! «اذهب الی فرعون انه طغی» اما چگونه برخورد کند.

ببینید مسیر برخورد ما هم همینطور بوده، ملاحظه میکنید چقدر خاضعانه است و چقدر برخورد منطقی است: «فقل هل لك الى ان تزكي» تو هم انسانی اینجور بدبخت شدی، مسخ شدی و پوسیده شده‌ای. و چرکین شدی و از حرکت و کمال بازماندی، دلت میخواهد تو هم اگر وجدانی داری خودت را تزکیه کنی، آدم بشی! مگر برخورد ملت ما، علمای ما، با این طاغوت زمان، غیر از این بود؟ مردك به خودت رحم كن. تو هم انسانی هستی، بیا آدم بشو، «واهديك الى ربك فتخشي»: تو را هدایت کنم، تو هم يك روح خشیت بشوی. مگر این طغیان چقدر باقی میماند، دوام می‌یابد؟ میمیری! بدبخت بجای اینکه خدمت بکنی، چرا این مردم را از شدت رشد و حرکت و کمال و پیش‌روی و آزادی بازداشتی؟ «واهديك الى ربك فتخشي» در مقابل این مصلحت‌اندیشی و عاقبت‌بینی طاغی به طاغوتی گرائید همانطوری که سقراط بزرگ میگوید:

کار طاغی به جائی میرسد که کلمه قانون و حق بجای اینکه او را متنبه کند مثل آتشی است که در او، مواد سوخت بیشتر بریزند، طغیانش بیشتر میشود. این خاصیت طغیان است.

«فاره الايه الكبرى فكذب وعصى»: «فاره» يك فرازی است، پس از دعوت و درگیریها، گفتگوها و برخوردها که فرعون خاضع نشد و بر طغیانش افزود. اینجا است که نشانه خدا را ارائه داد، قدرت الهی را نشان داد که من هم با همین عصا (همین قدرتی که شما ملت دنیا نشان دادید)، با این عصا، کارت را تمام میکنم با همه قدرتی که داری! «فكذب»، حالا ببینید طریق حرکت طغیان، به طاغوت چگونه است! «فكذب» اول تکذیب کرد و گفت این حرفها را باین‌داز دور! همه چیز دارم، هیچ کس نمیتواند به من فرمان دهد که من فرمانروا هستم، قدرت دارم، تجهیزات نظامی دارم، منابع ثروت دست من است، قدرتها پشتیبان من است و شاهنشاهم و بس. «وعصى»: سرپیچید «ثم ادبريسعى» یکسره اعتراض کرد، و شروع کرد قدرت خودش را نمایان و قدرت جمع کردن «فحشرفنادی»، حشر را مفسرین مرادف و بمعنای جمع دانسته‌اند که افراد را جمع کرده ولی میدانید حشر به معنی جمع و مجهر کردن و به پاداشتن است یعنی چه؟ معنی‌اش یعنی يك رستاخیزی به پاکرد «حزب رستاخیز درست کرد» از افسونگران، هنرپیشگان، فریبکاران، چشم و گوش بندگان، حزب رستاخیزش که جابجا شد گفت: «انا ربكم الاعلى»:

همه چیز شما دست من است: فرهنگتان، نانتان، مسکنتان، زندگیتان، میخوام بدهم اگر نبود، از خارج وارد کنم، همه کارتان! شرکتها درست کرد، بندوبستها، باجها، زندانها، شکنجه‌ها، با همین حزب رستاخیزش! «فحشر فنادی»، نگفت من خدایم، گفت «اناربکم»، یعنی ربوبیت شما دست من است! «انا ربکم الاعلی فاخذہ اللہ نکال الآخرہ والاولی»، نمیگوید خداکشتش، غرقش کرد، بلکه بیچاره‌اش کرد! نکال همین است، زبونس کرد، در بدرش کرد که هیچ‌جا نداشت، اگر یک مرتبه میمرد که راحت میشد ولی دید هرآن برایش مرگ است که خدا مرگش را بیشتر و نکالش را افزون کند، این معنی نکال و تنکیل است: مهر باطله به او زدن، زبونس کردن، خوارش کردن! وگرنه اگر با یک گلوله راحتش میکردند که برایش نکال نبود «فاخذہ اللہ نکال الآخرہ والاولی»: این یک عبور تاریخی است! به همین جانایستید، مسلمانها هی پشت سر را نگاه نکنید که فرعون چند هزار سال قبل را ببینید، از این عبور باید بکنید: «ان فی ذلک لعبره لمن یشی»! صلی‌الله علی محمد وال محمد.

پروردگارا دل‌های ما را به هدایت و نورقرآن و هدایت مکتب امامان روشنتر بگردان!

اختلاف و نفاق در راه حق، در راه پیشبرد انقلاب راه، از دل‌های ما، گروه‌های ما، ریشه‌کن بگردان،

خداوندا ما را از دسائس و کیدطاغیان، دشمنان و بیگانگان حفظ بفرما،

همه ما را در راه به‌ثمر رساندن این نهضت عظیم بی‌سابقه در تاریخ اسلام موفق‌تر بگردان!

گذشتگان ما را بیمارز، شهدای ما را همیشه الهام‌بخش فکری و نهضت ما گردان!

خداوندا شهید ما، دوست ما و محقق و شخصیت بزرگ ما را با اولیائش محشور بگردان و همه شهداء ما را برای ما الهام‌بخش بدار!

«السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته»

طرح پیشنهادی پدر طالقانی برای شوراهای محلی

امروز دفتر حضرت آیت الله طالقانی طرح «قانون شوراهای محلی» را که توسط ۶ نفر از برگزیدگان حضرت آیت الله طالقانی تهیه گردیده منتشر کرد.

دفتر حضرت آیت الله طالقانی درخواست کرده است که این طرح پس از درج در روزنامه از طرف صاحبان افکار و عقاید صاحب صلاحیت تکمیل، تأیید و مورد پشتیبانی قرار گیرد و ضمناً علاقمندان هر نوع پیشنهاد اصلاحی داشته باشند به دفتر آیت الله (پیچ شمیران - کوی تنکابن) با ذکر عبارت «مربوط به شوراها» در پشت پاکت ارسال دارند. متن طرح تهیه شده از طرف برگزیدگان آیت الله طالقانی

باین شرح است:

ماده ۱- «به پیروی از اصل شوراها و به منظور تأمین مشارکت مردم هر ناحیه در اداره امور عمومی و رعایت مقتضیات تاریخی و جغرافیایی و مذهبی شهرها و استانهای کشور و اتخاذ تدابیر در حفظ و اشاعه فرهنگ و زبان و سنن بومی و قومی، شوراهای ده و بخش و شهر و شهرستان و استان، بر مبنای تقسیم جغرافیایی و سیاسی که در قوانین معین است، در سراسر کشور تشکیل میشود.»

ماده ۲- «شوراهای محلی، برای مدت دو سال بدین ترتیب انتخاب می شوند و تجدید انتخاب اعضای آن مانعی ندارد.»

۱- «شورای هر ده از طرف اهالی بطور مستقیم انتخاب میشود و اعضای آن پنج نفر است.»

۲- شورای هر بخش از نمایندگان منتخب شوراهای ده که در حوزه آن بخش قرار دارد تشکیل میشود و هرشورا یک نماینده در آن دارد.»

۳- شورای شهر بطور مستقیم از طرف کسانی که در آن شهر سکونت دارند انتخاب میشوند. حداقل تعداد اعضای شورا هفت نفر است و برای شهرهایی که بیش از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد به نسبت هر صد هزار نفر یک نماینده افزوده میشود. ولی تعداد نمایندگان در هیچ صورتی از بیست نفر تجاوز نمی کند.

۴- شورای شهرستان از نمایندگان منتخب شورای شهر و شورا- های بخش آن ناحیه تشکیل می شود: بدین ترتیب که شورای هر بخش

یکی از اعضای خود را برای شرکت در شورای شهرستان انتخاب می‌کند و شورای شهر نیز به تناسب هر ۱۰۰ هزار نفر اهالی شهر یک نماینده از اعضای شورای شهر برمی‌گزیند. ولی تعداد اعضای منتخب شورای شهر نباید در هر حال بیش از هفت نفر باشد.

۵- شورای استان از نمایندگان منتخب شوراهای شهرستان تشکیل می‌شود و هر شورا، قطع نظر از تعداد اعضای خود، یک نماینده در آن دارد.

ماده ۳- «انتخابات، قطع نظر از ویژگی‌های مذهبی و نژادی و زبانی، انجام می‌شود و تمام ساکنان محل حق شرکت در آن را دارند. کسی ساکن محل به‌شمار می‌رود که لااقل شش ماه پیش از شروع انتخابات در آنجا مقیم باشد.»

ماده ۴- «حداقل سن انتخاب‌کنندگان هیجده سال تمام است و اعضای شوراها نباید کمتر از ۲۵ سال سن داشته باشند.»

ماده ۵- «شورای ده کدخدا را انتخاب می‌کند و به عنوان مشاور و ناظر نیز در انجام وظایف کدخدا او را یاری می‌دهد عزم کدخدا نیز باشورای ده است.»

ماده ۶- «شورای بخش سه نفر را برای بخشداری به فرماندار معرفی می‌کند که یکی از آنان را فرماندار به‌سمت بخشدار تعیین و به‌وزارت کشور معرفی خواهد کرد. شورای بخش، حق وضع آئین‌نامه‌های لازم برای حفظ و عمران مزارع باغ‌ها و مراتع و اماکن عمومی و راه‌های فرعی روستائی و شیوه عادلانه تقسیم آب‌های مباح را نیز در حدود فوائین و تصمیم‌های شورای شهرستان دارد برکار شوراهای ده نظارت می‌کند.

تبصره - عزل بخشدار نیز به‌پیشنهاد شورای بخش و تصویب فرماندار انجام می‌شود.

ماده ۷- شهردار هر محل بوسیله شورای شهر انتخاب می‌شود. شورای - شهرستان سه نفر را از میان اعضای شورا یا از خارج برای فرمانداری پیشنهاد می‌کند و وزارت کشور یکی از این منتخبان را به سمت «فرماندار» منصوب می‌کند. استاندار به‌پیشنهاد شورای استان و تصویب وزارت کشور معین می‌گردد.

ماده ۸- تغییر شهردار منوط به‌تصمیم شورای شهر است و عزل فرماندار و استاندار نیز به‌پیشنهاد شوراهای شهرستان و استان و

تصویب وزارت کشور انجام می‌گیرد، مگر در موارد ضروری و غیرعادی، که، بنابه مصالح ملی، به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیئت وزیران فرماندار یا استاندار معزول می‌شود.

ماده ۹- نظارت بر کار شهردار و انجمن‌های محلی و تقسیم کار بین آنها برعهده شورای شهر است شورا حق دارد برای کلیه امور مربوط به شهرداری، در حدود قوانین و تصمیم‌های شورای شهرستان آئین‌نامه وضع کند.

ماده ۱۰- شورای شهرستان حق دارد، گذشته از نظارت بر کار شوراهای بخش حوزه خود، درباره این امور آئین‌نامه وضع کند:

۱- امور فرهنگی: مانند چگونگی استفاده از بناهای تاریخی و مذهبی، حفظ و اشاعه هنرهای بومی و محلی و زبان و آداب و رسوم قومی.

۲- امور آموزشی، مانند میزان و کیفیت تدریس زبان محلی و شیوه تعلیمات مذهبی و آموزش هنرها و صنایع بومی در دبستان‌ها و دبیرستانها، ایجاد مؤسسات آموزشی در حدود سیاست عمومی آموزش کشور و بودجه آن شهرستان.

۳- امور بهداشتی و درمانی، مانند آئین‌نامه‌های بهداشتی مربوط به اماکن عمومی و فروشندگان مواد غذایی و رستورانها و تاسیس اداره بیمارستان‌ها و نظارت بر کار پزشکان و داروفروشان.

۴- کار و صنعت کشاورزی، در حدود سیاست‌های عمرانی کشور و قوانین و آئین‌نامه‌های کار.

۵- وضع عوارض منطقه‌ای در سطح شهرها و روستاها و راه‌ها و اتوبان‌های داخل شهرها.

۶- وضع آئین‌نامه‌های خلافی، برای تضمین مصوبات شورا و تعیین کیفر تخلفات مربوط به رانندگی و مبارزه با گران‌فروشی.

ماده ۱۱- «شورای استان، گذشته از نظارت بر کار شوراهای در سطح استان و ایجاد هم‌آهنگی بین آنها، حق وضع آئین‌نامه در مورد اصول کلی حاکم بر اداره شوراهای و تعیین ضوابط مشترك در تمام زمینه‌های موضوع صلاحیت شورای شهرستان را در سطح استان دارد.

ماده ۱۲- «آئین‌نامه‌های شورای بخش و شهر نباید با آئین‌نامه کلی شورای شهرستان و آئین‌نامه شورای شهرستان با اصول و ضوابط شورای استان مخالف باشد و عالیت‌ترین دادگاه در محل میتواند درخصوص

تعارض آئین نامه‌ها تصمیم بگیرد و در صورت لزوم آئین نامه‌ای را که برخلاف مقررات شورای بالاتر وضع شده است ابطال کند.»

ماده ۱۳- «وضع قواعد مربوط به سیاست عمومی دولت درباره صلاحیت شوراها و اصولی که باید برای حفظ حاکمیت ملی و نظم عمومی و مصالح ملی از طرف شوراهای محلی رعایت شود با مجلس شورای ملی است و آئین نامه شوراها در صورتی اعتبار دارد که با این قوانین مخالف نباشد.

ماده ۱۴- «استانداران و فرمانداران و بخشداران منتخب شوراها محلی، در دوران تصدی در شمار کارکنان وزارت کشور درمی آیند و تابع نظامات خاص دولتی هستند و سمت آنان پس از پایان دوره کار شوراها و استقرار شوراهای جدید از بین میرود».

اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۵۸

اطلاعیه دفتر پدر طالقانی

در پاسخ به نامه‌ها و تلگرام‌های تسلیتی که به مناسبت شهادت استاد مطهری از سوی طبقات مختلف مردم به دفتر آیت الله العظمی طالقانی رسیده اطلاعیه‌ای از سوی دفتر ایشان انتشار یافت. متن اطلاعیه بشرح زیر است.

بسمه تعالی

سلام علیکم بما صبرتم «طالقانی و زمانه ما»

نامه‌ها و تلگرافهای فراوان تسلیت به مناسبت شهادت افتخارآفرین فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی ما استاد مطهری رضوان الله تعالی علیه از کلیه اقشار و طبقات مختلف ملت ایران بنام حضرت آیت الله طالقانی به این دفتر واصل شده است که حاکی از تأثر و تألم شدید همه اقشار ملت ایران است.

آیت الله طالقانی ضمن پوزش از پاسخ مستقیم به کلیه نامه‌ها و تلگرافها از اینهمه احساسات پرشور نسبت به روحانیت راستین و مترقی تشکر و قدردانی کرده و از خداوند متعال وحدت کلمه و فشرده‌گی هرچه بیشتر صفوف ملت ایران را خواستارند - والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دفتر آیت الله طالقانی

اطلاعات، ۲۳ اردیبهشت ۵۸

متن سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه راجع به فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

الهم انی اعوذ بك من کل شیطان رجیم و من کل متکبر لایومن بیوم الحساب

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر.^۱

من پیش از اینکه در کسوت یک سیاستمدار متعارف و معمول باشم، یک شاگرد کوچک مکتب قرآن و معلم قرآنم و در اینگونه اجتماعات سعی دارم همان روش و برنامه‌ای را که همیشه دارم فراموش نکنم، چون مهمترین قدرتی که ملت مسلمان ایران و همه مسلمانهای دنیا را می‌تواند علیه ظلم و استبداد و استکبار و استعمار برانگیزد، در حیطه وحی قرآن است. ممکن است کسانی باشند که نسبت به طرح مسائل و آیات قرآن بی تفاوت باشند، یا بعضیها هم بپرند، «ان هذا القرآن یمهدی للتی هی اقوم ولا یزید الظالمین الا خسارا».^۲

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار خس آیه‌ای که قرائت شد اولین آیه سوره بنی اسرائیل است. این مسأله مهم و تاریخی (یعنی مسأله فلسطین) که باعث شده ما امروز، همراه طبقه جوان و نیرومند و انقلابی‌مان، در این اجتماع و در این زمان و در این سر فصل تاریخی، دورهم گرد آمده‌ایم، در پیچ و خمهای تاریخی گذشته، قرنهای سالها، در بستر تاریخ پیش رفته تا امروز به این صورت نمودار شده و از این جهت ما در یکی از نقاط درگیریهای تاریخی این سرزمین واقع شده‌ایم.

در سوره اسری (بنی اسرائیل)، به همان مسأله توجه کرده که سیر رمزی و معراجی خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) را، همین گذشته تاریخ و تنبیه و درس تاریخ و گذشته بیت المقدس، مسجد اقصی و سرزمین فلسطینی بیان کرده: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد

۱- اسراء

۲- ۹ اسراء

الحرام الى المسجد الاقصى، منزّه است آن خدائی که «سیر» داد، پیغمبرش را، از يك مركز توحيد و سجده و ركوع در برابر خدا (يك مركز آزادى بشر از بند عبوديت غير خدا)، به مسجد ديگر (مسجد اقصی)، «لنريه من آياتنا»، تا اين پيامبر از آياتى که در اين مسجد اقصی است درس بياموزد و آن آيات را از نزديك به او ارائه دهد. وحى انبياء، هم وحى آسمان است و هم وحى زمين. تركيب آن دو وحى، دعوت و رسالت انبياء را پيش ميبرد. يعنى راهنمائى‌هاى که از طريق وحى خدائى به آنها ميرسد از يکطرف و تجربيات تاريخى که به آنها داده ميشود (مانند آياتى که در پيرامون مسجد اقصی است)، از طرف ديگر، «انه هو السميع البصير»: چون خدا ميخواهد چشم و گوش پيامبرش را به همه مسائل باز و شنوا کند، تا امتى چشم و گوش باز و هوشيار تشکيل دهد. اطراف مسجد الاقصی آيات وحى و نبوت است. درسهاى اولين قيام توحيدى ابراهيم خليل و همه انبياء بزرگ و درگيرى بين توحيد و شرک، استضعاف و استکبار است، جنگها و موضعگيريهائى که در اطراف مسجد الاقصی در قرون متوالى پيش آمده، در سرزمين خاورميانه، بين شرق و غرب، در بستر حرکت توحيد، در مهد پرورش انبياء بزرگ توحيدى و انقلابى، که همه اين حرکتها، همه اين انقلابات بزرگ، از اين سرزمين منشأ و الهام گرفته، درسهاى است از وحى و نبوتها، چگونگى درگيرى انبياء بزرگ تا وحى نبوت آسمانى در سرزمين قدس و در درونگاه و در همه اطراف آن، براى انسان شنوا و هوشيار که خدا بايد به پيغمبرش بياموزد. اين سر حرکت معراجى پيغمبر ماست که زمانش هم شايد در همين روزها (ايام رجب) باشد. دو مرکز حرکت انقلابى، دو مرکز رهائى بخش انسانها از شرکها و طاغوتها. بعد از چند آيه، (از آيه ۴) قرآن به ما درس تاريخ و فلسفه تاريخ ميدهد: «و قضينا الى بنى اسرائيل لتفسدن فى الارض مرتين ولتعلن علوا كبيرا فاذا جاء وعد اوليهما بعثنا عليكُم عبادا لنا اولى باس شديد فجاسوا خلال الديار و كان وعدا مفعولا»:^۳

«ما در سرنوشت تاريخ، براى بنى اسرائيل اين مطلب را تثبيت کرديم که بارها (مرتین - مره بعد مره، مرتين به نظر من مثل لبیک يعنى مره بعد مره)، يعنى در مسير تاريخ، شما (بنى اسرائيل) در زمين

افساد میکنند (لتفسدن فی الارض مرتین)، سرکشی میکنید، بمردم دیگر تجاوز و عدوان میکنید، همسایگان خود را سرکوب میکنید. در این خلال، این بارها، در مسیر تاریخ، بنی اسرائیل است، بعد از آنکه با هم جمع شدند و سرود و ورد برتری نژادی و قومی و برتری شخصیت خود را بگوش یکدیگر خواندند، و خود را صاحب زمین و مالک زمین و خدا را، خدای بنی اسرائیل خواندند، شروع میکنند به افساد در زمین و ذلیل کردن مردم دیگر و منکوب کردن آنها.

پس از هر مرتبه که علو و فساد آنها بالا گرفت ولتعلن علوا کبیراً ما در میان بندگان خود کسانی را برمیگزیم که صاحب قدرت شکست ناپذیر باشند، (بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بسا شدید)، صاحب قدرت شدید، اینها برمیگردند و بنی اسرائیل را منکوب میکنند و وارث دیاری می شوند که آنها به غضب و به تجاوز، آن دیار را تحت تصرف خود آورده اند. این قدرتمندان صاحب باس شدید، در گوشه و کنار شهرها و خانه ها رخنه کنند، نفوذ نمایند «فجاسوا خلال الدیار» این وعده ایست خدائی، وعده ایست شدنی (وكان وعدا مفعولاً):

مردم فلسطین و مسلمانهای دنیا و کسانی که چشم به این قبله اول اسلام و این مهد توحید و الهام بخش راه و روش و منش و منطق انبیاء دارند، باید با همین وعده های قرآن امیدوار باشند، وعده هایی که شدنی است.

در مسیر تاریخ بارها این وعده عمل شده. از این جهت، پیش از اینکه ما به مردم فلسطین بیندیشیم باید به مسجد الاقصی بیندیشیم که مورد تقدس و اعتقاد همه مسلمین است، و به مردم فلسطین بیندیشیم، چون ملتی حق برده، حق کشته، تجاوز شده و آواره هستند و پاسداران مسجد الاقصی بودند. در سال ۲۸ اولین سفری که موتمر (کنفرانس) فلسطینی رفته، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می اندیشیدیم. از کشور های اسلامی و عربی به کنفرانس آمده بودند، ولی بعضی فقط حماسه میخواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غصب شده داشتند از نزدیک، افسردگی، ظلم، حق خوردگی مردم فلسطین را می دیدیم، که چگونه اینها مورد رعایت و مورد اتفاق سازمان ملل و همان دنیائی و همان کشورهایی واقع شده اند که اینها را آواره کردند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک میکردند چه بسا در مسیر بین بیت المقدس و خلیل الرحمن میدیدم که

عده‌ای از این آوارگان در يك سوی سیم‌های خاردار بودند و بعضی در سوی دیگر. يك عده اقوام و خویشان در آن سو بودند و کسانی در این سو، بطری‌که‌اژ دور با دست و حرکت می‌توانستند باهم اشاره کنند، زیر نفوذ و قدرت پاسداران صهیونیسم، این وضع را دیدیم. ولی همین مردم، همین مردمی که آواره و جیره‌خوار شدند و در چهره‌های گرفته، چهره‌های ماتم‌زده، چهره‌های شکست خورده داشتند، طولی نکشید همین مردمی که در فلسطین قبل از غصب، يك عده مردم کشاورز عادی سر بزیز بودند بعد از غصب، مردم مرتزقه‌ای شدند، مطابق همین وعده قرآن (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باسا شدید)، این مرد وزن فلسطینی، همین تحقیر شده‌ها، همین جیره‌خواران دیگران، تبدیل شدند و تغییر یافتند بمردان و زنان مبارز و پرخاشگر و پر حماسه‌ای که شرق میانه را از حماسه خود پر کردند و به تمام دنیا حماسه مظلومین را الهام بخشیدند و در سرزمین مغضوب و پیرامون آن و در هر شهر و دیار عربی و اسلامی رخنه کردند جای و سنگر گرفتند «و اذا جاء وعد اولی‌هما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باسا شدید فجاسوا خلال الدیار»، امیدواریم در پی رهبری آخرین آیه، روزی را ببینیم که مردم فلسطین، با همین قهر انقلابی، نه الطافی قدرتمندان قریبکار، سرزمین خود را آزاد کنند، و بیت‌المقدس و مسجد اقصی و محل معراج پیغمبر اسلام را بصاحبانش برگردانند. صاحبان بیت‌المقدس، نماینده‌های همه ملت‌های توحیدی هستند همانطوری که بودند. یهود و نصارا و مسلمان‌ها، همه بیت‌المقدس را از خود میدانستند و میدانند، نه صهیونیسم که میگوید بیت‌المقدس فقط از آن ماست.

وعده دیگر قرآن بعد از چند آیه خطاب به بنی‌اسرائیل است: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها» شما مغرور نباشید به اینکه اولاد انبیاء هستید، یا خیال نکنید نژاد برتر هستید. دنیا، دنیای عمل است. اگر در دنیا نیکی کردید، همه‌جا، جا دارید، معزز هستید، و اگر بدی کردید، به حال خود بدی کردید. وقتی که وعده خدا برسد: (فاذا جاء وعد الاخره لیسوءا و جوهکم) چهره‌های صهیونیست‌های جلاد و تروریست مانند بگین، سیاه خواهد شد، «ولید خلوا المسجد کما دخلوه اول مره»: داخل مسجد خواهند شد همانطور که بارها در زمان فاتحین اسلام و دیگر خداپرستان، وارد مسجد شدند و ریشه فساد را کردند. این خلاصه‌ایست از درس قرآن درباره این حرکت طاغوتی بنی‌اسرائیل.

اکنون که ما اجتماعی برپا کرده‌ایم می‌بینیم از ابتدای غصب تا

حال، نهضت فلسطین مراحل را گذرانده... فریبکارها، دروغگوها، پشت هم اندازها، سعی کردند يك ملت ظالم را مظلوم بنمایانند و يك ملت مظلوم را ظالم... همانهاییکه امروز مانند جغد بالای لاشه مزدوران استعماری خود، نوحه سر میدهند و برای غاصبین حقوق مردم ایران که اعدام شده‌اند، سروصدا راه می‌اندازند، همانهاییکه در جنگ بین-المللی اخیر میگفتند برای آزادی بشر و برای سرکوب کردن نژادپرستی آلمان و ایتالیا می‌جنگیم، طولی نکشید که همین منادیان دروغگوی فریبکار آزادی، چه برسر يك ملت مظلوم حق برده، آوردند. چگونه خانه‌های اینها را گروه گروه خراب کردند، اطفال اینها را در مقابل مادرها و پدرها کشتند، شکمهای زنهای حامله را دریدند، شهرکهای را مانند دیر یاسین با جمعیتش کشتند و ویران کردند. همینها آنروز ندای آزادی سر میدادند که میخواهند ملتها را از قید بندگی و عبدیت آزاد کنند و در مقابل نژادپرستی قیام کرده‌اند امروز هم برای باقی ماندگان رژیمشان در ایران ناله سر میدهند. اینها همانها هستند! مدتها تبلیغ کردند که فلسطینیها چنین و چنانند. مردمی هستند که زمین بنی اسرائیل را غصب کرده‌اند! دوره تبلیغات گذشت و همه مردم آزاده دنیا به حق فلسطین و به حقانیت مردم فلسطین آگاه شدند، و امروز دیگر کسی که چشم و گوش دارد در شرق و غرب دنیا نیست که فریب این تبلیغات دروغ را بخورد. امروز دیگر بعد از آنی که اینهمه فریبکاریها، تبلیغات و همه این دسیسه‌ها آشکار شده، به فریب دیگری پرداخته‌اند و به اسم صلح خاورمیانه دست بطرف مصر دراز کردند، و بیچاره سادات را به بند خود کشیدند! که پیش از اینکه به اودشنام‌بدهیم باید به حالش و به وضعی که برای او پیش آمده متأثر باشیم. ملت مصر و سرزمین مصر که در این قرن اخیر، مرکز حرکت و انقلاب علیه متجاوزین و برای آزاد کردن ملت‌های عرب و ملل اسلامی بوده، امروز خودش به بند و قید استعمار دچار شده و منزوی و تحقیر شده، و امروز همه ملل اسلامی و همه ملل عرب گفتند کشوری است که او را در انزوا قرار دادند. البته ملت مصر را ما میشناسیم، ملتی هوشیار، دانشمند، متفکر، ولی رژیم سادات این ملت را تحقیر کرد و ما امیدواریم که خود ملت مصر به حساب این جانشین فراعنه مصر برسند، همانطوری که ملت ایران به حساب فرعون خود رسیدند. و این فرعونك را به سوی آن فرعونك راندند و آن فرعونك هم دیگر آنجا، در کنار فرعون تاریخ، جا نداشت

و به جای دیگر آواره شد. ما اعلام میکنیم که همین سرنوشت برای این فرعون که خودش را مسلمان میداند ولی عملش، عمل فرعونی است، یعنی حق مردم مصر و ملل عرب و ملت فلسطین را نادیده میگیرد، همین کسی که به عهدهای خود وفا نکرد (بعد از فوت عبدالناصر تعهد کرد راه او را ادامه دهد ولی در اول خط مسیر، راهش را منحرف کرد)، همان کسی که میبایست مصر را جزء کشورهای غیر متعهد قرار بدهد، رفت پست‌ترین تعهد را در مقابل آمریکا و اسرائیل انجام داد و دست در دست آنها گذاشت.

ما ملت ایران، این ملتی که انقلاب کرد، برپا خاست، با تمام قوا برای دستگیری هر ملت مظلوم، بخصوص ملت فلسطین و هر مستضعفی در هر کجای دنیا، تا آنقدری که امکان داریم، دست کمک دراز میکنیم، چون قیام ما برای نجات مستضعفین است، اول مستضعفین ایران، بعد مستضعفین ملت‌های عرب و ملت‌های مسلمان که اسیر حکومت‌هایی هستند که بناحق و بدون رضای ملت‌ها بر آنها حاکمیت دارند.

این خونی که در خیابان‌های ما و در هر گوشه و در هر شهر و دهکده ما جاری شد و خون‌هایی که در فلسطین جاری شد، در یک بستر حرکت میکنند: در بستر انقلاب، در بستر توحید، نجات خلق‌ها. و ما با این قدرتی که از نزدیک از مردم فلسطین و سازمان الفتح دیدیم که اینطور کفن‌ها را بدوش گرفتند، جان‌ها را بکف گذاشتند و اسلحه بدست گرفتند، امیدواریم این‌ها نه تنها نجات دهنده خود باشند بلکه با این قدرت و نیرو، با این یأس شدید میتوانند نجات‌دهنده همه مستضعفین ملل عربی که هنوز در استضعاف بسر میبرند، باشند.

۳۰ سال است در مبارزه با این قوم میگذرد، ۳۰ سال است که ملت فلسطین در زیر سخت‌ترین ضربات تبلیغاتی و جنگی بسر برد و امروز سرافراز بیرون میاید، و امروز میبینیم ما که در ایران جرأت نداشتیم یک جلسه‌ای برای هماهنگی و همصدائی و هم‌ندائی با مردم فلسطین تشکیل بدهیم، با آزادی صدای خودمان را با صدای مردم فلسطین و نماینده فلسطین باهم برای پیش‌برد هدف‌های مشترک بلند میکنیم ماکه در دوره استضعاف جرأت نداشتیم در باره فلسطین، کلمه‌ای بگوئیم، امروز مسائل فلسطین را، در مرکز علمی‌مان، در دانشگاه‌مان، مطرح میکنیم. امیدواریم جوان‌های ما بیشتر مسائل فلسطین را بشناسند، که یک درس بزرگ تاریخی قرن ماست و بیشتر روابطشان را تحکیم

بکنند و هماهنگی خودشان را بنمایانند تا بتوانیم این انقلابی را که در دو نقطه حساس دنیا (ایران و منطقه فلسطین) پدید آمده، بیاری حق و به همت و هم‌رزمگی همه ملت‌ها، انشاءالله به پایان برسانیم.

درود بر همه شهدای ایران و فلسطین

درود بر همه شهدائی که خونشان در کنار و گوشه و تپه و ماهور اطراف فلسطین و در سرزمین فلسطین ریخته شد.

درود بر همه خون‌نهاییکه از جوانهای ما و جوانان فلسطین آمیخته شده

پیروز است نهضت ایران و فلسطین

پیروز است نهضت‌های همه مردم مستضعف دنیا

ما امیدواریم که خداوند ما را از قید شیاطین، با هشیاری و با بینش کامل نجات بدهد و بارهبری قاطعی که داریم (رهبری مراجع مسئول دینی بخصوص حضرت آیت‌الله خمینی) روز به روز شکوفائی نهضت خودمان و دیگر نهضت‌های ملل ستم دیده را ببینیم.

والسلام علیکم ورحمت‌الله..

۲۵ اردیبهشت ۵۸

سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه تهران

بمناسبت روز شریعتی (۲۶ اردیبهشت)

«کتابخانه آنلاین طالقانی و زمانه ما»

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ان‌الله لا یموت و ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم و اذا اراد الله بقوم سوء افلا مردله و ما لهم من دونه من وال.

امروز مصادف است با روز هجرت خاطره‌انگیز فرزند مجاهد و متفکر اسلامی ما مرحوم دکتر شریعتی است بیش از این، مفصل‌تر از این بلیغ‌تر از این رساتر از این در کتاب‌هایش تبیین شده، ما مطلب تازه‌ای درباره این شخصیت مجاهد مهاجر و شهیدمان نداریم آیه‌ای که تلاوت کردند منش و روش و راه دکتر شریعتی چه اثری در جامعه ما در نسل جوان گذاشته است بیان میکند.

نمی‌توانم بگویم. وقت هم کوتاه، وضع حال و مزاجم نارساست. آیه‌ای که تلاوت کردم، منش و روش و طریق و راه دکتر شریعتی

را چه از جهت شخصی، چه اثری که در جامعه، بخصوص در نسل جوان ما گذارده است بیان میکند، نمونه‌ای است. شخصیت و اصالت دکتر شریعتی از همین آیه مشخص است. پس چه بهتر در این مرکز تحقیق و علم و سنگر مبارزه فکری و اجتماعی ما، دانشگاه ما، بپردازیم به تبیین این آیه، تا آنجا که فرصت و حال اجازه میدهد. ان‌الله لایغیر و ما بقوماً.... خداوند تغییر نمی‌دهد، دگرگون نمیکند، آنچه به قومی به مردمی وارد شده، و به مردمی و وضع مردمی ایجاد کرده، مگر آنکه، تغییر بدهند آنچه را که به نفسیات و اخلاق و روحیات اینهاست، این آیه فشرده با تعبیرات بسیار بلیغ و کوتاه یکی از مسائل بزرگ یا همه مسائل بزرگ اجتماعی را دربردارد، جمله ما بقوم با تعبیر «ما» که برای ابهام است و یا برای امثاق و قوم که امت و ملت (و تکرار آیه) خداوند تغییر نمیدهد آنچه را که تقوی امثاق یابد ترکیب باید ضمیمه شده مگر آنکه خود آنچه را که دارند تغییر دهند **ان‌الله یغیر و اما بانفسهم** این دید اسلام است در تحولات، تغییرات حرکت صعودی، حرکت نزولی، انحطاط‌ها، ترقی‌ها، عبودیت‌ها، کمال‌ها، بردگی‌ها، آزادی‌ها، هرچه ما کتاب بخوانیم، تجربه کنیم، بیاندیشیم احوال ملل و امم گذشته و حال را در بوته تجربه و در مظهر و منظر مطالعه خود قرار بدهیم، مطلب بیش از این نیست که تغییرات، تحولات چه بطرف آزادی و کمال و استقامت و سرفرازی و بهروزی و بهشت‌برین چه بطرف سقوط و انحطاط دوزخ از این اصل یا بقول شما جوانهایی که با فرمول عادت کرده‌اید، از این فرمول خارج نیست. زیربنای اجتماع بشر، حرکت بشر، تحولات انسان، انسان است مسئله‌ای است بدیهی جز برای کسانی که چشم خود را بهم بگذارند و با ذهن سروکار داشته باشند.

همه این مطلب که بخوبی درک میکنند که منشاء همه مسائل خود انسان است شرائط اجتماع، مسائل توارثی، مسائل اقتصادی همه اینها شرائط است نه زیربنا و اصل، یا باصطلاح علمی علت تامه همین شرائط است و علت آخر و آخرین علت که مکمل شرائط و مرحله اثر و پدید آمدن معلول خود انسان است. انسان با آنچه که با خود دارد، از افکار، نظریات، دید علمی، دید سیاسی و اخلاقیات مجموع اینها «ما بانفسهم» است که **ان‌الله لایغیر ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم**. انسانی که بالفطره جویای کمال است و آزادی، انسانی که به حسب فطرت خدا جوست کمال جوست انسانی که بحسب فطرت نفسی دارد که

پیوسته مانند نفس مواد ناشایست را از خود رد میکند و بیرون میریزد و هوای خالص را جذب میکند. و نفس و ماسویها فالهمها نجویها تقویها قدا فلاح من زکیها - چنین انسانی بعد از آنکه در میان مجتمعی، جامعه‌ای، نظام، اجتماعی واقع شد، آثار مجتمع، تعلیمات، تبلیغات، فرهنگ، اخلاقی که در اجتماع از یکدیگر منفعله یا نسبت به یکدیگر فعالند همه اینها این انسان را شکل میدهند. انسانی که هیچ سبقه‌ای ندارد جز سبقه الهی، جز سبقه فطرت، جز سبقه حق پرستی و خدا - خواهی. این انسانی که این چنین شکل میگیرد، بعلاوه مسئله قدرت اختیار انسان که ممیز انسان است از همه موجودات دیگر.

و این امانتی است خدائی که در ضمیر انسان بودیعه گذارده شده، یعنی اختیار و خیر و شر و اراده عمل بطرف حسن یاغبین از مجموع فرد فرد انسانهایی که در یک مجتمعی شکل میگرد. امتی تشکیل میشود. یا باصطلاح قرآن قومی ان الله لایغیر ما بقوم و این امت است که میتواند سرنوشت خود را با داشتن اختیار و اراده تعیین کند. و راه و روشی را که دارد پیش بگیرد. اگر در مجتمع ناسالم، مجتمع ظلم و فساد فرهنگ منحط و منحرف قرار گرفت و خود را رها کرد در جریان و چنین حرکتی و چنین بستری خود بخود بطرف سقوط، بطرف بردگی و بندگی، خود فروشی و استعادهای خود را نابود کردن و فانی کردن پیش میرود و بعکس باصل بنا بر این باز نکته دیگری که در این آیه هست که مسئله بحث انگیزی است بین همه محققین قدیم و جدید شرق و غرب مسئله اختیار است که انسان تا چه حد مختار است آیا مختار است یا مجبور است در این آیه ملاحظه میکنید که یک قسمت راجع است به مشیت و اراده خدا؛ با همان سنی که در جهان قرار داد. که جمله اول فاعل فعل خداست «ان الله لایغیر ما بقوم» و در جمله دوم حتی یعنی تا آنقدر تغییر نمی‌دهد و انسان در مسیری که خود و اجتماع او را ساخته می‌ماند یا در ضلالت و گمراهی پیش میرود تا آن حدی که، یغییر و اما بانفسهم اینجا فاعل انسانها، اقوامند مگر تا آن حدی که خودشان خود را تغییر بدهند پس ملاحظه می‌کنید (و فاعل دو نسبت با هم در یک مسیر کلی اراده فائقه الهی که در سنن عالم و در جریان زندگی است و مگر قدرت اراده و تغییری که در خود انسان است و این نظر قرآن است که هم جبر است بیک معنی و هم اختیار نه جبر است و نه اختیار هماهنگی با اراده خدا هم به همان سمت او را پیش میبرد

بحثی است مفصل نه موقعیتی است و نه جای این بحث اینجاست ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یرغیر واما بانفسهم، فلسفه انقلابهای دنیا، انقلابهای انبیاء، منشاء و منبع این انقلابات از انسان است. انبیاء آگاهی دهنده اند، نبی یعنی شخص آگاه که خود آگاه است و دیگران را آگاه میکند انبیاء، از ساختن انسان شروع میکنند انسانی که چشم و گوش بسته تسلیم محیط است وقتی که آگاه شد چشم باز کرد و نخست به خود متوجه شد و خود را تغییر داد میتواند محیط و اجتماع و مسیر را تغییر دهد. و کار همه انبیاء همین بوده تغییر انسانها یعنی تبعه انسانها برای تغییر خود و برای هوشیاری و آگاهی، تا نخست در خود باندیشند و خود را متحول کنند و سپس جوامع یا جامعه را همانطوریکه گفتم هرچه بخواهیم تأمل کنیم، تفکر کنیم بررسی کنیم، ریشه حوادث اجتماعی و تغییرات و تحولات و انقلابها را بررسی کنیم از این يك جمله قرآن نمی توانیم خارج بدانیم، همین جمله حاوی همه مسایل اجتماعی است. همین انقلاب خودمان را در نظر میگیریم. ملتی که سالها، قرنها، تسلیم يك نظامی بوده است و اخلاق و روش و منش و روحیات و دید فکری خودش را در همین مسیر میدیده، در نظام سلطنتی و شاهنشاهی تا چندین سال پیش اکثریت مردم جز عده محدود و معدودی این نظام را يك نظام ثابت و بلکه گاهی صیغه دین هم به او میدادند و میگفتند السلطان ظل الله فی الارض و هرچه ظل الشیطان بود به ظل الله منسوب میکردند و اراده او اراده حاکم بود، تعلیمات او، روش کار او، نمونه بود حتی چگونگی سخن گفتن سلاطین و اعمال آنها برای اکثریت از مردم يك الگوئی بود که دین و اخلاق و همه چیز را مردم منطبق با او میکردند. این مردمی بودند محکوم و غیرمتغیر و خداوند هم سالها در سرنوشتشان تغییری نداد سپس می بینیم در دنیا دنیائی و تحولاتی و مسائلی در دنیا مطرح شد.

و بتدریج مکتبهای بوجود میآید و دیده هائی باز میشود يك مسائل جدیدی در دنیا مطرح شد و این افکار و عقاید در همه ملل تأثیر داشت و ما هم در بین دیگر ملل ولی سرگردان بین مکتبهای شرق و غرب گاهی بطرف یمین، گاهی بطرف شمال و نتیجتاً اینکه حرکت به خواست رژیم حاکم بود. در این میان بود که شخصیت هایی توانستند اسلام را که دین الهی و دین همین مردم و همین ملت و ملتهای خاور-میانه است، آنطوریکه بود بشناسانند و در میان گمراهی های چپ و

راست، راه مستقیم را بیابد. مرحوم دکتر شریعتی خود نمونه‌ای بود هم از جهت شخصیت و هم از جهت کار و فکر و نوشتن و گفتن در همین تغییر از زمان جوانی و دوره‌های دبیرستانی مرحوم دکتر شریعتی ازدور و نزدیک آشنایی کم و بیش با اوداشتم، اوهم درهمین اجتماع بود، درمیان همین مردم بود، در زیرسایه شوم همین رژیم بود، ولی این امتیاز را داشت که نخست به تغییر خود پرداخت و در همه مسائل شك کرد و در همه مسائل تردید کرد، در نظام اجتماعی و در مکتب‌هایی که وارد میشد در کشور وارد میشد، در کشور ما و طرفداران و نشریاتی برای خود داشت.

در وضع نظام دینی، در معتقدات دینی از همه چیز شك کرد شك اولین مرحله تغییر است. انسانی که شك نکند به یقین نمی‌رسد. یامبتلا به يك سری عقاید و آراء سنتی و تقلیدی تا آخر عمر و یابی تفاوتی در تمام عمر مبتلا است.

کسی آمد خدمت حضرت صادق سلام الله علیه، عرض کرد **یا بن الرسول الله، هلكت**، من سقوط کردم هلاك شدم امام فرمود برای چی؟ هلاك شدی، حالا اگر چنین آدمی می‌آمد پیش امثال ما دستور میدادیم کاسه و کوزه‌اش را از در بیرون بریزند، گفت یا بن رسول الله من در وجود خدا شك کردم، امام بجای اینکه تکفیرش کند، براند، این روش و منش بزرگان ما بود، فرمود: نه، خلاك نشدی، **الله اكبر هذا هو اول اليقين**، این اول حرکت یقینی توست، آن خدایی که تو میشناختی **يك** خدای تخیلی بود، ذهن تو ساخته بود، تنی بود که اسمش را خدا گذاشتی، معلول فکر تو بود و متأثر از ذهنیات تو بود نه کمال مطلق و خدای زمین و آسمان و خدای حکیم و علیم و قدیر و قادر و مطلق و اراده مطلق. آنهایی که در خدا شك می‌کنند و دچار تردید دینی میشوند و دنبال مکتب‌های دیگر می‌روند، آن خدائی را ترك می‌کنند که محصول و معلول ذهن آنهاست که ما فوق ذهن، ذهن محدود انسانها، امام فرمود: این شك تو بزرگترین مسئله است، برای اینکه آن خدائی که بت ذهنی تو بود و ساخته بودی و آلت دست تو بود، او را به هر طرف میگرداندی و محکوم اراده تو بود او را شك کردی، لاله، و حالا باید در این شك نمایی پیش بری و در اینجاست که يك عده‌ای از جوانهای ماشك می‌کنند ولی دنبال تحقیق نیستند و همانجائی مانند، آنکه خدای تخیلی دارد،

عمری به همان خدایی که میخواهد، وسیله زندگی و شفای بیماریهای خود و وسیله علاج و جای دکتر و طبیب و کار و عمل و کوشش و همه چیز او را پر کند، آن خدایی که تخیلی است آن همان بتی است که در ذهن او ساخته شده است. آن کسی که شك میکند و در شك میماند يك انسانى است که دچار ضعف فکری است و قدرت فکری ندارد که از این شك نجات یابد. این اولین حرکت فکری است در انسان که شك بکند و در پی شك دنبال تحقیق برود، حتی به یقین برسد و خصوصیت مرحوم دکتر شریعتی از آغاز جوانی و دوره دبیرستانی همین روح شکاکی بود. در همه چیز شك کرد، در دینش هم شك کرد، در دینی که بین مردم معمول است در اسلامی که مسخ شده است و دست بدست و حرفه به حرفه و صنف اسلام را وسیله صنف و حرفه و دکان و زندگی و مرید قرار داده اند. البته در این گیرودار يك جوان هوشمند تحصیل کرده باید شك بکند ولی در شك نماند.

دنبال تحقیق رفت کتاب خواند، تفکر کرد، اندیشید، هجرت کرد با مردم دنیا و مکتبهای مختلف آشنا شد، بتدریج آفاق ذهنش باز شد و آنچه که باید بداند از يك اسلام متحرک انقلابی دریافت و بکشور خود بازگشت. این تغییر و تحول روحی بود که در اکثر جوانهای ما هست، ولی همه دکتر شریعتی نیستند که با تحقق از شك و تردید بیرون بیایند. مهمترین اثر او این بود که در دوره اختناق در دوره فشار، در دوره ای که «اسلام زنده» گفتنش از نظر دستگاه بزرگترین جرم بود. شروع کرد جوانها را جذب کردن و آنها را تغییر دادن. آنهایی که مجذوب و مرعوب مکتبها بودند، این رعب و جذبه را از آنها گرفت، تا اهل تحقیق باشند، تا ببیندیشند جوانهایی را تغییر داد چنانچه دیدیم. ولی در تمام زندگیش و تا پایان عمرش میگفت: من خالی از اشتباه نیستم. بارها که با هم بودیم میگفت: اگر اشتباه میکنم شما بیان کنید، بحث کنیم من از اشتباه بیرون بیایم. این خصوصیتش بود. این یکی از مزایای انسان است که دائماً احتمال بدهد اشتباه میکند و در پی رفع اشتباهش باشد — و **بشرالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه اولئک الذین هدی هم الله و اولئک هم اولی الالباب** — مردمی که راه یافته اند حرکت میکنند دارای عقل اندیشمند و اندیشده هستند کیانند؟ آنهایی که گوش میدهند با گوش باز سخن میشنوند و این سخنها را در

دارالتجربه ذهن‌شان تجزیه و تحلیل میکنند، و آنچه بهتر است، نیکتر است، عقلانی‌تر است میگیرند. و آنچه زائد است، آنچه باطل است بیرون میریزند. این سر تکامل يك انسان است به‌خلاف ما مردم که این عیب در همه ما هست یا گوش شنوا نداریم يك مکتبی يك مطلبی را وقتی پذیرفتیم حاضر نیستیم تجزیه و تحلیل صحیحی بکنیم و از احسن تبعیت بکنیم، یا اصلاً حاضر نیستیم که دنبال احسن برویم تبعیت کنیم در همین وضع اجتماعی ما می‌بینیم دائماً انتقاد، از این بدگوئی از آن بدگوئی، دنبال این نق‌زدن دنبال آن نق‌زدن، ولی گوش دادن و مسئله مطلب احسن را پذیرفتن کمتر هست، یعنی ما جنبه منفی‌اش را همراه میگیریم نه قول احسن را میگیریم، قول اصرع را میگیریم. اگر برای يك نفری بخواهیم توصیف بکنیم آن قسمتی که قسمت ضعف این شخص است، قسمت نقطه سیاه این آدم را، آنرا بزرگش میکنیم. ولی نقطه خیرش را می‌پوشانیم و این یکی از عیبهای اجتماعی و اخلاقی ماست که بعد از این انقلاب بخصوص می‌بینیم که بسیار رشد کرده و شاید دست‌هایی هم در کار است. فلان شخص، فلان وزیر، فلان معلم، کسی، کسی و کسی میگویند دارای این عیب است. خیلی خوب دارای ین عیب هست، آیا ببینیم دارای حسنی هم هست یا نه؟ نه همان عیب را رویش انگشت می‌گذاریم وقتی هم می‌خواهیم بحث کنیم نقطه ضعف بحث‌کننده را میگیریم، نه آن نقطه حسنش را — **فیتبعون احسنه** — ولی آن مردمی که همیشه در حرکتند پیشرفت میکنند و مبشرند به آینده روشن، آنهایی هستند که قرآن میگوید — **بشر الذین یستمعون القول** — گوش‌شنوا دارند اول‌گوشند بعد زبان، نه اول بگویند، بعد گوش باشند. گوش میدهند، تأمل میکنند، مطلب را جذب میکنند با عقل فطری، نه عقل اکتسابی محدود، نه عقل فرمولی. چون مسائل زندگی را، دخترها، فرزندان، خواهرها، برادرها با فرمول نمیشود حل کرد. دانشگاهی‌های ما و طلبه‌های ما همه‌اش دچار فرمولند و آن اصولی را که آنها دادند، مسائل اجتماعی، مسائل انسانی، مسائل زندگی، حیات همه را میخواهند با آن فرمول حل کنند و همیشه هم وامانده هستند، و این درست نیست. علم به‌جای خود، علم تا آنجا که وسیله حرکت و تکامل باشد، نه انسان را در محدوده خود نگه‌دارد و نه يك چراغ ضعیفی باشد در مقابل فضائی بی‌پایان که همه‌جا را برانسان بپوشاند. این جوانهای چپ‌گرای ما هرچه بحث میکنی میگوئی

چهارتا فرمول میگذارند جلوی آدم. انسان را میخواهند با او حل کند، اجتماع را با او، حرکت انبیاء را با او، وحی را با او، خدا را با او، زندگی را با او، مبدء را با او، همه چیز را با او، با چهار فرمول يك كليد سه شاخه‌ای که به هر جا باید بخورد، تضاد و تروسنتز و آنتی‌تز تمام شد مطلب. خب يك بدبختی است برای انسان، ما دینی‌ها هم همینطور، چند جمله‌ای که از آیه‌ای از قرآن از يك منبری که خودش معلوم نیست چقدر از دین میداند، یاد گرفتیم. همه را دیگر تکفیر میکنیم، تا کجا ما باید هشیار بشویم و بشرالذین هرانسانی يك حرف حسابی دارد، هر گوینده‌ای چون از فطرت و عقل، — گرچه عقل محدود — بحث میکند، حرفی دارد ما باید حرفهایش را بدانیم — **يستمعون القول** — گوش بدهیم و بسنجیم و در معرض عقل، عقل فطری نه عقل مکتبی، نه عقل فرمولی قرار بدهیم. بعد آنچه که مطابق فطرت و حق و موازینی که داریم صحیح درآید، احسن بود، آنرا دریابیم، و ضمیمه فکر و روح و تغذیه کمال خودمان بکنیم. پوشالهایش را بریزیم بیرون **يتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله** اینها هستند که راه می‌یابند، متوقف نمی‌شوند. مثل فلان مکتب که گاهی اگر در مکتبش شك بشود، سقوط میکند. در زندان گاهی با ما حاضر نبودند بحث کنند. بعضی از زندانیان ما، دوستان ما، فرزندان مخلصی هم بودند میگفتم خوب چرا بحث نمی‌کنید؟ هر دو هم که در مقابل يك رژیم هستیم خوب بیائید ببینیم ما راست می‌گوئیم شما راست می‌گوئید. اگر بخواهید هی داد از وحدت میزنید، وحدت مثل ازدواج زن و مرد نیست که بیائیم بنشینیم بگوئیم. انکحت، آنهم بگوید قبلت، وحدت باید وحدت باشد، وحدت دید باشد، خب بیائید دیدمان را یکی کنیم. حاضر نمی‌شدند، بعد می‌پرسیدیم چرا؟ بعضی‌ها که صادق‌تر بودند میگفتند: اگر اینها بحث نکنند، شك کنند، چون به آن حقیقت نمی‌رسند در این مکتبی هم که مبارزه کردند، شك کردند، سقوط میکنند، چنانکه دیدیم یا خود فروخته دستگاه میشدند، یا سقوط در هروئین و مشروب و عرق و هرزگی و غیرو. **اولئك الذين هديهم اليه و اولئك هم اولوا الالباب**.

مرحوم دکتر شریعتی این خصیصه را داشت، دائماً گوش میداد، دائماً فکر میکرد و مطلب را آنچه احسن بود از هر مکتبی میگرفت. از مکتب چپ، از مکتب راست، از مکتب اسلام، حتی خودش گاهی به‌من

میگفت: من از يك جمله‌ای که در يك کتاب معمولی است، معمولی دینی، که چشم مردم نمی‌آید مطلب دریافت میکنم، و بعد آن احسنش را جذب میکرد و همیشه هم معترف بود که من ممکن است اشتباه بکنم. این منتهای خصلت يك انسان متعالی است و چقدر ظلم میکردند مخالفین که میگفتند او حاضر نیست بحث کند، چنین است، چنان است، کتاب را می‌نوشت، اینهمه بحث میکرد و میگفت جواب بدهید، بحث کنید اشتباه مرا بیان کنید، بحث کنید، این مکتبی است که ملتی را میتواند تغییر بدهد، همانطوریکه گروه گروه جوانهای ما را از کاخ جوانان‌ها به‌حسینیه ارشاد کشاند. کاخ جوانهایی که ساخته شده بود برای همین که ملت را مسخ کند تغییر بدهد بطرف انحطاط، دختر و پسر ما را که يك آلت بی‌اراده‌ای برای مصرف و برای استبداد واستعمار باشند. چشم و گوش بسته، فقط يك حیوان دوپای غریزی، آن نخست‌وزیر معدوم ملعون در یکی از مصاحبه‌هایش یادم هست به‌او گفته بودند: این کاخ جوانهایی که ساخته شده و دختر و پسر که به‌آنجا می‌آیند هنوز رویشان بهم باز نیست، خوب باهم معاشرت کنند. پس، متوجه هستید چه می‌خواست بگوید. گفته بود نه کم‌کم ما اینها را درست میکنیم. درصد هستیم این تغییر زیربنائی بود، این اصل مطلب است، مکتب دکتر شریعتی بود و خدایش رحمت کند که این رسالت را به خوبی انجام داد. خوب در این بین هم، میدانیم استعمار از همین آگاهی، از همین تغییر نفوس، تغییر فکر، تغییر اخلاق، این برخلاف مسیر استعمار و استبداد و عامل مزدور داخلی بود.

بهرصورتی این بوده، هرروز در يك گوشه شهر میدیدم يك بساطی و يك معرکه‌ای علیه دکتر شریعتی بود، خب بابا چه خبر است؟ بروید با او بحث کنید، صحبت کنید، بنشینید مطلبش را، در مقابلش جواب بدهید، گاهی هم يك جمله از کتابش گرفته میشد و سروصدا در همان مجامع و مجالسی که میدانید که ساواک گرداننده آنها بود، حالا یا آشکار یا نهانی، و همین تغییر نفسی که در يك فرد متفکر محقق ما و جوان آزاده ما پیش آمد و مردمی را تغییر داد، زیربنائی شد برای این انقلاب بزرگ ما. ما نمی‌گوئیم دیگران سهم نداشتند، همه سهم‌داشتند، یعنی قبل از این انقلاب، آنهایی که صاحب فکر و اندیشه بودند، زمینه فکری ساختند، اسلام را آنطوریکه اسلام پیامبر، علی، ایاذرها، حسین‌ها

بود به مردم نشان دادند و رهبری بزرگ و قاطع امام حضرت آیت الله العظمی خمینی، با آن رهبریت قاطع، این انقلاب را به ثمر رساند، با این زیر بناها. امروز هم بر شما جوانها بر شما فرزندان انقلاب اسلامی، بر شما فرزندانی که مسئول امروز این کشور، بلکه ملت های محروم خاورمیانه و دنیا هستید، بار مسئولیتها اکنون و برای آینده بردوش شماست. همین است که با کمال تفاهم و تحقیق و تبیین هدف های اسلام را بشناسید و تفرقه اندازها و دسیسه بازها و کسانی که میخواهند با يك جمله یا يك كلمه، بین این گروه مسلمان، آن گروه مسلمان تفرقه بیندازند از هر گروهی يك نفر اندیشمند با هم بنشینند و مسائل را با هم حل کنند و راه نفوذ استعمار و استبداد زخم خورده را بشدت ببندند. این هم وظیفه شماست. آخرین ملاقاتی که من با مرحوم دکتر شریعتی داشتم، آنوقتی بود که او تازه از زندان بیرون آمده بود، شبی بود که تا نیمه شب و بعد از نیمه شب با او بودیم و آن روح خلوص و دریافت احسن را چنان در او دیدم که این خاطره هیچوقت از نظر من محو نمیشود - وقتی صحبت میکردم با تمام حواس گوش و چشم و فکرش متوجه جمله های من بود و میگرفت و بعد به من برمیگرداند. با يك توضیح بهتر و با يك تعبیر بالاتر - یادم هست که آخرین مسئله ای که بعد از نیمه شبی بود مطرح شد، تفسیر سوره قدر بود و مسئله لیل القدر. من يك جمله ای گفتم و دیدم او شروع کرد بسط دادن، که مرا آنقدر جذب کرد که ساعتی از شب گذشت. و بعد از او جدا شدم. او بطرف تقدیر «لیل القدر» رفت. من هم بطرف تقدیر، من به زندان رفتم و سعادت شهادت را با اینکه زمینه اش فراهم بود و از آثارش میدیدم نداشتم - شاید هم خواست خدا نبود. او هم هجرت کرد و در مسیر شهادتش، پیش رفت. خداوند این شخصیت بزرگ را و آثارش را برای ما و برای جوانها همیشه آثار این شخصیت، کتابهای او، نظریات او را زنده تر بدارد و بر شماست که در اطراف مطالب او - مسائل او، بحث کنید، بیاندیشید و همان راهی که او رفت برای تبیین اسلام، يك اسلام انقلابی و اجتماعی و نه يك اسلام فقط ذهنی و سنتی که همیشه داشتیم. شما موفق باشید و این انقلاب همانطوریکه گفتم برعهده شماست. من آخر مرز هستم و شما در بین راه هستید و حرکت میکنید - خداوند همه شما را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه رادیوتلوویزیونی پدر طالقانی پس از «جلسه عالی» قم

حضرت آیت الله طالقانی مجاهد بزرگ عصر دیروز در یک گفتگوی رادیوتلوویزیونی اعلام کرد: مشی ما اساساً برادری و همکاری با برادران مسلمان است و معتقدیم که کشورهای مسلمان منطقه باید یک حکومت فدرال داشته باشند و در مسائل سیاسی و بین‌المللی یک فکر واحد داشته باشند.

آیت الله طالقانی در مورد نقش و رسالت مطبوعات گفت: مطبوعات و مسائل ارتباط جمعی باید حقایق را بنویسند و از تحریف مطالب بپرهیزند. آیت الله طالقانی در این مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی که با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد در پاسخ سؤالی در مورد مذاکرات دیروز با امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران گفت:

برای هماهنگی بیشتر بین نظریات حضرت امام خمینی و دولت و شورا از چندی قبل قرار شد هرچند وقت یکبار اجتماعی در قم داشته باشیم اگر توفیقی پیدا بکنیم که مسائل کلی و جاری کشور در محضر ایشان باشد و از نظریات ایشان و دولت و ما بیشتر مطلع باشیم ما هم نظریات خود را با ایشان در میان بگذاریم که گاهی ممکن است بر اثر دوری ایشان از تهران در بعضی از مسائل طوری باشد که هماهنگی کامل نباشد. نظر کلی این است که دیروز مساله‌ای که مطرح بود مسئله قانون اساسی و تسریع در ارائه و تصویب قانون اساسی بود و دیگر اینکه مسئله مجلس مؤسسان ما به چه صورتی باید انجام بگیرد راه آسانترش چیست که بعدها شاید در عرض همین هفته بعد از آنکه مسائل بررسی شد و در کلیات نظریات توافق پیدا کرد و بزودی اعلام خواهد شد.

در شرایط فعلی کشور چون قانون اساسی هم در داخل و هم در خارج کشور بحث‌انگیز است و نظامی که باید حاکم بر کشور باشد از جهت قانون اساسی و چگونگی این نظام از نظر مردم مبهم است لازم دانستیم این مسئله که از مسائل دیگر اهمیتش بیشتر است در مورد آن باید سریعتر اقدام شود.

تشکیل شورا اهمیت خاص دارد

حضرت آیت الله طالقانی افزود... البته مسئله شوراهای و چگونگی تشکیل شوراهای و اختیاراتی که آنها باید داشته باشند مطرح است ولی دیروز صلاح دانستیم که مسئله قانون اساسی و مجلس مؤسسان پیش از مسئله شوراهای اقدام شود اگرچه ممکن است مسئله شوراهای مقدم داشته باشد و از نظر منمهم تقدم دارد چون آیه‌ای هم هست برای آنکه مردم همه باید حق شرکت در سرنوشتشان داشته باشند و این از نظر انقلاب ما مسئله مهمی است هم از دید دموکراسی یعنی دخالت مردم در سرنوشت و هم از نظر اسلامی بنظر میرسد که این مسئله باید هرچه زودتر ابعادش و طرحش بررسی شود و حدود و اختیاراتی که شوراهای شهری و روستائی دارند انجام بگیرد و مردم پس از سالها از زندگی سیاسی و اجتماعی خود برکنار بودند دخالت فعال داشته باشند و در نتیجه بار مسئولیت دولت هم سبکتر میشود.

قانون اساسی بمصلحت همه است

در پاسخ این سؤال که آیا بنظر شما قانون اساسی که در حال حاضر تدوین شده باندازه کافی پیشرو هست و پیاده کردن و خواسته‌های همه مردم را تأمین می‌کند. آیت الله طالقانی اظهار داشت: امیدواریم اینطور باشد در اینجا یکی مسئله طرح قانون است و دیگر آنکه مردم ما آنطور که در نابودی رژیم وحدت کلمه داشتند و توانستند چنین قدرتی را از پا دریاورند باید همان وحدت کلمه را در اجرای قوانین مصوبه و مسئله شوراهای داشته باشند چون بنظر من اسلام نه تنها در دنیا ناشناخته مانده بلکه در بین مردم خودمان هم ناشناخته مانده است یعنی این بعد اسلام اجتماعی سیاسی و اخلاقی است گرچه در حال حاضر جوانان و مردم ما در مسیر این بعد اجتماعی سیاسی و انقلاب اسلام قدم برمیدارند و اگر پیاده شود به مصلحت همه است.

آیت الله طالقانی افزود قانون اساسی ما فقط ادعا نیست که کار مردم و سرنوشت باید با خودشان باشد و حقوق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به آنها داده شود - بیاری خداوند و همکاری مردم به آنچه می‌گوئیم عمل خواهیم کرد - چون بسیاری از کشورها هستند شورا هم دارند قانون اساسی هم دارند ولی در عمل آنچه که باید پیاده نشده

و اکثریت مردم حق نظارت در کارهای عمومی خود و کشورشان را ندارند - چه کشورهای غربی و دموکراسی که اسمش دموکراسی است ولی در باطن و درون با حيله گری قدرت دست سرمایه دارها است - آنها سرنوشت مردم را تعیین می کنند در کشورهای کمونیستی هم کم و بیش همینطور است موازینی که ما از اسلام داریم و همانطور هم که بیشتر آیات قرآن خطاب بمردم است یعنی مصلحت همه مردم را در نظر میگیرد همه مردم آزادند همه باید از آن سفره طبیعت متنعم باشند و بند عبودیت را از گردن خود بیرون آورده و فقط بنده خدا باشند.

ملی کردن زمینها

در مورد ملی کردن صنایع آیت الله طالقانی گفت... البته سرمایه و سرمایه داری بحث مفصل و ابعاد مختلفی دارد یکنوع سرمایه داری وابسته به غرب است که در این نوع سرمایه داری همه مردم حتی خود سرمایه دار هم استثمار شده است و فقط اسمی و عنوانی دارد و این نوع سرمایه داری پس از برداشتن نفوذ غرب قهراً از بین خواهد رفت. نوع دیگر سرمایه داری مربوط به خود غرب است که سرمایه در گردش است و در این نوع سرمایه داری همه چیز را اعم از سیاست و دین و ملیت را زیر نفوذ قرار میدهد و قیام کمونیستی هم در مقابل چنین سرمایه داری است و یک نوع هم سرمایه داری داخلی است که بر دو مبنا است یکی زمین و منابع طبیعی است که به انحصار عده ای درمی آید و دیگر مسئله ربا است.

«طالقانی و زمانه ما»

رباخوار مفسد فی الارض است

آیت الله طالقانی گفت وضع ربا در اسلام مشخص است و در قرآن تصریح شده است که رباخوار با خدا اعلام جنگ کرده است و میتواند گفت که مفسد فی الارض در حقیقت رباخواران هستند و دیگر مسئله زمین و منابع طبیعی است که اساساً در اسلام ملی است و بزودی قوانینی که در اینمورد تصویب شده اعلام می کنیم و سعی خواهد شد که به افرادی که زمین برای خانه برای خود خریده اند آسیبی نرسد و قسمت دیگر زمینهای بایری است که سرمایه دارهای وابسته به ارباب به انحصار خود درآورده اند که این زمینها نیز از نظر اسلام ملی خواهد شد و زیر نظر دولت به اشخاصی که میتوانند آنرا آباد کنند واگذار میشود.

وقتی این دو قسم که اساس سرمایه‌داری داخلی است از بین رفت دیگر آن سرمایه‌داری چه در سطح کارخانه و چه در سطح منابع طبیعی تنزل میکند. و باز اگر شرایطی فراهم شود و يك بهم‌ریختگی بوجود بیاید که درست کردن آن با این عجله‌ای که مردم ما دارند و خیال میکنند همینقدر که رژیم از بین رفت همه چیز باید درست شود و مملکت باید گلستان شود و همه چیز باید داشته باشند بتدریج اگر کسی که رهبری و بینش دینی دارد مصلحت دانست البته آنها را هم ملی خواهیم کرد.

نظر آیت‌الله طالقانی درباره سنای امریکا

در مورد مذاکرات اخیر سنای امریکا و اینکه آیا این امر موجب جنگ سرد و احیاناً تیرگی روابط ما با امریکا نخواهد شد آیت‌الله طالقانی اظهار داشت ما با کسی سر جنگ نداریم جنگ ما با ظالم و ستمگر و متجاوز است که در مرحله اول آنطور که به چشم می‌آید همین رژیم داخلی ایران بود آنها جنگ روانی براه انداختند و از قبل هم بوده است. در مورد سنای امریکا و صهیونیستهای آنجا هم باید بگویم آنها دیدند که عواملشان برای خدمت به استعمار در حال از بین رفتن است و اصل مطلب هم همین است آنها برای کشتن و چگونگی کشتن دلسوزی نمی‌کنند بلکه هدف آنها غارت مردم دنیا است آنها سالها زحمت کشیدند کسی را مانند هویدا برای خود تربیت کردند لذا در اینمورد هم باید دلشان بسوزد ولی آنها همان مردمی هستند که میلیونها نفر را در ویتنام و کامبوج زیر آتش بمب می‌انداختند و اسرائیل را نیز که هم‌اکنون در حال کوبیدن مردم لبنان و فلسطین است نه تنها جلوگیری نمی‌کنند بلکه آنان را تشویق هم میکنند اینها همان شیاطین دنیا هستند که بر اثر ضربه‌ای که خورده‌اند ناله سر داده‌اند و هیچکاری هم نمیتوانند بکنند برای اینکه ملت ما در این انقلابی که راه انداخت همه نوع آمادگی برای محرومیت‌ها دارد و حاضر است روزه سیاسی بگیرد و این مبارزه یعنی روزه سیاسی و جلو مصرف را گرفتن و به کشاورزی اندک خود قناعت کردن است که میتواند استعمار را از پا در بیاورد چون راه نفوذ استعمار باز کردن راه مصرف و بی‌بندوباری است و مردم ما دیگر آن مردم گذشته نیستند و روی این اصل ما دیگر نیازی به آنها نداریم چون نفت و منابع طبیعی داریم و اگر آنها بگذارند میتوانیم تمام کارهایمان را انجام دهیم.

آیت‌الله طالقانی با تأکید بر این مطلب که غرب و امریکا بما نیاز دارند گفت مردم ما تحمل‌پذیر هستند و اگر می‌بینید که فلان کارگر در فلان کارخانه سروصدا راه می‌اندازد اگرچه ممکن است زندگی اقتصادی او دارای مشکلاتی باشد ولی مقداری در آن تحریکات است.

برنامه دولت و موفقیت آن

در مورد قاطعیت دولت در کاربرد برنامه‌های انقلابی و موفقیت آن در پیشبرد هدفهای انقلاب سؤال شد آیت‌الله طالقانی در پاسخ گفت دولت در رأس سازمانی قرار گرفت که این سازمان زنگ‌زده بوده و هست من همه وزرا را می‌شناسم که با حقوق کم در بیشتر ساعات شبانه‌روز مشغول کارند و همیشه در حرکت هستند ولی یکی از مشکلات ما بجز کارشکنیها و تحریکاتی که در کشور است تورم ادارات و سازمانهای دولتی است. باین ترتیب که مردم را از بیابان و کشاورزی جمع کردند و در ادارات متمرکز ساختند یعنی هم کار مردم را فلج کردند و هم عده‌ای را در ادارات تنبل بار آوردند و با یک چنین سازمانی کار انقلابی آنطور که باید پیشرفت ندارد ولی معذالك خیلی تصفیه شده و باید بیشتر هم تصفیه شود و مردمانی که از روی عقیده و نه برای حقوق اول برج بلکه برای خدمت بمردم آمادگی دارند باید پست‌ها را اشغال کنند و کسانی که تنبل بار آمده‌اند بازنشسته شوند و یا بدنبال کشاورزی خود بروند.

«و زمانه ما»

طرح شوراهای تهیه شده است

در مورد تشکیل شوراهای ایالتی و ولایتی آیت‌الله طالقانی گفت: طرح شوراهای تهیه شده که در روزنامه‌ها هم اعلام شد و طرحهای دیگری هم هست که از مجموع و ترکیب این طرحها باید طرح جامع و کاملی تهیه شود و از هم‌اکنون در دهات و شهرهاییکه آمادگی دارند میتوان انتخابات شوراهای را انجام داد.

نقش روحانیت در سیاست

در مورد نقش روحانیت در سیاست آیت‌الله طالقانی گفت: اسلام از سیاست جدا نیست و روحانیت اصیل و مترقی و

شخصیتهائی که درک اسلامی کردند نمیتوانند خودشان را از سیاست صحیح و اصیل جدا بدانند نه حقه‌بازی و کلاهبرداری و دروغگوئی مانند سیاستهای رژیم گذشته که از صد وعده یکی از آنها هم درست نبود بلکه خیالبافی و دروغگوئی بود سیاست اسلام یعنی سیاست صراحت و سیاست صداقت.

این نوع سیاست وظیفه نه تنها روحانی بلکه وظیفه هر مسلمان است ولی متأسفانه مسائل اسلام را به مسائل فردی محدود کردند و سیاستهای کلی اسلامی برای سلطه سلاطین در میان کتابها دفن شد. یعنی اسلامی که زنده بود و دنیائی را منقلب کرد همینقدر که به میان کاخها رفت و در آنجا متوقف شد و آنقدر از کاخها بیرون آمد که نماز جمعه و جماعتی و سلامی برای امیرالمؤمنین خلیفه بفرستند و مردم کاری بکار دیگران نداشته باشند و آن اسلام غیر از سیاست است.

در پاسخ این سؤال که بنظر شما جوانان ما برای آگاهی بیشتر به اسلام مترقی و قرآن کریم چه باید بکنند آیت‌الله طالقانی اظهار داشت: جوانان باید با ذهن باز دنبال تحقیق بروند و تحت تأثیر مکتبی خاص واقع شدن و دربست آنرا قبول کردن و شك نکردن در آن چه اسلام باشد و چه ضد اسلام برخلاف ساختمان انسان است.

یعنی انسانی که ساخته شده باید متحول و متکامل باشد و تکامل فکری پیدا کند و اگر کسی در دین جمود پیدا کرد انسان مترقی و متعالی نیست این حق هراسان است که در مسائل ایدئولوژی تحقیق کند و دربست تسلیم نشود و وقتیکه در چیزی شك کرد دنبال تحقیق برود تا به يك عقیده مهم و ثابتی برسد.

نقش جوانان در انقلاب ایران

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود افزود جوانهای ما اکثراً یا تسلیم مکتبها میشوند و از روی احساسات و خوشامد نه روی تفکر و تعقل درست یا در حالت تحیر عمری را بسر میبرند و نمی‌فهمند که چرا خلق شده‌اند و چه مسئولیتی داشته‌اند و مسیر زندگی کجاست و آیا پس از این زندگی، زندگی دیگری هم هست در مورد دینامیسم اسلامی و اینکه انقلاب اسلامی نور امیدی در کشورهای جهان سوم و تحت ستم بخصوص کشورهای اسلامی بوجود آورده است. آیت‌الله

طالقانی گفت:

انقلاب ایران هم از جهت قدرت رژیم و موقعیت اجتماعی و اصالت اسلامی (که همه می‌دانند جزگروههایی که نمی‌خواهند باورکنند که انقلاب اسلامی) بوده است و در نوشته‌ها و روزنامه‌ها هم میبینیم که اسمی از اسلام نیست مسئله جدیدی است در دنیا البته اصل اسلام هم همین است و از این رو انقلاب اسلامی ما باعث يك تکان فکری و اجتماعی در کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف شده است در دنیائی که مردم از مکتب‌های متفاوت آن خسته شده بودند و مکتب‌ها چه سرمایه‌داری و چه کمونیستی که وعده‌هایی داده بودند و مردم دچار دیکتاتوری دیگر شدند انقلاب ما تکان دهنده بود.

مطبوعات نباید جهت‌گیری داشته باشند

در مورد مطبوعات آیت‌الله طالقانی گفت مطبوعات باید منعکس—کننده افکار و نظریات باشند و واقعیات اجتماع را منعکس کنند ولی جهت‌گیری نباید داشته باشند. برای مطبوعات اگرچه کارکنان و کارمندان و نویسندگان آن يك موضع خاص سیاسی و ایدئولوژی داشته باشند در انعکاس مسائل جهت‌گیریشان نباید در روزنامه‌ها بروز کند. بلکه میتوانند ستونی برای عقاید ایدئولوژی و بحث آزاد بگذارند اما در خلال نوشته‌هایشان اگر بخواهند جائی را بکوبند و جهت بگیرند برخلاف وظیفه و آزادمندی روزنامه‌هاست در مورد نقش قرآن در میان مسلمانان و اینکه آیا پس از چهارده قرن بازهم قرآن و مسائلی که در آن مطرح شد میتواند در اجتماع کنونی راهگشای مسلمانان باشد.

آیت‌الله طالقانی گفتند ما قرآن را ابدی میدانیم و اصول کلیات و راهنمایی که در قرآن شده هیچ وقت کهنه نخواهد شد زیرا تمام احکام قرآن در ابعاد مختلف زندگی مردم به نفع و خیر آنها است. در منطق قرآن زمان مطرح نیست بلکه همیشه مسائل آن تازه است ولی فکر صحیح میخواهد که بتواند برداشت بکند چه در جهت راهنمایی و چه در جهت مسائل علمی و اصول و احکام آن و از جمله حقوق زن که در آن هنگام مطرح کرده و حالا می‌بینیم که زنده‌ترین احکام و قوانین برای حقوق زن در اسلام است در صورتی که در غرب زن تحقیر شده است ولی اسلام به زن شخصیت داده است.

رهبری ایدئولوژی اسلامی

در پاسخ این سؤال که آیا خطر اقتادن رهبری ایدئولوژی اسلامی بدست افرادی محافظه کار و متمصب وجود دارد یاخیر آیت الله طالقانی گفت:

بله این خطر وجود دارد ولی جامعه ما هوشیار و زنده است و امیدوارم چنین خطری پیش نیاید.

همکاری های ایران و کشورهای اسلامی

در مورد همکاریهای آینده ایران با کشورهای اسلامی منطقه آیت الله طالقانی اظهار داشت: سعی ما این است پس از اینکه اسلام را کاملاً نشان دادیم چون میدانیم که انقلاب ما در حال انهدام رژیم و عوامل آن است و هنوز مجال سازندگی فراهم نشده است و در این مدت کم نباید توقع داشت که ما مشی سیاسی خود را برای دیگران تعبیر کنیم ولی اساساً مشی سیاسی ما برادری و همکاری با برادران مسلمان در این قسمت حساس خاورمیانه است.

ایشان در ادامه سخنان خود افزودند: مسلمانان باید از این وضع تحیر و اتکای به اجانب بیرون بیایند و به شخصیت دینی و اسلامی و سرمایه های مادی و معنوی خود اتکاء پیدا کنند و بعد همه این اختلافات حتی اختلافات مرزی از بین خواهد رفت و نظر نهائی ما این است که مسلمانها حکومت فدرال داشته باشند استقلال داخلی همه جور برایشان محفوظ بماند ولی در مسائل سیاسی و بین المللی همه باهم دارای يك فکر واحد باشند.

در مورد مشکلات کنونی و دفع آنها آیت الله طالقانی گفت:

این گرفتاریها برای هر حرکت انقلابی و جهشی از هر نظامی به نظام دیگر بوده است ولی ما با اتکای به حق و ایمان خود و همچنین رهبری قاطع خود که رهبری روحانیت مترقی و بخصوص حضرت آیت الله خمینی است و صبر و بردباری همبستگی اکثریت ملت تابعال توفیقهای داشته ایم و امیدواریم پس از این پیروزیهای ما بیشتر شود و تابعال خیلی از مسائل حل شده و یا تخفیف پیدا کرده است.

تصفیه در روزنامه کیهان

درخصوص مسئله روزنامه کیهان و تصفیه در آن آیت الله طالقانی

اظهار داشت:

چون گرفتاری زیادی دارم هنوز مجال بررسی مسئله کیمیا را پیدا نکرده‌ام بعضی از برادران را فرستادم و گزارشی آورده‌اند و چون به‌جزئیات و متن کار وارد نیستم از این جهت نمیتوانم اظهار نظری کنم مگر آنکه گزارش را بدون تفسیر و بی‌طرفانه و درست بررسی کنیم تا بتوانیم نظر بدهیم ولی اساساً تصفیه در تمام شئون لازم است و اگر افرادی باشند که هنوز اندیشه‌ها و دیدهایشان از باقیمانده رژیم قبلی باشد و بخواهند باز همان مسائل را مطرح سازند و کارشکنی در انقلاب بکنند البته باید تصفیه شوند روزنامه‌ای است که سالهای تشکیلاتی دارد و باید در راه انقلاب و خدمت به‌مردم این روزنامه حفظ شود.

شرکت گروهها و افراد در انتخابات مجلس مؤسسان

در مورد آزادی شرکت همه گروهها و افراد در انتخابات مجلس مؤسسان آیت‌الله طالقانی گفت:

من از اول گفتم همه نه‌ازباب اینکه يك گروه و جمعیتی هستند يك فرد ایرانی هستند که حق حیات دارند البته میتوانند شرکت کنند و کسی مانعشان نخواهند بود.

نقش رادیو و تلویزیون

در مورد کار رادیو تلویزیون و اینکه آیا توانسته است نقش خود را در انقلاب ایفا کند آیت‌الله طالقانی گفت:

دستگاه حساس رادیو تلویزیون و مسئولیتهائی که دارد شاید از نظر حساس بودن از دستگاه نخست‌وزیری بیشتر باشد البته مشکلاتی در رادیو تلویزیون هست ولی بنظر من آن رادیو تلویزیونی که ایده‌آل خود من باشد نیست ولی کارهای مثبتی هم کرده است من هم آن رادیو تلویزیون مردمی و اسلامی که ما میخواهیم به‌آن‌حد هم نرسیده است ولی از آن راضی هستم چون مرد قاطعی در رأس آن است زیرا در کشور و اوضاعی که می‌بینیم هنوز افراد مسئول با تردید کار میکنند. انسان از آدم قاطع خوشش می‌آید ممکن است اشتباه هم بکند و بعد اشتباهش را ترمیم بکند.

من هم با عفو عمومی موافق بودم

در مورد عفو عمومی آیت‌الله طالقانی گفت منم بعد از انقلاب نظر به عفو عمومی داشتم و آنرا پیشنهاد کردم ولی مسئله‌ای که هست این است که کارمندان و وابستگانی به دستگاه هستند که فقط وابسته هستند و مستقیماً در جنایات وارد نبوده و تأثیر زیادی نداشتند و عقیده من این بود که اینها مورد عفو قرار بگیرند و بعد اگر دست بتحریکات و دسیسه‌بازی زدند تحت تعقیب باشند ولی آنهایی را که جرائمشان روشن شد باید آنها را تعقیب کرد و به‌سزای عملشان رساند اگر شایسته اعدام هستند باید اعدام شوند و آنهاییکه اموالشان مصادره میشود وظیفه دولت است که هزینه زندگی فرزندان آنها را تامین کند. در مورد اسلام و سوسیالیسم آیت‌الله طالقانی اظهار داشت:

من هنوز برای سوسیالیسم يك تعريف جامع و کاملی نتوانستم دریافت کنم بهتر است يك تعريف جامع و کامل از سوسیالیسم بشود تا ببینیم اسلام چقدر با آن منطبق میشود پس اصل مطلب برای ما معلوم نیست اگر منظور این است که سرمایه‌داریهای بزرگ نباشد آنرا اسلام از قبل اسلام کرده و تاحدی هم به آن عمل میشود و ما هم عمل خواهیم کرد.

در پاسخ این سؤال که آیا شما کاندید ریاست جمهوری هستید و اگر چنین پیشنهادی بشما بشود قبول میکنید. آیت‌الله طالقانی گفتند: من حالم خوب نیست و حالا هم با زحمت دارم با شما صحبت میکنم ولی اگر بدانم کسانی لایقتر هستند و بینش آنها در اداره مملکت خوب است من خودم هم به آنها رای میدهم و اگر يك وقت يك وظیفه شرعی بگردن ما گذاشتند آن مسئله دیگری است.

جبهه ملی در حال نوسازی است

در مورد جبهه ملی آیت‌الله طالقانی گفت:

جبهه ملی در حال نوسازی است و در حال حاضر تقریباً متلاشی است و اگر بتواند نوسازی بکند و فعال بشود منم آنها را تایید میکنم همانطور که از اول هم همینطور بوده است.

کیهان ۳ خرداد ۵۸

متن پیام پدر طالقانی بمناسبت چهارم خرداد، سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

بسم الله الرحمن الرحيم والسماء ذات البروج واليوم الموعود و
شاهد و مشهود قتل اصحاب الاخدود النار ذات الوقود اذ هم عليها قعود
وهم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود وما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله
العزیز الحمید.

(سوره بروج آیات ۱-۸)

سوگند به این آسمان و برجهای نگهبان و مراقبش، همین جهان
زنده که با امواج اسرارآمیزش خبرها و حوادث را ضبط میکند. سوگند
به روز موعود و دادگاهی که در آن پرونده جنایات و ستمگریها گشوده
میشود، پرونده‌هایی که در صفحات جهان و اذهان مردم ثبت شده است.
«والیوم الموعود»

سوگند به شاهدان پرونده‌ها، شاهدان پرونده‌های جنایات تاریخی
ملت‌های ستمزده، مادران و پدران، فرزندان، برادران، خواهران،
همسرهای داغ‌دیده، که همه شاهدان چنین جنایاتی بودند و در و دیوار
و تپه و ماهور و محله‌های جنایات همه مشهودند و همه شاهدند «و شاهد
و مشهود» همه این ضابطین و شاهدان مشهود، آن آشکارا جرائم و
جنایات و شکنجه و کشتارها را می‌نمایانند چنانکه همه این جنایات
امروز در صفحات در و دیوار زندان‌ها، کشتارگاه‌ها، سلول‌ها، در تپه
اطراف اوین آشکارا شاهد این ماجراها هستند، چنانکه این جنایتکاران
قدرت محو پرونده‌های خود را ندارند. همه گواهند که اصحاب اخدود
کشته شدند همانهایی که در تاریکی سلول‌ها بدنهایشان سوخته شد،
شیارها، شکنجه‌ها بر بدنهایشان ماند. اصحاب اخدود همانها که در زیر
شکنجه و تپه‌ها و دره‌ها خون پاکشان به زمین ریخت. خونهای پاکی که
قلب ملتی را خونین نمود و جلادان داخلی و غارتگران خارجی را به
نشاط می‌آورد برای غارت بیشتر و دستبرد افزونتر.

ای منم من آن آهو که بهر ناف من

ریخت آن جلاد خون صاف من

گرچه امروز از من، فردا از وی است

خون چون من اینچنین ضایع کی است

این جلادان مسخ شده و مغرور چنین شعوری نداشتند که این پرونده‌ها از شعور جهان زنده و ملت ما محو نمی‌شود: گرچه بکوشند تا آنها را با تبلیغات فریبنده خود محو کنند. آنها نمی‌فهمیدند که آتشی که بر جان و هستی ملتی زدند هستی خودشان را می‌سوزاند «النار ذات الوقود». قطرات خونی که از جوانان با ایمان و مسئول ما ریخته شد جویبارها میشود، و در یک مسیر رهبری شده سیلاب می‌گردد، و بنیان توطئه‌ها و زندگی ستمگران را از میان برمی‌دارد. ستمگران مسخ شده چنین شعوری ندارند. اکنون همانها که ملتها و ملت ما، ملت فلسطین، ویتنام و آفریقا را بخون کشیده‌اند برای مزدوران و مزدده‌های خود ناله سر می‌دهند و دم از حقوق بشر می‌زنند. امروز برای تجلیل از شهدائی جمع شده‌اید که از خون پاک آنها پس از هفت سال سیلاب‌ها برخاستند، همانها که برای درهم گوییدن شرک و بتها واقامه توحید بپا خاستند. دشمن مشترک هم از همین جهت از آنها انتقام می‌گرفت. «وما نقيموا منهم الا ان يومنوا بالله العزيز الحميد» آنها شاگردان مؤمن و دل داده مکتب قرآن بوده گوه‌رهای بودند که در تاریکی درخشیدند. حنیف‌نژاد، بدیع‌زادگان، عسگریزاده، مشکین‌فام، ناصر صادق از همین تابندگان بودند، اینها راه جهاد را گشودند و امامت و رهبری حضرت آیت‌الله خمینی آن راه را بثمر رساند و تکامل بخشید و دشمنان خدا و خلق از پای درآمدند. «وقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين»

درو و رحمت خداوند و همه خلق بر روان آنها باد.

از خداوند توفیق شما برادران و فرزندان عزیز را برای تکمیل اندیشه‌های قرآنی آنان می‌طلبم و امیدوارم با تجربیات فکری و عملی، شما هر نقصی و کمبودی را جبران کنید و این انقلاب عظیم را بیشتر و بهتر شکوفاتر به ثمر برسانید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۵۸۳۴۴

پیام پدر طالقانی بمناسبت بزرگداشت سالگرد معلم شهید دکتر علی شریعتی

بسم الله الرحمن الرحيم

«کانها کوکب دری یوقد من شجر مبارکه زیتونه لاشرقیه ولا غربیه
یکاد زیتها یضی ولو لم تمسهنار»

همچون ستاره‌ای است تابان که از درخت گسترده شاخه و برگ
و خجسته زیتون سوخت میگیرد ریشه‌ای دارد نه شرقی و نه غربی که
روغنش پیوسته برمی‌افروزد و روشن میسازد اگر چه هیچ آتشی بدان
نرسد.

دکتر شریعتی درخت مبارک زیتون و شمعی بود برافروخته که
زیر پا گذاشتن شهرهای عشق شرق و غرب در خم کوچه نمانده و در
پرتو هدایت قرآن پا بر سر شرق و غرب گذاشته از همگان گذشت و
سرانجام پربار و بی‌امان و درنگ نشناس محفل جوانان سرگردان در
میان راهها و کوره‌راهها و بن‌بستها را روشن ساخت و آن‌چنان که از
ویژگی‌های درخت خجسته زیتون است با فرهنگ اصیل اسلامی و با
معارف انقلاب اهل بیت جانهای گرسنه را سیر و روانهای تشنه را سیراب
کرد و تیرگی‌ها را بزود و خود شمع‌وار سوخت و ذوب گردید.

او با شناختن عمیق که از اسلام و آگاهی عینی که از عقب‌ماندگی
های ملل مسلمان داشت و با درک این واقعیت که ضعف و عقب‌ماندگی‌ها
بر اثر مسخ تعالیم اسلام است نه از اسلام راستین و اصیل مؤثرترین
راه در بازگشت بخویشتن خویش دید و خودباختگان و از خودبیگانه
شدگان را بخود آورد تا آنان که در برابر سحر و افسون‌های افسونگران
غرب تعادل از دست داده برق و جلای زندگی مصرفی چشمشان را خیره
کرده مجذوب عنوان فریبای دموکراسی و لیبرالیسم شده بودند به
گنجینه‌های پوشیده در زیر اغراض یعنی مایه‌های خودی و قرآنی باز
گردید و با درک عمیق آنچه دارند و با معیاری درست دریابند که سازمان
های بظاهر بشردوستانه و مجامع ظاهراً مدافع انسانیت، سرپوشی هستند
بر روی شکنجه‌های ضد انسانی که در ایران اعمال میشد و آواره
ساختن انسان‌های فلسطینی و جنگ و کشتار رسوا در ویتنام و بمباران
خلقهای آزادیخواه اریتره فیلیپین رودزیا و جنگجویان پولیساریو و
زیمبابوه و همه‌جا‌های دیگر و بهانه‌هایی برای اعمال اندیشه‌های فاشیستی

و برتری نژادی جهانخواران. دکتر شریعتی با زبان و قلم خویش و با کوله‌باری از فرهنگ انقلابی اسلام و سلاح کوبنده و پیروزمندی چون سنت مبارزاتی اهلبیت با استعمار فرهنگی شرق و غرب به‌پیکار برخاست و نشان داد که استعمار فرهنگی مقدمه هر استعماری و پایه هر اسارتی و وسیله هر نوع مسخ و از خود بیگانه‌کردنی است و با تمام نیرو در برابر آنها ایستاد و در هر لحظه و فرصتی چون چراغ فروزانی که از درخت خجسته زیتون نیرو میگیرد پیوسته در جهت خدا و تعالی و کمال انسانی در برابر پویندگان راه حق و حقیقت نور میافشاند و به رفتن و شدن ادامه میداد که الی‌الله‌المصیر.

حرکتی انقلابی و متأثر از روح زمان داشت و بازتاب فریادهای حقیقت‌جویانه فطرت‌های جوان سرگردان بود و اسلام راستین را از زیر گرد و غبار قرون بیرون آورد و راه جدیدی برای شناخت اسلام عزیز و بازگشت بقرآن و کتب اهلبیت فرا راه جویندگان گذاشت و سرانجام مهاجرا الی‌الله از شیستان اختناق و ظلمات ظلم طاغوتها رخت بیرون کشید و در هجرتگاه خود نمونه و شاهدهی همیشه مراقب گشت پویندگان راه خود را و به آرزوی خویش که شهادت در راه خدا بود رسید. خدایش رحمت کند و شهادتش مبارک باد.

کیهان چهارشنبه ۳۰ خرداد ۸۵

اطلاعیه دفتر پدر طالقانی

بسمه تعالی

همانطور که در اطلاعیه‌های قبلی اعلام گردیده، حضرت آیت‌الله طالقانی و وابستگان معظم‌له و نیز این دفتر بهیچ‌جه در عزل و نصب مقامات دولتی و غیر دولتی، افراد اداری و همچنین معرفی سرپرست برای مساجد و یا ائمه جماعت دخالت نمی‌کند و بطور کلی این دفتر فاقد قدرت اجرایی است و وظایف آن در جهت رفاه ملت و خواسته‌های مستضعفین و سایر هموطنان بشرح زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- امداد به بیماران و مستضعفین در حد امکانات.
- ۲- دریافت اخبار و اطلاعات، طرحها و پیشنهادات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بمنظور بررسی و ارائه آنها بمقامات مسئول.

۳- دریافت گزارشات و شکایت ناشی از نارسائی‌های سازمانهای ملی و دولتی واقع در مرکز و شهرستانها بمنظور بررسی و ارجاع آنها بمقامات مسئول.

۴- نظارت و مشارکت در حل اختلافهای موضعی و منطقه‌ای با خودیاری مردم و مقامات مسئول.

۵- مراقبت و نگهداری بعضی از ساختمانها و تأسیسات و اثاثیه آنها تا مادامی که نماینده‌ای از طرف مقامات ذیصلاح تعیین نشده باشد.

لازم به تذکر است که این دفتر جز در موارد اضطراری که دسترسی بمراجع صلاحیتدار مقدور نباشد، مبادرت به نگهداری اموال اشخاص متهم و مشکوک نمی‌نماید و اینگونه اموال حفاظت شده را نیز در اولین فرصت در اختیار نماینده مقامات قضائی مسئول و شناخته شده قرار خواهد داد.

دفتر آیت‌الله طالقانی

اطلاعیه دفتر پدر طالقانی

بسمه تعالی

طبق گزارشهای رسیده از تهران و شهرستانها، افرادی فرصت-طلب و سودجو بدون درك مسئولیت خود را نماینده حضرت آیت‌الله طالقانی معرفی کرده و با سوء استفاده از احساسات و عواطف خیر-خواهانه برادران و خواهران، مبادرت به جمع‌آوری کمکهای نقدی و جنسی از مردم مینمایند.

لذا از همه هموطنان ارجمند تقاضا دارد اینگونه افراد را بمقامات انتظامی معرفی نمایند و امدادها و کمکهای نقدی خود را به حسابجاری شماره ۴۴۴ نزد بانک ملی ایران شعبه مرکز واریز و فیش آنرا باین دفتر ارسال فرمائید.

برای ارسال کمکهای جنسی متمنی است قبلا با تلفن شماره ۳۱۶۴۶۱ قسمت امور مالی این دفتر تماس حاصل فرمائید.

دفتر آیت‌الله طالقانی

کیهان ۱۰ تیر ۵۸

تفسیری بر سوره «والنازعات»

اگر بنده تفسیری نوشته‌ام هیچ ادعایی ندارم همینطور که هیچ کس نباید چنین ادعایی کند که آنچه می‌گوید و می‌اندیشد مطابق واقع است. این تفسیر که منتشر شده از برکت زندان است؛ زیرا مهمترین مسئولیت را برای خود این میدانستم که در زندان چیزی یادداشت کنم و با مشکلات فراوان به‌خارج بفرستم تا به‌صورت چاپ و انتشار درآید. از خصایص و درک قرآنی که شاید کمتر بدان توجه داشته باشیم اینست که بعضی از مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت برای انسان تعبیر می‌شود - نه با خزیدن به‌گوشه‌ای و به‌تفسیرها و بیانه‌ها و اظهارنظرها روی آوردن - من باب مثال تفسیر سوره «والنازعات» را در زندان نوشتم. در جریان حرکت انقلاب بلاد متوجه مسائل جدیدی در رابطه با این تفسیر شدم. و این سعه نظر قرآن است. همانطور که قرآن بیان کرده بعضی از متشابه‌ها با حرکت زمان و احتیاجات و برخوردها است که باید تحقق یابد.

والنازعات غرقاً والناشطات نشطاً والسابحات سبحاً فالسابقات سبباً فالمدبرات امراً یوم...

نکته اول اینکه «نزع» به‌معنای لغوی، درختی را از ریشه بیرون آوردن و به‌شدت کندن است. حال احتضار انسان را حال نزع گویند زیرا در آن وقت انسان دچار اضطراب و کشمکش است تا روح از بدن مفارقت کند و تسلیم شود.

نکته دیگر اینکه «نزع» از افعال متعدی است و قرآن در این آیه بیان نکرده چه چیز را ازجا می‌کند. بر مفسرین هم هیچ اعتراضی نیست. چون این تفسرها تفسیر تطبیقی است نه تفسیر کامل. و قرآن برای مطالب کلی که به‌فراخور زمان و درک شنوندگان، محیط، امام، معصوم بیان می‌کند مورد و مصداقی می‌یابد. و این نباید منشأ این باشد که انسان جزء آیه را محصور بدارد در همان قسمت. از این جهت می‌بینیم که آیه اطلاق دارد. یا اینکه تفسیر کرده‌اند. به‌فرشتگانی که روح را هنگام احتضار می‌کنند و با خود می‌برند؛ خواه روح کافر یا مؤمن. به‌حرکت درونی انسانها به‌طرف حق بعد از مرگ که تکامل بعد از موت است هم تفسیر کرده‌اند. ولی وقتی به‌خود قرآن برمی‌گردیم،

«نازعات» معنای عام و شاملی دارد: انسانی که از جهت خلقت و وابستگی به زمین و زندگی و ریشه‌های غرایز مانند حیوان آفریده شده و به همین ترتیب عمر می‌گذراند. این انسان اگر بخواهد به حالت نزع، نزوع و نهضت درآید اولین شرطش اینست که از جاکنده شود. آنهایی که در تفکر و تدبیر مسائل علمی و اکتشافی و مسائل و پدیده‌های سیاسی فرو می‌روند، از وابستگیها، دلبستگیها و حتی شرایط محیط به شدت خود را ازجا می‌کنند. که در تفسیر هم هست که گویا در همه حرکات موجودات از ذرات عالم گرفته تا کرات، از ابتدای تکوین انسانها و مصنوعات متحرک این قانون جاری است.

طیاره جرمی است از زمین و خودبخود به زمین وابسته است. وقتی که می‌خواهد حرکت کند نیرویی که به او فشار می‌آورد مافوق جهت وابستگی و جاذبه زمین است که باید به تدریج آنرا ازجا بکند. این گونه حرکت نزعی است. وقتی که ازجا کنده شد به تدریج مستغرق در حرکت می‌شود.

والنازعات غرقاً.

از محیط و جاذبه زمین که بالا رفت در حرکت دیگر احتیاج به نیروی فوق‌العاده کننده نیست: حالت نشط پیدا می‌کند و شناور می‌شود در فضا: والناشاطات نشطاً.

والسابجات سبجاً فالسباقيات سبقاً فالمدبرات امراً

بعد وظیفه‌ای را که برای این حرکت است انجام می‌دهد.

یعنی باری یا مسافری را به جایی می‌رساند.

انسان هم از این جهت چنین موجودی است که هدفی که پیدا کرد و برآن هدف دل بست باید ازجا کنده شود والا رجعت می‌کند.

وقتی که از زندان بیرون آمدم متوجه شدم که این جوانها غیر از جوانهای سه سال قبل بودند حتی بازاری، اداری، ارتشی، کاسب، که همه یکسره وابسته بودند به محیط و محل و زندگی و انجام فرائض و تولید، بکلی دگرگون شد. جوانهایی که در خیابانها صف می‌کشیدند برای دیدن فلان منظره شهوت‌انگیز، همانهایی که برای زندگی و یافتن وسایل تأمین شهوات در این محدوده دور خود می‌گشتند نازعات شدند. حرکت دیگری که واقعاً انسان را گاهی به شک می‌انداخت این بود که صاحبان مشتهای گره‌کرده‌ای که برچهره نظام استبداد و اختناق کوبیده می‌شد، آیا همان کسانی هستند که دائماً به خودنمایی می-

پرداختند؟ این حرکت، «نزع» است.

حرکت نزعی، حرکت و کنده شدن از جاذبه علائق و وابستگیهای زمین به طرف توحید، یعنی نجات انسانهاست. این است که خون خود را می دهد. همان کسی که از صدای يك تیر به خود می لرزید صدای مسلسل می شنود و ندای شهادت برمی دارد. این انسان نازع است که به اراده خود و در اثر درك و دریافت هدفهایی که سالها روی آن کار شده و ارائه شده بعد از آن غرق در حرکت می شود و سر از پا نمی شناسد. گرسنگی می خورد. وحشت از درودیوار می بارد و او با نشاط فریادش بلند است. یا خودش خود را ازجا کنده یا هدف یا رهبری قاطع. آیه چگونه منطبق می شود البته نمی گوییم که این تفسیر آیه است.

والناشطات نشطاً والساجات سبجاً

همه در يك دریای خروشان به حرکت درمی آیند.
پیرزن، پیرمرد، مرد علیل، خیابانها را طی می کنند و نشاط دارند.

و در این حرکت می خواهند سبقت بگیرند.

آخرش به کجا می رسد؟

فالمدبرات امرأ

اینها هستند که پایه قدرت تدبیر و سیاست و رهبری ملت و ملتها را به دست می گیرند.

تاکی؟ تا یوم ترجف الراجفه. منظور قیامت است. این حرکت ادامه پیدا می کند. در همه عالم و همه مظاهر و پدیده های طبیعت هست. در قوای مدبر عالم یعنی فرشتگان مدبرینی که با شعور عالم را اداره می کنند هست اگر نباشد وقفه است و وقفه هم موت است.

یوم ترجف الراجفه. این حرکت هست تا زمین منهزم شود و این هست تا حرکت از زیرزمین بیرون آید و همه چیز را برهم بزند «حرکت بنیانی» رجفه غیر از زلزله است. رجفه حرکت عمقی است از درون زمین و انسانها.

تتبعها الرادفة. دنبال او مسائلی پیش خواهد آمد.

قلوب یومئذ واجفه «در روز قیامت بزرگ».

که هرروز قیامتی است هروقت که نزع و نهضت باشد به دنبالش قیامت است که گناهکار و بی گناه، خادم و خائن از هم امتیاز پیدا

می‌کنند.

این مسئله به‌جایی می‌رسد که یکباره لحن قرآن و آهنگ و طول آیات تغییر می‌کند.

هل اتيك حديث موسى اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى که مسئله دیگری است. چگونگی دریافت وحی و مسئولیت و برخورد نبوت با طغیان و چگونه طغیان تبدیل به طاغوت خواهد شد و مسیر نهایی طاغوت فرعون است...

و مثل این است که این آیات همین امروز نازل شده.

شنیدی داستان موسی که چی بود، کجا رفت؟

در مقابل مستضعفین احساس مسئولیت کرد. از يك سو مسئولیت نسبت به همسر باردارش و از سوی دیگر مواجه شدن با چنین قدرت فرعونى که می‌گوید «همه چیز شما در دست من است» برای نجات مستضعفین بنی اسرائیل و قوم مصر حرکت می‌کند. هرانسانی در این نزع‌ها و حرکت‌ها دچار وادی می‌شود که مسئولیت را از کجا انجام دهد (کشمکش). وادی ظاهری تنها نیست. وادی درونی، تپه‌ها، ماهورها، گم کردن راه، شب تاریک، ظلمت، طغیان، هراس، ترس، و همه چیز در آن هست. ولی مسئولیت را در این وادی که او را به هم پیچیده فراموش نمی‌کند. در این سرگشتگی، تحیر، رعب، ظلمات، نباید مأیوس شود در اینجاست که ندای حق را بشنود.

اذ ناديه ربه بالوادالمقدس

به سبب وادی مقدس، مقدس شد. وادی بهم پیچیده و سرگردان کننده، که از کجا کار را شروع کنم!

اینجاست که انسان صدای خدا و صدای محرومین را به شدت می‌شنود و از نزدیک صدا به درون وجدان می‌آید و منعکس می‌شود.

اذهب الى فرعون انه طغى

برو نترس. ما با تو هستیم. چه داری؟ هیچ. فقط يك عصای خشك. ولی وقتی نیروی ایمان و قدرت ایمان بود عصا همه کار می‌کند. همانطور که مشت‌های ما در مقابل این همه سلاح و دسیسه همه کار کرد و دنیا را به اعجاب آورد.

اذهب الى فرعون انه طغى

از کجا شروع کند. چرا؟ برای اینکه شاه، فرعون است. برای اینکه ثروت دارد. طغیان کرده.

برخلاف اراده خدا و نظام عالم سرکشی می‌کند و نظام عالم مخالف سرکشی است. وقتی که کوهها تکوین می‌شوند و بعد از سالیان دراز سر از دریا بیرون می‌آورند و به زبان حال می‌گویند: این منم که سر بلند شده‌ام و به همه جا مسلطم، از طرف دیگر تمام عوامل طبیعت مانند باد، بوران، تگرگ، مورها براو مسلط می‌شوند تا سرش را پایین آورند. این کوههایی که تبدیل به تپه‌های بی‌خاصیت شده‌اند همه کوههای طغیان بوده‌اند چون اراده خدا مخالف طغیان است.

پس برو. **اذهب الی فرعون انه طغی.** اما چگونه برخوردی دارد.

برخورد ما هم همینطور بوده. ببینید چقدر خاضعانه و **فقل هل**

لك الی ان تزکی

تو هم انسانی که اینگونه مسخ و پوسیده و چرکین شده‌ای و از حرکت و کمال بازماندی. وجدان داری که خود را تزکیه کنی و آدم شوی. مگر برخورد آدمها و علما و رهبر ما با طغیان زمان غیر از این بود. پس به خودت رحم کن تو هم انسان هستی.

و اهدیک الی ربک فتحشنی

تو را هم هدایت می‌کنم. تو هم یک روح داری. مگر این طغیان چقدر باقی می‌ماند. به جای خدمت چرا مردم را از رشد و کمال و حرکت و آزادی باز داشته‌ای.

ولی در مقابل همانطوری که سقراط بزرگ می‌گوید «کار طاغی به جایی میرسد که کلمه قانون و حق به جای اینکه او را متنبه بکند مثل آتشی است که در او مواد سوختنی بیشتر بریزند. پس خاصیت طاغی مستبد بودن است.»

فاریه الایة الکبری فکذب و عصی.

فاریه، فرازی است مقدر. بعد از درگیریها، گفتگوها، برخوردها، دعوت، قانع نشد. اینجاست که نشان خدا را ارائه می‌دهد. با همه قدرتی که تو فرعون داری با همین عصا کارت را تمام می‌کنم. طریق حرکت طغیان: از طغیان به طاغوت.

فکذب.

این حرفها را کنار بگذار. قدرت و پول و تجهیزات نظامی و منابع ثروت در دست من است و قدرتها حامی من. **و عصی.** سر پیچید.

ثم ادبر سیمی

سرپیچید و یکسره اعراض کرد و شروع کرد قدرت خود را

نمایاندن.

فحشر فنادی.

حشر را مفسرین به جمع معنا می کنند حشر به معنی جمع کردن، مجهر کردن، و برپاداشتن. معنایش کدام است؟! حزب رستاخیز برپا کرد و حزب رستاخیز که جابجا شد گفت: **انا ربکم الاعلی.**

همه چیز شما در دست من است فرهنگ، غذا، سرنوشت شما. و با حزب رستاخیزش کارها کرد. **فحشر فنادی.**

نگفت که من خدا هستم. گفت: **انا ربکم.**

گفت چه ربوبیت جسمی شما و چه ربوبیت اخلاقی و فرهنگی شما همه در دست ماست.

انا ربکم الاعلی فاخته الله نکال الاخرة والاولی

نمی گوید خدا به او پشت کرده و او را طرد، بیچاره، زبون و در پدرش کرده که هیچ کجا جان ندارد. اگر یک بار می مرد راحت می شد. می گوید: همه چیز برایش مرگ بود. این معنای نکال است؛ از تنکیل به معنای مهر باطل زدن، زبون کردن، خوار کردن.

فاخذ الله نکال الاخرة والاولی ان فی ذلك لعبرة لمن یغشی.

این عبور تاریخی است به همین جا نایستید مسلمانها و پشت سر را نگاه نکنید. فرعون چندین هزار سال را ببینید و از این عبور بکنید.

لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعاً متصدعاً

من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون

(س ۵۹ آ ۲۱) «طالقانی و زمانه ما»

(اگر این قرآن را برکوهها، این نماد صلابت و سختی و سربلندی زمین فرو می فرستادیم از هیبت و خشیت خدا متلاشی و فروتن می شدند و این مثالها را برای این مردم می آوریم شاید ببندیشند.)

درود بر همه شهیدان راه حق - شهیدای راه خدا، راه آزادی، راه قرآن و راه مردم. درود بر همه آنها که با ایثار خون خود، با فداکاری و رنج خود، این امکان را به ما دادند که از قرآن آزادانه گفتگو کنیم و درباره آن ببندیشیم. درود بر همه آنها که در سلولها، به دور از صدای پای نگهبانان در سپیده دمان و شامگاهان زمزمه دلنشینی از قرائت قرآن سر می دادند. درود بر همه آنها که در طول این نهضت آیات خدا را بر این سرزمین نوشتند. درود بر همه کسانی که راه آنها را ادامه خواهند داد و بالاخره درود بر همه آنها که قرآن را به صحنه آوردند.

ما اکنون می‌خواهیم با قرآن در صحنه اجتماع، زندگی و فعالیت باشیم. قرآنی که در این نهضت از کنج طاقچه‌ها و درون‌پستوها بیرون آمد و در صحنه زندگی خود را نشان داد.

گاهی اوقات این سؤال در ذهن ما مطرح می‌شد که چطور حضرت پیغمبر (ص) در طول مدت ده سال توانستند با آن همه مشکلات و گرفتاری قرآن را تا آن عمق و تا آن سرحد در دل مردم جایگزین کنند، و به مردم بفهمانند و کاری کنند که مردم با قرآن زندگی کنند.

جواب این سؤال را به سادگی نمی‌توانستیم بدهیم؛ ولی آنچه در این مملکت اتفاق افتاد نشان داد که چطور پیغمبر اکرم موفق به انجام چنین کاری شد. پیامبر قرآن را در صحنه به مردم می‌آموخت و آیات قرآن در صحنه نازل می‌شد. اکنون تاریخ صدر اسلام به نوعی و با تجلی خاصی تکرار می‌شود و ما در طول این نهضت آیات قرآن را دیدیم که در صحنه تجلی کرد و اکنون نیز در صحنه هستیم و باید برقرآن فکر کنیم و ببندیشیم. دیدیم در تجلی افکار اسلامی آنچه که از رهبر ما بروز کرد نقش صحنه و با مردم بودن و در درون مردم اجتهاد کردن و در درون مردم قرآن را مطرح کردن تا چه اندازه است: که وقتی فقیه در صحنه اجتهاد کرد، موفق شد رهبری واحد را به وجود بیاورد. هدف ما از این برنامه اینست: حال که در صحنه انقلاب اسلامی به تکاپو مشغولیم و هرکدام از ما در جمهوری اسلامی مسئولیتی بردوش داریم چه بهتر که قرآن را در صحنه با خودمان داشته باشیم.

پرداختن به قرآن و لمس و تطبیق مفاهیم آن در زندگی نه تنها کارساز و مؤثر است بلکه ضامن تداوم این نهضت طی سالیان بعد نیز خواهد بود. در سالهای بعد، که شاید ما از رهبران فعلی محروم باشیم، چه ضمانتی می‌تواند در اجتماع شاهد این باشد که آنچه که در این مملکت می‌گذرد بر مبنای اسلام و حقیقی باشد مسلماً آشنایی عمیق توده‌های مردم در صفوف و اقشار مختلف به مفاهیم اصیل قرآن بزرگترین ضامن بقای دستاوردهای انسانی و اسلامی انقلاب خواهد بود. در موقع فتنه‌ها و زمانی که فتنه‌ها اوج می‌گیرد، همانطور که پیغمبر سفارش فرموده‌اند، به قرآن مراجعه کنند و در پناه قرآن راه خود را بیابند. اگر این مسئله اتفاق بیفتد مطمئن باشید که حتی در سالهای بعد نیز دستهای سیاه استعمار و استثمار نمی‌توانند به نام اسلام و در سایه هیئت اسلام چیزی جز حقیقت اسلام به مردم عرضه کنند. اصولاً یکی از مسائلی که باعث

شد توده‌ها به حرکت درآیند و شعار واحد بدهند این مسئله بود که در اقشار جامعه ما تا اندازه‌ای در چند سال اخیر آشنایی نزدیک با منابع اصیل اسلامی پیدا شده بود و ما دیگر منتظر نبودیم که مفاهیم اسلامی و قرآنی را حتماً از افراد و منابع خاصی بشنویم.

بنابراین در ضرورت آشنایی با مفاهیم قرآن باید گفت که این کار ضامنی است برای تداوم این نهضت در طول سالیان دراز. مسئله دیگری که در پرداختن به قرآن باید به آن اندیشید اینست که قرآن يك كتاب معمولی نیست. قرآن يك جهان است که از سوره‌ها تشکیل شده و سوره‌ها از آیات.

لفظ آیه در قرآن فقط به جملات اطلاق نمی‌شود. پدیده‌های طبیعت را خداوند به عنوان آیه در این کتاب یاد و ذکر کرده و مجموع این پدیده‌ها هستند که جهان را می‌سازند و جهان مجموعه آیات خداست. آنچه که در این مملکت اتفاق افتاد آیات خدا بود که تجلی‌کرد. در خود قرآن می‌بینیم که خداوند، خیلی صمیمانه و ساده و خیلی نزدیک به دریافت فطری مردم، از پدیده‌های طبیعت به عنوان آیات خود یاد کرده است.

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا اليها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون (س ۳۰ آ ۲۰)

این که «خدا از نفس خودتان برای شما همسری آفرید از جنس خودتان و محبت را بین شما استوار کرد» از آیات خدا شمرده شد.

و یا

و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و اللوانکم ان فی ذلك لآیات للعالمین (س ۳۰ آ ۲۱)

در اینجا باز می‌بینیم که خلقت آسمانها و زمین و خلقت کائنات و اختلاف رنگ و زبان که بین مردم روی زمین وجود دارد از آیات خدا شمرده می‌شود.

و یا

و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغاؤکم من فضله ان فی ذلك لآیات لقوم یسمعون (س ۳۰ آ ۲۲).

خواب شما در شبانه روز و خواست شما از فضل و رحمت خدا باز

آیه است.

و یا

و من آیاته یریکم البرق خوفاً (س ۳۰ آ ۲۳)

باز از پدیده‌های طبیعت به عنوان آیات خدا یاد شده است.

و در جای دیگر می‌بینیم:

فالیوم ننجیک ببیدیک لتکون لمن خلفک آیه و ان کثیراً من الناس

عن آیاتنا لغافلون (س ۱۰ آ ۹۲)

وقتی صحبت از این می‌شود که بنی اسرائیلیان توسط فرعون تعقیب می‌شوند و از نیل عبور می‌کنند و فرعون با همراهان گرفتار غضب خداوند می‌شود و غرق می‌شوند، خداوند در آنجا چنین می‌گوید: «امروز ما جسد تو را نجات دادیم و جسد تو را بیرون انداختیم تا برای آنان که بعد از تو می‌آیند آیه باشد». و ان کثیراً من الناس عن آیاتنا لغافلون (و اینطور است که بسیاری از مردم از آیات ما غافلند).

جسد فرعون که تا به امروز باقی است، و این تفاله نظام فرعونیت، برای مردم آیه است. و ما این را بعنوان آیه نجات دادیم و نگذاشتیم نابود شود؛ زیرا که بسیاری از مردم از آیات ما غافل‌اند. بنابراین وقتی که در قرآن از آیه صحبت می‌شود می‌بینیم که چه ابعاد وسیعی را در بر می‌گیرد. اینجاست که در فرهنگ قرآن يك اشتراك معنوی می‌بینیم بین آنچه که در این کتاب به عنوان آیه اطلاق می‌شود و آنچه که از طریق همین کتاب در کائنات به عنوان آیه یاد شده. اینجاست که در حقیقت با پرداختن به این کتاب و شناخت مبانی فکری و خطوط اصلی آن همگام با طبیعت و سنتهای آفرینش در مسیر نیروهای طبیعی زندگی خواهیم کرد و آنرا خواهیم شناخت.

خداوند و مستضعفان

بسم الله الرحمن الرحيم

طسم تلك ايات الكتاب المبین تتلوا علیک من نبا موسی و فرعون
بالحق لقوم یومنون ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا
یستضعف طایفه منهم یدبح ابناءهم و یتسعی نساءهم انه کان
من المفسدین و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم
ائمة و نجعلهم الوارثین (سوره ۲۸ آیه ۱ تا ۵)

کلمه قصص که بعضی آنرا جمع و بعضی بفرد گرفته‌اند به معنای (سرگذشت) - آنچه هم که از ریشه لغوی استنباط می‌شود این کلمه به معنای سرگذشت است. سرگذشتی که ما پی‌جویی و دنبال‌گیری می‌کنیم. در این سوره سرگذشتی را پی‌گیری می‌کنیم. وقتی در قرآن سرگذشت نقل می‌شود فقط به معنای سرگرم کردن نیست - به دنبال چیزی می‌گردیم در قصه - بعضی‌ها قصص را به معنای اخباری معنی کرده‌اند که به دنبال هم می‌آید و ربط منطقی با هم دارند.

بسم الله الرحمن الرحيم.

طسم تلك آيات الكتاب المبين

طسم حروف مقطع اول بسیاری از سوره‌های قرآن هست، در اینجا این حروف با هم خوانده نمی‌شوند.

تلك آيات الكتاب المبين

حروف مقطع اول قرآن چه معنائی دارند. صحبت‌های زیاد و بحث‌های مفصل دارند، یکی از تعابیری که در این مورد شده بسیاری مفسرین گفته‌اند که این حروف به این علت است که حکایتی باشد از اعجاز قرآن در رابطه با آیاتی که بعد از آن مطرح می‌شود به این ترتیب که این آیاتی که در این جا هست همانطوری که جهان باین عظمت و پیچیدگی از اجزائی ترکیب شده و این ترکیب يك کل منسجم و يك وحدت را به وجود آورده‌اند روی هم يك معنی را می‌دهند که اعجاز در آن معنی نهفته است - چنانچه در قبل ذکر شد که در قرآن فقط به جملات قرآنی آیه گفته نمی‌شود بلکه پدیده‌های طبیعت هم در خود قرآن بعنوان آیه یاد شده، همانطور که آن آیات پدیده‌های طبیعت و کل طبیعت از اجزائی ترکیب شده‌اند و آن اجزا روی هم رفته يك معنی واحد را به وجود می‌آورند، که اعجاز در طبیعت از آن جهت هست. آیات قرآن هم که اعجاز پیامبر اکرم هست از همین حروف ساده ترکیب شده. الف لام میم طسم این آیات که از این حروف ساده ترکیب شده.

تلك آيات الكتاب المبين

(اینست آیات و نشانه‌های این کتاب آشکار)

نتلوا عليك من نبأ موسى و فرعون بالعق لقوم يؤمنون

ما از داستان موسی و فرعون به درستی و به حقیقت برای تو بازگو

می‌کنیم. برای کسانی که اهل ایمان هستند نه برای همه کس.
در اینکه کتاب چه معنی دارد. لغت کتاب فقط به معنای دو جلد و
اوراقی که بین دو جلد هست نیست کما اینکه آیه:

ذَالِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

فقط وقتی بر پیامبر نازل شد که هنوز قرآن به صورت این کتاب
در نیامده بود - خود لغت (کتاب) به معنای تکه‌های چرم را به هم دوختن
و چیزی را به هم چسبانیدن.

اصولاً (کتاب و کتابت) حکایت از یکنوع ثبات و الزام دارد -
وقتی چیزی در قرآن بعنوان کتاب یاد میشود به معنای حقایق ثابت است آیات
این کتاب این متنی که ثبات و تحقق در آن نهفته است

مبین به معنای آشکار کتابی که آشکار است

اما باید بتوانیم آنرا ببینیم و آیاتش را حس کنیم نه آنچنانکه
بعضی گفته‌اند يك کتاب پیچیده که فقط مخصوص عده‌ای خاص است
و دیگران و عامه مردم حق نزدیک شدن و استفاده از آنرا ندارند - این
آیات کتابی است روشن.

تَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ

در اینجا برای پی‌جویی يك حقیقت برای باز گفتن سرگذشتی که
برای امت تو لازم است و دقیقاً سرنوشت امت تو نیز ممکن است چنین
باشه ما بخاطر این هدف **تَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ** خبر موسی
و فرعون برای تو بازگو می‌کنیم برای کسانی که اهل ایمان هستند. در
چند آیه بعد بطور مختصر و موجز و بسیار زیبا زمینه انقلاب اجتماعی
سیاسی که بطور کلی همواره در تاریخ مطرح می‌شود بیان شده هر
پیامبری برای ایجاد يك انقلاب اجتماعی فکری فرهنگی، سیاسی ظهور
می‌کند زمینه انقلاب اجتماعی که در اینجا می‌خواهد از آن یاد شود زمینه
انقلاب فکری و اجتماعی است که موسی به وجود آورد این زمینه در
قرآن اینطور یاد می‌شود

ان فرعون علافی الارض

به درستی که فرعون در زمین سرکشی غلو برتری‌نمایی کرد

فرعون خود را در زمین بزرگ انگاشت «الی فی الارض»

و جعل اهلها شیعا

و مردم سرزمین خود را پاره پاره و فرقه فرقه کرد

یستضعف طائفة منهم

گروهی از آنان را «که همان بنی اسرائیل باشند در مصر» ضعیف و مستضعف کرد مستضعف به معنای کسانی که آنها را ضعیف کرده‌اند نه اینکه آنها ضعیف هستند **یذبح ابناهم** فرزندان و پسرانشان را می‌کشت.

ویستخیی نساءهم

و دختران را زنده می‌گذاشت

انه کان من المفسدین

به درستی که فرعون از مفسدین بود.

زمینه‌ای که اینجا فراهم شده است که فرعون طغیان کرده و برای اینکه طغیان و گردنکشی خود را پابرجا نگهدارد و حکمرانی کند از چه راهبائی استفاده میکند؟ اول از راه تفرقه افکنی بین گروهها - مردم را به طبقات تقسیم میکند طبقات مختلف و افکار مختلف و زمینه‌های مختلف به وجود می‌آورد چون يك تنه نمی‌تواند با آنها روبرو شود پس زمینه اجتماعی که می‌سازد عبارت است از تفرقه.

وجعل اهلها شیعا

همان چیزی که در طول این نهضت باعث پیروزی ما شد وحدت و کنار گذاشتن سلیقه‌های مختلف بود که همه به پیروزی رسیدند دقیقاً آن چیزیکه حالا دستهای استعمار می‌خواهد در مملکت به وجود آورد درست تاکتیکی است که فرعون از آن استفاده میکرد یعنی می‌خواهد با تفرقه انداختن مردم را از هم جدا کنند

وجعل اهلها شیعا

گروهی را محروم میکرد تا بتوانند گروه خود را در رأس قدرت، قدرت برانند و کامرانی کنند. زمینه دیگری که از آن استفاده میکرد علاوه بر تفرقه استضعاف این گروه فرزندان پسر را که در آن موقع نیروهای مولد و مبارز انقلابی از میان آنها انتخاب می‌شد می‌کشت و عده‌ای دختر را زنده نگه می‌داشت.

چون به فرعون خبر داده بودند که پسری متولد میشود و کار تو تمام می‌کند پس فرعون نیروهائی را که بیم آن میرفت که خطر به وجود آورند می‌کشت

انه کان من المفسدین

این نشانه فساد است. دلیلی که برای مفسد بودن فرعون ذکر می‌شود این دلائل است که این کارها را میکرد به‌این دلیل از مفسدین بود این زمینه‌ای است که به‌وجود آمد

و نريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض

حال چه اتفاقی افتاد؟ اراده ما اینطور است و ما اراده داریم که منت بگذاریم بر کسانی که در زمین ضعیف شده‌اند

ونجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين

و آنها را پیشوایان، امام و پیشوا و وارث ملك خویش، سرزمین خویش سرمایه‌های خویش کنیم.

وقتی که گفته میشود اراده ما اینست باید دانست اراده خدا تصمیم آنی نیست، تصمیم خدا ثابت است یعنی جریان حاکم بر تاریخ جریان حاکم بر حوادث طبیعت این است که ما ذکر می‌کنیم. (اراده ما اینطور است).

یعنی جریان ثابت ولایت‌غیر حاکم بر طبیعت.

اینطور است که ما منت بگذاریم بر مستضعفین زمین.

ونريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض

منت به‌معنای نعمت‌گران که بردوش سنگینی می‌کند ما ثقل نعمت، نعمتی که بسیارگران است بر مستضعفین زمین اراده داریم که بگذاریم. **ونجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين**

و اما آنها را به‌حق حاکمیت سیاسی اجتماعی خودشان برسانیم نمی‌گوید یکنفر یا یک‌گروه را به‌پیشوائی برسانیم بلکه همه مستضعفین را پیشوا قرار بدهیم کسانی که برحق خودشان حاکمند و آنها را وارث زمین، محیط امکانات خودشان قرار دهیم.

ونمكن لهم في الارض ونرى فرعون وهامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون

به‌آنها در زمین تمکن، جا، مقام و منزلت ببخشیم و به فرعون و هامان و لشکریان‌شان بنمایانیم آنچه را که از آن می‌ترسیدند به فرعون این ثقل قدرت و اقتدار و قدرتی که ظاهراً لایزال برای خود می‌نمود، به‌این فرعون هامان لشکریان بنمایانیم چیزی را از همین مستضعفینی که هیچ چیز نداشتند و فرعون از آن می‌ترسید اراده ما این است که از جانب همین گروه بیچاره و مستضعف که هیچ چیز ندارند نیروئی بسازیم.

نیروی متمرکزی تشکیل دهد که همواره فرعون وهامان در خیال تصور از آن می ترسیدند این اراده ماست. این زمینه تقسیم می شود زمینه اجتماعی بدان شکل بوده، و حالا اراده خدا که حاکم بر جریان تاریخ است این مدل را می خواهد پیاده بکند برای این از کجا شروع میشود.

و اوحینا الی ام موسی ان ارضیه

ما به مادر موسی وحی کردیم که موسی را شیر دهد اینجا کار از پرورش و تربیت یک رهبر که در این گیرودار به ملت خود برسد و براساس این زمینه این اراده خدا در او متجلی شود و در روش و کاری که پیش می گیرد متحقق شود اراده خدا. از اینجا کار شروع می شود که

الهام می شود به مادر موسی.

فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم

ما به مادر موسی الهام کردیم این فرزند را پرور و نترس و اگر ترسیدی به دریا بیندازش

ولا تخافی ولا تعزنی انا رادوۃ الیک وجا علوۃ من المرسلین

وقتی که برجان این فرزند ترسیدی به دریا بیندازش و نترس و ناراحت نباش.

انا رادوۃ الیک

ما او را به تو باز خواهیم گرداند

وجا علوۃ من المرسلین

و او را از پیامبران قرار خواهیم داد.

این آیه است که الهام بخش شاعر لطیف گوی ما پروین اعتصامی شده که این قطعه لطیف را ساخته.

مادر موسی چون موسی را به نیل	در فکند از گفته رب جلیل
خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه	گفت کی فرزند خرد بی گناه
گر فراموش کند لطف خدای	چون رهی زین کشتی بی ناخدای
گر نیارد ایزد پاکت بیاد	آب خاکت را دهد ناگه بیاد
وحی آمد کاین چه فکر باطل است	رهرو ما اینک اندر منزل است
ما گرفتیم آنچه را انداختی	دست حق را دیدی و نشناختی
رودها نه از خود طغیان می کنند	آنچه می گوئیم ما آن می کنند
ما به دریا حکم توفان می دهیم	ما به سیل و موج فرمان می دهیم
سطح آب از گاهوارش خوشتر است	دایه اش سیلاب و موجش مادر است
به که برگردی به ما بسپاریش	کی تو از ما دوستتر میداریش

سوزن مادوخت هر جا هر چه دوخت ز آتش ماسوخت هر شمی که سوخت
 ما بسی گمگشته باز آورده ایم ما بسی بی توشه را پرورده ایم
 میهمان ما هست هر کس بینواست آشنا با ماست چون بی آشناست
 و در آیات بعد اینطور ذکر می کند.

**فالتقطه ال فرعون لیكون لهم عدوا و حزنا ان فرعون و هامان و جنود
 هما کانوا خاطئین**

آنوقت آل فرعون او را پیدا کردند تا برایشان دشمن و باعث
 ناراحتیشان شود وقتی که می گوئیم اراده خدا یعنی جریان حاکم بر
 طبیعت، همین است که موسی این نطفه انفجار دستگاه فرعون توسط
 خود آل فرعون گرفته می شود.

فالتقطه ال فرعون لیكون لهم عدوا و حزنا

برای اینکه او را که می گیرند دشمن و باعث دردسرشان شود.
ان فرعون و هامان و جنود هما کانوا خاطئین
 به درستی که فرعون و دارودسته اش اشتباه کردند.

ما در این انقلاب ایران دیدیم که بسیاری از حوادث توسط خود
 دشمن پرورده می شد، قم قیام میکرد بعد تبریز را به شکل وحشیانه
 سرکوب میکردند این مقدمه را آماده میکرد برای جاهای بعد و یک
 مرتبه سینما رکس، این بدست خود نطفه را به دامان خودش می آورد.
لیكون لهم عدوا و حزنا

تا برایشان ناراحتی و دردسر شود آنها اشتباه می کنند باز این
 اراده خداست.

از این کل این نتیجه گیری می شود که:

در آیه اول **تلك آیات الكتاب المبین** این آیات کتاب مبین است و
 کتاب مجموعه ای است هم آهنگ، اگر طبیعت را در نظر بگیریم آیات
 خدا در طبیعت که هستی را می سازد مجموعه است هدف دار بطوریکه در
 قرآن به کرات اشاره شده که:

ما آسمانها و زمین را باز یچه نیافریدیم هدف و جهتی دارد و آنچه
 که در یک کتاب آورده می شود مجموعه ای است از کل آن یک جهت و هدف
 را می توان دنبال کرد اما بدون ارتباط با همدیگر نیستند و از این کل
 است که می توان جهت را فهمید و به هدف رسید. در چهارچوب این
 جهت گیری کلی و این انسجام موارد و آیات جدا، جدا از همدیگر است
 که خداوند داستان موسی را ذکر میکند.

علامه طباطبائی در کتاب المیزان می‌گوید آنطور که از روایات برمی‌آید این سوره آیاتش مکسی است و وعده جمیلی است برای مستضعفانی که در مکه بسر می‌برند کسانی که در اطراف پیغمبر بودند و شکجه و آزار می‌شدند و هیچ دورنمایی از پیروزی و قدرت جلو چشمشان نبود - خداوند این را به‌عنوان قانون طبیعت و سنت طبیعت همانطور که حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند که تاریخ برگزشتگان رفت برما هم خواهد رفت این آیات هم در مکه نازل شد و وعده زیبایی است که بردوستان مستضعف پیغمبر داده میشود که ما همانطور که در باره موسی اینطور رفتار کردیم اراده داریم شما را که مستضعفان هستید به پیروزی برسانیم و وارث و در دست گیرنده سرنوشت خودتان قرار دهیم.

قرآن و اعجاز در «علم» و «ادب»

در تاریخ آمده که ولید بن مغیره از سران قریش که بسیار بلیغ و متفکر و اندیشمند بود، در یکی از سالهای موسم حج که شاید سال - های اخیر بعثت و قبل از هجرت بود شورایی از قریش تشکیل داد که در اوان حج، مردمی که از اطراف می‌آیند این مردم را نباید گذاشت که نفس پیامبر به آنها برسد و باید اسمی روی پیامبر (ص) گذاشت و همگی یکنواخت روی این اسم تکیه کنید که مردم پاور کنند این آدم چنین است. آخرین شور و نظرها بدینجا رسید که: ولید بن مغیره را به پیش پیامبر اکرم بفرستند و کلمات و آیات پیامبر را بشنود و بتواند از همینها عنوان و اسمی که نفرت‌انگیز باشد برای پیامبر اکرم انتخاب کنند. ولید بن مغیره این مأموریت را پیدا کرد و نزدیک پیامبر اکرم آمد، با همان حال تکبر و اشراف منشی پاها را به یک طرف دراز کرد و بعد روی به پیامبر نمود و گفت: محمد از شعرهایی که می‌گوئی معجزه و از طرف خداست مقداری برایم بازگو کن که دریابم حرفت چیست.

پیغمبر (ص) اظهار فرمود اینها شعر نیست - کلام خدا است از من هم نیست.

ولید بن مغیره گفت هرچه هست برایم بخوان. رسول خدا

آیاتی را که تازه نازل شده بود برایش خواند.
ولید بن مغیره در حالی که گوش میداد کم‌کم خود را جمع کرد
و سرش را پایین آورد و بتدریج در خود فرو رفت تا پیامبر اکرم
ظاهراً به این آیه رسید.

فان اغرضوا فقل انذرتکم صاعقة مثل صاعقة عاد و ثمود
شروع به لرزیدن کرد و دستش را نزدیک دهان پیامبر آورد
گفت: «اقسمک والرحم» «تورا به رحم قسم میدهم که دیگر چیزی
نگویی» در حالیکه بدنش ارتعاش داشت به طرف خانه رفت.
شورای قریش متوحش شد که نکند این شخص که صاحب نفوذ
و مال و ثروت است، از دین خود دست برداشته باشد و به طرف اسلام
گرایش پیدا کرده باشد، آن روز هر کس که به اسلام گرایش پیدا
می‌کرد می‌گفتند «قدسبا» - شاید نظر به دین سابقین داشتند که ستاره
پرست بودند و یا دین دیگری داشتند - و کار ما دشوار شد زیرا این
شخص هم قدرت بلاغتش زیاد است و هم دارای نفوذ و ثروت است، و
اگر او گرایش پیدا کند کار ما تمام شده. ولید بن مغیره به منزل رفت.
حکم (که بعداً اسمش ابوجهل شد) به پیشش رفت و اظهار داشت خیلی
ناراحت بودم نکند تو به خیال اینکه به ثروت و قدرت برسی به اسلام
گرایش پیدا کنی؟

گفت من؟

گفت آری.

حکم فهمید که باید از راه تحقیر تحریکش کند.

گفت: چنین چیزی نیست.

گفت: پس چی؟

گفت: کلماتی شنیدم که هرگز نشنیده بودم نه در اشعار، نه
در بلاغت و نه در کتب عرب این کلمات را دیدم بدین جهت متحیر
شدم.

حکم گفت: چه جور او را دیدی آیا کلمات کاهنان یا شر بود؟
گفت انواع شعر از تغزل - حماسه و غیره را دیده‌ام هیچ شبیه
به آنان نیست.

حکم گفت: بالاخره چه اسمی روی او بگذاریم؟
مغیره مقداری تأمل کرد گفت اگر بخواهیم اسمی روی پیامبر
بگذاریم باید بگوئیم ساحر است. و به همه مردم عرب و جزیره

برسانیم که محمد ساحر خطرناکی است. ولی این سحر از آن نوع سحرها نیست. سحری است که در نسلمها و قرنهای خواهد ماند و آخرین حرف ولیدین مغیره این بود.

و ان اسفله لمغرق و ان اعلاه لمغرق و انه يغلو ولا يغلى عليه.
او مثل درختی است که شکفته شده از درون طبیعت بیرون آمده و ریشه به اطراف و اعماق طبیعت دوانده و روز به روز شاخهایش بالاتر خواهد رفت و ثمرش بسیار چشمگیر خواهد بود.
و اینرا بشما بگویم که هرچه دنیا پیش رود اوج میگیرد و چیزی بالای او نخواهد بود.
اینجاست که این آیه از سوره مدثر درباره این شخص است که میفرماید:

ذرتی ومن خلقت وحیداً، وجعلت له مالا ممدوداً، و بنین شهوداً، و مهدت له تمیهداً، ثم یطمع ان ازید، کلا انه لایاتنا عنیداً، سارهقه صعوداً، انه فکر و قدر فقتل کیف قدر، ثم قتل کیف قدر، ثم نظر ثم عبس و بسر، ثم ادبر و استکبر، فقال ان هذا الاسحر یوثران هذا الا قول البشر، ساصلیه سقر، و ما ادريک ماسقر (سوره ۷۴ آیات ۱۱ تا ۲۷).

این مرد با اینکه درک کرد و فهمید فکر کرد باز تأمل کرد و اندیشید. برای خوش آمد قریش برخلاف درک عقلی و وجدانی قضاوت کرد.

ثم عبس و بسر عبوس کرد خود را درهم کشید چون می دانست برخلاف تشخیص و وجدانش صحبت می کند و بعد اعلام کرد.
ان هذا الاسحر یوثر.

این نیست مگر یک سحری ولی سحری که ماندنی است بعد هم قرآن تهدیدش می کند که:

ساصلیه سقر و ما او را از اوج نخوت و کبرپائیش پایین بیاوریم.

وقتی که از این مبارزه منفی که بازدارنده بود از نزدیک شدن مردم و زائرین و قوافلی که از اطراف به مکه می آمدند و اسلام پیش می رفت شروع به مبارزه مثبت کردند، یعنی اشعاری را از بلغای دوره جاهلیت جمع آوری کرده و ترویج کردند برای مقابله با قرآن، که معروف است شعرهای امرؤالقیس که بسیار بلیغ و فصیح است در

برابر قرآن ارائه می‌دادند از جمله‌ها:
دانت الساعة وانشق القمر

عن غزال صاد قلبی و نفر

مر یوم‌العید فی زینته

فرمانی فتعاطی فقمر

عادة الاقمار تسری فی الدجی

ورأیت‌اللیل تسری فی‌القمر

این منتهای تغزلی است که برای معشوقه خود گفته، این کلمات را در مقابل قرآن عرضه می‌کردند به اعراب دوره جاهلیت و اهل مکه و بخصوص جوانها. می‌گویند زمانی که سوره قمر نازل شد.

اقتربت الساعة و انشق‌القمر

دنت واقتربت تقریباً دارای يك معنا و يك مفهوم است بلکه دنت مختصرتر هم هست از جهت بلاغت. ولی علمای بلاغت می‌گویند در اقتربت دوازده خصوصیت بلیغ و ادبی هست که در کلمه دنت نیست. و عرب از این جهت هم شکست خورد.

حال باید از این‌نظر بحث کرد که ممکن است شخصی بگوید خوب عرب داعیه‌ای نداشت برای اینکه معارضه با قرآن کند. چون در مقابل قرآن شکست خوردند یعنی قریش و سران قریش و مشرکین شکست خوردند و تسلیم شدند، کمتر پیش می‌آمد جوانی از عرب به نزد پیامبر بیاید و همانجا مجذوب نشود. بهر حال نمی‌توانیم بگوئیم که اینها داعی نداشتند که در مقابل قرآن مقاومت نکنند. ملاحظه کنید در بین اجتماعی که طرفدار فکری یا عقیده‌ای باشند، اگر کسی در مقابل عقیده یا فکر آنها اهانت بکند و آنرا رد بکند چطور تمام قوای طرفداران او برانگیخته می‌شود در برابر کسی که قیام کرده. پیامبری مبعوث شده علیه تمام سنن و آداب جاهلیت قیام کرده و به تمام مقدسات آنها توهین می‌کند.

انتم و ماتعبدون من دون‌الله حطب جهنم.

همه شما جهنمی هستید همه شما دنبال وهم و خیال هستید.

آیا این مردم می‌توانند بی تفاوت بنشینند؟

ننشستند و دیدیم که باتمام قدرت در مقابل این دعوت ایستادگی

کردند و به‌جنگهای خونین تن دادند و خانه‌ها از میان رفت و

زندگیها متلاشی شد و هجرت‌ها پیش‌آمد چرا؟ در مقابل مسئله ساده‌ای که قرآن مطرح کرده بود. بدین معنی که در مقابل این نهضت و انقلاب خاموش ماندند در سه جای قرآن هست.

ان كنتم في ريب مما نزلنا على فاطوا بسورة

اگر شما شك دارید يك سوره مانند قرآن بیاورید. يك سوره مانند قرآن آوردن آسانتر از این نبود؟ که این همه جنگهای خونین بین قبیله و خویشان درگیر شود و تمام بساطشان از میان رود. چرا نیاوردند؟ اگر آوردند چرا اعلام نشده و همینطور در اوائل سوره بقره می‌فرماید که:

و ان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة

شما نمی‌توانید بیاورید، هرگز هم نخواهید توانست و اگر می‌توانید بیاورید در بعضی از جاها يك سوره، سوره‌های قرآن هم که متفاوت است يك سورة والعصر، توحید؛ سه آیه کوتاه است.

اگر می‌آوردند عرضه میکردند و مورد قبول بلغا واقع میشد و غائله ختم میشد و پیامبر و دعوتش هم شکست می‌خورد. پس خلاصه اینکه اگر کسی مدعی بشود که اینها که داعی نداشتند، داشتند زیرا همه چیز آنها در معرض خطر بود.

اگر کسی مدعی شود برای اثبات این و درهم شکستن دعوت و رسالت پیغمبر و معارضه با قرآن کلماتی آوردند که هیچ‌جا نقل نکردند حتی آن کلمات و شعرهای جاهلیتی که اشاعه داده بودند برای مبارزه با قرآن جمع کردند. و قرآن در همه نفوس و افکار مردم از لحاظ بلاغت جایگزین شد عجیب‌تر از همه اینکه می‌گوید:

و ان لم تفعلوا ولن تفعلوا.

اگر نمی‌توانید، هیچ‌وقت هم نمی‌توانید، اگر جن و انس و همه گواه‌ایان را جمع کنید نمی‌توانید.

قرآن هم می‌گوید نمی‌توانید که نتوانستند و هم می‌گوید بعدها هم نمی‌توانید و نمی‌گوید که فرد فرد شما بلکه می‌گوید اگر همه جمع شوید نمی‌توانید برای آینده هم نمی‌توانید این مسئله مهم و قابل نظر است برای مردمی که اهل نظر و تحقیق و انصاف باشند.

انسان به اتفاق همه فلاسفه و متفکرین موجودی است متکامل و دائماً در حال تکامل. مظهر رشد انسان تفکر و رشد انسان است یعنی ذهن و تفکر انسان بیان مطالب است. بیان مطالب، بلاغت و رساندن

مطلب نمودار تکامل انسان متکامل است، بنابراین مظهر کامل تکامل انسان؛ بیان است.

آن روز قرآن می‌گوید نمی‌توانید امروز هم قرآن پیش‌بینی می‌کند که هرگز نخواهید توانست بازهم نتوانستند، باز هم می‌گوئیم داعی نداشتند؟ نه.

شرق و غرب دنیا در مقابل پیشرفت و دعوت قرآن داعی داشتند که انسان را بکوبند و به انواع طرق هم که امروز هم مشاهده می‌کنیم به‌وسائل نظامی، جنگی، دسائس و شیوه‌ها و جاسوسی‌ها متوسل شدند برای اینکه مسلمانها را بکوبند ولی نتوانستند، دعوت قرآن را خاموش کنند. نه تنها اعراب بودند بلکه بعدها هم معارضه‌ها پیش آمد قرن اخیر که استعمار سربلند کرد و به حرکت درآمد احساس کرد که مهمترین مانع پیشرفت مقاصد و نفوذ آنها در میان مسلمانها قرآن است که در بین آنها باقی است و به انواع وسائل متوسل شدند که قرآن را از مسلمانان و مسلمانان را از قرآن بگیرند. چه اینکه قرآن را بتدریج بوسیله عوامل و ایادی مسلمان‌نما از بحث، دقت، تفکر و توجه به قرآن بازداشتند چه عواملی که برانگیختند برای اینکه معارضه با قرآن کنند و این مسئله هنوز زنده است.

بعد از سالها که مسلمانها سرکوب و متفرق و دچار ذلت و زبونی شدند. در قرن اخیر مثل مرحوم سیدجمال‌الدین قیام کرد برای اینکه مردم را به متن قرآن و اصل قرآن برگرداند همان باعث حرکت و جنبش جدیدی شد و اینها برای اینکه قرآن را زنده کنند و مسلمانها را علیه استعمار متحد کنند بوسیله قرآن دسائس آنها را از میان ببرند، حرکت و موجی ایجاد کردند. در اینجا بود که استعمار درصدد برآمد که مسلمانها را از قرآن جدا کند و به رویارویی هم وادار کند ادیان و مذاهب جعلی درست کردند و درمیان مسلمانها اشاعه دادند برای انصراف از قرآن. در پنجاه سال قبل جمعیتی در بیروت از مسیحی‌ها تشکیل دادند بوسیله مستشرقین و عوامل استعمار - برای اینکه مقابله و معارضه با این مبارز طلبی قرآن که به اسم (تحدی) می‌خوانیم قرآن دعوت می‌کند که بیائید و یک سوره مانند قرآن بیاورید مردم دنیا و بلغا گواهی دهند و نتوانستند این معارضه را باز شروع کردند بیروتی که مرکز ادب عرب بود مسیحی‌ها بسیاری از کتاب ادبیات عرب را نوشتند جمعیتی تشکیل دادند بنام «الهدایة» و شروع

کردند از ابتدا قرآن را مقابل الگوی قرآن آن هم نه ابتکاری و ارتجالی که خودش مسئله است. از روی الگوی قرآن کلماتی را به هم پیوند دهند و درست کنند و عرضه کنند به عربزبانان و کشورهای عربی که بگویند در اختصار و بلاغت برتر است سوره حمد اولین سوره بود که شروع کردند بجای الحمد لله رب العالمین گذاشتند الحمد للرحمن الملك المنان لك العباد و بك المستعان برحسب ظاهر همان لغات را گرفته اند و سرهم کرده اند و از جنبه ادبی معمولی هم هرچه مختصرتر باشد خیال می کنند بلیغ تر است. اینها را که انتشار دادند آنقدر مورد توهین قرار گرفتند که الحمد لله الرحمن با الحمد لله رب العالمین این موج و عظمت را که میرساند الرحمن الرحیم ایاك نعبد که حرکتی است به طرف حق و ایاك نستعین یا این کلمه شل لك العباد و بك المستعان با این که وزن و قافیه شبیه است آنچنان مورد تمسخر قرار گرفتند که نوشته ها را جمع آوری کردند و به گوشه ای خزیدند. بعد از آن هم دیدیم از این مذاهب جعلی در ایران و هندوستان و جاهای دیگر درست کردند - کلماتی را پیامبرین دروغی یافتند، برای اینکه اصل مسئله معارضه همین جاست. بنابراین از جنبه بلاغت قرآن تابحال پیروز شده و هنوز هم در کلمات بلغای عرب مانند جبران خلیل جبران که وقتی مقاله ای می نویسد که شاید بلیغ ترین مقالات علمی و اجتماعی باشد، آیه ای از قرآن را که همین شخص مسیحی بین کلماتش می آورد مانند لامپ پانصد شمعی در مقابل لامپ چهل شمعی و خودش هم اعتراف دارد. شبلی شمیل عرب مادی پیرو مکتب داروین که همه چیز را منکر است وقتی به قرآن میرسد اشعار معروفش که در مجلات و کتابهای مصری چاپ می شد می گوید:

انی و اناك قد كفرت بدینه

كيف اكفرن بمحكم الايات

من دینش را قبول ندارم خودش را هم به پیامبری قبول ندارم به این آیاتش هم نمی توانم کافر شوم اینها آیاتی است که در آن حکمت، بلاغت، پیش بینی مسائل و احکام محکم در آن جمع شده چگونه می توانم به آن کافر شوم.

این خلاصه ای است از بلاغت قرآن اعجاز بلاغتی قرآن در مقابل معارضین تا امروز، ولی این يك بعد مسئله اعجاز قرآن است يك قسمت از قرآن در برخورد با حوادث می توان درك كرد گوشه ای نشستن، قرآن

مطالعه کردن - غیر از درك قرآن است انسان زمانی که با حوادث و جریانها به بن بست می رسد اگر آشنا به قرآن باشد درست درك می کند مثل آیات و النازعات که در جریان انقلابی او از يك بعد دیگر برای ما پیدا کرد. انقلاب واقعی انقلابی است که از درونها بجوشد و حالت نزعه ای و نزوع داشته باشد تا بتواند در سطح اجتماع دوام پیدا کند و پیش رود و منشأ تدبیر شود **فالمدبرات امرا**.

در حوادث و مشکلات زندگی و فشارها و زندانها در نماز آیه ای را که متذکر میشدم در آن بحبوحه فشارهای کمیته چقدر اطمینان بخش بود - یا گاهی برمی خوردم به کناره دیوارهای تاریك زندان که بعضی از جوانهای مجاهد را شکنجه داده بودند يك آیه نوشته شده بود که آن آیه بقدری انسان را قوی می نمود که تمام شکنجه ها و زجرها را فراموش می کرد. یا بردیواری با خطرریزی نوشته بود: **الابذکرالله تطمئن القلوب**. این انسان را می گیرد - جایی که همش اضطراب و خطر مردن و شکنجه است با این ایمان به اطاق شکنجه می رفت و یا در گوشه دیگر نوشته بود:

ولا تغافوا ولا تعزنا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين:

این جاست که انسان با تمام وجود می تواند درك کند و همچنین در مسائل علمی که در تفکری که برای نظام افزایش و آغاز خلقت و نهایت خلقت گاهی دیده می شود که در پیشرفت علم می توان درك کرد که در آن شرایط و محیط و اوضاع که اساساً این مسئله مطرح نبوده که عالم در ابتدا و آغاز آفرینش بچه صورت بوده و بعد بچه شکلهایی درآمده و تابحال این صورت و چهره ای که جهان بخود گرفته و بعد منتهایش به کجا میرسد - این مسائل در آن روز مطرح نبود این هم از بعد علمی قرآن.

پیامبران و اعجاز

بسم الله الرحمن الرحيم

از جهت تاریخ ادیان و تاریخ عموم ملل این مسئله شك و تردید بردار نیست که در فصول تاریخ مردانی به عنوان رسالت و نبوت از جانب خدا برانگیخته شدند و منشأ تحولاتی در میان مردمانی شدند و

مسیر تاریخ را برگردانده و افکار مردم را به حرکت درآوردند اینها مردمانی بودند که امروز هم پذیرفته شده و تاریخ هم بنام آنهاست و حرکتهای متعالی انسانی از آنها شروع شده از این جهت در شرق و غرب دنیا تاریخ بنام انبیا است چنانکه تاریخ مسیحیان ولادت مسیح است و برای قوم یهود تاریخ خروج موسی از مصر است و تاریخ مسلمانها هجرت پیامبر است و همه اینها دال براین است که اینها تاریخ ساز بوده اند و مبدء تاریخ شده اند.

مسئله دیگر اعجاز است که پیامبران منشأ اعمالی شدند که لااقل مردم زمان خود را از آوردن مثل آن کارها عاجز کردند و این اعمال و کارهای غیرعادی در اصطلاح ادیان به عنوان معجزه است - که (معجزه) به معنای عاجز و ناتوان کننده است. و همچنین خارق عادت هم می گویند - عادت به معنای سنن معمول جاری در نظام حیات و زندگی - ولی باید متوجه این نکته بود که خارق عادت است نه خارق نظام عمومی عالم و قوانین علت و معلول - بدین معنی که اعمالی نیست که بی علت باشد ولی ممکن است علتش همیشه برای مردم پوشیده باشد و یا در یک زمانی پوشیده باشد - من باب مثال اگر دو سیصد سال پیش کسی می توانست از راه دور با مردم سخن بگوید و مردم صدای او را بشنوند در آن زمان می توانست ادعای معجزه و خارق عادت بکند ولی بعد در اثر پیشرفت علوم و اکتشافات دریافتیم که ممکن است علل را پیدا کنند چنین مسئله ای کشف شود بدین معنی که معجزات در زمان خود اکثراً معجزه بوده اند. در داستان موسی که عصا در دست او به صورت اژدها در می آید در تورات و قرآن تصریح می کند که قدرت اعجازی موسی عصا بود - همین عصا که به صورت اژدها ناگهانی در می آید خارق عادت است ولی خارق نظام طبیعت نیست چون عصا ماده است و ماده در طی هزاران سال تبدیل به اژدها و جانورها می شود و در مسئله مافوق طبیعت زمان مطرح نیست ماده ای که در طول هزاران سال تبدیل به موجود مهبیی می شود از نظر ماوراءالطبیعه که فوق زمان است زمان در عرض يك آن خرق می شود همینطور معجزه ای که از عیسی ابن مریم نقل می کنند: که در خمیر یا گلی می دمیده تبدیل به طیر می شده.

انی اخلق لكم من الطين كهيئة الطير فانفخ فيه فيكون طيراً باذن الله
کلمات (باذن) که در کلمات و معجزات حضرت مسیح هست در

دنبال هر کلمه ای من باذن خدا

احی الموتی باذن الله و ابری الاکمه و الابرص باذن الله

شاید اشاره به این باشد که فکر نکنید: این خارق نوا میس کلی عالم است همه اش در مسیر سنن عالم است ولی من این سنن را خرق می کنم از این جهت می گویند این عمل خارق عادت است همانطور که قرآن توصیف می کند که حضرت مسیح روح بوده و جنبه جسد و ماده در آن کم بوده و روحش تفوق بر جسد داشته این روح وقتی در ماده دهید به صورت موجود زنده در می آید. یا انسانی که قابل ادامه حیات است و در حال مرگ و مردن بود حضرت مسیح در آن میدمید و او را زنده می کرد و اما نحوه چگونگی اعجاز انبیاء چگونگی اعجاز انبیاء این مطلب را باید خوانندگان و تمام کسانی که به مسئله اصولی وحی و نبوت رسالت توجه می کنند این مسائل را متوجه باشند که ما دو اصطلاح داریم برای شخصیت هایی که منشاء حرکت انسان سازی و جهت اصلاح انسانها و جوامع شدند.

يك اصطلاح - اصطلاح (نبی) است یعنی انسان آگاه و آگاه کننده که ممکن است این انسان رسالتی داشته یا نداشته باشد. از این جهت انبیا همانطور که در تاریخ ادیان هستند بسیار بوده اند در شرق و غرب دنیا هر جا که بشری آماده می شد و استعداد يك حرکت و تحول درونی برایش پیش می آمد (نبی) بوده ولی رسول نبوده اند - فرق بین انبیاء شرق میانه و انبیا شرق دور که اروپا شاید در آن وقت نبی نداشته و هنوز مردم به آن مرحله بلوغ نرسیده بودند همین است که انبیا شرق دور فقط نبی و مصلح بوده اند سلاطین، زورمندان و قدرتمندان را نصیحت می کردند و حس رحمت در آنها بیدار می کردند. ولی در شرق میانه بخصوص انبیاء که از ابراهیم شروع می شود تا به پیامبر اکرم خاتمه می یابد اینها رسالت داشته اند یعنی مردمان انقلابی بوده اند وضع اجتماع، قوانین و نظام زندگی را می خواستند عوض کنند اینها چون رسالت و احکام داشتند و مسئولیتی بیشتر از نبی داشتند. هم نبی و هم رسول بودند - معجزات بدست اینها بود چون درگیر بودند و مردمیکه در تحت تأثیر اوضاع و عادات و سنن وضع اجتماعی بودند غیر از آنرا باور نداشتند این معجزات تکانی بود اولاً برای مردم تا آنها را جذب کند تا بتواند رسالتش را بیان کند و دیگر اینکه نشانه خدائی بود وقتی می گفت من از جانب خدا و مبداء هستی مأمور هستم برای اینکار برای اینکه عموم ملل خدا را بالفطره قبول داشتند از او

نشانه یعنی آیه می‌خواستند و به این جهت است که همه اینها تعبیر شده به آیه معجزات. آیا همانطور که نظام عالم هم پدیده‌های جهان و نظام که در هستی هست روابطی حرکت‌هایی که هست هم آیات است. قرآن همه را تعبیر به آیات می‌کند. مسئله دیگری که باید توجه کرد گاهی این معجزات فقط برای ارائه و جذب مردم بوده گاهی برای قهر طرف. حضرت مسیح معجزاتش برای قهر و شکست دادن سران روم یا نماینده آنها نبود فقط برای تکان دادن و دعوت کردن آنها بود که به رسالت انبیاء گذشته توجه کنند. ولی موسی مأمور قهری بود در مقابل کاخ عظیم و پر قدرت فرعون واقع شده بود با همه سپاهیان و پول و ثروتش همانطور که در قرآن از زبان موسی نقل می‌کند. که من اینقدر ثروت دارم.

الیس الی ملک مصر و هذه الانهار تجري من تحتي

«قدرت من بر زمین و منابع زمین بقدری است که کسی نمی‌تواند با من درگیر شود» در مقابل چنین طاغوتی معجزه موسی هم جهت نشانه الهی داشت و هم برای قهر طرف بود که بالاخره با همین عصای چوپانی توانست نظام فرعون را از زمین برچید این يك خصوصیت. ولی در رسالت پیامبر اسلام که معجزه رسمی و ابدی آن قرآن بوده، درمی‌یابیم که این معجزه يك معجزه تکامل یافته‌ای است که هم جنبه قهری و هم جنبه جذبی دارد.

ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم و لا يزيد ظالمين فسادا

هم از این جهت کامل تکامل پیدا کرده، که معجزات حسی که حس و ظواهر احساساتی بشر را مقهور می‌کرد این معجزه (قرآن) معجزه عقلی است. عقل است محتویات عالی از احکام و هدایت - آن هم در زبان اعجاز یعنی (قدرت اعجاز) - حال قدرت اعجازی در چیست همه متکلمین و محققین اسلام از صدر اسلام تاکنون بحث می‌کنند که معجزه قرآن از چه جهت معجزه است - از جنبه بلاغت یا محتویات یا پیش-گوئیه‌ها است که در قرآن هست - و همه اینها قابل نقد است - از جهت بلاغت معنای بلاغت را نمی‌فهمیم تا بتوانیم تطبیق بکنیم بلاغت يك مفهوم محدود و قابل تعریفی نیست تا بگوئیم این بلاغت دارد یا ندارد. يك معنای نسبی است و حدی هم برایش قائل نمی‌توان شد. چیزی که محدود نیست نمی‌توان گفت که این بلاغتی دارد که کلمات دیگران نداشته و تاچه حدی بلاغت داشته. آنکه می‌گویند مثلاً از جهت پیش‌گوئی

حوادث آینده بوده که در قرآن نسبت به آن زمان همینطور بوده مثل قضیه خبردادن از شکست امپراطوری ایران بعد از درگیری و جنگهایی که بین ایران و روم بوده این يك پیش‌گویی بوده.

الم غلبت الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم سیغلبون.

همینطور آیات دیگری درباره پیشرفت قرآن است، آن روزی که مسلمانها يك عده محدود و پراکنده و مستضعفی بودند قرآن بطور قاطع میگفت این دین و دعوت پیش خواهد رفت پیامبر اکرم همین مطلب را روی هدایت قرآن و در اثر هدایت قرآن بطور قاطع بیان می‌کرد. که در آیات بسیاری است.

لیظفره علی الدین کله

این دین پیش خواهد رفت.

این دین قدرت‌ها را از پای در خواهد آورد. این هم تا حدی درست است ولی این تمام مطلب نیست مگر در تمام قرآن چند آیه می‌توانیم پیدا بکنیم که از آینده خبر داده باشد و خبردادن از آینده معلوم نیست معجزه قاطعی باشد. از این جهت گیر کردند. که اعجاز قرآن را - با اینکه اعجاز داشت. یعنی عرب را که معارضه با قرآن می‌کرد از پا درآورد - ولی از چه ناحیه است این مشکلی است برای اهل فن و محققین که از کجا شروع کنند. خود عرب هم همینطور، با همه معارضتی که می‌کردند نمی‌توانستند توجیه بکنند بگویند نثر یا شعر یا خطابه است. اوزان قرآن در عین آهنگ و گاهی سجعی که دارد نه شبیه به شعرهای معمول دنیای آنروز و امروز است. و نه به خطابه‌های معمولی است، آنچه هم که عرب در آنروز جذبش می‌کرد قدرت بلاغت بود نه مفاهیم - وقتی که سوره‌های اول قرآن بطور قاطع نازل می‌شد.

إذا الشمس کورت و اذا النجوم انکدرت و اذا الکواکب انتشرت

عرب را تکان می‌داد نمی‌دانست چیست مگر آفتاب بهم پیچیده می‌شود. میشود روزی ستارها از میان بروند این است که در ظروف زندگی عرب چه از جهت جذب چه از جهت قدرت قهر یعنی جذب کردن مردم و مقهور کردن مخالفین کمال معجزه است - و باز کمال معجزه است از این جهت که معانی و مفاهیم که در قرآن آمده خیلی عالی و بلند است که در محیط عرب نبوده و در عین حال منتهای بلاغتی که ما نمی‌توانیم يك کلمه يك جزء يك واو يك فا در آیه برادریم متوجه می‌شویم که در آیه نقصی پیدا شده. خودم گاهی آیاتی را فراموش می‌کنم وقتی در ذهنم مرور

می‌کنم احساس می‌کنم جائی در آن لنگ است چیزی در آن نیست با اینکه ظاهر آیه هیچ اشکالی ندارد از جهت ترکیب بعد به قرآن مراجعه می‌کنم می‌بینم که يك واو یا فا و یا یا يك حرف عطف را فراموش کردم اینقدر آیات منسجم است. و همین بود که عرب را مقهور کرد.

محیط جزیره عرب نه اهل صنعت بودند نه نظام اجتماعی معمولی دنیا را داشتند نه قوانین مدون داشتند و نه حرفه و فنی داشتند. ولی در عین حال آن زندگی فطری و بیابانی آن روح حرکت، فطرت و درك را در اینها قوی می‌داشت. انسانی بودند فطری. و آن چه که به آن علاقه داشتند همین بود که آنچه را می‌فهمند و درك می‌کنند بصورت شعر منعکس کنند. و آنچه را که رایج بود محیط نزول قرآن مسئله شعر و شاعری بود و همه اعراب دریافت فطریشان قوی بود و بلیغ بودند بخصوص قریش که در لهجه و بلاغت مافوق دیگران بود یعنی ساکنین مکه - مطلب دیگر اینست که در زمان نزول قرآن و اوان نزول قرآن قوی‌ترین و عالی‌ترین شعرای عرب ظهور کردند امثال امروالقیس، زهیر، شعرهای اینها از جهت بلاغت زبان به زبان می‌گشت در بازار عكاظ که در سال يك مرتبه تشکیل می‌شد و مسابقه در بلاغت بود آنکه شعرش مافوق همه بود جایزه می‌گرفت و از آنجا با آنکه خط و سواد نداشتند شعرهای اینها در تمام جزیره عرب موج برمی‌داشت - شعرهایشان يك قسمت در حدود تغزل و غزلیات و آرایش محبوب بود و قسمت دیگر حماسی - درباره جنگها فتوحات پیروزیها بعد هم به تبع جنگها، تعریف برق شمشیر، برش سر نیزه قدرت سپر حرکت اسب و شتر را مجسم می‌کردند - قسمت کمی هم عشق به طبیعت ستاره، ماه، تپه، ماهور، شنزارهای عرب در شعرهایشان منعکس می‌کردند محدود به همین اینها بود - نه در آن احکام، قوانین نظاماتی مسائل هدایتی مسئولیت‌های انسان و تاریخ هیچ در آن نبود - تاریخ هم اگر بود يك رشته تاریخ افتخاری گذشتگان خودشان بود از تاریخ عمومی دنیا اطلاع نداشتند. قرآن در يك چنین محیطی نازل شد که در این محیط مکتب دانشگاه نبود افکار یونان، مصر، ایران که مراکز فرهنگ دنیای آن روز بودند ابدأ نفوذی در جزیره نداشت مسئله قوانین و وظایف اجتماعی و مسئولیت‌ها اینها هیچ خبری در آن محیط نبود. هرکسی تتبع بکند ظرفیت نزول قرآن را در جزیره عرب بخوبی تصدیق می‌کند که از اینها بی‌بهره بودند - خود شخص پیامبر اکرم امی بی‌سواد، درس نخوانده که قرآن هم

به این افتخار می‌کند.

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم

یعنی مردم مادرزاد فطری مردمی که هیچ دستخوردۀ نبودند و دیدگاه مخصوص و محدودی مثل روشنفکرهای ما نداشتند که تمام مسائل اجتماعی را از دید و بعد مخصوصی بخواهند حل بکنند در عین حال از جزیره عرب هم هیچ وقت بیرون نرفت و این مسائلی هم که در قرآن آمده مطرح نبود - يك چنین شخصیتی آمد بعد از چهل سال هم در بین مردم بود همه او را می‌شناختند راه و روشش را سخن‌گفتنش را از طفولیت این از خصایص انبیا است که مجهول نیستند که مثلاً پیامبری در هند درست کنند و به ایران بفرستند که معلوم نیست پدر و مادرش کیست و چکاره بود یا مثلاً در ایران درست کنند به حیف بفرستند که انبیاء صحیح‌النسب و حلال‌زاده عموماً پدر و مادرشان روشن بود عیسی پدر و مادرش مریم وضع حملش چه جور بود مادر موسی - موسی را در میان نیل انداخت - پیامبر اکرم در متن قریش متولد شد دوران طفولیت دوره چوپانی - یکی دومرتبه تجارت چند - روزه‌اش به سرپرستی کاروان خدیجه به طرف شام رفتن و برگشتن حرفها و گفتگوهایش هم معلوم بود این آدم این شخصیت يك مرتبه بعد از چهل سال مسائلی را بیان کرد که نه‌سختش شبیه به سخن شعرها بود و نه به سخن صاحب سخن بود که خود گوینده با همه بلاغت تحت تأثیر همین سخن بود و نه افکار و اندیشه‌هایی که محتوای قرآن است هیچ شبیه به مسائلی که در آنزمان و آن محیط مطرح بود هیچ نیست و اصلاً مطرح نبوده این مسائل و عجیب اینکه خود پیامبر انسان حالاتش را که مطالعه می‌کند مثل اینکه دوتا شخصیت است - يك شخصیت خودش است که حرف می‌زد بلیغ صحبت می‌کرد و خطبه‌هایش بلیغ بود یکی شخصیت قرآنی و وحیش هست که خود او تحت نفوذش است. این تشرهائی که گاهی خدا به پیامبرش می‌زند آنجا نزدیک بود تو را بلرزاند.

**ولو لا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئاً قليلاً اذ الا ذنک
ضعف الحیوة و ضعف الممات.**

آنجا داشتی تحت تأثیر متنفذین قریش قرار می‌گرفتی. يك مقدار با اینها سازش بکن آنهم برای اینکه دعوتت پیش رود نه برای اینکه از آنها مال و منال قدرت می‌خواستی فعلاً با اینها مقداری سازش کن

شاید اینها از سر راه این سدهای راه خدا و خلق کنار روند و دعوت پیش رود قرآن همینجا شروع می‌کند به پیامبر تشر زدن که: اینجا نزدیک بود کمی تمایل پیدا کنی از آن مسیر قاطع دعوت یا سوره عبس و تولی و ان جاءه الاعمی که خود داستانی بوده و خود پیامبر اکرم وقتی قرآن می‌خواند تحت تأثیر قرار می‌گرفت شبهائی که پیامبر از خواب برمی‌خاست - رسول خدا روی زمین یا روی حصیر می‌خوابید و از جا بلند می‌شد و آیات سوره آل عمران را می‌خواند.

ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل والنهار و آیات اولوالالباب.

همسره‌های پیامبر می‌گفتند: چنان بدنش می‌لرزید و سینه‌اش می‌جوشید مثل اینکه دیگی که در حال جوشش است استخوانهایش صدا میکرد. این جور تحت تأثیر این کلام بود از این جهت ما می‌بینیم که بعد از بعثت پیامبر اسلام دو شخصیت دارد يك شخصیت خودش و يك شخصیت وحی. شخصیت دوم بر شخصیت اول حاکم است و چیره آیات بر خود پیامبر حاکم بود و رهبرش میکرد و بلاغتش هیچ شبیه بلاغت خود پیغمبر که می‌فرمود انا افصح من نطق بالضاد من فصیح‌ترین کسانی هستم که به ضاد چون کلمه ذات در عرب گفتنش مشکل است با ظ - ض تمیز دادنش بسیار سخت است معذالك خود رسول خدا تحت تأثیر قوی این آیات بود و خودش هم امی بود چند ایامی در غار حرا بعد میاد این آیات را عرضه میکند از همان جا درگیری شروع می‌شود - قریش برای جلوگیری از این دعوت تمام قوایش را بکار می‌برد چون می‌دید همه چیزش در معرض خطر و هجوم این دعوت است هم سنن هم آداب هم معتقدات روابط اجتماعی همه در معرض خطر است اگر یکی هم بود کافی بود که قریش مقاومت کند ولی همه اینها بود از این جهت فریادشان بلند بود که این جوان قدسفه اخلامنا و سب الهتنا این همه خداهای ما را بد می‌گوید هم عقول و افکار ما را تصفیه می‌کند که اندیشه‌های سفیمانه‌ای دارید همه سنن ما را دیگر برای ما چیزی باقی نگذاشته از این جهت همه نیروها را بسیج کردند علیه پیغمبر و چه جور بسیج کردند. همانطوری که قبلا ذکر شد از ولید بن مغیره شروع شد. دو مبارزه شروع کردند يك مبارزه منفی که کسی نزدیک به پیامبر خدا نشود و این آیات را نشنود که اگر به‌گوش کسی میرسید جذب می‌شد و خود آنها هم از خودشان هم می‌ترسیدند خودسران،

رهبران مانند ابوسفیان، ابوجهل، عطبة ابن ولید و ولید بن مغیره و عجیب اینست که در تاریخ هست - که در روز می آمدند جوانها و بندها و بردهها را می زدند زندانی میکردند که دنبال پیامبر نروند و جاذبه آیات آنها را نکشد به طرف پیامبر و خود اینها طاقت نمی آوردند شبها پنهانی می رفتند و گوشه و کنار خانه پیامبر ابوسفیان پنهان از ابوجهل پنهان از عطبة اطراف خانه پیامبر گوشه ایشان را می گذاشتند و تا صبح می نشستند و تا صبح صدای قرائت رسول خدا را می شنیدند و بعد بیرون می آمدند گاهی در کوچه ها به هم برخورد میکردند از هم سؤال میکردند تو کجا بودی؟ خوب دیگر به جوانها چیزی نگویی که آنها همه گمراه خواهند شد و از دین آبا و اجدادی دست خواهند کشید باز تعهد میکردند که دیگر برنگردند ولی شب دوم برمی گشتند چندین شب که تکرار شد با هم پیمان بستند و سوگند خوردند که دیگر اطراف خانه پیامبر حرکت نکنند. بعد خواستند که يك نام عمومی روی پیامبر بگذارند و در تمام جزیره عرب شایع کنند که دیگر کسی گرد پیامبر نیاید.

جلسه ای کردند و قرار گذاشتند که اسم پیامبر را مجنون، دیوانه بگذارند همانطوری که قرآن هم تصریح می کند این مسئله ای بود که زیاد رسول خدا را رنج میداد وقتی به او می گفتند دیوانه که آمده همه چیزها را برهم زند ولی بعد نشستند و گفته اند چطور به او می توان گفت دیوانه زیرا او يك عمر در میان ما بوده و يك حرکت غیرعادی از او ندیدیم و سخنی نابجا از او نشنیدیم و در تمام مشکلاتی که برای قریش و عرب پیش می آمد او فردی بود که درست می توانست قضاوت کند مثل حجر الاسود که اختلاف پیدا شد پیامبر اکرم اختلاف را حل کرد و قضیه قراردادهای و پیمانهایی که زمان جاهلیت بود. پس هیئت گفتند که هیچ کس باور نمی کند چون سوابق، حرکات، صحبت، وضع رفتار سنگینی منطقی قوی، هیچ کس نمی تواند باور کند به عطبة ولید گفت پس چه بگوییم؟ بگوئیم کاهن است نه کاهن کسی است که چیزی به او الفاء می شود از طرف اجنه و هیچ اسم خدا هم نمی برد زیرا اگر اسم خدا را ببرد اجنه فرار می کند ولی این شخص در تمام کلماتش می گوید انشاء الله و عبارات کاهن ها مشخص است بالاخره قرار گذاشتند بگویند ساحر است عطبة ولید گفت این درست است چون بچه های ما تا به این شخص برخورد می کنند پدر و مادر خود را رها می کنند به طرف او

می‌روند هم‌چنین زنها شوهران خود را رها کرده و مردان زنان خود را رها کرده به طرف او می‌روند تفرقه بین خانواده‌ها می‌اندازد از این جهت بود که ولید بن مغیره و عطیه ولید اسم ساحر را روی او گذاشتند که سوره والنزاعات و ذرئی من خلقتم راجع به همین است پس در جو عرب و محیط عرب بلاغت به منتهای اوج رسیده بود بزرگترین شعرا و بلغای عرب و گوینده‌ها و خطبا همه مصادف بود با اوان بعثت پیامبر و متمرکز بود در قریش و مکه و قرآن در چنین محیطی نازل شد اگر کسی بگوید که عرب داعی نداشت که با قرآن مبارزه کند و این دعوتی که قرآن با این صراحت کرده آنها انگیزه‌ای نداشتند و دنبال کار و کسب خود بودند لزومی نداشت که مبارزه کنند و بعد بگوئیم شکست خوردند به هیچ عنوان نمی‌توان اینرا باور کرد برای اینکه اگر يك مسئله برای اینها مطرح بود این بود که من بلیغ‌ترین کلمات را برای شما آورده‌ام که تمام شعرای شما نمی‌توانند مانند آن بیاورند کافی بود آنها را برانگیزد چه رسد به اینکه به‌معتقدات و رسوم و خدایان اینها معارضه کند داعیه کافی برای تحریک درست شده بود مقداری جلو رفتند بعد عقب‌نشینی کردند. در سه آیه قرآن که مثل بمب در بین عرب صدا کرده بود همین مسئله یعنی دعوت عرب به مبارزه بود. بیائید من دست از دعوت و مبارزه خود برمیدارم از رسالتی که ادعا می‌کنم فقط به همین مطلب.

قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً. *«زمانه ما»*

بگو اگر جن و انس هم جمع شوند مثل این قرآن بیاورند نمی‌توانند پشت هم به پشت یکدیگر بدهند نمی‌توانند این ادعای پوشیده‌ای نبود. شعرهای شعرا را آوردند و بعد کنار بردند و مبارزه و دعوت پیش رفت و نتوانستند مثل قرآن بیاورند بعد در آیه خود:

ام یقولون افتراه می‌گویند چیزهائی از خودش گفت:

قل فاتوا بعشر سور مثله

شما هم ده سوره مانند این بیاورید شما هم افترا ببندید شما هم درستش کنید.

وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین

جز خدا همه را دعوت کنید اگر راست می‌گوئید در ادعاهایتان یعنی در انکارتان راست می‌گوئید چون انکار هم يك انکار راست است

و يك انكار دروغ است بعضی‌ها مطلبی را انكار می‌كنند ولی وجداناً باور دارند برای اینکه با مصلحتشان درست در نمی‌آید بعضی‌ها هم انكارشان صادقانه است والا ترسیدند به آن منکری که انكارش صادقانه نیست دعوت و رسالت اسلام با منافعتش تصادم دارد ولی وجداناً قبول دارد این آدم باید گفت آدمی منافق و انسانی دوجبه‌ای است وجدانش قبول دارد زبانش انكار می‌کند از این قبیل در روشنفکران زیاد داریم که وجداناً قبول دارند ولی برای مراد بودن جمع کردن منافات دارد از این جهت برای اسلام شروع به حاشیه‌زدن و ایرادگرفتن می‌کنند - قرآن هم در اینجا قید می‌کند: که اگر صادقید در این ادعا که می‌گوئید افتراست و باور کردید این افتراست باورتانرا به ده سوره مصلحه کنید. و نیاوردند نه مثل قرآن یعنی آنقدر آیاتی که آنوقت نازل شده بود نه ده سوره حتی سوره‌های کوچک قرآن بعد می‌بینیم در سوره بقره مصلحه می‌کند به يك سوره.

و ان كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله.

با توجه به اینکه بسورة من مثله یعنی همین سوره قرآن را برش اولی و الگو قرار بدهید، روی آن يك سوره درست کنید کلماتش را تغییر دهید که دنیای بلاغت عرب عرب‌بیابان فطری عرب بلیغ عرب شاعر بتواند بگوید نه اینها با هم تفاوتی ندارد بسورة من مثله و ادعوا شهدا **لكم من دون الله** باز در سه آیه تکرار می‌شود که نه تنها فرد فرد هر کسی که می‌خواهد باید گواه باشد كمك کار شما باشد و از مردم جزیره عرب و حواشی جزیره دعوت کنید و نخواهید **ان كنتم صادقین** اگر راست می‌گویید و واقعاً باور ندارید نه اینکه باور دارید و نمی‌خواهید باور کنید **وان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة** عجیب معتبری است آتشی که بین انسان است و ماده و بین انسان

و فقره که همه آتشهای انسانی، درونی اجتماع از همین‌جاست.

و ان لم تفعلوا ولن تفعلوا حالا که نتوانستید **ولن تفعلوا** برای

همیشه هم نمی‌توانید این کمال معجزه است برای آنکه در آن محیط و شرایط ممکن بود کسانی باشند که نتوانند ولی در مسیر تکامل انسانی و منطوق زبان، بلاغت از يك آینده دور چطور می‌تواند خبر دهد جز کسی که کمال اطمینان را دارد که نمی‌توانند بیاورند صدسال بعد دویست سال بعد ۱۴ قرن بعد که امروز است چه کسی آمده ادعا بکند از عربهای مسیحی از عربهای مادی ماتریالیستها که این قرآن يك کتاب

جعلی است و ادعای اعجازی کند و آوردیم همانطور که نشانه‌هایش را گفتیم تا حال هم نتوانستند. این پیش‌گوئی مسئله بسیار مهمی است که قرآن می‌گوید **وَلَنْ تَفْعَلُوا** هیچ وقت هم نخواهید توانست بنابراین عرب حاضر نشد بچه‌های خود را شکنجه دهد این عصیبت عرب نسبت به اولاد و خانواده و قبیله را نباید کم‌بها دانست ولی حاضر شد بچه‌اش را طرد کند در آغاز بعثت که مکه شده بود کانون شکنجه شکنجه‌اولاد قریش بدست قریش ولی حاضر نشد يك سوره که قرآن می‌گوید بیاورد. بعد هم که پیامبر اکرم هجرت کرد تمام جزیره عرب شد کانون جنگ مسلحانه چقدر اسیر و کشته دادند آبرویشان رفت ولی کجا توانستند مثل قرآن سوره‌ای بیاوردند - نیاوردند این پس مسلم.

و مسئله دیگر اینکه قرآن چه جور معجزه است و چرا معجزه است اینرا نه من می‌دانم و نه شما و نه همه کسانی که در قرآن بحث کرده‌اند از این جهت عده‌ای متکلمین گفته‌اند ما نمی‌دانیم سر قرآن چیست. سر قرآن صرفه است صرفه یعنی کلمات همان کلمات لغات همان لغات ولی خوب کامل‌تر و فشرده‌تر ترکیبات همان ترکیبات، اما اینکه نمی‌توانند بیاورند چرانی نمی‌توانند می‌گویند برای اینکه: چون خداوند اراده کرده که دینش پیش رود هر که خواسته مانند قرآن باورد ذهنش را منصرف و ناتوان کرده یعنی خدا ناتوان کرده طرف را که نتوانسته بیاورد و چون سرش را نفهمیده‌اند و فهمیدنی هم نیست از این جهت گفته‌اند: سرش همین است که خداوند ناتوان می‌کند طرف را هر کسی بخواهد قیام کند برای اینکه کلمات و آیاتی مانند قرآن بیاورد گرچه خودش هم انسان بلیغی باشد خداوند این توانائی را از او می‌گیرد بیچاره‌اش می‌کند. ولی من بنظرم با اینکه نمی‌توانیم سر این حقیقت را بیابیم و در عین حال هم می‌بینیم که آیات - انسان با وجدان پاك وقتی به آیات برمی‌خورد حیات می‌دهد همانطور که قرآن می‌گوید حیات بخش است این آیات اعجاز است. مسئله دیگری که ممکن است برای عده‌ای مطرح شود که بگویند این اعجاز برای همه دنیاست و اعجاز کلامی منحصر به عرب است - این جوابش این است که تنها مسئله اعجاز قرآن منحصر به عرب نیست.

و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين بشیراً و نذیراً للناس

همه مردم دنیا - حیاتی است زنده، قوانین است، قوانین انسانی و بشری - رهبری است برای همه مردم دنیا، ولی اعجاز آن در عربیت آن است یعنی اعجاز لغوی، کلامی ترکیبات جواب این اینست که اولاً

وقتی همه عرب خضوع کردند که اهل فن و زبان هستند قهراً دیگران هم باید تسلیم شوند، چون آنهایی که مخالف و معاند قریش و بعد از قریش مخالف دعوت و این گروه اسلام با او مخالفت داشتند و ایستادگی میکردند خود آنها عجزشان را اعلام کردند و دیگر مردم دیگر دنیا قهراً باید و مسئله هم منحصر به این نیست که اعجاز از جنبه لغت است - محتوا خیلی مهم است يك محتوای عالی است که در زبان و لغت نمودار شده و از این جهت می بینیم با اینکه قرآن ترجمه شده به زبانهای دیگر با توجه به اینکه هیچ ترجمه‌ای قرآن نیست با اینکه زبان فارسی نزدیکترین زبان به زبان عربی است و مخلوط با زبان عربی است وقتی من به آیاتی می‌رسم می‌خواهم ترجمه کنم عاجزم که بتوانم تا حدی يك کلمه را در چند جمله ترجمه کنم. باز عاجزم چه رسد به زبانهای اروپائی معذالك ما می بینیم محققین اروپا مردم آزاده اروپا متفکرین اروپا در مقابل قرآن تعظیم می‌کنند این دیگر مربوط به لغت و زبان نیست این مربوط به محتوا است کارلایل که قرآن را به زبان انگلیسی که اصلاً قرآن نیست خوانده سر تعظیم در مقابل عظمت قرآن پائین می‌آورد. تولستوی و دیگر متفکرین بزرگ مانند روسو متفکرین و قانون‌گذارها برای اینکه محتوای قرآن و قوانین قرآن معجزه است و متأسفانه ما می بینیم که هنوز خود مسلمانها به این حقیقت پی نبرده‌اند و می‌شنویم که بعضی از قانون‌دانها و حقوق‌دانهای خودمان هنوز تعالی قوانین اسلام را درک نکرده‌اند، با همه حسن‌نیتی که دارند باز هم زمزمه می‌کنند که: اسلام قانون دست‌بریدن دارد قانون حدزدن دارد و این مسئله‌ای است که سالها مورد بحث غریبها است برای اینکه اسلام را بکوبند کجایش را بچسبند هدایتش را آیاتش را پیش گوئیهایش را - آنچه که از نظام عالم و کون قرآن بیان کرده که الان دارد کشف می‌شود آنرا بکوبند فقط آنجا را می‌چسبند السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهم.

این زمزمه را گاهی روشنفکران ما می‌کنند و از اول انقلاب که شروع شد خبرگزاریها و مخبرین خارجی که آمدند که مسلماً قصدشان قربت نبود و شیطنت بود. سؤال دوم و سومشان این بود که: حالا که شما انقلاب اسلامی کرده‌اید می‌خواهید دست ببرید برای اینکه خدشه‌دار کنند به عقیده خودشان ولی همین هم اشتباه است و من بجای خود خواهم گفت که مترقی‌ترین قوانین برای جلوگیری از بزهکاریها و سرقتها

تجاوزات ناموسی همین است که قرآن می‌گوید. ولی در شرایط اجتماعی و اقتصادی اسلام در شرایط قسط و عدل اسلام می‌بینیم که دست بردن معنایش چیست و الان هم از همین راه تحریک می‌کنند که انقلاب اسلامی ارتجاع است برای اینکه دست بردن دارد - خوب دست بردن را بردارید بجایش چه بگذاریم فکرش را کرده‌اند. همین زندانها اگر بپیچاره‌ای از روی استیصال آمد فرش هزارتومنی را از خانه من برداشت و برد فروخت برای زن و بچه‌اش برای عائله‌اش به زندان بیندازیمش خرج زندان و زندانبان و غذا و آب و برق بعد هم پلیس دستگاه قضائی برای یکنفر که از روی بدبختی و گرسنگی فرش دزدیده این درست است؟ بعد هم زندان کجاست که امروز دنیا از آن عاجز می‌شود این نق‌زنهای ناپخته ما دارند حرفهای آنها را تکرار می‌کنند زندانها مرکز تعلیم بزهکاریها دزدیها چنانکه دیدیم جوانی که دزدی کرده بود ۲ سال زندان محکوم شد بعد از زندان دزد کامل شده اگر دوره دبستانی دزدی را دیده بود لیسانس می‌شد از زندان خارج می‌شد انواع دزدیها را یاد می‌گرفت - و همینطور تجاوزات دیگر. جای این چه چیز باید باشد؟ باید بزهکار تنبیه شود یا نشود بچه صورت و در چه شرایطی آنها بنظر مجتهد و مستنبه که شرایط زمان را باید در نظر بگیرد آیا این غیر از تحریکات عوامل استعمار در مقابل نهضت ما که مارك اسلام دارد و آنها هم از همین قرآن می‌ترسند که سالها هم ترسیده‌اند که آن‌همه روی آن انگشت می‌گذارند همین است آنها اگر ده‌هزار نفر از عوامل و مزدورانش را بکشند مسئله‌ای برایشان نیست مسئله این است که این نهضت پیش رود و این حرکت قرآنی این موجی که در دنیا آنطور توسعه پیدا کرد و بعد خاموشش کردند همه خطر و اصل درد اینجاست. وگرنه این ملتی که بپا خواست برای اقتصادش نبود ایمان به اسلام و نهضت اسلامی و عدل اسلامی بود به فکر عقیده و رهبری قاطع اسلامی بود.

حال عده‌ای آقایان آمده‌اند اینجا عده‌ای از کسانی که بر کنار بوده‌اند و سهمی هم داشتند یا نداشتند می‌خواهند همه چیز را در انحصار خود درآورند و عجیب از این حقوق‌دانهاست آقای حقوق‌دان تو که دفاع از مردم می‌کنی و وکیل و قاضی هستی می‌خواهی قضاوت کنی از روی چه ملاکی قضاوت می‌کنی غیر از همین قانون مدنی است این قانون مدنی از کجا آمده غیر از اینکه از ریشه‌های فقه اسلامی گرفته شده و جز این است که دنیا اینرا قبول دارد که مترقی‌ترین قوانین

است - و جز این است که اروپا بعد از انقلاب فرانسه يك قسمت از قوانین ارث، روابط، حدود و مسائل دیگر را از همین قانون مدنی ما گرفتند که می‌گویند: بعد از فتوحات ناپلئون یکی از مدارك تدوین قانون مدنی غرب همین شرایع محقق ما بوده که از ما گرفتند و در آن تغییراتی دادند.

من وقتی راجع به ارث مسائل حقوق زن و روابط زناشویی و خانوادگی مطالعه میکردم در حقوق بین‌الملل و حقوق اروپا دیدم تمام رگه‌ها و ریشه‌های قوانین اسلامی در آن است آیا این انصاف است. پس حکومت اسلام محیط اسلام و جامعه اسلام همین است یعنی هم قوانین عدل و قانون که هست و عجیب اینکه در لغات قرآن هم اشکال تراشی می‌کنند چرا مردم می‌گویند مستضعف و من عقیده‌ام اینست که خود لغات قرآن هم بالاترین لغات است و خیال می‌کند که مستضعف همان ضعیف است یا اینکه مستضعف که متن لغت قرآن است یعنی کسانی که به ضعف کشیده شدند نه فی‌نفسه ضعیف باشند. همان آقائی که می‌گوید ما مستضعف نیستیم اگر به‌خودش برسد می‌بیند چه قدر به ضعف کشیده شده و اگر زیر نظام طاغوتی نبود فکر و استعدادش بهتر کار میکرد و معنای مستضعف این نیست که تنها از شکمش سیر نمی‌شده مسکن نداشته. استعدادها ضعیف و منحرف کرده‌اند انسان وقتی چیزی را دارد و از دست می‌دهد برایش ناراحت می‌شود شما اگر هزار تومان موجودی جیب‌تان را دزد بزند مدتی ناراحت می‌شوید ولی از آنطرف طرف منفی آنرا فکر نمی‌کنید که اگر يك اجتماع سالم و زندگی مرفه‌ای بود هزارها تومان بیشتر از این شما بهره داشتید.

انسانی که استعدادهایش کشته شده در نظام طاغوتی این نمی‌تواند درك کند چه قدر چیز از دست داده اگر انسان دارای اولادی بوه و اولاد از دستش رفت غصه می‌خورد اما اگر دريك نظام اجتماعی سالم بود در اول جوانی زن می‌گرفت ممکن بود بیست اولاد داشت و آنها حسابش در دست نیست. اصل مسئله همین است که در نظام استضعافی استعدادها به ضعف کشیده و راکد می‌شود و دريك جهت حرکت می‌کند. روحیات، اخلاقیات، تا زندگی مادی و معنای استضعاف که فرعون قومش را مستضعف کرد معنایش این است که طوری در سیطره خود آورد که دچار ضعف شدند نه ضعیف بودند و این ضعف است که وقتی که بیک انتهای رسید تبدیل به يك انفجار می‌شود و یا همین کلمه طاغوت که لغت قرآن

است که سالها در کتابها بحث کردیم چه چیزی می‌توان جای آن گذاشت مستکبر، مستبد، دیکتاتور هیچ کدام معنای طاغوت را نمی‌رسانند. طاغوت آن است که از بستر نظام و سنن صحیح عالم همه‌چیز را منهدم کرده و در همه‌چیز طغیان کرده ممکن است کسی مستکبر باشد ولی طاغی نباشد مستبد باشد ولی طاغوت نباشد ولی طاغوت معنای جامعی است یعنی انسانی که بر همه‌چیز و بر همه شئون. آبی که طغیان میکند از بستر خود خارج می‌شود زراعت و باغها را خراب می‌کند اینرا می‌گویند (طفا) طاغوت هم مبالغه‌اش چه لغتی می‌توان جای آن گذاشت این معنای لغات قرآن است.

پدر طالقانی و «مسئله سعادت»

«... حضرت آیت‌الله طالقانی پس از آگاهی بر جزئیات جریان چه خطاب به دوتن از نمایندگان شورای انقلاب (که از دو ماه پیش همه جزئیات توطئه را در اختیار آنها گذاشته بودیم) در حضور خودما، و چه خطاب به نمایندگان سازمان فرمودند: جریان سعادت اصلاً جاسوسی نیست، بلکه بچه‌ها عجله‌کاری کرده‌اند...» هم‌چنین ایشان به طعنه افزودند: «نمیدانم چرا سال‌های سال است که در این کشور همیشه جاسوس روس می‌گیرند و یکبار نشنیدیم که جاسوس امریکائی بگیرند» از اعلامیه «مجاهدین خلق ایران مورخ ۵۸/۴/۹»

پیام مهم پدر طالقانی بملت ایران

حضرت آیت‌الله طالقانی دیشب از رادیو پیام مهمی خطاب به ملت ایران فرستاد.

متن پیام بشرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در این شرایط و اوضاعی که ملت ما می‌گذرانند و واقع شدیم مسائلی را احساس میکنم که جریان یافته که همه مردم آگاه، بیدار و رهبرهای بالیمان و صادق را رنج میدهد و این پیام، پیام خدا است پیام ما نیست بهمه مسلمانها. بارها در نوشته‌ها و در پیام‌ها تکرار شده باز هم تکرار میکنم. واعتصموا به حبل‌الله جميعاً ولا تفرقوا. این بانگ رسای وحی قرآن ما است. در شرائطی که مسلمانهای صدر اسلام می-

گذراند که بی‌شبهات به شرائط فعلی ما نبوده یعنی بعد از پیروزی اسلام و بعد از ضربه‌هایی که به پیکر شرک و کفر و بت‌ها خورده شد مشرکین از طریق مقاومت مسلحانه دیگر نمیتوانستند این حرکت ایمانی و انقلابی اسلام را سرکوب کنند و شروع کردند به نفوذ و رخنه در بین مسلمانها. مشرکین - اهل کتاب - منافقین یعنی جامعه توحیدی اسلام که در زیر سرپرستی شخصیت رسول اکرم (ص) بود از درون میخواستند متلاشی کنند و من الان می‌بینم که باز يك چنین دسائسی در کار است. ما همه ملت ایران اکثریت ملت ایران - ملت مسلمان و ملت توحید، توحید این نیست که فقط بزبان کلمه توحید را ادا کنیم و شهادت بدهیم، توحید در صف - توحید در قدرت - توحید در هدف - توحید در شعار - توحید در هر جهت و هر بعدی - مسئله توحید که در اسلام اینهمه اهمیت دارد نه فقط يك اندیشه و يك اعتقاد درونی است بلکه در سطح اجتماعی اسلامی توحید باید پیاده شود.

لااله الا الله نفی هر بت و بت‌تراشی و هرگونه بهر صورت بهر چهره‌ای که نمایان بشود و بعد حرکت بطرف مبدأ واحد که الا الله است.

ایجاد اختلاف نکنید

بنابر این مخالف توحید چیست شرک - تفرقه چیست شرک. گرایش به شرک. من از ملت مسلمان ایران بخصوص از طبقه جوان می‌خواهم برای رضای خدا، برای رضای رهبری اسلام، رهبری کشور که بارها مردم را دعوت بتوحید کردند. توحید قوا و از بین بردن اختلافها. همین روزنامه دیشب بود که خواندم که حضرت امام خمینی در ضمن خطابشان به بعضی از گروهها این تعبیر را کم و بیش کردند که حتی در مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد اختلاف نکنید. ما میدانیم که مسئله ولایت و ایمان بشخصیت و ولایت علی از اصول شیعه است. از مبانی شیعه است. ولی ایشان نظرشان اینست که همین‌ها را هم نباید اگر اختلاف‌انگیز باشد مطرح کنید. چه رسد باینکه مسلمانها در مقابل هم باشعار اسلام، با تلاوت آیات صف‌بندی کنند. تهمت بزنند. همدیگر را لجن‌مال کنند. اگر انحرافهای اخلاقی یا فرض کنید دینی در بین بعضی از گروهها باشد که با تهمت و افترا و با کوبیدن یکدیگر برطرف نخواهد شد. آیا نمیشود با تفاهم این جوانهای مسلمان، این گروههای اسلامی مشکلاتشان را حل کنند و نقائصشان را برطرف

نمایند اساساً کیست که يك مسلمان کامل باشد. کدام نمونه است مسلماً هرکسی يك نقصی، يك کسری و ضعیفی در آن هست. آیا این ضعف‌ها را باید با تهمت و افتراء و کوبیدن یکدیگر جبران کنیم. این غده‌های چرکینی است که در مملکت دارد پیش می‌آید. آگاهانه و ناآگاهانه. کسانی که منشاء این غده‌ها و منشاء این غده‌های چرکین میشوند بنظر من خیانت میکنند. چون میکرب از همین‌جا وارد میشود. دسائس بیگانگان که زیر پرده بشدت مشغول تحریک است از همین اختلافات و صف‌بندیها و موضع‌گیریها استفاده خواهد کرد و عاقبت این نهضت را بنظر می‌اندازد.

آیا ما نباید آینده‌نگر باشیم

دنایای اسلام و غیراسلام چشم باین نهضت دارد همین دیشب بود که یکی از نماینده‌های کشورهای اسلامی بامن ملاقاتی داشت در ضمن تبریک و اظهار خوشحالی از اینکه این نهضت در تمام کشورهای اسلامی تأثیر کرده و در کشور او هم تأثیر بسیاری دارد آن چند روزی که در تهران بوده و از نزدیک میدیده از من می‌پرسید که این اختلافات در بین مسلمانها چه است. چرا این اختلافات را دامن میزنند. او نگران بود. آیا ما نباید نگران باشیم. آیا ما نباید آینده‌نگر باشیم. آیا ما نباید خون شهادتی که اینهمه در این راه ریخته شده اینها را اجر به‌نهیم و این نهضت را با يك فکر - با یکدست و با يك هدف و با يك رهبری در مقابل اینهمه دسائس پیش ببریم. چرا اینقدر غافلیم. چرا مسائل قبل از انقلاب و سقوط رژیم را داریم در این مرحله از زمان و شرایط محیطی که هستیم داریم میکشانیم.

عقده - چند دسته‌گی‌هایی که در ایران، در خارج ایران، در داخل زندان، بین گروههای مسلمان بود و شیاطین و خناس‌های سازمان امنیت داشتند میدیدند و اینها را بیشتر از هم جدا میکردند و مهمترین کار این دستگاه شیطانی در داخل زندان بود حالا که بیرون آمدند هم آزاد شدند و محیط بازی قرار گرفتند آیا آن مسائل را ما بکشانیم به‌وضع امروز و شرائطی که در آن هستیم. اگر مردمی که معتقد بیک مبداء، يك کتاب، يك رسالت، يك قبله نیستند این اختلافات را داشته باشند حقشان است. چون يك جهت مشترکی ندارند. هدف واحدی ندارند اما ما مسلمانها چرا باید با داشتن يك کتاب، يك قبله تهمت بزنیم، نفی کنیم.

آیا این آیه قرآن را نخواندند و نمی‌خوانند ولاتلقوا لمن لغا علیکم السلام لسته مؤمنّا کسیکه سلام اسلامی کرد نفی‌اش نکنید جذبش کنید. اینقدر در خلال درون افکار او نپیچید که از او یک حرف و یک لغزش ببینید و طردش کنید. والا اگر ما بخواهیم همه را طرد کنیم دیگر چه کسی باقی میماند.

در آن روزهای آخر رسالت رسول خدا بود خطبه‌ای که در حجة‌الوداع فرمود. در ضمن میفرمود که ولا ترجعوا بعدی من بعدی کفاراً یضربوا بعضکم و بعضاً. بعد از من کافر نشوید کافر نشدن معنایش این نیست که کافر شدن و نگرانی پیامبر خدا این نبود که منکر وحی و نبوت بشوند. بعد خودش توضیح میدهد می‌فرماید اگر مقابل هم ایستادید. گردن همدیگر را زدید. اختلاف ایجاد کردید، این همان کفر و شرک است که در میان جامعه توحیدی سر بیرون آورده است.

از موضع‌گیری پرهیزید

من به‌فرزند نام به‌عزیزانم بهمه اینها که دوستشان میدارم و بهمه علاقمندم و بهمه با نظر محبت و علاقه مینگریم به‌هیچ جناح و به هیچ گروهی هم وابسته نیستم و نخواهم بود و همه را یکسان می‌بینم. آنهایی که با صداقت و با صفا و با خلوص نیت دارند این انقلاب را پیش می‌برند و موانع را برمی‌دارند بهمه می‌گویم پرهیزند از اختلاف، از موضع‌گیری پرهیزید، از اینکه دشمن را خوشحال کنید. در این درگیری‌هایی که این چند روز بود همانقدر که ما متأثر بودیم دشمن لبخند میزد. از خوب جاهاتی شروع کرده‌است. من نمی‌خواهم اینها را متهم کنم که عامل خارجی هستند نعوذ بالله ولی در زیر پرده من یقین دارم که عواملی کار میکنند.

هرجائی که یک گروهی متحصن شدند ما دیدیم که از زیر و بدون توجه دسائس بکار افتاده‌است. دسائس چپ و راست. برای اینکه مسائل را بزرگ کند. این چند روزه همانطور که ملاحظه کردید یکی از کارهای دوستان ما این بود که این تحصن‌ها را با تفاهم بشکنند چون خود اینها یک غده چرکی است که دشمن میتواند استفاده کند.

چهره اسلام را خراب نکنید

من انتظار دارم همانطوریکه رهبر انقلاب و همه کسانی که دردمندند و نگرانند و باخون شهدا من اینها را سوگند میدهم که از این موضع‌گیریها دست بردارند. و از رهبری گروهها انتظار دارم که برای گروه‌پرستی و برای خودنمایی این نهضت عظیم و چهره اسلام را خراب نکنند. چون عموماً مریدها مخلص‌ترند و این مرادها هستند که اکثراً دنبال مرید می‌گردند و دنبال گروه می‌گردند، یک مردم و یک جامعه اسلامی، یک شعار و یک توحید و یک قرآن آخر اینهمه گروه، که هر روز هم یک گروه جدیدی دریت میشود. مرام‌شان غیر از اسلام است غیر از پیاده کردن دستورات قرآن است. پیاده کردن دستورات سنت رسول خدا وائمه و بزرگان ما است. پس اختلاف دیگر برای چیست. غیر از اینکه انسان شبیه میکند. این گروه‌بندیها - خودخواهی‌ها است و بروز طاغوت چه‌ها است. بعد از انهدام طاغوت بزرگ و این مربوط به هوشیاری و آگاهی مردم است که نگذارند فرصت طلب‌ها - قدرت طلب‌ها - خودخواه‌ها - خودبین‌ها از این نهضت سوء استفاده کنند. پیام من بهمه برادرانم - خواهرانم - فرزندانم همین است که با هوشیاری و آگاهی متوجه دسائس و تحریکات باشند. و سلام و درود من بر همه مسلمانها و بر همه شهدا و بر همه کسانی که با اخلاص و صمیمیت این نهضت را پیش بردند و تا باینجا رساندند. والسلام علیکم ورحمة الله.

کیهان ۱۶ تیر ۵۸

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

به‌تحصن و تظاهرات و راه‌پیمایی پایان دهید اطلاعیه دفتر آیت‌الله طالقانی

بسمه تعالی - واعتمسوا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا.
در شرایطی که جامعه ما بیش از گذشته ایجاب میکند که در مقابل مبارزه با استثمار و عوامل بازمانده نظام استبدادی سابق وحدت کلمه خود را حفظ نموده و این خواست همه مسلمانان آگاه جامعه و بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی است که مکرراً چه در سخنرانی‌ها و چه در مصاحبه‌های معظم‌له لزوم این وحدت کلمه را توصیه و تأکید فرموده‌اند بر همه واجب است که باین مسأله مهم وحدت، در شرایط

کنونی توجه کامل داشته باشند، تا بهانه‌ای بدست مخالفین و فرصت طلبان بخصوص عوامل امپریالیسم و صهیونیسم که میخواهند از هروسيله‌ای سوم استفاده نمایند، ندهند و راه نفوذ آنها را در جامعه اسلامی ما به بندند در پی پیش آمدهای چندروز اخیر و بمنظور جلوگیری از هرگونه تشنج و تحریکاتی که دشمنان انقلاب از آن بهره برداری میکنند چند نفر از این دفتر با پیام حضرت آیت الله طالقانی بمحله تحصن خانواده شهدا اعزام گردیدند تا از مادران و خانواده‌های شهدا که سرمایه‌های اسلام و همه ملت ایران هستند خواسته شود که به تحصن خود پایان دهند و نیز از کسانی که در جریانات اخیر دست به تظاهرات زده اند بخواهند که از تظاهرات و راه پیمایی خودداری نمایند تا دادستان کل انقلاب اسلامی با بی نظری کامل و وسعت نظر و بدون اینکه تحت تاثیر گروهی قرار گیرد پرونده مورد بحث را از هرجهت مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه را با اطلاع عموم برساند.

دفتر آیت الله طالقانی

کیهان ۱۶ تیر ۵۸

اطلاعیه دفتر آیت الله طالقانی

بسمه تعالی - در مورد مطلب مندرج در روزنامه بامداد مورخ پنجشنبه ۱۴ تیرماه تحت عنوان مذاکرات هیأت سرپرستی کانون پرورش فکری و نمایندگان متحصنین به نتیجه رسید بدینوسیله موارد تحریفی مطالب بشرح ذیل تصحیح میشود:

۱- موضوع مذاکرات با حضور نمایندگان دفتر آیت الله طالقانی صورت گرفته نه در حضور آیت الله طالقانی.

۲- اعلامیه صادره از طرف جمیع نمایندگان متحصنین سرپرستی و نمایندگان دفتر بوده است.

۳- باید آیه امرهم شورا بینهم در ابتدای بند ۵ اضافه گردد. در ضمن به رسانه‌های گروهی متذکر میشود که قبل از درج اخبار مربوط به این دفتر برای اطمینان از صحت خبر با دفتر تماس حاصل نمایند.

دفتر آیت الله طالقانی

کیهان ۱۶ تیر ۵۸

پیام پدر طالقانی به ملت ایران به مناسبت ۳۰ تیر

بسم الله الرحمن الرحيم ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم
و اصبروا ان الله مع الصابرين.

مردم مسلمان و شرافتمند ایران، فرزندان عزیزم در سالروز قیام تاریخی ملت ایران در سیام تیر ۱۳۳۱ علیه دسیسه‌های دربار و استعمار و در شرایطی که انقلاب اسلامی ما با مخاطرات و تهدیدهای بسیاری از جانب دشمنان استعمارگر مواجه است و ملت مستضعف جهان چشم امید به انقلاب ایران دوخته، نگران سرنوشت آن هستند و با توجه به تأکیدات مکرر رهبری انقلاب، امام خمینی که ملت مسلمان را از هرگونه تفرقه و نفاق پرهیز داده‌اند از شما مردم مبارز انتظار دارم از این فرصت تاریخی برای تحکیم وحدت ملت در مبارزه علیه استبداد استعمار و استثمار استفاده کنید.

چنانکه شواهد تاریخی از جمله قیام سیام تیر و انقلاب اسلامی ما نشان می‌دهد رمز پیروزی در اتحاد همه اقشار ملت است. عاملی که در آن روز توطئه بزرگترین امپراتوری استعمارگر علیه نهضت ملی ایران و رهبری مرحوم دکتر محمد مصدق را درهم شکست و در انقلاب اخیر سلطنت کثیف پهلوی و قدرت طاغوتی امریکا را بزانو درآورد. اگر وحدت ما همچنان باقی بماند مشکلات و موانع را پشت سر گذاشته به پیروزیهای بزرگتری نائل خواهیم شد.

بهمین جهت از همه برادران و خواهران و فرزندان عزیزم تقاضا می‌کنم با پرهیز از هر نوع تظاهرات و تبلیغات که در جهت گروه و جمعیت خاصی باشد و به اساس وحدت ملی لطمه بزند بدعوتی که از طرف حضرت آیت الله زنجانی برای اجتماع در میدان بهارستان بعمل آمده پاسخ مثبت دهیم. و مانند آنچه که در راه پیمائی وحدت سه شنبه گذشته نمونه دیگری از رشد فکری و وحدت طلبی را ارائه دهیم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

سید محمود طالقانی

۲۴ شعبان ۱۳۹۹

سخنرانی پدر طالقانی به مناسبت ۳۰ تیر در میدان بهارستان

خواهران، برادران، فرزندان عزیز، امروز روز تاریخی بزرگی است. روز تنبه و آگاهی از تجارب گذشته است، برای حرکت بسوی آینده، برای به ثمر رساندن يك انقلاب عظیم اسلامی. معمولاً رسم است که در مجالس سوگواری و فاتحه خوانی یا مجالسی که برای یادبود خاطره شهدا و درگذشتگان تشکیل می شود، آیاتی از قرآن مجید تلاوت می شود و این سنت مانند دیگر سنن که به نام اسلام و در میان مسلمین معمول است از اصل و بنای خود تغییر کرده و بعبارت دیگر در مجالسی که برای بعضی کسانی که وفات یافته اند، تشکیل می دهند. آیاتی می خوانند یا برای تذکار و ثواب درگذشتگان منتها اکثر آیاتی که در این قبیل مجالس تلاوت می شود، آیاتی است غیرمتناسب با وضعیت شخص درگذشته. انسانی که سراپا آلوده به گناه، فحشاء، شرابخواری، قماربازی و نظایر آن بوده، در مجلس یادبود یا فاتحه اش آیاتی در مورد نهی از فحشاء و نهی از قمار می خوانند، اگر معتقد باشیم که بعد از این زندگی، حیاتی هست و مرگی نیست، بعد از تخلیه از این بدن با این آیات روح درگذشته را بیشتر زجر می دهیم و عذابش را بیشتر می کنیم. یا برای کسی که ثروت هائی از راه مشروع یا نامشروع اندوخته و پول هائی را در بانکها گذاشته اند آنهائی که گنجینه می اندوزند، و طلا و نقره جمع می کنند و انفاق در راه مردم و حرکت اقتصادی آنان نمی کنند، برآنان بشارت ده عذابى دردناك را. خواهران و برادران، آیا به نظر شما خواندن آیاتی نامتناسب با وضعیت اشخاصی که درگذشته اند بار گناهان و عذاب او را بیشتر نمی کند؟ در آغاز این مجلس با شکوه هم آیاتی از قرآن قرائت شد و اکنون منم می خواهم به مناسبت این روز و تذکار شهدایی که در این روز تاریخی جانشان را نثار آزادی و استقلال مملکت کردند، آیاتی بخوانم.

آیت الله طالقانی، پس از قرائت آیاتی از قرآن مجید در قسمت دیگری از سخنان خود گفت:

مردمی که از هم جدا شدند و از حرکت واحد توحیدی خود فاصله گرفتند و وحدت واحده را بسوئی دیگر کشاندند. این قبیل مردمان در تاریخ جز ننگ و رسوائی برای خود چیزی باقی نمی گذارند. روز

تاریخی سیام تیر چرا بوجود آمد و چه شد؟ در همین محوطه‌ای که شما عزیزان نشسته‌اید، ۲۷ سال قبل چه حادثه‌ای پیش آمد؟ استعمار خارجی و استبداد داخلی در مقابل حکومت ملی و مردمی و در مقابل حرکت همه مردم و خلق ایران دسیسه کرد، ولی شیطان همیشه کور می‌خواند. اگر بجای «قوام» مهره دیگری را عرضه می‌کردند، شاید چند روزی دوام داشت ولی این مهره خودخواه و خودفروخته و شناخته شده را به میدان فرستادند و با همه آن تهدیدها و رجز خوانیها و عربده‌جوئی‌ها و تهدید به کشتار و قتل همه مردم، دیدیم که فقط چهل و چند ساعت بیشتر دوام نیاورد. چرا چنین شد؟ این بواسطه وحدت و اتحاد تمامی مردم بود.

در مقابل يك عنصر مزدور با تمام قوای نظامی که پشت سرش بودند و استعمار قهار انگلیس از آن حمایت می‌کرد، دیدیم که در مقابل دستان خالی شما مردمان، وحدت جبهه ملی در همین محل و پشت همین میله‌ها، وحدت مردم، وحدت روحانیت، رهبری روحانیت، این عنصر و این مهره مهم را که برنامه‌هایی داشت و برای از میان بردن حرکت انقلابی مردم ایران که خاورمیانه را هم به حرکت درآورده بود، برگرداند و به شکست بکشاند، به چه سرنوشتی دچار شد. چه خاطراتی، چه روزگاری، از یکسو استحکام و همبستگی مردم، از یکسو اقلیت جبهه ملی و همبستگی و اتحاد و اتفاق آنان و از یکسو رهبری مذهبی توسط آیت‌الله کاشانی با آن مصاحبه‌ای که کرد، با آن تهدیدی که انجام داد، فرمان حرکت دوباره مردم را صادر کرد و در نتیجه این عنصر خودفروخته و شناخته شده از بین رفت. مهمترین پیروزی که برای ملت ایران بوجود آمد، همین بود. این عمل دنیا را به‌عجب واداشت. پس از آن دیوان بین‌المللی «لاها» و همینطور مسایل دیگر. این تجربه‌ای بود هم برای ما ملت و هم برای دشمنان ما. این تجربه وحدت برای ما ملت همین بود که توانستند مردمی با دست خالی به میدان بهارستان و خیابانها بریزند. جنازه پشت جنازه، از بچه ۹ ساله تا پیرمرد ۶۰-۷۰ ساله، جلو این مجلس. فریاد گریه و کلاهی ملی، پرخاشهای آنان. ولی برای دشمن هم تجربه بود. از آن طرف کوشیدند تا این وحدت را تبدیل به تفرقه کنند. ملت قطعه قطعه شدند. هر کدام يك زمزمه‌ای را برای ملت آوردند. نتیجه‌اش يك سال بیشتر نکشید که کودتای ۲۸ مرداد

آغاز شد. درباره این روز تاریخی همه می‌دانیم و شنیده‌ایم، روزنامه‌ها نوشتند، سخنرانها گفتند. ولی مهمتر از همه تجربه تاریخی است. عبرت تاریخی است. عبرتی که برای شما اکثر نسل جوان که در آن روزها یا در دنیا نبودید یا طفل بودید. امروز ما در چنین مرحله تاریخی هستیم. باز آن وحدت و آن یکپارچگی و اتحاد و مشتهای گره‌کرده‌ای که بسوی دربار جبار حرکت می‌کرد گمان کردیم که کار تمام شده، باز انشعاب، هرروز يك حزب، هرروز يك ندا و يك زمزمه، ما چه می‌خواهیم، چه می‌گوئیم، چه هدفی داریم؛ اهداف احزاب و جمعیت‌ها ما چیست، چرا باید مقابل هم قرار بگیریم. این مقابله‌ها و موضع‌گیریها هرچند با احسن‌نیت باشد ولی پشت سر آن دست‌استعمار پا می‌گذارد، همان‌طوری‌که چندی قبل موضع‌گیری‌هایی که در مقابل هم قرار گرفتند سبب شد که دشمنان ما دشمنان زخم خورده ما، به‌توطئه مشغول شدند. ما چه می‌خواهیم. چه می‌گوئیم. آیا غیر از عدالت اجتماعی، آیا غیر از آزادی و کوتاه شدن دست عوامل استعمار و استثمار؛ مگر این مسائل در قرآن ما و اسلام ما نیست. ما نمی‌خواهیم بدانیم که هست و اسلامی که می‌شناسیم و اسلامی که از متن قرآن سرچشمه گرفته و سنت پیغمبر هیچگونه آزادی را محدود نمی‌کند. هر جمعیتی که بخواهد آزادی مردم را در انتقاد و بحث محدود کند این اسلام را نشناخته، هر جمعیتی که نخواهد استبداد، استعمار و استثمار ریشه‌کن بشود اسلام را نشناخته. گروه‌ها و جمعیت‌ها چه می‌خواهند، چه می‌گویند، غیر از قسط، غیر از آزادی؟ تا آن حد آزادی که مسیر این انقلاب که دنیا آن را انقلاب اسلامی شناخته و مربوط به يك مکتب و يك گروهی هم نیست. توده‌های مردم رهبری قاطع اسلامی را پذیرفته‌اند. حالا نمی‌خواهیم باور کنیم ولی دنیا میداند این يك پدیده جدید است.

نماینده‌هایی از کشورهای اسلامی می‌آیند همه يك زبان می‌گویند مکتب‌های غیراسلامی در کشورهای اسلامی کمرنگ شده. قومیت‌ها و ملیت‌ها در توده‌های جوان و کشورهای اسلامی کم اثر شده. همه متوجه يك انقلاب اسلامی هستند. چرا گروه‌های ما نمی‌خواهند باور کنند. چه مسئله‌ای است که ما باید در مقابل هم قرار بگیریم.

آیت‌الله طالقانی در قسمت دیگری از سخنان خود پس از تشریح مفهوم و فلسفه قسط گفت: در تمام کشورها استعمار هست ولی

فرق میکند بعضی از کشورها استثمارگر دولت‌ها هستند و در بعضی از کشورها گروه‌ها هستند. ما يك شعار داریم، نفی استعمار و استبداد، شما برادران و فرزندان غیر از این که اساس حرکت اجتماعی و اساس انقلاب ما است حرف دیگری هم دارید پس چرا در مقابل هم موضع‌گیری میکنید؟

برادرها، فرزندان، مسلمانان، اسلام دارای سعه صدر است، اسلام با تنگ‌نظری درست در نمی‌آید. بنابراین ما هم تازمانی که افراد و گروه‌ها در خلاف مسیر انقلاب اسلامی ما حرکت نکنند، حق نداریم به آنها اهانت کنیم. وحدت را باید حفظ کنیم. هر روز در سرحدات ما يك غائله بوجود می‌آید، مردم باید سرحدات را حفظ کنند. چرا باید ارتش برود. همین تفرقه‌ها سبب میشود. هر روز رادیو و روزنامه‌ها خبر از برادرکشی دارد. چرا برادرکشی، برادر کرد، برادر عرب، برادر بلوچ مگر غیر از آزادی، غیر از آبادی و قسط مطلوب دیگری دارید. اگر در سایه اسلام و قرآن تأمین نشود بچه صورتی میتوانی تعیین کنی در سایه چه کشوری می‌خواهی تأمین کنی. قسط یعنی حق هرکسی را به او دادن که حق اقتصادی هرکسی بهره‌کار هرکسی است، اگر ما حرکتمان حرکت انقلابی باشد يك وزیر يك مدیر کل همانقدر احساس دارد که فردی که بهتر از او کار میکند.

اگر به قسط و رهبری اسلام و قرآن معتقدیم هرکسی بجای خودش هرکسی به حق خودش. آیت‌الله طالقانی و زمانه ما»
آیت‌الله طالقانی در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت:

رهبری و شخصیت رهبر، بقدری قاطع و دارای ایمان و حسن نیت است که کمتر میتوانید شما رهبری مثل آیت‌الله خمینی پیدا کنید. گروه‌هایی گله می‌کنند که ما راه نداریم. بی‌خود گله می‌کنند. يك گوش شنوا همانطور که در عصر پیغمبر بود حرف‌ها را میشنوند و بعد آنچه که صحیح است و قابل اجرا دستور میدهد. من گاهی که به قم سفر می‌کنم فقط برای يك مسئله مهم سیاسی، روزنامه‌ها جنجال می‌کند و تیتراهای درشت می‌زنند. بلکه تبادل نظر است. من هروقت احساس یأس می‌کنم از چنین رهبری قاطعیت توکل و خلوص نیت می‌بینم. اگر قدردانی نکنیم، در اثر این کفران نعمت خداوند ما را دچار عذاب خواهد کرد. آنچه برای ما و رهبری ما از رسول خدا و صدر اول این چهره

آلوده شد، اسلام از دربارها وابستگان دربار صادر شد.
آن مدینه فاضله که در یثرب تشکیل شد غیر از این اسلام است
که امروز در کشورهای اسلامی است.

آیت الله طالقانی در پایان، ملت مسلمان ایران را به این نکته توجه
داد که بیائید با این سه شعار نفی استعمار و عوامل استعمار - نفی
استبداد به هر صورت و نفی استثمار و بهره کشی فرد از فرد به راه اسلام
واقعی گام برداریم.

جمعیت پرستی ها خود پرستی ها را کنار بگذاریم تا دچار وعده های
قرآن به خودخواهان و تفرقه اندازان نشویم. و يك وقت متوجه شویم که
همه چیز را از دست داده ایم. آنها که علیه مصالح مردم و ایرانیان
عربده می کنند کجا بودند آن احزابی که کارشکنی کردند در مقابل آن
حرکت بزرگ ما چطور میتوانند ننگ تاریخی را از چهره شان بزدایند؟
همه ما مردنی هستیم، کاری کنید در این مقطع نگویند فلان حزب
خیانت کرد و انقلاب را منحرف کرد، عمر ما در مقابل عمر تاریخ چیزی
نیست باید خدا و وجدان را در نظر داشته باشیم.

نقل از: مجله «سروش» شماره ۱۳

خطبه اولین نماز جمعه پدر طالقانی

(جمعه ۵ مرداد ۱۳۵۸)

بسم الله الرحمن الرحيم: الحمد لله رب العالمين، الحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله. الحمد لله الذي. نصر عبده
واعزه جنده و غلب الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد. يحيى و يميت
و يميت و يحيى و هوحى لا يموت بيده الخير. و هو على كل شى قدير،
اللهم صل وسلم و بارك و ترحم على جميع انبيائك و رسلك و ملائكتك -
المقربين و الشهداء و الصديقين، سيما على رسولك الذي ارسلته بالهدى
و دين الحق وليظهره على الدين كله و لو كره المشركون و لو كره الكافرون
و صل على آله و اصحابه المنتجبين الى يوم الدين.

درود ما، صلوات ما، بر همه انبيا و مرسلين و گشایندگان راه حق
توحید و بر همه شهدای راه حق بخصوص خاتم انبیاء آنکه اورا براستی
و دین حق و هدایت ارسال داشت تا این دین را بر همه ادیان برتری

بنشد گرچه مشرکان نخواهند گرچه کافران نپسندند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. یا ایها الذین آمنوا اذنودی الصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله ذروا البیع این آیه دستور اجتماع توحیدی و عظیم جمعه است همین اجتماعی که سالها در متن ما مسلمانان ایران بصورت نیمه تعطیل درآمد و امروز طلّیعه انجام این فریضه بزرگ الهی و این صف بزرگ توحید و جهاد است. همان روزی که پیامبر ما، رهبر عظیم الشان ما، هادی بشر، نجات‌دهنده از شرك و کفر و الحاد رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت فرمود در جنوب شهر یثرب که هنوز بنام مدینه الرسول نامگذاری نشده بود چند روزی در همین محل مسجد قبا۱ فعلی توقف نمود و پس از آن روز جمعه‌ای بود که حرکت کرد از مسجد قبا بطرف مدینه یعنی اولین حرکت تأسیس اجتماع توحیدی، اجتماع خدائی، اجتماع قسط و عدل الهی در دنیای شرك و کفر و ظلم و ظلمتها در میان راه بین مسجد قبا و مدینه اولین نماز جمعه را اقامه فرمود یعنی اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه قسط، صف جهاد، نماز جمعه مظهر کاملی است از صف توحیدی ملت اسلام و درعین حال آگاهی، تنبه، هوشیاری، افشا کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانها به وظایف و مسئولیتهایی که لااقل در مدت یکم هفته در پیش دارد. نماز، نماز جمعه، صف عبادت، صف حق-پرستی، صف روابط قلوب و وجدانهای بیدار خداپرستان و در عین حال صف نظام، صف جنگ، صف فرماندهی و فرمانبری. از این جهت برای امام جمعه شرایط خاصی قائلند که هم بتواند فرماندهی کند هم بتواند آگاهی بدهد و از حوادثی که در پیرامون کشورهای اسلامی جامعه مسلمین از دسیسه‌های زیرپرده مسلمانان را آگاه کند. آن صف مختصری که در بیابانهای مدینه در ابتدای هجرت و در آغاز تأسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی تأسیس شد. این صف گسترش پیدا کرد، ادامه یافت، شرق و غرب دنیا را این صف فرا گرفت همانطوری که من در مصاحبه شب گذشته تذکر دادم فلسفه تعطیل شدن یا نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان ما مسلمانان ما شیعیان همین است که صف نماز جمعه، یک صف عبادت و سیاست و اجتماع اسلامی است و باید رهبری رهبرهایی که از مردم و از طرف خدا منتخب شده‌اند تشکیل بشود و نماینده چنین رهبرهایی الهی باشد ولی بعد از اینکه اسلام و موازین و احکام اسلام بصورت‌هایی دیگر و انحرافی درآمد صف جمعه وابسته

به صف طاغوتها شد شیعه در اقامه این جماعت و اقامه این اجتماع توقف کرد ولی امروز که طاغوتها و طاغوتیان و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری رهبری الهی است امامت است، عدل است، قسط است باید ما و همه برادران ما در شهرها و قصبات و اطراف کشور همانطوری که امام خمینی خواستند این صف را تشکیل بدهند یعنی این صفی که اکنون در يك گوشه تهران با نبودن وسایل با پیش‌بینی نکردن جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همه کشور شیعه و کشور اسلامی، و با همه برادران سنی و شیعه، ما باید ارتباطمان را محکم کنیم و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در فقه ما بیان شده است اقامه کنند این صفی است که نه تنها در داخل مرزهای ایران، بهم باید پیوسته بشود. این حلقه‌ای است که سست شده بود یا قطع شده بود با دیگر کشورهای اسلامی باید پیوسته بشود. این چه قدرتی است، این چه عظمتی است آیا هیچ قدرتی در دنیا میتواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهران در این ماه مبارك رمضان زبانهای تشنه و شکمهای گرسنه با نبودن وسائل و جا چندین ساعت به انتظار نماز جمعه یعنی اقامه حق، اقامه عدل، اقامه قسط نشستید. این فرمان روزه فرمان ایمانی است کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری غیر از رهبرهای اسلامی چنین فرمانی و چنین اطاعتی را میتوانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند. با همه کارشکنی‌های استعمار، استبدادهای داخلی، این صف از همان وقتی که رسول خدا اقامه کرد، تا امروز برپاست. صفی که امروز نشسته‌اید، بطرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال افریقا و اواسط افریقا این صف شما متصل است، مسلمانها شما قوی‌ترین امت دنیا هستید، چون متکی به حق و يك صف هستید.

کدام کشور، کدام بلوک، کدام مکتب دارای چنین صفی است از طرف شرق بروید پاکستان، افغانستان، هندوستان، اندونزی، این صف متصل است چشم به هم بگذارید و چشم دید باطن خود را باز کنید می‌بینید که صف قوی که ما داریم چنین صفی را با پول، با رشوه، با فریب نمی‌توان فراهم کرد جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی همین صف است که دشمنان ما را مرعوب می‌کند همین است که دشمنان زخم‌خورده ما را برای این که این صف را قطع کند و متلاشی کند و مسلمانانی را که در بهترین سرزمین‌ها و بالای منابع عظیم ثروت

های مادی و معنوی، عرفانی، هشیاری عالیترین فلسفه انسانی و حیات را دربر دارند آنها از همین نگرانند عوامل آنها هم که هر روز بهانه- جوئی می کنند از همین نگرانند که اگر این صف محکم شد، گسترده تر شد، پیوسته تر شد، دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرق و مکتب های دیگر نمی گذارد. این صف عظیم توحید است، صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است. دشمنان دسیسه کنند اگر چند روزی هم تعطیل کنند همانطوری که ۱۴ قرن است تعطیل نشد نخواهد تعطیل شد. همین دسیسه های احمقانه در اطراف کشور ما چه می کنند چه می خواهند چرا برادرکشی راه می اندازند برای این که این صف را متلاشی کنند برای این که این وحدت را از میان بردارند وحدتی که از درون دلها و وجدانها سرچشمه گرفته وحدتی که با رهبری های قاطع اسلامی بحرکت درآمده دنیا را نگران کرده آمریکا، امپریالیست اروپا، صهیونیسم، همه یوحشت افتاده اند با کارهای احمقانه ای که در سرحدات ما براه می اندازند گمان می کنند این صف را متلاشی می کنند جز رسوائی برای خود نمی گذارند. جنگ ایجاد می کند مگر ما کم سپاه داریم سپاه ما مخصوص به برادران ارتش ما نیست زن و مرد، کوچک و بزرگ، سپاه اسلام است و پاسدار اسلام است (جمعیت: صحیح است) آیت الله طالقانی توضیح دادند: (خطبه نماز جمعه چون نماز است از شمار دادن برای این که اختلالی در نماز پیش نیاید خودداری کنید).

استعمار بیاید جلو، قشونش را بیاورد جلو. حالا که از پشت پرده می آید، آشکار بیاید یا همه ما باید بمیریم یا استعمار را در تمام دنیا دفع خواهیم کرد.

اگر بجای خود نشینند من پیر مرد، من ضعیف، من مریض مسلسل بدست می گیرم پشت تانک می نشینم، امام خمینی هم پشت تانک می- نشیند، بچه های کوچک ما زنهای ما، خواهران ما. با که می خواهند بجنکند؟ چرا اخلاص می کنند؟ مسئله دیگری که جریان روز است مسئله انتخاب مجلس خبرگان است ما نمی خواهیم بگوئیم این مجلس بی عیب و نقص است به هر صورت باشد مسلماً یک مجلس کامل و تامی نخواهد بود کسی ادعا نمی کند اگر بصورت انتخابات بیشتر و گسترده تر و افراد بیشتری هم باشند باز هم آنهاست که نقایص دارند میزنند یک عده حرفشان، گروهشان منفی بافی است. کار مثبتی که ندارند هی ایراد گرفتن، ایراد داریم، فقط با ایراد گرفتن اینجا همچین شده آنجا همچین شده

البته باید همه مردم و همه اقشار همه گروه‌ها باید شرکت کنند آزادند در شرکت کردن من تعجب میکنم بعضی گروه‌ها میگویند آزادی نیست پس معلوم میشه مفهوم آزادی هم مفهوم خاصی است که فقط مثل مفهوم قشر، طبقه و دیگر لغت‌ها عده خاصی می‌فهمند کسی مانع شده از این که کسی رأی بدهد؟ کاندیدی بدهد؟ ما این طرف مسئله را بررسی میکنیم. البته همان طوری که همه برادران، فرزندان، خواهران می‌دانند من همیشه سعی کرده‌ام تا از میزان حق و عدل درباره هرکسی منحرف نشوم. و این آیه شریفه همیشه در مقابل چشم من است که: یا ایهاالذین امنوا کونواقوامین بالله شهداء بالقسط و لایجر منکم شنئان قوم ان لاتعبدون. قسط را اقامه بدارید، برای خداگواهی بدهید اگر کدورت‌ها، کینه‌ها، نسبت به کسی دارید مانع از آن نشود که قضاوت به حق کنید حق را رعایت کنید. ولایجر منکم شنئان قوم ان لاتعبدون اعدلوا هو اقربوا للتعوی. عدالت است که نزدیک تقوی است ما این طرف مسئله را بررسی می‌کنیم که عده‌ای مدعی هستند، آزادی نیست گاهی یک درگیری‌های موضعی، یک چند نفر اشخاص ناآگاه و یا غیرمسئول یک عملی انجام می‌دهند، و در این روزنامه‌ها ببینید چه جار و جنجالی می‌کنند. چه هوچی‌گری‌ها می‌کنند که آزادی نیست؟ آیا کسی جلوی کسی را گرفته؟ سلب آزادی بوسیله پول، ارتش، قدرت است این مردم هستند، همین خلقی که عده‌ای طرفدارانشان هستند، اینها هستند که رأی می‌دهند، اینها دنبال رهبر هستند. ما نمی‌توانیم این خلق، این قشری که حقش تضییع شده و آزادیش سلب شده، اینها چه کسانی هستند؟ اگر این مردمنده‌ها پشت سر رهبرند. همه، وظیفه دینی و اسلامی‌شان را که از ابتدای این حرکت، این جنبش، این انقلاب روی وظیفه اسلامی و ملی و دینی انجام داده‌اند، حالا هم دارند انجام می‌دهند البته نابسامانی‌های اقتصادی هست، اعتراضاتی هست که اغلب خود من گفتم، درکار دولت، در بعضی از گروه‌ها، در بعضی از کمیته‌ها، ولی این مسئله غیر از این است که مرتب تکیه کنند قشر، خلق حقش ادا نمی‌شود این قشر خلق است روز سه‌شنبه هفته گذشته اینها قشر خلق بودند، پس این قشر خلقی که حقش تضعیف شده ما که نمی‌دانیم که کی‌ها هستند اینها لابد اجنه هستند که به چشم دیده نمی‌شوند اینها قشر خلق هستند البته یک مسئله‌ای هست و آن این است که این خصایص و موازین که برای رهبری و یا به اصطلاح روحانیت شیعه و اسلام بطور

عموم يك خصایصی را در این لباس قرار داده روی سنتها مقیاسها که من کلمه روحانی، آخوند را کلمه اصیل نمی‌دانم فقها، يك خصایصی دارند همان بدما هم مجبورند يك حدودی را حفظ کنند چون دارای چنین خصایص هستند با این خصایص و همه مردم از آخوند ده گرفته تا يك مرجع تقلید ذره بین می‌گذارند و تمام جزئیات زندگی اینها را زیر نظر می‌گیرند پول دارد یا ندارد، کلاه سر کسی گذاشته یا نگذاشته، دروغ گفته یا نگفته، پس اینها بطور خودبخود در يك کشور اسلامی گزیده می‌شود این امر طبیعی است ولی افراد دیگر که نه سوابقشان مشخص است هر روز به يك رنگ درآمده‌اند اینطور شناخته نشده‌اند با همه اینها من معتقدم که باید در این مجلس همه گروهها را راه بدهند و ما تابع دستور قرآنیم: **فبشر عباد الذین يستمعون القول فیتنبعون احسنه...** این درس ماست، این مکتب ماست که حرف حسابی را بشنود. صاحب عقل، هدایت یافته‌ها این‌جوری هستند. این وسیله کمال انسان است حرف طرفی، حرف مخالف شنیده بشود و بعد هم بهترینش گرفته شود در مجلس ما باید مخالفین هم بیایند، اگر نیایند ما باید دعوتشان کنیم باید حرفشان گفته شود، قانون اساسی ما از اصول اسلام ناشی شده است منشأ گرفته: اصول اسلام قسط است، عدل است و حق. هر شعار و هر ایده‌ای که هر گروهی بدهند باز اسلام چند قدم جلوتر است البته اینها باید به تدریج جلو بیایند بنابراین ما هیچ نباید وحشت کنیم که گروههای دیگر راه پیدا کنند حرفشان را بزنند بلکه باید از اینها دعوت کنیم والا ۵۰ نفر، ۶۰ نفر که هم‌جوار و هم‌فکر باشیم و در يك‌جا جمع بشویم همه يك رأی داریم دیگر از آن موازین نمی‌توانیم خارج شویم مجلس اصیل این است که همه آراء گفته شود، همه ابعاد مسائل بررسی بشود از این جهت باید راه بدهیم.

يك نکته دیگر هم باید توجه کنید که یکی از حیل‌هائی که دشمن بکار می‌برد این است که یا يك مخالف را بصورت يك دشمن قوی درمی‌آورد یا گاهی هم دشمن می‌سازد برای اینکه بتوانند دساییشان را انجام بدهند اینقدر که دشمن را بزرگ می‌کنند، آنقدر بزرگ نیست ما نباید همه حس و شعور و فکر و ذهنمان را متوجه به او بکنیم ما باید خودمان را بسازیم.

خصوصاً این ماه مبارك که ماه تقواست، ماه سازندگی، ماه اخلاص است ماهی است که انسانهایی که در ردیف حیوانات زندگی

می‌کنند باید به گونه فرشته‌ها دربیایند و با فرشته‌ها در فضای ملکوت در این شبها در این سحرها هم زمزمه باشند و پرواز کنند و تسبیح‌گو باشند ما باید پیش از اینکه به دشمن توجه کنیم خودمان را بسازیم.

صف‌هایمان را منظم کنیم خداوند به همه ما و به همه شما توفیق عنایت‌کند و ما را در راه خیر و سعادت خودمان و مردم دنیا، مسلمانهای دنیا، مستضعفین دنیا و به صلاح آینده ماست، خداوند همه ما را هدایت کند والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روزنامه اطلاعات - ۶ مرداد ۵۸

مجله سروش شماره ۱۴

پیام تسلیت پدر طالقانی به یاسر عرفات

تهران - خبرگزاری پارس - از طرف دفتر آیت‌الله طالقانی پیام تسلیتی بمناسبت شهادت برادر مجاهد زهیر محسن به این شرح مخابره شد.

برادر مجاهد ابوعمار شهادت برادر مجاهد زهیر محسن برادران و خواهران را دچار اندوه فراوان نمود.

صهیونیست غدار نمیخواهد بفهمد که از خون هر شهید صدها شهید برمیخیزد و اینگونه غدرها دلیل ضعف آنهاست نه قدرت.

مردم مسلمان ایران میدانند که امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی و دست نشانده‌گان آنها سالهاست که بر علیه انقلاب مردم فلسطین هم‌پیمان شده‌اند چون میدانند انقلاب فلسطین چهره‌ای فلسطینی و قلبی عربی دارد.

خائنین و متجاوزین خونخوار با از دست‌دادن سرسپردگان خود در منطقه سخت به تکاپو افتاده و برای نیل به اهداف شیطانی خود هر روز دست به اعمال جنایتکارانه‌ای می‌زنند همانطور که در جنوب لبنان شاهد آن هستیم و میدانیم که با این جنایات گور خود را می‌کنند.

برادر ابوعمار مردم مستضعف و مبارز ایران همدردی و همبستگی خود را بارها اعلام نموده و معتقد است که ملت فلسطین با برخورداری از تجربیات - مقاومت و هوشیاری انقلابی سالها مبارزه خویش سرانجام متجاوزین صهیونیسم سرسپرگان غرب و حامی آنان امپریالیسم آمریکا

را به زانو درخواهند آورد.

کیهان ۸ مرداد ۱۳۵۸

اولین خطبه دومین نماز جمعه پدر طالقانی (جمعه ۱۳ مرداد)

بسم الله الرحمن الرحيم

قبل از شروع خطبه باید بگویم بارها تذکر داده شده و توجه دادم برادران و خواهرانی که نماز جمعه میخوانند، این نماز به منزله نماز ظهر نیز خواهد بود. تقوا، تقوا باز هم تقوا، وسیله رشد و حرکت انسانی است، ضعف نفس حاکمیت ایمان توجه به حق خودداری از انحرافات فکری و اخلاقی و عملی توجه انسان که میوه پرمایه‌ای از این درخت طبیعت است بوسیله ایمان و تقوا باید بعد عالی رشد خود برسد، آنگاه است که میتواند منشأ تکثیر و نمو و رشد دیگران باشد، سعی کنید که بوسیله تقوا با ایمان باشید، رشد کنیم و از آفت‌ها محفوظ بمانیم، تا آنجا که مرگ فرا میرسد تسلیم اراده خدا و مشیت الهی باشیم. تقوا است که میتواند به ما هشیاری دهد و برسیمای توحید و در سایه ایمان همه متحد شوند، و بر ریسمان توحید و ریسمان ایمان همه متحد شوید، این ریسمان است که شما را از سقوط و ضرر نگاه میدارد، این ریسمان است که میتواند انسان‌ها را منزه و استعدادها را شکوفا نماید و تعالیم و نعمت خدا را بیاد آوریم که شما همه باهم دشمن بودید و در تاریکی و شرک و جهل بسر میبردید و همه شما از یکدیگر متنفر بودید و نور حق و نور ایمان همه را با یکدیگر شناوراند، همه در معرض سقوط بودند این رسالت الهی بود که شما را نجات داد. باید متوجه این نعمت‌ها باشیم، تسبیح می‌نمایم خدای را آنکه در آسمان‌ها و آنکه در زمین حی است لازم میدانم قدرت خدائی که مالک است، متصرف است، پاك است، منزه است خدائی که اراده‌اش ظاهر است، خدائی که کارش حکیمانه است، همان خدای را که برانگیخت از میان مردم پیامبری از آنها تا آیاتش را، مبراتش را بر آنها تلاوت کند و تسبیح کند آنها را و تعلیم بدهد آنها کتاب را و حکمت را و همه عالم از نظر شناخت دین و شناخت قرآن تسبیح است و همه تسبیح میگویند و وحدانیت در تسبیح

است و همه در طریق کمالند، همه کوشایند تا خود را از پلیدی‌ها و بدی‌ها برهانند تسبیح از شناخت مستقیمی شناوری است انسان هم شناوری در میان توفان‌ها و امواج آب خروشان این انسان چگونه میتواند خود را بساحل نجات برساند، چشم به ساحل دوختن بامید خداوند و وحدت حق، توجه داشتن و حرکت منظم در جهت دست و پا انجام دادن و از توفان‌ها نهراسیدن این تسبیح و سیاحت است که انسان شناور را بساحل نجات میرساند. انسان تسبیح‌گو را از نظر مکتب ما، مکتب توحیدی، مکتب الهی همه موجودات که دارای شعور لایتنهایی در همه موجودات چون همه پدیده‌ای از وجودند و رجوع علم است، وحدت است، شعور است و کمال همانطور که قرآن میگوید تمام موجودات تسبیح‌گو هستند ولی شما نمی‌توانید بفهمید شما، نمی‌توانید درک کنید. همه در حرکتند و همه باید خود را از پلیدی‌ها برهانند، همه با این شعور، همه با این شعور ساری بطرف حق و ایمان رهسپارند ولی شماها نمی‌فهمید و درک نمی‌کنید. هر ذره‌ای در عالم در حرکتی که دارد سعی می‌کند در این حرکت شناوری خود را از پلیدی‌ها آلودگی‌های نفس برهاند و همه در یک مسیر و در یک هدف معین می‌روند. ما انسان‌ها از خود بی‌خبریم. میلیاردها سلولی که از ما انسان‌ها ساخته شده نیز در حرکت شناوری هستند، هر نفسی که می‌کشیم ذرات هوا در تمام اعضاء بدن و اعضای ما شروع می‌کنند به حرکت کردن و اینها همه سمومات بدن را به بیرون می‌فرستند و اعضای بدن را از سمومات پلیدی‌ها و بیماری‌ها پاک می‌کنند و تمام حرکت‌هایی که در بدن انسان است همه در حرکت شناوری و سیاحت است، عالم همه در تصویر وجود انسان، بدن انسان تسبیح‌گو است ولی در این میان این انسان مختار و عاقل که خود را آلوده و از حرکت باز میدارد و این رسالت برای همین است که این انسان راهم هماهنگ با این نظامات جهان کند و تسبیح‌گو باشد محیطش را، اخلاقش را، نفس خود را از آلودگی‌ها دائماً پاک نگاه دارد و همچنین دائماً بکوشد که پاک و منزه باشد. امروز شما برادرها و خواهرها بطرف صندوق‌های رأی رفتید. این حرکت الهی و این حرکت انسانی از جنبه ایمانی و خدائی و مسئولیت اجتماعی یک حرکت تصویری است، یعنی رأی میدهید کسانی را که منزه و آگاه و افراد سالمی هستند برای نظم قانون اساسی انتخاب می‌کنید، یعنی قانونی که بتواند محیط را از استثمار و استبداد و ظلم و جور و خودخواهی‌ها و امتیازها پاک نگاه دارد، و وسیله این قانون خدا است،

خدا این را میخواهد.

قانون الهی

ما که میگوئیم که قانون الهی است یعنی همان اراده خدائی است که بصورت قانون از زبان انبیاء اراده‌اش را بیان کرده و نسبت به هیچ فردی و هیچ کسی و موجودی حب و بغض ندارد و همه را یکسان می‌بیند و همه موجودات معبود و پدیده او هستند و به همه علاقمند است. برای همه رشد و کمال و سیاحت میخواهد، و میخواهد که همه تکبیرگوی او باشند این که ما میگوئیم قانون اساسی ما قانون خدا است، یعنی قانونی که از دماغ‌های بشر و اعضای و طبقه خاصی و افراد معینی نیست که بمصلحت گروهی، طبقه‌ئی، فردی، باشد.

و همه‌جا بزیان دیگری نیست، یعنی قانونی است که بمصلحت همه است، خیر همه است، برای رشد همه مخلوقات و همه انسانهاست، خطبه‌های قرآن هم اکثراً متوجه همه مردم است، پس این حرکت که شما وقتی که رأی میدهید و قوانین الهی که صلاح و رحمت و خیر برای همه است استنباط می‌کنید و پیاده می‌کنید و در قوانین طاغوتی امتیازها، خودخواهی‌ها و استعمارگری‌ها، خودبینی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها - را - طرد می‌کنید، این همان حرکت منزه است، همین روزه شما حرکت تسبیحی است که فرمود هر وقت و هر آنی که از جهت احتیاج و نیاز به گرسنگی و آب، تشنگی و آب احتیاج دارید و از جهت به آن طرف حرکت می‌کنند، این حرکت بطرف حق و بطرف خدا است. و این حرکت يك حرکت مسلم است حرکت يك انسان است برای خداست که زندگی‌اش برای خدا و حرکتش برای خداست، عبادتش و اجتماعش برای خداست امیدواریم که این حرکتی که امروز انجام شد عده‌ای از مردان صالح، خیرخواه با حس واقع‌بینی و آشنائی که به اشیاء و چیزهائی که در اطراف ما می‌گذرد با اراده خدا و مشیت الهی، قوانین قرآن و اسلام بتوانند قانونی تنظیم کنند که همه مردم را در راه و جهت سعادت تزکیه نفس و تسبیح پیش ببرد.

دین سعه صدر

آفتاب سوزان است و برادران و خواهران ما بزحمت هستند و طاقتشان کم و من هم آمادگی زیادی ندارم، فقط چند نکته را تذکر

میدهم که قبلا هم تذکر داده شده و یکی اینکه مسلمان‌ها، کسانیکه تعهد دارید، ایمان دارید، عقیده دارید، در يك مسیر خاص حرکت می‌کنید، اسلام همانطور که بارها گفتم دین سعه‌صدر است دین بینش وسیع است، کتاب ما و وحی ما و نبوت ما برای همه بشر است، کاری نکنید که بعضی‌ها آگاهانه و یا ناآگاهانه این حقیقت دین اسلام پاك، این اسلام منزّه، این اسلام عزیز، این اسلامی که باید مردم دنیا را از انحرافات و شرك نجات دهد، بصورتی درآید که مردم جهان بما خرده‌گیری کنند و آن دسته‌ای که بنام دین به گروهی حمله میکنند و بصورت مسلحانه به محل سخنانی آنها میروند و کتابخانه‌های بعضی از گروه‌ها را مورد حمله قرار میدهند، اینها تصور نکنند که خدمتی به دین می‌کنند، اینها یا مسلمانان ناآگاهند یا آلت دست هستند، هیچ توجه ندارند، اعلامیه‌ها و پوسترها را پاره میکنند و در هرکوچه و موضعی و یا در کوچه‌ای از تهران و یا دریكدّه و قصبه‌ها و يك گوشه‌ای از شهرستان‌ها بلندگوهای استعماری و دشمنان ما شروع می‌کنند همین را وسیله قرار دادن این کارها هم هتك حیثیت اسلام است و هم هتك حیثیت رهبری انقلاب. این آزادی نیست. در تاریخ انقلابات دنیا از انقلاب فرانسه و از انقلاب اکتبر و انقلابات دیگر نگاه کنید کدام انقلاب بود که همان صبح انقلاب درها بروی مردم همه دنیا باز باشد، رفت و آمدها آزاد باشد و فرداها و گروه‌ها همه و همه آنهائیکه در انزوا بودند بیرون بیایند و اظهار وجود کنند و کشتار دسته‌جمعی نشود، و همین منبع صدا برای دشمنان که ما چرا به این آسانی انقلاب کردیم و چرا هرروز صدها هزار و هزارها کشته نداده‌ایم، حتی تحریک میکنند این است که بعضی از روزنامه‌ها هم يك حادثه کوچک را به خط درشت مینویسند و بعدهم می‌بینیم روزنامه‌های غرب، آلمان و انگلستان. چرا ما بعضی در پوست خودمان هستیم و متوجه نیستیم این اعمال نه‌مورد رضای خدا است و نه مورد رضای خلق و نه مورد رضای پیامبر اسلام، رهبری اسلام و دولت ما.

هنوز دستها درکار است

در حوادثی که پس از انقلاب از کردستان شروع شد و در ترکمنستان و جنوب نیز رخ داد متأسفانه انگشت بعضی گروه‌های چپ یا چپ‌نما دیده شد.

من سعی کردم اطلاعاتی را که توسط افراد بی‌طرف و بی‌نظر

جمع‌آوری شده است برای حفظ وحدت و برای اینکه شاید آنها توبه کنند، بخود آیند و متوجه شوند افشا نکنم ولی متأسفانه می‌بینیم که هنوز این دستها درکار است و اگر بیش از این به اعمال خود ادامه دهند برای همه ملت ایران کسانی که اطلاعاتی دارند افشاگری خواهند کرد. ببینید چه می‌کنند. برنامه خاصی است. انگشت‌هایی دستهایی درکار می‌آید.

نفاسات فی‌العقد و خناس‌ها شروع می‌کنند به تهییج کردن عقده‌ها بین دو گروه شیعه و سنی، کرد و عرب، ترك و فارس و تركمن و بعد اینها کم‌کم مقابل هم قرار می‌گیرند. از دنیا و از انقلاب غافل می‌مانند و در این میان يك گلوله ناشناسی شلیک میشود و يك نفر این وسط به‌خاك و خون می‌غلطد. وضع به هم می‌ریزد. توسط همان عوامل، همان کسانی که از خارج تحريك می‌کنند و از داخل با آنها همکاری میشود. این برنامه در سنج، مریوان، گنبد و همه‌جا به يك صورت معین اجرا شد.

عده‌ای از چپ‌نماها دستشان درکار است البته دیگران هم گناه و تقصیر داشتند.

پیام به برادران کرد

آخرین سخن و پیام من به برادران کرد است. برادران و خواهران کرد. ما می‌دانیم در طول تاریخ بلکه قرن‌ها شما از حقوق خود محروم مانده‌اید. به شما رسیدگی نشده. تحت فشار باقی ماندید، ما می‌دانیم از زمان عثمانی‌ها شما تحت فشار بودید. از حقوقتان محروم ماندید و این وضع ادامه پیدا کرد. در هر زندانی که رفتیم شما برادران مبارز کرد آنجا بودید. سابقه مبارزه دارید. کسانی که با ما تماس دارند، از پیشوایان دینی و رهبران دینی و شخصیت‌های سیاسی همه از مردمان منزه، با تقوی و پرهیزکاری هستند. نمیدانم چرا این حوادث باید در کردستان تکرار شود و حیثیت و شخصیت و سابقه مبارزه سرزمین شجاعان کرد ما را منکوب کنند.

روزنامه‌های خارج بنویسند کردها چنین و چنان کردند. برادران و خواهران کرد. چرا آلت‌دست مشت‌ی فرصت‌طلب و دزدهای فراری و يك مشت مردم خودخواه واقع میشوید؟

بس است دیگر، راضی نشوید روی شما کردها معامله کنند. گاهی

به این طرف، گاهی به آن طرف بخود بیایید. حقوق شما مثل حقوق دیگر برادران ایرانی است.

هیچ فرقی ندارد. اگر محرومیت هست برای همه جا هست. آن روستای کرد که محرومیت دارد آیا محرومیتش بیشتر از جنوب تهران است که مرکز ایران است. مرکز قدرت است؟

ولی اینها مسایلی است که باید بتدریج انجام و اصلاح شود. انگشتها را مراقب باشید. آلت دست نشوید، حیثیت و شرافت و سوابق خودتان را نگهدارید. شما مرزدارهای اسلام و ایرانید. شما ایرانی اصیل هستید. شما فرزندان و باقی ماندگان صلاح الدین ایوبی هستید.

آن صلاح الدینی که با مشتی کرد که همراه خود برداشت همراه دیگر مسلمانها جلوی آن موج عظیم صلیبی را گرفت. آن قدرت، آن شجاعت، آن بزرگواری و آن گذشتها.

شما از طایفه او هستید و پیش ما ایرانیها مکرم هستید. شخصیت رهبری و دولت در مورد تقاضاهای مشروعتان آنچه بتوانند در حق شما کوتاهی نمی کنند. ما امیدواریم دیگر قضایائی مانند سنج، مریوان و نقده تکرار نشود.

سلام و درود ما بر همه برادران مسلمان ما، همه سهم بزرگی در این انقلاب دارند و همه مسئول پاسداری و نگهداری از این انقلاب هستند.

امیدواریم وسوسه ها و دُمش های شیطانی در روحیه ما تاثیر نکند و در يك محيط عالی، پاک و آزاد اسلامی حقوق همه برآورده شود. پروردگارا به همه ما توفیق فهم دین و خدمت به اجتماع، خدمت به مردم و پیشبرد این انقلاب عظیم عنایت بفرما.

همه ما را در کنف حمایت خود حفظ فرما. رهبران دینی و سیاسی ما را در طریقی که صلاح میدانی هدایت بفرما. رهبر عظیم ما را از آفات حفظ بفرما تا بتواند ثمره این انقلاب را در مدت عمر و حیاتش ببیند. خداوند او را از الهامات به خیر هیچگاه محروم مدار.

گذشتگان ما را بیامرزد و اتحاد و اتفاق و یگانگی در بین ما حاکم بگردان.

دستهای نفاق افکن و اختلاف افکن را کوتاه بفرما. دولت ما را به آنچه صلاح ما است موفق بفرما و با همدستی دولت و ملت این

مشکلاتی را که در طریق انقلاب است آسان بگردان.
 درضمن فراموش نکنیم این پاسداران عزیز ما هستند که شب و روز برای خدا و پیشبرد انقلاب جان برکف بدون هیچگونه توقع و انتظاری توانسته‌اند امنیت کشور را حفظ کنند و از پایه‌ها و ستونهای عظیم انقلاب ما هستند.
 پروردگارا تاییداتشان را بیشتر بگردان.
 امیدواریم ارتش، پاسدارها و ژاندارمری و شهربانی با همکاری خود هم امنیت داخل را حفظ کنند و هم مرزهای اسلامی را.
 والسلام علیکم ورحمة‌اله و برکاته.
 اطلاعات ۱۳ مرداد ۵۸

پدر طالقانی و هیأت کوبائی

هیأت کوبائی: اگر اسلام اینست، پس زنده‌باد اسلام

هیئت کوبائی که ریاست آنرا وزیر صنایع شیمیائی آن کشور به‌عهده دارد شب یکشنبه با حضرت آیت‌اله طالقانی دیدار و گفتگو کردند.

در این ملاقات حضرت آیت‌الله طالقانی خطاب به‌هیئت کوبائی گفت: مسلمانها يك قدرت عظیم هستند اما اکنون خود را باخته‌اند و نمیتوانند قدرت عظیم خود را احساس کنند. «زمانه ما»
 غرب بیش از آنچه که ما به‌آن نیاز داریم به‌ما محتاج است. در دنیای کمونیسم و امپریالیسم رنگ می‌بازند و رنگی که برجا میماند رنگ عدم تعهد است.

ما میتوانیم برپای خود بایستیم و قدرتی مستقل باشیم.
 آیت‌اله طالقانی افزودند: ما انقلاب کوبا را انقلابی عظیم میدانیم انقلاب در کوبا در کشوری که از نظر جغرافیائی در نزدیکی قدرت قهار استعمار امریکا قرار دارد شبیه معجزه بود.

در واقع هرانقلاب علیه ظلم علیه استبداد علیه استثمار در هرجای دنیا که باشد از نظر ما يك انقلاب اسلامی است چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همه ابنای بشر، همه انسانها، مظلومین و مستضعفین است. امیدواریم پس از این روابط ما با

کشورهای انقلابی نزدیکتر باشد و بتوانیم در مسائل عمومی دنیا تفاهم بیشتری داشته باشیم.

آیت‌اله طالقانی در سخنان خود تأکید کرد که سرنوشت ما سرنوشت کوبا، فلسطین و همه کشورهای اسلامی است. سرنوشت ما از یکدیگر جدا نیست. ما امیدواریم که کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا بتواند به دنیای آزاد دنیای مستضعفین و مظلومین خدمت کند.

وزیر صنایع شیمیائی کوبا که برای دعوت رسمی از ایران به منظور شرکت در کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد به تهران آمده است در پاسخ این بخش از سخنان آیت‌اله طالقانی گفت: من حامل دروهای صمیمانه و انقلابی رهبران و مردم کوبا برای رهبران ایران و شما هستم ما برای شما و مبارزات ملت ایران احترام و ارج بسیاری قائل هستیم. این احترام ناشی از تاریخ شما، مبارزات شما و مقاومت‌های شما در برابر امپریالیسم است.

وی افزود: کوبا عضو فعال گروه کشورهای غیرمتعهد است و از اصول بنیانی این جنبش دفاع و پشتیبانی میکند.

کوبا مخالف امپریالیسم، صهیونیسم، استعمار، استعمار نو، نژادپرستی و آپارتاید و طرفدار اعراب است. ما مخالف معاهده کمپ‌دیوید بین امریکا مصر و اسرائیل هستیم و آنرا دشنه‌ئی میدانیم که از پشت برخلق فلسطین زده شده است.

ما بیست سال پیش انقلاب کردیم و پیروز شدیم. ما همه مسیری را که شما پیمودید طی کرده‌ایم و بهمین دلیل است که به ایران عشق می‌ورزیم عشقی که در قلب ماست نه بر زبان ما.

کوبا پشتیبانی بیدریغ خود را از انقلاب ایران تقدیم میکند. این انقلاب شریف‌ترین ارزشهای انسانی را دربردارد و درست بهمین دلیل است که شما در قلوب مردم کوبا جای دارید.

سپس آیت‌اله طالقانی به مسئله اسرائیل و افریقای جنوبی اشاره کرد و گفت: انقلاب ما به یاری خداوند پیش خواهد رفت و از این جهت نگرانی نداریم. اما نگرانی ما مربوط به عقده‌های چرکینی است که بنام اسرائیل و صهیونیسم و افریقای جنوبی که امپریالیسم در مناطق حساس جهان مستقر کرده است. ما امیدواریم که کشورهای غیرمتعهد همه سعی خود را بکار بندند تا این برج‌های مراقبت که

منشاء درگیری‌ها و جنگ‌ها هستند از بین ببرند.

ما انتظار داریم که مسئله اسرائیل درصنادر مسائل کنفرانس قرار گیرد و همه با اتفاق آراء قرارداد کمپ‌دیوید را محکوم کرده و از ملت مظلوم و آواره فلسطین پشتیبانی کنند.

وزیر صنایع کوبا در پاسخ گفت: یکی از هدفهای اصلی ما در این کنفرانس همین است.

ما از موضع ایران در کنفرانس دفاع میکنیم و شرکت ایران در کنفرانس را يك رویداد تاریخی میدانیم. زیرا صدای مردم ایران صدای نمایندگان قانونی انقلاب ایران در این کنفرانس شنیده خواهد شد.

کنفرانس هاوانا باید صهیونیسم و امپریالیسم و همه کسانی را که به‌بشریت خیانت میکنند محکوم کرده و از اعراب، فلسطینی‌ها و انقلاب ایران، آزادی‌مردم پرتوریکو، انقلاب پیروزمند مردم نیکاراگوئه و همه مردمی که برای آزادی مبارزه می‌کنند پشتیبانی کند.

وزیر صنایع پتروشیمی کوبا که خود یکی از انقلابیون زمان انقلاب کوبا است آنگاه گفت: ما میدانیم امپریالیسم یعنی چه چون به ما نزدیک است.

ما فقط ۹۰ مایل با امریکا فاصله داریم. آنها سعی کردند ما را خفه کنند و ما با اعتقاد به اصول و ایمان به راه و کار خود به آنها اجازه ندادیم.

امریکائی‌ها خیلی چیزها علیه انقلاب کوبا گفتند همانطور که اکنون درباره انقلاب ایران می‌گویند. «تلقانی و زمانه ما» اما همیشه از پشتیبانی مردم خود برخوردار بودیم و این روحیه ما را تقویت میکرد.

پس از این گفتگوها بحثی درباره ایدئولوژی اسلام و مارکسیسم آغاز شد که حدود يك ساعت بطول انجامید.

در این بحث حضرت آیت‌اله طالقانی بطور بسیار خلاصه مبانی اعتقادی اسلام اصول فلسفی و علمی توحید را برای میهمانان کوبائی تشریح کرد.

آیت‌اله طالقانی در بخشی از همین بحث گفت: ما در نفی استثمار، استعمار و دفاع از آزادی با مارکسیست‌ها عقاید مشترکی داریم. آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است ما به اصالت خدا معتقدیم به اصالت يك منشاء با شعور و آفریننده.

بدنبال همین بحث‌ها یکی از اعضای هیئت خطاب به آیت‌اله طالقانی گفت: اگر اسلام اینست که میگوئید پس زنده باد اسلام.

وزیر صنایع پتروشیمی کوبا در بخشی از همین بحث گفت: چه گوارا میگفت که باید انسان تازه‌ئی ساخته شود.

من فکر میکنم که ما و شما هم برای خلق چنین انسانی میجنگیم. انسانی که آزاد باشد و نیرو بسیار داشته باشد. انسانی که قادر است به‌همنوع خود کمک کند برای جامعه به‌کارپردازد و انسانهای دیگر را استثمار نکند.

پس از این بحث مسئله حضور کوبا در آنگولا و اتیوپی مطرح شد و حضرت آیت‌اله طالقانی درباره کمک کوبا به‌اتیوپی سؤالاتی مطرح کرد. پرسش آیت‌اله طالقانی بیشتر در جهت مسئله اریتره بود که با اتیوپی درگیر است.

وزیر صنایع کوبا گفت: ما از آنگولا فقط در برابر حمله اجانب دفاع میکنیم. اگر به‌ما بگویند که دیگر به‌ما احتیاجی ندارند آنجا را ترك میکنیم.

کمک ما به‌اتیوپی نیز برضد سیاست توسعه‌طلبانه سومالی است. در این لحظه آیت‌اله طالقانی مسئله اریتره را مطرح کردند و اینکه چرا باید خلق اریتره قربانی شود.

وزیر صنایع کوبا گفت: ما حتی يك گلوله بسوی مردم اریتره شلیک نمیکنیم کوبا همیشه خواستار حل مسئله اریتره از راه گفتگوی اتیوپی و اریتره است. **«آتلان» «طالقانی و زمانه ما»** این مطلب را فیدل کاسترو در دیدار با رهبر اتیوپی مورد تأکید قرار داد.

در این گفتگوها که مسائل بسیار دیگری از جمله مسئله شرکت مصر د رکنفرانس غیرمتعهدا کمک اسرائیل به‌اتیوپی، مبارزات مسلمانان افغانستان نیز مطرح شد.

این دیدار که از ساعت ۹/۳۰ آغاز شده بود پس از گفتگوهای فراوان در محیطی کاملاً دوستانه و پر بار تا پاسی از بامداد ادامه یافت و در نخستین ساعات بامداد پایان یافت.

کیهان ۱۵ مرداد ۵۸

دو خطبه پدر طالقانی در سومین نماز جمعه

(جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۵۸)

خطبه اول امام

ای کسانی که به يك حقیقت برتر، و عالم جهانی والاتر، مقام والاتر برای انسان معتقدید، ای کسانی که ایمان آورده‌اید. اجابت کنید، بپذیرید، خدا و رسول خدا را، آنگاه که شما را می‌خوانند به آنچه که شما را زنده می‌دارد و زنده می‌نماید. آنچه را که دعوت دین و کتاب ما و پیامبر ما و اولیاء ما بر آن است، زنده نگهداشتن و روبه زندگی بردن مردم است. معتقدات ما احکام ما، دستورات ما، عبادات ما، زندگی اجتماعی ما بر محور حیات و حرکت است. حیات سری است مرموز اثر ظاهر حیات حرکت و رشد نمو و دفع و جذب است. يك موجود زنده دارای چنین خاصیتی است دفع از ناملایم غیر صالح نامتناسب و جذب آنچه که ملایم و متناسب برای رشد و نمو است. دعوت انبیاء و دعوت ما بر همین اساس که انسانها زنده شوند انسانهایی که غرایض، شهوات، شرک آنها را از حرکت و نمو باز داشته است، روبه حیات و حرکت بروند. اولین اثر زندگی در انسان زنده چه در زندگی فردی، و چه در زندگی اجتماعی همین است، یعنی آنچه را که مانع رشد و حرکت فکری اوست دفع کند و آنچه برای رشد و حرکت فکری و اخلاقی اوست جذب کند.

يك مجتمع زنده، باید این خاصیت را داشته باشد. یعنی حرکت حیاتی، شکوفاشدن استعدادها و جذب آنچه از عدم و سرمایه‌های طبیعی که در برابر رشد او قرار می‌گیرند و دفع آنچه که ناملایم و نامتناسب است. هر قانون، هر رهبری، هر اندیشه‌ای که انسانها و جامعه را زنده کند همان قانون خداست.

قانون خدا برای زنده نگهداشتن و روبه زندگی بردن فرد و اجتماع است پس هر قانونی که فرد و اجتماع را زنده بدارد، هر چه خاصیت دفعی، و جذبی او را قوی‌تر کند زنده‌تر و پایدارتر است.

قوانین اساسی ما باید بر همین پایه باشد. اگر در نصوص ما و در روایات ما و سنت ما در باره مسائل و امور صراحتی نباشد. این معیار قانون اساسی يك اجتماع، يك اجتماع ایمانی و زنده است. یعنی هر قانونی که جامعه را از تهاجم و از ناملایمات و از فساد

حفظ کند و آنچه صالح است جذب کند آن قانون، قانون خداست.

معیار قانونی ما قوانین اجتماعی فردی ما همین است.

بدانید که گاهی شما از درون قلب خود بی‌خبرید، شرك، فساد، گناه، شرك وجدانی و قلبی شما را از کار می‌اندازد و به‌این که منتهی علیه چشم‌انداز حرکت شما به‌طرف حق است.

در برابر فتنه‌ها، تحریکات نباید ساکت بنشینید، نتیجه فتنه‌ها، عذاب‌هایی است که به اجتماع برمی‌گردد و اجتماع را دچار رکود، انحطاط و سقوط خواهد کشاند. و کسانی که در برابر فتنه‌ها می‌نشینند بدانند، که نتیجه فتنه‌ها فقط به‌ظالم بر نمی‌گردند.

خطبه دوم امام

تسبیح، تسبیح، آنچه در آسمان و زمین‌اند. تسبیح‌گویانند. و عملشان و شعور طبیعی و فطری در حد وجودی که دارند تسبیح خدای را می‌گویند ولی ما درك نمی‌کنیم.

جمله ذرات زمین و آسمان

با تو می‌گویند پیدا و نهان

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم

با همه نامهربان ما خاموشیم

این دید وحی، دید قرآن و دید جهان‌بینی ماست همه عالم در حرکتند و کوشش دارند که خود را همه ذات را از بدی، از پلیدی از قفس برهانند برای اینکه موجودات آرامشی پیدا کنند. در هر نقطه زمین که زندگی سکون و بی‌حرکتی نیست. حرکت در چه جهت، در جهت قدرت در جهت تنوع، در جهت پاکی و کمال، این حقیقت تسبیح است. که همه عالم را فرا گرفته است. همین زمینی که ما را در برگرفته مادر بزرگ ماست و همه موالید و فرآورده‌های خود را در آغوش گرفته‌است فضا با چه سرعتی در حرکت است. با این حرکات مختلف، گوناگون، تسبیح گوست. یعنی دائماً موالید خود را از روشنائی به تاریکی برای سکون و آرامش از تاریکی به روشنائی از سردی به گرمی و حرارت به‌سرما هدایت می‌کند.

برای اینکه موجودات آرامشی پیدا کنند. در هر نقطه زمین که نگاه کنیم می‌بینیم يك نقطه تاریك يك نقطه روشن وجود دارد. يك‌جا شب يك‌جا روز، يك‌جا زمستان يك‌جا تابستان يك‌جا بهار يك‌جا

پائیز این در حرکت تسبیحی زمین است که باطرب در این عالم در این فضا دارد سیر می‌کند و موالید خود را می‌پروراند و از ضعف می‌رهاند و به سوی کمال و به سوی بقا پیش می‌برد اما در میان این عالم که همه تسبیح‌گو هستند زمین و آسمان و نسیم و حرکت دریاها و طوفانها هم برای پاک‌کردن ساحت عالم از پلیدی و فساد بوجود آمده‌اند ولی موجودی به اسم «انسان» در وسط این عالم خود را در اختیار اراده ناقص قرار داده به پلیدی‌ها خود را آلوده می‌کند. غرائض و شهواتش بر عقل و فطرتش غالب می‌شود.

آیت‌الله طالقانی در قسمت دیگری از خطابه خود گفت: ...آنهایکه خون می‌دهند، آنهایکه صدای انبیاء را درست می‌فهمند و درک می‌کنند همین مردم عادی هستند.

درس‌خوانده‌های ما اغلب گرفتار چهارچوب دیدهای مکتبی‌خودشان هستند.

آنهايي که به نظامات دنیا واقفند. آنها تحت تأثير قدرت‌های طاغوتی‌اند و سایه این قدرت‌ها بر فکر و اندیشه و فطرتشان گسترده شده مگر به این زودی می‌توانند باور کنند.

مگر افراد جامعه ما اکثراً می‌توانند به این زودی باور کنند که يك جامعه‌ای آزاد باید رو به تزکیه برود. هنوز سایه طاغوت و شرك و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در اکثر اذهان باقیست. باید يك نسلی و یا دوره‌ای و یا تحولاتی صورت گیرد تا بتدریج این رسوبات برطرف بشود و مردم تزکیه شوند. این درگیری‌ها این دعوای این جنگ‌ها، این ناباوری‌ها این دروغ گفتن‌ها بیکدیگر و شهرت‌طلبی‌ها، همه آثار و بقایای طاغوت است: يك نظامی فرو ریخت ولی هنوز گرد و غبارش در چشمهای ما هست دور خودمان می‌گردیم به همدیگر تنه می‌زنیم، تو سر هم می‌زنیم. ما اکثراً يك حقیقت را می‌خواهیم و آن نجات از تاریکی به نور است.

چرا برای اینکه هنوز در گرد و غبار و آثار خرابی طاغوتیها و استبدادها گرفتار هستیم. هنوز ما می‌خواهیم بر یکدیگر حاکم باشیم آن حزب به آن حزب، آن جمعیت بر آن جمعیت، آن فرد بر آن فرد.

آیت‌الله طالقانی در ادامه خطابه خود گفت:

هفته آینده را حضرت آیت‌الله امام خمینی برای همبستگی تمام جهان اسلام با مسئله فلسطین، که آخرین جمعه رمضان است به نام روز

قدس نامیده شده است و این مسئله بسیار مهم و وظیفه بزرگی است که در ارتباط با وظائف مسلمین بخصوص مسلمانهای دنیا، برعهده فردفرد مسلمانهای دنیاست. برنامه هفته آینده که جمعه آخر ماه است انشاءالله بعد تنظیم خواهد شد.

کیهان ۲۰ مرداد ۵۷

تغییر نام بیمارستان طالقانی

سخنگوی دانشگاه تهران اعلام کرد: بنابه نظر حضرت آیتالله طالقانی که همواره بهحفظ خاطره بزرگان خیر و دانشمند علاقمند و معتقد به بزرگداشت نام آنها میباشند نام بیمارستان طالقانی بنام اصلی آن امیراعلم تغییر یافت.

اطلاعات ۲۲ مرداد ۵۸

سخنرانی پدر طالقانی در کاخ سعدآباد

آیتالله طالقانی طی سخنانی گفت: یکی از شبهای بزرگ عالم اسلام، شب شهادت بزرگترین شخصیت دنیا، وجدان بیدار بشریت و انسان الهی امیرالمومنین علی (ع) است. شما برادران و خواهران و فرزندان که از گوشه و کنار شهر در اینجا جمع شدهاید برای همین است که این شب را تعظیم کنید و وسیله تقرب بهخدا و استجابات دعاها قرار دهید. امشب شب عبادت، شب استغفار، شب نزدیک شدن رحمت خدا به مردمان گناهکار و منتظرین مشمول شدن رحمت خداست. آیتالله طالقانی با اشاره به این نکته که بهترین عبادات در چنین شبهایی بحث علمی و روشنگری است و قرائت آیاتی از قرآن مجید گفت: در این آیات، دو گروه مردم را به مومنین، یعنی آنهایی که چشمشان باز است و گوش شنوا دارند تذکر میدهد. این دو گروه در مقابل یکدیگرند، يك عنصر خودخواه مستبد و يك انسان الهی، در کتابهای اجتماعی روانی بسیار بحث شده است که عنصر مستبد چگونه عنصری است و از چه راه میتواند بر ملتی حاکم مطلق بشود. هر فرد انسانی میکوشد که فرد دیگر را در تحت نفوذ و راده خود

بگیرد، استثمار و تسخیر کند، ولی چگونه میشود که يك فرد و يك جمع بتوانند برملتی حکمرانی کنند و حاکم مطلق شوند؟! این مسأله‌ای است که علمای اجتماع و فلاسفه از زمان سقراط و افلاطون تاکنون درباره آن بحث کرده‌اند و اگر همه بحثهایی را که متفکرین دنیا درباره «عنصر مستبد» نوشته‌اند و گفته‌اند و خطری که از چنین عنصری اعلام کرده‌اند در نظر بگیریم ملاحظه میکنیم که خلاصه‌اش در همین دو سه آیه‌ای است که در قرآن آمده است. بعد از بیان احکام حج که برگشتن مردم به فطرت اولی آنچه را که انبیاء میخواستند اجتماع توحیدی است.

اجتماعی که تمام مردم در اطراف يك محور حرکت کنند و امتیازات گرچه موقتاً الفاء میشود ولی آنچه که مردم را از هم جدا کرده و فاصله ایجاد کرده است از میان برود و همه بشوند يك انسان و يك حرکت و يك شمار و يك شعور. این نمونه‌ای است که نادیان توحید و انبیاء ارائه داده‌اند تا شاید روزی تمام دنیا به‌چنین صورتی در بیاید. یعنی همه‌در يك محور حرکت کنند و يك شعار داشته باشند و دیوارهای امتیازات لباسی و ساختمان‌ی از میان برداشته شود و انسانی که در لباس و عناوین و ساختمان و نژاد خود را فراموش کرده است بخود برگردد، یعنی به‌خدا برگردد.

چنین نمونه‌ای خواه ناخواه باید به‌تدریج در دنیا گسترش یابد. اما خطر این اجتماع از کجاست؟ از انسان مستبد خودخواه، انسانی که شهوات و هواها و آرزوهای ازبند گسیخته‌اش بروجدان و شرف و حیثیت انسانی او حاکم شده باشد. چنین انسانی که بخواهد بر نفوس بشر و انسانهایی که آزاد آفریده شده‌اند حاکم باشد.

کاخ‌های آموزنده

آیت‌الله طالقانی افزود: آیا همین اجتماع و دیدن در و دیوار این کاخ‌ها کافی نیست که ما چنین فردی را درست بشناسیم و خطراتی که برای اینگونه عنصرهای خودخواه هست دریابیم؟ همین جایی که امشب شما نشسته‌اید و به‌یاد خدا و اولیای الهی و تذکرات عالیّه انسانی جمع شده‌اید تمام اینها برای شما که آموزنده است. در میان همین دیوارها سرنوشت میلیون‌ها مردم این کشور معین میشد، بدون اینکه هیچ فرد و یا هیچ گروهی دخالت در سرنوشت

خودشان داشته باشند. غارتها، کشتارها، حکم اعدامها، شکنجه‌ها، فرهنگهای استعماری و فحشاء از اینجا به‌سراسر این کشور عظیم اسلامی صادر می‌شد.

نه‌شما خواب چنین شبی را می‌دیدید، نه آن مستبد خودخواهی که در میان این کاخها سرنوشت میلیون‌ها مردم و مستضعفین را معین میکرد، چنین شبی را به‌خواب می‌دید. این عنصری است که نظام الهی را واژگون میکند، فطرتی است که قرآن بعد از نظام و اصول حج و توحید ابراهیمی اعلام میکند، این چنین انسانی چطور میتواند مردم را اغفال کند؟ چطور میتواند برگرد مردم سوار باشد؟ چطور میتواند اراده فردی خود را بر میلیونها اراده انسانها تحمیل کند؟ در چه نظامی و در چه وضعی وقتی که جامعه‌ای در محیط سالم که نمونه‌اش در حج آشکار است، محیطی که همه انسانها یک وجدان و یک شعور دارند اگر این محیط بهم بخورد و مردمی به‌تدریج خواستند اراده خودشان را بر یکدیگر تحمیل کنند اختلاف پیدا کردند، عناد و خودپسندی و خونریزیها و خودخواهیها و فرصت‌طلبیها را بر یکدیگر تحمیل کنند محیط آنان مشوش خواهد شد.

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود افزود: در چنین محیطی که نیروهای مردم، مستضعفین و مستکبرین کوچک و بزرگ برای نابودی و تضعیف یکدیگر مصروف شود قهراً وضع اقتصادی مردم هم دگرگون خواهد شد. گرسنگی، فقر و بیچارگی در بین همه مردم سرایت خواهد کرد.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

تسلط مستبدین خودخواه

آیت‌الله طالقانی با اشاره به وقایع اخیر گفت: همین محیطی که امروز عوامل ضد انقلاب و خودخواه و فرصت‌طلب دارند فراهم میکنند اگر خدای نخواست به‌همین منوال پیش برود مستبدینی بر همه ما مسلط خواهند شد. اگر این محیط آزادی را قدردانی نکنیم و آن را محیط عقده‌گشائی و عناد و به‌میریختگی و موضع‌گیری قرار دهیم، نتیجه‌اش پیدا شدن مستبدین است و دیگر رحم بر صغیر و کبیر ما نخواهند کرد.

آیت‌الله طالقانی سپس با خواندن آیاتی از قرآن مجید افزود: بعضی از مردم هستند که وقتی باشما مواجه میشوند سخنانی میکنند

و شعار میدهند و شما توده‌های مردم را فریفته گفته‌های خود میکنند و عده آب و نان و مسکن و آسایش میدهند، در چنین محیطی این انسان برای رسیدن به هدف، همه‌جور وسیله را توجیه میکند دین و شرف و انسانیت را به استخدام خود میگیرد، دروغ میگوید، فریب میدهد، خدا را شاهد میگیرد که من دلسوزترین مردم در حق شما هستم، خدا را شاهد میگیرد براینکه من میخواهم این مملکت را نجات بدهم، يك رضاخانی یا يك آریامهری و امثال اینها، ولی روحیه‌اش لجوج-ترین و کینه‌توزترین مردم نسبت به خلق است تا وقتی که سوار کار نشده، وعده میدهد ولی همینکه سوار شد دیگر به هیچ چیز رحم نمیکند، شروع میکند به فاسد کردن اخلاق، رواج فحشاء و ترویج مواد مخدر برای اینکه مردم را محتاج‌تر کند، برای اینکه خودش بتواند بر همه امور مسلط باشد و زراعت را فاسد میکند برای اینکه همه محتاج شوند، همه فقیر بشوند، همه روبه شهرها بیاورند، همه دستشان بطرف ادارات و وزارتخانه‌ها باشد، برای اینکه سر برج حقوقی بگیرند و بعد هم با ذلت و بدبختی زندگی کنند.

استقلال در اقتصاد زندگی بیل و کلنگ به دست گرفتن و کار کردن و بغو متکی بون را از بین میبرد. باید يك ملتی که اینهمه زمین و دریا و جنگل و اراضی دارد برای آذوقه‌اش از استرالیا و از امریکا گوشت و گندم و نان وارد کند.

عنصر مستبد، زراعت، کار تولیدی و استقلال اقتصادی را از بین میبرد و نسل راهم فاسد میکند، نسلی که نه فکر از خود داشته باشد و نه روی فکر و اندیشه خود بایستد و نه دارای استحکام اخلاقی باشد بلکه انسانهایی باشند که آلت دست باشند و «بگو زنده باد، بگو مرده باد» و مثل گوسفند با مردم رفتار کردن. ولی سینه مستبد، با اراده خدا تضاد دارد، خدای زمین و آسمان، فساد را دوست ندارد. پس مفسد را دوست ندارد و او را بگوشه‌ای پرت میکند، او که این «قدر»ها درست کرد تا اگر بخواهد هرشب در يك کاخ استراحت بکند، حالا باید در دنیا آواره باشد و جای نداشته باشد. اینها برای ما مسلمانها و برای ما مردمی که انقلاب کردیم عبرت است، دیگر مجال ندهید برای اینکه مفسد و مستبد به هر صورت و به هر لباس حاکمیت پیدا کند، حاکمیت در اسلام برای خداست و کسانی که اراده خدا را بخواهند اجرا کنند، طغیان طاغی و مستبد باز بیشتر میشود، کار

مستبد بجایی میرسد که مافوق اراده خود، اراده ای نمی بیند، حکما و محققین بزرگ میگویند: دیگر در مقابل مستبد نمیشود گفت که: قانون چنین و چنان میگوید. وقتی رضاخان آمد سرکار، اولین کاخی که ساخت همین کاخ است. به بعضی از علما که با او تماس داشتند، گفت: مجلس شورا کار پیشرفت مملکت را فلج کرده، شما سعی کنید در این طویله را ببندید

آیت الله طالقانی در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت: چقدر رهبر عالیقدر ما به این نامرد نصیحت کرد که از خدا بترس، اینقدر ظلم نکن، مگر گوش کرد؟ بر طغیاناش افزوده شد. مثل بنزینی است که روی آتش بریزند باز مشعل تر میشود، وقتی به او گفته میشود از خدا بترس اینها مردمند، اینها بندگان خدا هستند، حق خدای را پایمال نکن، عرض و شرف يك ملت را نبر، يك ملت را در بست به اسرائیل و امریکا نفروش، ای نامرد و ای ناکس اینطور نفت و سرمایه ما را به آنها نده که بجایش ابزار جنگی و زائده های تولید آمریکا و غرب را بگیریم و اینجا انبار کنیم و چندین مقابل پول نفتی که می گیریم باید به آنها پس بدهیم. ولی مگر این بی همه چیز گوش میکرد. این مسیر، مسیر انسان نیست، این مسیر، مسیر شرف نیست، مسیر خدا نیست، چون غرق گناه است. وقتی نام تقوا برده میشد و میشود بیشتر مشتعل میشود، بیشتر چموش میشود و آیا بهمین طور میماند. خودش وجودش جهنم است، مسیرش جهنم است و بدجائی برای خود فراهم کرده است.

آیت الله طالقانی افزود: اگر ما این مطالب را در ماه رمضان گذشته جرات میکردیم و میتوانستیم بگوئیم، تازه کسی باور نمیکرد، اما حالا باور میکنید، این جهنم بدبخت رانده شده از همه کشورها، اینکه اینهمه کاخ و این همه ساختمان ساخت برای اینکه شب يك جا استراحت کند و شب دیگر در کاخی دیگر. این مسیر انسانی است که برخلاف اراده خدا و مسیر توحید و مسیر حق حرکت میکند، یعنی انسان مستبد.

سجایای روحی و مبارزات علی (ع)

آیت الله طالقانی در دنباله سخنان خود افزود: در مقابل این انسان خودخواه خودکامه و مستبد که شرف و اقتصاد و زندگی يك ملت را صرف خودش و خانواده اش و اطرافیانش میکند تا خودش بماند مردانی

هم هستند که خود را فانی مصلحت مردم میکنند و کسانی که جان خودشان را می‌فروشدند. در هر دوره‌ای در هر جایی که ببینند رضایت خدا در آنجا است و به‌هرجا که مظلوم و مستضعفی است و هرجا ناله و فریادی است به‌آنجا روی می‌آورند، اگر گرسنه‌ای است می‌روند او را سیرکنند، اگر انسانی است که دچار ظلم شده او را از چنگال ظلم نجات می‌دهند، اگر انسانهای جاهلی هستند می‌روند تا آنان را از جهل نجات می‌دهند. این چنین انسانهای خودشان گرسنه می‌مانند تا مردم سیر باشند خودشان شکنجه می‌بینند تا مردم آزاد باشند درمیدان-های جنگ سینه سپر میکنند تا مردم در امنیت باشند. کیست این انسان؟ او «علی» است که هرجا ناله مظلومی است و هرجا ظلمی است، برای دفع ظلم حرکت میکند. آیت‌الله طالقانی سپس با اشاره به سجایای روحی و مبارزات حضرت علی (ع) افزود: شما اگر محیط‌سالام را نگهدارید و اگر با هم تفاهم داشته باشید، وحدت را حفظ کنید، يك چنین شخصیتها و نمونه‌هایی برسر شما سایه خواهد گسترد، ولی اگر محیط سالام را تبدیل کردید به محیط عداوت و دشمنی، آنجا است که باید منتظر باشید، تا خونخوارانی مستبد به‌دست عوامل خارج و داخل بر شما مسلط بشوند و دومرتبه دچار چنین عذابی بشوید.

آیت‌الله طالقانی افزود: من بسیار متأثرم، وقتی به‌اینجا می‌آمدم و هر چه فکر میکردم چیزی به‌نظرم نمی‌رسید، فقط می‌خواستم بنشینم گریه کنم. گریه کنم به‌حال ملتی که آن وحدت آن یگانگی آن تسلیم در مقابل حق و آن شوری که داشت بتدریج تبدیل به‌خصومت و جبهه‌گیری و عداوت میشود. این دیگر وابسته به‌هوشیاری شما مردم است که نگذارید این انقلاب عظیم و توحیدی و اعجاب‌انگیز ما بدست مشتی خودخواه و خودپرست که همه‌چیز را برای خودشان می‌خواهند به درگیری‌ها و جنگهای داخلی تبدیل شود و بعد مستبدین از هر سو بر شما مسلط شوند.

مملکت ما کشور «علی» است، اینقدر که خودمان را به‌علی منتسب می‌کنیم هیچ‌کشور اسلامی خودش را نزدیک نمی‌بیند، شب و روز باید گفته‌های علی و رویه و رفتار علی، در مقابل چشم ما باشد.

آیت‌الله طالقانی افزود: تمام جنگهای علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمانها باشد که به‌هرکسی تهاجم نکنیم، اگر

دشمنان و عوامل آنها توطئه کردند و تهاجم کردند، آنوقت وظیفه و مسئولیت ما این است که در مقابل مهاجم ایستادگی کنیم و مهاجم را نابود کنیم.

سیاست اسلام برعکس تمام سیاست‌های دنیا، سیاست صداقت و صراحت است. اسلام که مظهرش علی است، نمیتواند بهر وسیله‌ای به هدف که ادامه حکومت است برسد و دست یابد. در اسلام «حق» شکست خوردنی نیست. همانطور که علی شکست نخورد، کشته شد ولی شکست نخورد. ما نمی‌خواهیم مثل سیاستمداران دنیا فریبکاری کنیم، بازی دربیاوریم و اغفال کنیم، وعده دروغ بدهیم و گول بزنیم و بی‌جهت وعده آب و نان بدهیم و عمل نکنیم، زیرا فریبکاری و اغفال، سیاست اسلام نیست، انقلاب ما انقلاب اسلامی است.

این خونی که در بین مسلمین و بخصوص شیعه جریان پیدا کرد. این شهداتها، این زجرها، این شکنجه‌ها، این زندان‌ها، همان جریان خون علی است که در محراب ریخته شد. این عظمت انقلاب شما و این جوشش خون شما مسلمانها از همان جوشش خون علی است که در محراب جوشید. چون خون حق بود، همان خونی که در کربلا جریان پیدا کرد و در بیابان‌های کوفه و اصحاب علی ریخته شد تا هفده شهریور. اینها همه خون علی است. مگر خون حق آرام می‌نشیند؟ این خون علی است که می‌جوشد، ما خون دادیم برای اینکه منطق علی را که منطق اسلام است زنده کنیم. این عظمت و شکوه شهادت از علی شروع شد و تا به امروز ادامه دارد. این خون‌ها را که در خیابانها ریخته شد فراموش نکنید، این خونهایی که در زندان‌ها ریخته شد فراموش نکنید، ما خون دادیم، خونی که از متن مکتب ما جوشیده، یعنی مکتب علی و مکتب اسلام و با این خونها اجازه نخواهیم داد که مردمی فرصت‌طلب و خودخواه و وابسته بدیگران و خارج از مرز بخواهند مسیر انقلاب ما را منحرف کنند.

آثار خون شهدا هنوز باقی است

آیت‌الله طالقانی با اشاره به واقعه هفده شهریور و شهدائی که در این روز ملت ایران داد افزود: این خون شهدای ما است، این خون کسانی است که در گوشه زندانها و اطراف بیابانهای اوین هنوز آثارش باقی است، و ما راضی نیستیم که این خون‌ها با بازی‌گری‌عده‌ای

اثر و جوشش از بین برود، ما در این نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان با تقوی و پیروزی آمده‌ایم در مرکز طاغوت. آیات خدا و تلاوت میکنیم و از شهادت و عظمت اسلام و رهبران اسلامی سخن می‌گوئیم.

آیت‌الله طالقانی سپس اشاره به وصیت‌های حضرت علی (ع) بخاندان و اصحابش و امت اسلام و اینکه توحید و سنت محمد، دو ستون زندگی و حیات مسلمانان است گفت: همین وضعی که امروز ما داریم علی (ع) پیش‌بینی میکند. خوارج از یکسو، خون‌خواهان عثمان و خون عثمان از سوی دیگر، بهانه‌جویی‌ها از یکسو، گروه‌های سیاسی در هر جهتی، در هر شهری در هر سرزمینی تشکیل شده، سلاح اینها برای کوبیدن یکدیگر چیست، که اول محکومش کنند و بعد نابودش کنند. سلاح اینها چیست؟ مواخذه‌های دینی، این روشش کج است، آن چنین حرف می‌زند. آن دینش، کامل نیست، آن مذهبش چه جور است، آن ولایتش کم است. آن یکی چه جور است؟ آن طرفدار خوارج است، آن ضد خوارج است، آن طرفدار خون عثمان است، آن ضد خون عثمان است و آن نسبت به شیخین نظرش چیست که بهمین وسیله همدیگر را بکوبند، تا اسلام مجموعاً کوبیده بشود، همین کاری که ما امروز داریم می‌کنیم، همین وضعی که امروز ما داریم، ما مسلمانها با اسم اسلام داریم همدیگر را می‌کوبیم، همان دعوای حیدری، نعمتی که دستگاه‌های قدیم ما براه می‌انداختند، ما داریم توی سر همدیگر می‌زنیم و می‌گوئیم اسلام. آنهم می‌گوید اسلام، همان بازی‌های جاهلانه را در این شرایط امروز دنیا که چشمها بطرف ما است داریم درمی‌آوریم، یک عده باج‌گیرها همه را میخواهند بجان هم بیندازند به اسم اسلام، علی همین وضع را بعد از خودش می‌دید که این کلمات را در آن آخرین نفس می‌فرمود. بدانید دو رکن است، توحید و سنت. و این دو رکن را بپا دارید، مردم نادان، اینقدر سربسر هم نگذارید، تفتیش عقاید نکنید، بشما چه، وقتی می‌گوئید ظاهر من مسلمان است، بگوئید خیلی خوب، تو هم مسلمانی، کسی که به شما و به اسلام سلام میکند نگو که مسلمان نیست. بعد می‌فرماید خدا که دارد می‌گذرد شما چرا نمی‌گذرید. آیت‌الله طالقانی در پایان سخنان خود گفت: علی رفت و این مسئولیت بزرگ و این امانت الهی یعنی این عدل و قسط اسلامی و این مسئولیت عظیم را بهمه همه مسلمانها خصوصاً شما شیعه‌ها واگذار کرده، از خدا

بخواهید که بتوانید «علی‌وار» زندگی کنید، علی‌وار سخن بگوئید و علی‌وار بمیرید.

کیهان، ۲۵ مرداد ۵۸

دومین خطبه پدر طالقانی در نماز جمعه روز قدس:

دفاع از بیت المقدس دفاع از حریم خداست

بسم الله الرحمن الرحيم

تبت یدی..... کوتاه باد، دست آتش افروزی، ابی‌لهب، نه ثروتی که جمع کرده و نه دار و دسته‌ای که براه انداخته او را بی‌نیاز نخواهند کرد. آنهایی که تحت تأثیر اینها هستند جز زر و وبال چیزی برای آنها نمی‌ماند. در شعارشان و در آنچه که می‌گویند و به گردن می‌آویزند، همه اینها نشاندهنده شیطانها و ابی‌لهب‌هایی است که بصورت انسان درآمده است.

بار دومی است که بنام قدس، بنام سرزمین مقدس فلسطین در همین دانشگاه دور هم جمع شدیم و این آیات را تلاوت کردیم. آن دفعه جمعیتی محدود و اینبار جمعیتی نامحدود. به دستور و ابتکار و صحنه رهبری ما و دولت ما، این مسئله از ایران انقلابی شروع شد که روزی به نام قدس نه در سطح کشور بلکه در سطح تمام کشورهای اسلامی و همه مسلمانان مسئول و متعهد روز همبستگی باشد روزی است که ما مسلمانان ایران با صدای بلند و بدون مانع، دعوت مظلومین فلسطین و قدس از دست رفته را اجابت می‌کنیم.

همه مسلمانها در هرجائی که هستند و در تعاونی که بایکدیگر دارند، همه مانند سری هستند از پیکری آنگاه که شکایت کند و بدرد آید. هر عضو بدن انسان وقتی بدرد آمد و بوسیله اعصاب شکایت خودش را به مرکز فرماندهی و اعضای دیگر رساند، همان عضو رأس می‌شود و همه اندیشه فکر، چشم و گوش متوجه آن عضو آسیب دیده می‌شوند تا آن نجات بدهند، چرا؟ برای اینکه اگر آن نجات پیدا نکرد تمام اعضا فلج می‌شوند. باید مسلمانهای دنیا بدانند همه عضو یک پیکر هستند و گمان نکنند که با بی‌تفاوتی و بدون توجه به درد مسلمانهای دیگر، اینها می‌توانند خود را حفظ کنند و از رنج و درد و آفاتی که متوجه آنها

است نجات یابند. سورۀ بنی اسرائیل، بنی اسرائیل از این آیه شروع می‌شود: **پاك** و منزّه است آن خدائی که سیر داد پیامبر خودش را از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی زیرا می‌خواهد آیاتی که در پیرامون مسجد الاقصی است از **نزدیک** به این رسول عظیمش، ارائه دهد. خدای سمیع و بصیر می‌خواهد که تمام بندگانیش بینا و شنوا باشند.

این سیر معنوی و معراجی و این سیری که از مسجد شروع و به مسجد ختم شد برای چه بود؟ برای تزکیه این دومسجد. این دو مرکز توحید، این دومناره‌ای که در دنیای **شرك** و کفر و ظلم و خودپرستی‌ها باید در بین شرق و غرب بانگ توحید و تنفس انسانها را به همه دنیا اعلام کند. این دو ریۀ زنده‌ای که باید دائماً هوای **پاك** به‌درون انسانها برساند و از این دو معبد، دو مسجد، دو مرکز توحید الهام بگیرد. دو مرکزی که **شرك** و خودخواهی‌ها آلوده‌اش کرده بودند. خانه کعبه، بتخانه شده بود و خانه قدس و بیت‌المقدس مرکز خودخواهی‌ها، امتیازجویی‌ها، برتری‌نژادها و مرکز جنگلها و درگیری‌های چند هزار ساله. پیغمبرش را فرستاد برای اینکه این دو مرکز را به‌وضع اول برگرداند. دو محلی که باید همه در آن برای خدا سجده کنند و از بند هرعبودیتی رهایی یابند. قبله اول اسلام، ابتدا بطرف بیت‌المقدس بود برای اینکه فهمانده بشود که آنجا هم قبله اسلام است، قبله توحید است و مکه و کعبه هم قبله اسلامند. این وظیفه بزرگی است که خدا بعهدۀ پیامبرش و بعد بعهدۀ پیروان این دین و آئین گزارده تا این دو مرکز را **پاك** نگهدارند. دو تنفسگاه بشر را همیشه زنده بدارند. این دو منارۀ توحید را که مؤسسش انبیاء بزرگ بودند همیشه محل ندای توحید به‌طرف شرق و غرب دنیا باشد ولی صهیونیست چه کرد؟ همان چیزی که انبیا می‌خواستند، صهیونیست بعکس انجام داد. مرکز **شرك** و خودخواهی، خودبینی، نژادپرستی، جنایت، ظلم، خشونت، وحشی‌گری مسئله بیت‌المقدس، مسئله‌ای نیست که تنها مربوط به مسلمان و مسیحین باشد. مسئله انسان آزاد دنیا است. مسئله همه ادیان الهی است. همه مردم دنیا برای نجات بیت‌المقدس و حامیان و نگهبانان که فلسطینیها باشند، باید قیام کنند. همه با یکصدا، با **يك** فریاد و با **يك** مشت این مرکز توحیدی که تبدیل به مرکز **شرك** و خودخواهی شده است، **پاك** کنند. یهودیان و کلیمیان متدین هم باید از این روش صهیونیستها متأثر باشند. برای اینکه در این دنیای تزلزل فکری، تزلزل

اعتقادی، دنیای شك و تردید اینها می‌خواهند چهرهٔ انبیاء را بنمایانند (یعنی صهیونیستها) اینها خودشان را وارث انبیاء می‌دانند. ابراهیم خلیل بت‌شکن و منادی توحید، انبیاء بنی‌اسرائیل که برای نجات بشر قیام کرده‌اند اینها چهرهٔ آنان را هم خراب می‌کنند. ای برادران. کلیمی‌ها. کلیمی‌های آزادمش و باایمان، این خطر صهیونیست تنها متوجه عالم اسلام و مسیحیت نیست، متوجه شما هم هست. چهرهٔ انبیاء همان پیامبری که قرآن می‌گوید:

ما تورات را فرستادیم برای اینکه به بنی‌اسرائیل بگوئیم جز به خدا اتکاء پیدا نکنند. يك عده مردم از گوشه و کنار دنیا جمع شده‌اند و مکتبی درست کرده‌اند که مخرب مکاتب تمام انبیاء وادیان است. اینها هستند که چهرهٔ انبیاء را خراب کردند، اینها هستند که توحید خالص را تبدیل به شرك و خودپرستی کردند. بیت‌المقدس از آن همهٔ ادیان الهی است اسلام، مسیحیت، یهودیت به انحصار خود درآورده‌اند. این مرکز باید از لوٹ صهیونیسم پاك شود و این وظیفهٔ فرد، فرد مسلمانان است بکوشیم. امروز را که روز قدس می‌نامیم باید بیش از این شعارها و اجتماعات به عمل پردازیم، مجهز بشویم، همانطور که امام فرمودند: اگر يك سطل آب مسلمانان ریخته بودند، سیلی بود که صهیونیست را از بین می‌برد. همانطوری که در منی هرکدام هفت رنگ می‌زنید و برج شیطان و کفر را غرق ریگ می‌کنید. هرکدام يك ریگ و يك سنگ و يك سلاح در دست بگیرید همه مجهز بشوید بخصوص ما مسلمانهای ایران که دائماً در معرض این فتنه هستیم. ببینید الان صهیونیست خونخوار چه‌طور خشمگین دندان روی هم می‌فشارد و برای ما نقشه می‌کشد بخصوص از این ابتکاری که مسلمانها، رهبر ما، دولت ما، ملت ما نشان داد که روز جمعهٔ آخر رمضان در سراسر کشورهای اسلامی را روز قدس نام نهاد ما خطابمان به عموم ملت‌های اسلامی است. بعضی از دولتها هستند که هنوز بازی میکنند بعضی‌ها آگاهانه و بعضی ناآگاهانه ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیافتند همه مجهز، همه آماده روزی برسند که همه حرکت کنیم بطرف بیت‌المقدس ما هم باید آماده باشیم از دبستان، دبیرستان، دانشگاه باید بچه‌های خردسال ما، زنهای ما، مردهای ما پیر و جوان ما آمادهٔ دفاع باشند. دفاع از بیت‌المقدس که دفاع از بیت‌المقدس دفاع از حریم خدا است و بر همه واجب است. من پیشنهاد می‌کنم در مدارس، روستاها، کارخانه‌ها روزهای معینی اشخاص وارد،

پچه‌ها و جوانان و زنهای ما را تمرین نظامی بدهند و در تمام کشور- های اسلامی به اینصورت باشد.

این آیه را که می‌فرماید: ای بنی‌اسرائیل جز من وکیل نگیرید، يك گروهی جمع شده‌اند که از خود نه نان دارند و نه سلاح، فقط متکی به استعمار خونخوار آمریکا هستند و می‌خواهند همه مسلمانان را به‌ذلت و خواری بکشند. ببینید در جنوب لبنان چه می‌کنند. این مردم چه گناهی دارند؟ خانه‌ها ویران، مردم سرگردان همه فراری، کسانی که آمده‌اند می‌گویند تمام زنان و مردان لبنان، بخصوص جنوب لبنان همه سیاهپوشند. چرا که برای اینکه از هر خانواده‌ای (۱، ۲،) شهید. آیا نباید ماندای مظلومیت آنان را اجابت کنیم، اینها از اسلام خارج هستند؟ **فریاد فلسطینی‌ها لبنانی‌ها بلند است (مسلمانان بدادمان برسید) ما را از این وحشی که به اسم صهیونیسم است نجات بدهید.** سوریه، لبنان، مردم مصر (توده مردم نه دولت مصر) اردن همه دارند فریادمی‌کشند و امروز روزی است که ما می‌گوئیم برادرها ما اجابت کردیم دعوت شما را. امروز ملت عظیم ما در روز ماه مبارک رمضان با زبان روزه، و در زیر آفتاب و در میان خیابانها فریاد می‌زنند (قدس، قدس، فلسطین، فلسطین) و برادران ما از کشورهای اسلامی همه با ما در یک صف قرار گرفته‌اند. **همین است که اسرائیل، صهیونیست و آمریکا را بوحشت می‌اندازد.** منتظر باشید، توطئه‌ها بیشتر میشود از آن روزی که روز قدس اعلام شد ببینید در خیابانهای تهران چه حوادثی پیش آمده. ملاحظه کنید، اینجا يك مقدار آرام گرفت، پاوه چه خبر شد. اینها چه کسانی هستند و چه می‌گویند؟ **بی‌یقین بدانید که اینها بخواهند و نخواهند آلت‌دست صهیونیست‌ها و استعمارند و اگر سرچایشان ننشینند ملت مسلمان اینها را به‌جای خود خواهد نشاند.** آن ملتی که خون داد، اسلحه داد. تسامح اسلامی، گذشت اسلامی، عفو اسلامی‌حدی دارد تا آنجائی است که: **نهضت ما، انقلاب ما که انقلاب دنیاست، انقلاب محرومین و مستضعفین دنیاست، لطمه بزنند.**

و ما متأثریم از اینکه دائماً فریاد مسلمانهای اطراف دنیا، بلند است که اجابت میکنم ولی از درون دائماً برای اینکه ما را مشغول کنند، و غافل کنند از مسائل دیگر مسلمانها، دائماً فتنه ایجاد میکنند. باز پیشنهاد میکنیم که شهردار تهران یکی از خیابانهای تهران

راه نام قدس نامگذاری کند و این روز را هر سال بنام قدس ما اجتماع داشته باشیم و مسائل قدس و فلسطین برای عموم مسلمانان تبیین بشود. ظهور صهیونیست. چه کسانی اینها را آوردند و چه کردند و آن چهره مظلومیتی که یهودیها در جنگ اخیر بدست نازی هایدست خود گرفته بودند تغییر کرد. الان مردم دنیا آن چهره مظلومیت را در بین یهودیها نمی بینند و یهودیان موحد، مؤمن و آزادمش دنیا باید چهره ایمان و توحید و دعوت انبیاء را بدنیا نشان دهند و از صهیونیستها و عوامل خونخوارش، خودشان را تبرئه کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۷ مرداد

پدر طالقانی

قرآن باید در مدارس و دانشگاهها تدریس شود

از سوی حضرت آیت الله طالقانی دیشب ضیافتی بافطار ترتیب یافت. در این ضیافت، مهندس بازرگان نخست وزیر هیأت دولت، سفرای کشورهای اسلامی در ایران، نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین، سرپرست صدا و میمای جمهوری اسلامی ایران و گروهی دیگر حضور داشتند.

در این ضیافت ابتدا نماز جماعت به امامت حضرت آیت الله طالقانی و با شرکت کلیه مدعوین برگزار و سپس از مدعوین پذیرائی شد. پس از صرف افطار، ابتدا نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین طی سخنانی گفت:

امشب قدس و جنوب لبنان و همه نقاطی که در زیر بار ظلم اسیرند، ما را به اتحاد و حرکت به پیش دعوت میکنند و ما در این مجلس و در پیشگاه خدا، تعهد می کنیم که به طرف هدف روشن دفاع از مستضعفین و مبارزه در راه آنان تا پیروزی حرکت کنیم.

سخنان آیت الله طالقانی

پس از آن، حضرت آیت الله طالقانی طی سخنانی خطاب به سفرای کشورهای اسلامی اظهار داشت: تا چند ماه پیش این خانه و این شهر و این کشور، نه مال ما بود و نه مال شما بود. خانه امپریالیزم بود و

عوامل آنها و صهیونیسم و ما هیچوقت جرات نداشتیم با یکی از سفرای اسلامی از نزدیک، تماس بگیریم. اگر هم غیر مستقیم تماسی می‌گرفتیم، هرساعت و هرشب و نیمه‌شب منتظر هجوم دستگاه امنیتی بودیم و از این جهت، امروز بحمدالله برآستی شما برادران در خانه خودتان و کشور خودتان هستید.

اسلام مرز ندارد، مرز اسلام، مرز عقیده است. مرز توحید است. این مرزهای مصنوعی از طرف کسانی تهیه شده و کشیده شده که اسلام را تجزیه کردند.

آیت‌الله طالقانی، با اشاره به خطبه پیامبر در جهاد «احد» گفت: دین ما، قرآن ما، میخواست در هرجا، هر نقطه‌ای اگر دردی پیش آید همه مسلمانها هشیار و بیدار باشند، مثل يك نقطه بدن که همینقدر به آن آسیب رسید، همه بدن، متوجه به آن نقطه میشود. پس آن نقطه میشود رأس. امروز فلسطین رأس اسلام است. امروز مسلمانهای بعضی قسمت‌های آفریقا فلسطین یا اریتره همه باید از نظر ما و از این بیان پیامبر عظیم ما رأس باشند یعنی قوای ما، تدبیر ما، نیروی ما، متوجه به این نقطه‌های درد باید باشد. ما مسلمانها باید متوجه این مسئله باشیم نفوذ استعمار و عوامل خارج یکی از راههای زندگی تجمل و دور نگهداشتن اقشار يك مملکت و بازکردن مصرف است. شاید بعضی از سفرای رفقایمان پذیرائیهای مجلل آریامهری را دیدند و حالا اینجور روی زمین نشست‌اند، ناراحت باشند، ولی این ناراحتی و اینجور با محبت باهم نشستن سیاست اسلام است. سیاست اسلام، محبت است، صداقت است نه رفتارهای دیپلماتیک.

زندگی ما مسلمانها باید براین روال باشد و دیگر اینکه یکی از چیزهایی که واقعا برای ما مسلمین خجلت‌آور است، تاریخ است. چرا کشورهای اسلامی ما، دنباله‌رو تاریخ میلادی باشند؟ این تاریخ هجرت، این تاریخ انقلاب هجرت پیامبر از مکه به مدینه، اولین انقلابی بود که هنوز موجش در دنیا دارد جلو میرود نباید آنرا فراموش کنیم.

نامه‌ای که از يك سفارت برادر به ما میرسد، من به‌زحمت آنرا با تاریخ هجری باید تطبیق کنم. امیدوارم این مسئله را همه کشورهای اسلامی و ایران متوجه باشند. اگر هم می‌خواهند تاریخ میلادی داشته باشند، بین خودشان همانطور که در بعضی از کنفرانسهای اسلامی که سی سال پیش من شرکت میکردم، این مسئله مطرح بود، متأسفانه ترتیب

اثر داده نشد.

دوم اینکه، زبان رسمی بین‌المللی اسلامی ما باید زبان عربی باشد و این ننگ است که در بین کشورهای اسلامی، نود درصد انگلیسی میدانند و ده درصد هم عربی نمیدانند و ما مجبوریم برای مسلمانها استدلال کنیم که فارسی ما که زبان دوم اسلام است و اگر بخواهیم عربی حرف بزنیم، به زبان انگلیسی ترجمه میکنیم.

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود گفت: در تمام مدارس ما از ابتدائی تا دانشگاهها، باید قرآن و هدف‌های قرآن و نه قرائت قرآن، نه برای ثواب، در تمام کشورهای اسلامی درس داده شود، بطور رسمی و این اسلامی که این همه آلوده شده منشاء این همه جدائیها شده، يك خدا، يك پیامبر، يك قبله، يك كتاب دارد و آنوقت ببینید بیش از آنکه استعمار توی سر ما بزند، ما توی سر همدیگر زدیم و خودمان را ذلیل کردیم. یعنی بدست خودمان، به اسم شیعه، سنی مذهب، فارسی، عرب، ترك، ما را به این روز نشانند. مسئله تعلیم قرآن لازم است. نهضت ما هم اساسش از همین بوده است.

آیت‌الله طالقانی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: امروز، این فتنه‌ها، این تحریکها و جدائیها، همه همان چیزی است که رسول خدا پیش‌بینی میکرد. چنگ بزنید به قرآن، به این کتاب عمیق آسمانی این کتابی که مسائلش تمام شدنی نیست.

من از دوستان و برادران ما، از کشورهای اسلامی ما، از دولت ما، رهبر ما، همه ایرانیها، انتظار داریم در مقابل این تبلیغاتی که بخصوص در این چند روزه بما اطلاع دادند از طرف صهیونیستها، از طرف استعمار غربی و عوامل آنها، علیه ما شروع شده - لااقل با جرایدشان و بازبانشان - از ما دفاع کنند. ما بیش از این انتظاری نداریم. دفاع ما، دفاع از تمام کشورهای اسلامی است نهضت ما نهضت اسلامی است و برای همه مسلمین دنیا است. ما انتظار داریم که در هر جای دنیا که هستند، حقایق را آنطور که هست افشاگری بکنند و این تبلیغاتی که علیه ما شروع شده، خصوصا ملاحظه میکنید بعد از روز قدس و تظاهرات بزرگ آن روز، این تبلیغات بیشتر و فتنه‌ها در کردستان و جاهای دیگر بیشتر شده است. برای دوستان ما نباید مخفی باشد که منشاء اینها از کجا است و چه دارند میکنند. امیدواریم که شما برادران، به کشورهای خودتان و کشورها و امت اسلامی در هر جا

هستند، مسائل ایران را منعکس کنید و در دفاع از این حمله‌هائی که بما میشود خود را موظف بدانید به‌دفاع از ما که دفاع از همه مسلمین و مستضعفین است.

اطلاعات اول شهریور ۵۸

خطبه‌های پدر طالقانی در نماز عید فطر

پس از پایان نماز عید فطر آیت‌الله طالقانی در جایگاه مخصوص قرار گرفت و خطبه‌ای به‌این شرح ایراد کرد:

— بعد از آن که مرکز توحید «مکه» توسط پیامبر فتح شد، بت‌ها فرو ریخت و همه مشرکین تسلیم شدند رسول خدا در خطبه مفصلی فرمود:

— هرافتخاری در جاهلیت و هرامتیازی در جاهلیت زیر پای من محو شده است. همه افتخارات ملفی، همه امتیازات ملفی، عرب برعجم، عجم برعرب، سفید و سیاه بریکدیگر، گرامی‌ترین شما نزد خدا نه امتیازات دنیوی، متقی‌ترین شما هستند.

به‌مین جهت همه قریش و سران قریش و آن کسانی که باد افتخارات جاهلیت در دماغشان بود بخود می‌پیچیدند.

زمان گشت، رسول‌خدا وفات یافت. بتدریج همه آن کسانی که مارك به پیشانی‌شان خورده بود در دستگاه خلافت نفوذ کردند. امتیازات شروع شد. امتیاز قریش برعرب، امتیاز عرب برعجم چه در مقامات و پست‌ها و چه در تقسیم بیت‌المال و زمینه‌های اقتصادی تا به‌آنجا رسید که مسلمان‌های اصیل را به‌حرکت درآورد و دراین میان خلیفه قربانی شد. مردم با علی بیعت کردند. اما حزب اموی در دستگاه نفوذ پیدا کرد. یزید بن ابی‌سفیان درشام و پس از او معاویه بن ابی‌سفیان، مروان رانده شد. همه‌کاره دستگاه خلافت شد.

علی مواجه بود با اجتماعی که اسلام آنرا از هرامتیازی و از هر افتخاری پاک کرده بود اما دومرتبه به‌وضع جاهلیت برمی‌گشت.

این بود که ایستاد و خطابه معروفش را خواند. علی در مقابل چشمان مردم به‌صراحت موضع تاریخ و گذشته را بیان می‌کند که ظلم،

سرکشی و خودخواهی‌ها چگونه منجر به خونریزی‌ها و انقلاب‌ها خواهد شد.

این نمونه‌های تاریخی که مردم دارای تقوای اجتماعی و روحی از فرورفتن در مکتب‌ها، مسایل، برنامه‌ها و شعارهای شبه‌انگیز خود را نگه دارند تا دوباره تاریخ گذشته تکرار نشود، فرمود:

— گرفتاری‌های شما دوباره برگشت، گرچه بظاهر اسلام و در لباس اسلامند ولی همان گرفتاری است که پیامبر در مقابل آن شرک‌ها، خودخواهی‌ها، وحشی‌گری‌ها و امتیازات منبعث شد.

این گرفتاری شما همان گرفتاری است. گرچه اینها (مخالفین من) در شعار اسلام و لباس اسلام هستند ولی آن بصیرتی که خداوند به من عنایت کرده باطن و اندیشه‌های جاهلیت و کفرآمیز اینها را می‌بینم. این مردمی که در لباس اسلام و در پناه اسلام به جاهلیت برگشته‌اند می‌نگرم که حتی نماز می‌خوانند، در صف جماعت هستند و شعار قرآن میدهند پس از این دو تذکر علی می‌فرماید:

— پس برنامه چیست؟ همه باید بهم آمیخته شوند. این دیوارها و سدهای طبقاتی بین قریش و عذب و عجم و موالی همه باید برداشته شود.

پس از آن این بهم‌ریختگی غربال شود. دانه‌های درشت متعهد و متقی و آنهایی که اسلام را دریافته‌اند و پای اسلام ایستاده‌اند شناخته شوند و نخاله‌ها بیرون بروند.

این برنامه انقلابی علی است. بهم‌ریختن آن نظامات فاسد و فاصله‌ها و بالا آمدن شخصیت‌های متعهد و از میان رفتن و برکنار شدن نخاله‌های خودخواه و فرصت‌طلب و بعد يك ترکیب اجتماعی نو، اجتماع انقلابی و پیشرو. امروز هم ما دچاریم.

اگر این مسیر و برنامه علی در انقلاب اسلامی ما پیش نرود باید بطور یقین بدانیم که بجای اول بر خواهیم گشت. علی سپس می‌فرماید:

— آنقدر باید زیر و رو شود که پائینی‌ها، پائین‌شهری‌ها، محروم‌ها، زیر پا مانده‌ها، آنهایی که نفس ندارند، ناله‌شان بگوش نمیرسد بالا بیایند و خودخواه‌هایی که برگرده مردم سوارند به‌زیر کشیده شوند. گرچه طلحه و زبیر باشند. گرچه در مقابل پیغمبر شمشیر زده باشند. گرچه خویش نزدیک پیغمبر باشند.

باید بروند کنار. از این انقلابی‌تر شما هیچ خطبه‌ای از رهبری در دنیا شنیده‌اید؟

چه کسی مجری قانون اساسی باشد؟

آیت‌الله طالقانی افزود:

— اگر انقلابی که علی‌آنروز گفت و امروز هم صدایش بگوش همه مسلمانها و شما میرسد تداوم پیدا نکند هرکاری، هراندیشه‌ای و هر تقنین قانونی کم‌اثر یا بی‌اثر خواهد بود.

مگر ما در مشروطیت هفتاد و خرده‌ای سال پیش قانون اساسی ننوشتیم؟

چقدر مرفقی... غیر از چند قسمتش همه مسایل زنده، ولی چه شد؟

برای اینکه همینقدر قانون اساسی تدوین شد توده انقلابی مردم خیال کردند کار تمام شده و رفتند دنبال زندگی خودشان.

دوباره همان‌هایی که در اطراف دربار محمدعلیشاه وقاجار بودند، بودند، آن اشراف و طبقات آمدند داخل مجلس و از این میان رضاخان آمد بیرون. اگر انقلاب تداوم پیدا نکند هراندیشه‌ای. هرکاری که بکنیم علاج ارتجاع و برگشت به وضع جاهلیتی که علی‌اعلام خطر کرده نیست. من نمیخواهم نفی کنم. باید قانون اساسی هم نوشته و تدوین بشود ولی هشیار باشیم. این قانون اساسی مسئله‌ای است و اصولی روی کاغذ، مجری‌اش کیست؟ شما مردم. شما مردم چه وقت می‌توانید یک قدرت اجرایی قوی باشید و این اصول آزادیبخش را پیاده کنید؟ وقتی انقلابی باشید.

لغزش‌ها، اشتباهات و کجروی‌ها بتدریج بجای اینکه انسان سوار بر کار و مسلط بر اوضاع باشد بر انسان حاکم میشود. چشم و گوش بسته افراد و جماعات و امت را به یک جهتی می‌کشند.

جهت انحرافی تا اینکه به حد سقوط می‌رسانند.

علی‌می‌فرماید:

اشتباهات، لغزش‌ها و کجروی‌ها مانند اسب‌های چموشی است که سوارانی بر آن سوار شده‌اند و افسارها گسیخته شده و اختیار از دست سوارکار بیرون رفته و یکسره سوارکار را بطرف پرتگاه و جهنم می‌برد.

اما تقوی، خودداری از گناه، ضبط نفس، در تحت هر شعاری نرفتن، تحریک نشدن، گول نخوردن، تقوای فکری، تقوای اخلاقی، و تقوای اجتماعی مکتب‌های رهرو و رهواری هستند که سوار بر آنها به آسانی می‌توان به مقصد خود رسید و زمام عمر را بدست گرفت و آنرا بطرف بهشت سوق داد.

خاطره بدنام دموکرات

امیدواریم این عید بزرگ و با عظمت برای همه ما منشأ خیر و برکت باشد.

اجتماعات بسیار عظیم، نمازهای جمعه بسیار باشکوه و پرمعنی، وحدت در هدف، وحدت در رهبری، اینها همه برکت و خیر برای ما بود. ولی متأسفانه در اواخر این ماه پربرکت ماه روزه، ماه تقوی، ماه توجه به خدا، ماه همیستگی وجدان مسلمان‌ها، یکمده مردم‌جانی این برکت و خیر را آلوده کردند. مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند و تازه اسم خود راهم دموکرات می‌گذارند.

دموکراتی که مردم را به گلوله می‌بندد. مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بیطرف، پاسدارها و بیمارها، خاک بر سرشان. چقدر نام دموکرات همیشه برای این کشور خاطره بدی داشته است.

بعد از جنگ بین‌المللی اول یکمده دموکرات پیدا شدند. سرنخشان معلوم نبود کجاست. همه چیز را بهم ریختند، ترور کردند و بعد از آنکه قدرت متمرکز شد آنوقت پیروان بیچاره و مستضعف را تنها رها کردند و گریختند. کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

پس از جنگ بین‌المللی دوم (۱۳۲۰) دیدید دموکرات‌های آذربایجان چه کشتارهایی کردند؟ همینکه قدرت مرکزی قوی شد فرار کردند و مردم بیچاره را مقابل گلوله قرار دادند.

امروز هم همان چهره‌ها هستند، به اسم دموکرات یکمده افراد بیچاره و مستضعف را با شعارهای فریبنده جمع کرده‌اند. اگر یک مقدار فشار زیاد شد، که شده سران آنها فرار می‌کنند.

اینها چه مکتبی دارند؟ چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟ مگر بارها اعلام نشده که شما برادرهای کرد هر پیشنهادی دارید بیائید مطرح کنید تا رسیدگی شود. آنقدر که در امکان هست انجام داده میشود دیگر چه می‌خواهند اینها؟

اگر می‌خواهند کردستان را تجزیه کنند در دامن چه کسی می‌خواهند

قرار بگیرند؟

بهتر از دامن اسلام، رهبران اسلامی و مردم مسلمان؟
من یقین دارم چنین اندیشه‌ای در توده مردم کردستان نیست و بارها نیز اعلام کرده‌اند.

جز خودخواهی، جاه‌طلبی و بلندپروازی مثل همه حزب‌بازی‌ها چیست که عده‌ای را جمع می‌کنند تا شعاری بدهند و کلاه‌دیگران پس معرکه باشد پیش از اینکه ارتش دخالت کند از برادران کردمان انتظار داشتیم خود آنها این آتش را خاموش کنند. چرا نمی‌کنند؟

ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرد. ای کسانی که میدانید دل من برای شما می‌تپد و همه برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده دلسوز هستند چرا باید آلت دست مشتی خودخواه و خودپرست شوید؟

چرا اینطور چهره مردم بزرگوار و مرزدار کرد باید آلوده شود؟ خدا لعنت کند آنهایی را که این فتنه‌ها را ایجاد میکنند در این روز عید صمدبار بر آنها لعنت ما چقدر سعی کردیم با مذاکره، مهربانی و دورهم نشستن مسایل را حل کنیم.

چه با این جوچه کمونیست‌های داخل خودمان و چه با آنها يك مشمت جوان احساساتی ۲۰ ساله خیال می‌کنند قیم همه مردمند. قیم همه زنان ما هستند، زنها حقشان پایمال شده مگر خودشان نمی‌توانند پایداری کنند. کارگراها حقشان بتوجه که به دست نه زده و نشسته‌ای و فقط شعار میدهی؟ خانه آتلاین «طالقانی و زمانه ما»

این جوان‌های مسلمان ما هستند که در آفتاب تابستان بازبان روزه در روستاها کار می‌کنند. آنجا نشسته‌ای و فقط شعار میدهی؟ من خودم را برای دفاع از اینها داشتم فدیہ می‌کردم. حتی تنگ نظرها و اندک‌بین‌ها مرا متهم می‌کردند. خود رهبر به من می‌فرمود چرا مسامحه می‌کنید در برابر اینها؟

گفتم شاید به نصیحت، موعظه و تغییر اوضاع و شرایط جذب مردم شوند.

اما حوصله همه را سرآوردند، رهبری دلسوز را به خشم آوردند. حالا جزای اعمالشان را بکشند. دیگر در میان مردم جائی ندارند، بروند فکر دیگری کنند.

خطبه دوم

آیت‌الله طالقانی در خطبه دوم خود مجدداً به خطبه انقلابی علی پرداخت و به نقل از آن گفت:

— مردم بصیر و دارای بینش که بهشت و دوزخ را در مقابل خود می‌بینند باید از فتنه‌جوئی‌ها و انحراف‌ها خود را دور نگهدارند و در این مسیر نهائی حرکت را در نظر داشته باشند.

مردم پیشرو و شتابان بسوی کمال، خیر و حق نجات می‌یابند. آنهائی که کوتاه می‌آیند در انجام وظیفه، در میان آتش‌هائی که خود برمی‌افروزند سقوط خواهند کرد. راست‌روی و چپ‌روی بسوی گمراهی است.

اینها اصطلاحات قرن اخیر است اما علی در آنروز مسائلش زنده و امروزی است. من این عبارت را برای عده‌ای از نمایندگان و برادران عرب و سفرای آنها می‌خواندم که پرسیدند از کیست؟! بیچاره‌ها از نهج‌البلاغه خبر ندارند، ما نتوانسته‌ایم منطق شیعه را به دنیای خودمان برسانیم.

خیال کردند از این عباراتی است که اخیراً جعل شده است. گفتیم این عبارت از نهج‌البلاغه و از علی است. آیا این تجربه را ما ایرانیان نداشتیم؟

همیشه یا از راست‌گرایان متعصب جامد و یا از خوارج نهروانی و چپ‌گرایان مکاتب دیگر ضربه خورده‌ایم. راه وسط، صراط مستقیم جاده‌ای است که کاروان بشر را به سرمنزل نجات و سعادت میرساند.

علی می‌فرماید:

قرآن بر همین مبنی است. عاقبت خیر در همین طریق وسطی است. مردم پراده‌ای کم‌کار و فریب‌کار در حکومت، از بین می‌روند. آنهاکه تهمت می‌زنند و دروغ می‌یافند دستشان خالی است. فقط مردم صادق این وسط می‌توانند راه انقلاب علی را پیش ببرند. کسی که روبروی انقلاب بایستد باید هلاک شود، باید نابود شود، انقلاب، انقلاب محرومین، توده مسلمان، پیروان قرآن و توحید است.

هرکس از مسیر منحرف شد باید پامال شود. در محیط تقوا ریشه زراعت هیچکس خشک نخواهد شد، همه به‌آمال دنیوی و اخروی خود می‌رسند.

در خطبه انقلابی خطاب به ضدانقلابی‌ها آمده است:

— بروید در خانه بنشینید. خودتان را اصلاح کنید تا جامعه شما را بپذیرد. اگر واقعاً توبه کردید و برگشتید، توبه پشتیبان شما است و شما را دستگیری خواهد کرد اگر کسی کار خیری کرد و خیری به او رسید از هیچکس جز خدا ستایش نکند. اگر کسانی منحرف شدند و گناه کردند فقط خودشان را سرزنش کنند.

من به همه برادران ارتشی و پاسدار که به پایوه اعزام شده‌اند همان توصیه امام را می‌کنم. فقط کسانی که متعرض جان و ناموس و حیثیت مردم شده‌اند باید معدوم شوند.

آنهايي که فريب خورده‌اند همانطوري که علي فرمود رحمت خدا بالای سرشان هست و ما مسلمان‌ها و همه مسلمان‌ها از آنها خواهیم گذشت.

(اطلاعات ۳ شهریور ۵۸)

خلاصه‌ای از خطبه‌های پدر طالقانی در پنجمین نماز جمعه

آیت‌الله طالقانی پس از طلب مغفرت و قدردانی از شهدای راه اسلام و انقلاب بخصوص آخرین شهیدان مرحوم حاج مهدی عراقی و فرزند عزیزش از جمعیت حاضر خواست بپا ایستاده و سوره فاتحه بخوانند.

پس از پایان فاتحه ایشان شروع به خواندن خطبه کردند. و پس از پایان خطبه این سخنان را ایراد نمودند:

آیت‌الله طالقانی اظهار داشت که در اسلام مسلمانان باید با یکدیگر تعاون داشته باشند و آنچه که گناه و تجاوز است باید در مقابل آن بایستند ایشان گفتند: آنچه برای همه مهم است تعاون است. ملت چنانچه پشتیبان دولت نباشد، کارها فلج است. آقای طالقانی ضمن تأیید ضعف‌های دولت، گفتند معذلتك مشکلات بعد از انقلاب زیاد است. از جمله مشکلات آمده نبودن عموم مردم برای سازندگی و نداشتن يك برنامه قبلی است. چیزی که همه احزاب، گروه‌های انقلابی سایر

کشورها دارند. از جهت دیگر خواه ناخواه برای حفظ امنیت کشور، مسئولین کارها را بدست گرفتند مانند کمیته‌ها، دادگاههای انقلابی. چاره‌ای هم جز این نبود با وضعی که قوای انتظامی ما داشت و دارد، پلیس ما داشت و دارد، ژاندارمری ما داشت و دارد، اگر این کمیته‌ها تا حدی استقلال نداشتند و نیز پاسداران در کارها دخالت نمیکردند، اکنون همین قدر ثبات و امنیت را نیز نداشتیم. از طرف دیگر مسئولیت‌هایی که کمیته‌ها بدست گرفتند با اشتباهات و لغزش‌هایی همراه بوده است. من به سهم خود تضعیف دولت را بیش از اینکه هست جایز نمی‌دانم. البته باید انتقاد بکنید ولی همکاری هم بکنید. بخصوص با تأییدی که امام میکنند از دولت و شرایطی که ما در آن بسر می‌بریم. تحریکات در داخل و خارج برای از بین بردن انقلاب ما وجود دارد.

آیت‌الله طالقانی در مورد همکاری مردم و دولت مثال طرح ترافیک را زدند. و ضمن تشریح علل نابسامان بودن وضع ترافیک که ناشی از اقدامات رژیم سابق بوده است گفتند از همه تقاضا میکنیم که با قدرت انقلابی و عمل انقلابی خود، همکاری خود را در به‌ثمر رسیدن این طرح به‌همه دنیا نشان بدهید. ایشان از مردم خواهش کردند که از ماشین سواری جز در موارد ضروری استفاده نکنند. ایشان همچنین خواستند که مسافران و راننده‌ها با اخلاق اسلامی با یکدیگر برخورد کنند. و نیز مردم به پاسداران و مأمورین راهنمایی احترام گذاشته دستورات آنها را اجرا کنند. و **جلوی کسانی که در ماشین‌ها اخلاص میکنند، تحریک میکنند و شایعه درست میکنند را بگیرند.**

آیت‌الله در خطبه دوم در مورد نماز جمعه گفتند دو سوره مستحب است یکی سوره جمعه که دستور صف مسلمانها، صف عبادت، صف جهاد، صف همبستگی، روابط قلبیها که مهمترین مسئله است. این مسائل ارتباطی، ارتباط معنوی در تعالیم عالیه اسلامی، این روابط باید تجدید بشود. در شبانه روز در جماعت‌های صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء از زندگی از توجه به امور عادی زندگی و از آلودگی به تحریکات احساسات خودخواهی، مال‌پرستی، خدعه، فریب بیرون بیائیم. در صف جماعت قرار بگیریم، تجدید حیات بکنیم با هم پیوسته بشویم، امتیازات را الغاء کنیم دو مرتبه برگردیم به زندگی معمولی، این از معجزات دستورات اسلامی است. نه مثل رهبانیت که فقط از زندگی کنار بکشند و همه چیز را ترك کنند، نه مثل دنیای مادی که

یکسره غرق در شهوات و زندگی باشند این يك مبارزه محرك و دائم است بین زندگی و بین حق و توحید و خداپرستی و همین منشأ هرگونه تعالی انسان است. سوره دوم، سوره منافقین است، یعنی آن خطری که این اجتماع را متلاشی می‌کند و از درون نفوذ می‌کند، آن خطری که از اول اسلام بوده و ما مسلمانها بعد از طلوع اسلام هرچه ضربه خوردیم بدست منافقین بوده است یعنی آن انسان چند چهره و آن کسی که با چهره دین نفوذ می‌کند در صف مسلمانها. ولی این يك چهره‌ای است وابسته به بیگانگان، ضد اسلام است. در سوره‌های زیادی تأکید شده که ما چهره منافق را بشناسیم و همینکه در سوره منافقین فرماید که «اتخذوا پیمانهم جنة و صدوا عن سبيل الله» همین دو جمله «انهم ساء ماكانوا يعملون» اینها عهدها و پیمانهای خودشان را سپر قرار می‌دهند برای اینکه پشت سپر توطئه‌ها، دسیسه‌ها خودشان را پنهان کنند. امروز برادرها و فرزندان عزیز اسلام، ما دچار چنین منافقین شرور و حيله‌گر و فریب‌کاری هستیم که گاه به چهره اسلام درمی‌آید، به چهره ایرانی هستند، بسیار هم اظهار دلسوزی می‌کنند برای مردم ولی وابسته به جاهای دیگر هستند. چهره، چهره ایرانی ولی روح و درون و نفسش و... امپریالیسم و صهیونیسم و دیگر قدرتها هستند. این گرفتاریهایی که امروز در کردستان پیش آمده به‌دست کیست؟ آن ساواکی و آن دزد فراری که نمی‌آید خودش را معرفی کند که من چنینم: در چهره احزاب و گروهها درمی‌آید و چنین فتنه‌هایی برمی‌انگیزد. مسئله سطحی نیست که ما گمان کنیم که با يك خواست‌هایی طرف هستیم و از این جهت خواستهایشان هم گنگ است. تا حالا مسئله‌ای را مطرح کردند که چی می‌خواهند؟ اینها همان مرامنامه حزب دمکرات ۲۰-۱۰ سال قبل است که در مقابل رژیم امضاء کردند یعنی بالاخره تجزیه! اینها می‌خواهند پایگاههای نظامی و ارتش از آنجا برود، پاسداران غیربومی بروند. یعنی چه: یعنی ما هر کار دلمان می‌خواهد بکنیم. فقط دولت مرکزی به ما نان بدهد. و هیچ دخالت در کار ما نکند. آیا این شدنی است؟ مردمی که از اول گفتند ما به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دهیم، یعنی خودشون را عملاً از ۹۸ درصد مسلمانها و مردم ایران جدا کردند. و آن ملایی که پیشوای مذهبی است و می‌گوید که من به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دهم یعنی چه؟ این چه جور پیشوای مذهبی است که نمی‌خواهد قوانین الهی پیاده شود. البته خواهرها و برادرهای کرد ما باید بدانند

که حساب آنها از آنهایی که در زمان طاغوت در اروپا پنهان بودند و ساکت بودند و همان تسلیم شده‌ها اکنون انقلابی شده‌اند جد است.

سی میلیون جمعیت ایرانی و مسلمانها تسلیم يك مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهند شد و ما این انقلاب را مفت بدست نیاورده‌ایم که باز یچه يك مشت بازیگر بین‌المللی باشیم.
(انقلاب اسلامی ۱۷ شهریور ۵۸)

پدر طالقانی درباره جلال آل احمد سخن میگوید

اولا باید بدانید که «جلال» پسر عمومی من بوده است و از بچه‌های «طالقان» بود. پدر ایشان از پیشنمازان خوشبینان و متعبد بود، و تعبدش خشک بود. آدمی اهل دعا بود و در محله‌های جنوبی تهران - طرف‌های پاچنار - می‌نشستند. «جلال» از بچگی باهوش بود، با استعداد بود. و باهم معاشرت خانوادگی داشتیم. در سال ۲۲، ۲۳، در خیابان شاهپور «انجمن تبلیغات اسلامی» تشکیل داده بودند، و ایشان از همان ابتدای عضو فعال آنجا بود. ولی وقتی مکتب‌کمونست‌ها بوشیله «توده»‌ای‌ها گسترش پیدا کرد، جلال عضو فعال و از نویسندگانی حزب شد که مسائلش را بصورت رمانتیک می‌نوشت. و در این اواخر، بعد از اضمحلال «توده»‌ای‌ها مطالعاتش که عمیق شد، تقریباً به ملت و آداب و سنن خودمان برگشت و به مذهب گرایش پیدا کرد.

«طالقانی و زمانه ما»

بهترین کتاب‌هایش بنظر من، دو کتاب «غریب‌دگی» و «خسی در میقات» اوست، که این «خسی در میقات» را در سفر حج خود نوشته است که هم جنبه سیاسی دارد و هم فلسفه حج را در بعضی جاها خوب بیان کرده است.

آنوقت‌هایی که در شمیران جلسات تفسیر قرآن داشتم به آنجا می‌آمد. يك روز به جلال گفتم: این وضعی که برای تو پیش آمده، که بر اثر آن به مکاتب دیگر روی آوردی، نتیجه فشاری است که خانواده بر شما وارد می‌کرد... مثلاً اجباراً او را به «شاه‌العظیم» می‌بردند تا دعای «کمیل» بخواند!

در این اواخر جلال خیلی خوب شده بود و به سنت اسلام علاقمند. دو هفته قبل از فوتش با هم از شمیران می‌آمدیم. بمن اصرار کرد که

به کلبه او در «اسالم» یکی از نقاط جنگلی شمال برویم. می‌گفت: «برویم تا درد دل کنم.» ومن انتظار داشتم به آنجا برویم، که خبر فوتش را آوردند.

کیهان ۱۴ شهریور ۵۸

اولین خطبه ششمین و آخرین نماز جمعه پدر طالقانی در بهشت‌زهره

(جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۵۸)

آیت‌الله طالقانی در خطبه اول خود طی سخنانی گفت:

در منطق انبیاء، در منطق قرآن مسئله مرگت بخصوص برای انسانهای مجاهد و پیشرو و شهداء حل شده است. در این آیه قرآن با صراحت و قاطعیت می‌گوید درباره کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند کلمه مرگت را بردارید، نگوئید اینها مرده هستند بلکه اینها زنده هستند و لکن بیشتر مردم و شما چنین اشعاری نداریم. این راهی است که انبیاء باز کردند و دیوار بین این زندگی و زندگی آخرت را برداشتند و این راز را برای انسانها گشودند که مرگت نیست، تحول است از زندگی به زندگی دیگر، از رحم طبیعت به فضای بزرگ و وسیع و عالی الهی. این راه خداست، این راه خدایی است که راه نجات خلق‌هاست که راه آزادی انسانها است. راه خدا نه بطرف آسمانها است و نه شرق و نه غرب و نه جنوب و نه شمال، راه خدا همین است، در همه آیاتی که درباره جهاد - قتال - هجرت - حرکت - مبارزه آمده است قید فی سبیل الله است، اولاً برای اینکه جهادها و کوششها از جهت خود - خواهی - سلطه‌جویی - تحمیل - بندکشیدن - غنیمت ربودن نباشد فقط برای نجات انسانها، برای نجات همه مردم، برای گشودن بندها برای آزاد کردن انسانها - برای برداشتن سدها - سدهایی که مردم را از هم جدا کرده و راه خدا را، راه تعالی را بسته است.

آیت‌الله طالقانی سپس با اشاره به اهمیت جهاد در راه خدا افزود:

اگر انسان گوشه‌ای بنشیند و در افکار و در اندیشه و خیالات خود فرو برود و تنها تسبیح بگوید این از نظر اسلام منشاء تقرب به خدا

نیست، چه بسا کسانی که در گوشه‌ای نشسته و بزبان سبحان‌الله میگویند و در درون اندیشه‌های خود آلودگی و نقشه‌های شیطانی است، چه بسا انسانی که الله اکبر میگوید ولی مال و ثروت و قدرت‌طلبی و شهوات را بزرگتر از هر چیز میداند، چه بسا انسانی که بزبان درگوشه خانقاهی، مسجدی لاله‌الاله میگوید و در اندیشه‌اش صدها بت برای خود میتراشد. چه بسا کسانی که به‌تنهایی الحمدالله میگویند ولی در درون آلوده به‌رگونه رذایل خلقی و اندیشه‌های نادرست است.

انسان و محدوده مادی

بزرگان، محققین - فلاسفه برای تشکیل مدینه فاضله و برای مردمی که در راه تحقق چنین اجتماع بزرگ و عظیم انسانی هستند می‌گویند باید کلمه مرگ از چنین اجتماعی حذف شود، همانطوریکه از زبان باید حذف شود، از اندیشه هم باید رانده شود.

کسانیکه در راه خدا کشته شده‌اند نمرده‌اند، آن‌ها زنده‌اند، بخت پیدا میکنند، دارای فرح میشوند، انبساط وجودی پیدا میکنند و دائماً پرتوافکن بر دیگران هستند.

این انسانی که در این محدوده مادی گرفتار است و دائماً نگران است یا نسبت به گذشته محزون است از آنچه که از دست داده، غنایمی که بدست نیاورده است، شهواتیکه به‌آن‌ها نرسیده، لذاتی که از او فوت شده، ثروت‌هایی که از دست داده این حزن است نسبت به گذشته - خوف نسبت به آینده که چه خواهد شد.

شهادت چنین هستند، شهدا دائماً الهام‌بخش هستند، شهدا در قلوب مردم زنده‌اند شهدا در نزد خدا زنده هستند.

این تحول و این انقلاب شهادت که يك انسان آلوده و ساقط را يك مرتبه بالا میبرد این خاصیت شهادت است، همان جوان، زن، مرد که دائماً در اندیشه تأمین لذات و شهوات مادی است یکمرتبه ازجا کنده میشود.

وقتی که بمیدان شهادت آمد، وقتی که دیدش وسیع شد این انسان چنان اوج می‌گیرد که همه غرایز را بجا میگذارد، میشود يك انسان عالیقدری که پروبال می‌گشاید و بسوی خدا پرواز و حرکت میکند.

شهادت ۱۷ شهریورماه چنین بودند، رژیم و پشتیبانان آن و عوامل خارجی آن گمان میکردند از مدت‌هایی فرهنگش را تحمیل کرده.

اقتصادش را تحمیل کرده و جوان‌های ما را ساقط کرده به‌شهوترانی و خوشگذرانی و لذات بی‌بندی و بی‌حسابی، بی‌قیدی کشانده خیال میکرد این ملت تمام شد ولی ۱۷ شهریور نشان‌داد که این ملت از جابلند شده با همه عوامل سقوط با همه بندها، قیدهای اخلاقی فرهنگی و اقتصادی تحمیل شده بندها را باز کرد و در مقابل گلوله و تانکها با مشت گره کرده و فریاد الله‌اکبر دنیا را تکان داد. آنها فهماندند که ما زنده‌ایم ما به‌خودمان متکی هستیم، دنبال رهبری قاطع خودمان هستیم و دنبال انبیاء و اولیاء شهدای گذشته از میدان کربلا گرفته تا این مسیر تاریخ و ما دنبال آنها حرکت میکنیم.

آمده‌ایم تجدید میثاق کنیم

این عظمتی بود که در چنین روزی مسلمان ایرانی جوان ما، زن و مرد، دختر ما، مرد ما و پسرمان، این وثیقه‌ای بود که برای ما گذاردند.

امروز ما با لذتی در تربت اینها هستیم، در مزار آنها هستیم ولی این آمدن غیراز زیارت و فاتحه‌خوانی‌های سنتی و معمول است. این آمدن برای این بود که تجدید عهد کنیم ای بچه‌هایی که در این خاک خفته‌اید، ای جوانانی که با گلوله دشمن تن‌های شما و قلب‌های شما دریده شد. ای زن‌های بزرگواری که بمیدان ریختید و بچه‌ها را به‌بغل گرفتید و در مقابل گلوله‌ها شتافتید، ما آمده‌ایم بعداز یکسال با شما تجدید میثاق کنیم. خون شما میثاق ما است فریاد الله‌اکبر شما میثاق ما است. آن هدفی که شما دنبال کردید، شما در مقابل طاغوت و برای آزادی انسان‌های ایران و مسلمان و همه انسانهای دنیا ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد میکنیم که ما همانرا تعقیب خواهیم کرد، و ما در زیر این آفتاب سوزان و در میان این جمعیت و کنار مزار شما آمدیم که تجدید پیمان کنیم تجدید پیمان در مقابل هرگونه استبداد و استعمار و استثمار بهرگونه، تجدید پیمان برای آزادی همه بشر و همه مردم، تجدید پیمان برای پیاده کردن احکام عالیه اسلام و قرآن که مدت‌ها زیر خاک‌ها مانده بود و فقط برای قرائت، تجدید پیمان برای زنده کردن قرآن، زنده کردن احکام اسلام، زنده کردن قوانینی که بشر را باید زنده کنند، برای این جمع شدیم با شما پیمان می‌بندیم در آن روزی که شما آماده شدید که سینه سپر کنید و خودتان را در مقابل

كلوله قرار دهيد بزرگترين و عظيم‌ترين كار تاريخ را كرديد. رژيم را با آن همه قدرت با آن همه پشتيبانی با آن همه سلاح از پادشاه آوردید درود خدا و درود همه ما بر شما باد.

دومين خطبه ششمين و آخرين نماز جمعه پدر طالقانی در بهشت‌زهره

(جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۵۸)

آيت الله طالقانی در خطبه دوم ضمن قرائت آیاتی از قرآن گفتند:
— کسانی که این پیامبر بزرگوار و این رهبر عالیقدر انسانیت را پیروی کردند آن پیامبری که امی بود یعنی از میان توده مردم برخاست و از میان بی‌سوادان برای آنها و به نفع آنها، نه از میان يك گروه خاص و طبقه معین.

همان پیامبری که پیامبران دیگر چشم براه او بودند تا وحی و رسالت آنها تکمیل بشود.

همان پیامبری که آمد تا مردم را به معروف وادارد و از منکر باز دارد همان پیامبری که آمد همه آنچه را که ادیان گذشته تحریم کرده بودند از طبیات حلال کند این قیدها را بردارد. آنچه خبیث هست حرام کند.

بارهای سنگینی که به‌دوش بشر بوده است بردارد. غلهائی که فکر و اندیشه مردم را و زندگی و حیات مردم را بسته بود بگشاید. این هدف این نبی بود تحلیل طبیات امر به معروف و نهی از منکر تحلیل طبیات و تحریم و برداشتن اصرها و غلهها. اصر یعنی چه یعنی بار سنگین باری که محکم بسته شده بود و آن تحمیلات فکری و اندیشه‌ای و عقیده‌ای که دنیای شرك و كفر برافکار و اندیشه‌های مردم تحمیل کرده بود. آن نظام طبقاتی که برتوده مردم تحمیل و پای و فکر مردم را بسته بود این پیامبر آمد همه آنها را بردارد و غلهها را بگشاید.

این هدف پیامبر آزادکردن مردم بود آزادکردن از تحمیلات طبقاتی آزادکردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده آزادکردن از احکام و قوانینی که بسود يك گروه و يك طبقه بردیگران تحمیل شده است این رسالت پیامبر شما بود ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم این شهادی

ما هم دنبال همین رسالت بودند در مقابل فرهنگ تحمیلی در برابر اقتصاد تحمیلی در برابر قوانین تحمیلی در برابر محدودیت‌های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل میشد که از همه خطرناکتر بود این خطرناکترین تحمیلات است یعنی آنچه که از خدا نیست از جانب حق نیست آنها را به اسم خدا به دست و پای مردم ببندند و مردم را از حرکت حیاتی باز دارند حق اعتراض و انتقاد به کسی ندهند حق فعالیت آزاد به مردم مسلمانها و مردم آزاده دنیا ندهند. این پیمان اصر و اغلال است اغلالی است که پیامبر مبعوث شد تا آن بشر دچار این همه غل‌ها را نجات دهد و ما نیز دنبال این پیامبر هم خودمان را نجات بدهیم و هم دیگران را رها سازیم.

دعوت اسلام دعوت به رحمت و آزادی است در اول هرسوره بنام دو رحمت، رحمت واسعه و رحمت خاص شروع میکند رحمت برای همه مردم، همان گناهکاری که محکوم به اعدام می‌شود در قانون اسلام هم برای خودش رحمت است که گناهایش شسته می‌شود و از شر باقی ماندن آن، مردم آزاد بشوند و هم رحمت بدیگران جهادش رحمت، هجرتش رحمت قوانینش رحمت، هدایتش بر اساس رحمت. ما نظام اسلامی می‌خواهیم که در پرتو رحمت الهی را درباره مردم خودمان و دیگران در مرحله اول اجرا بکنیم بسیاری از مشکلات حل میشود بسیاری از این تشنجات از میان میرود هنوز مردم مستضعف ما که در داخل و مرکز و اطراف کشور باور نمیکنند که رسالت اسلام و انقلاب ما برای آزادی است چون عمل کمتر دیدند در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد اگر ما بجای پس‌گیری پیشگیری میکردیم اگر آنوقت که من به سنج رفتم با دوستانمان عمل میکردیم با حفظ رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس میگرفتم و بندها از اینها بر میداشتند بندهائی که از طرف رژیم بر آنها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت بر آنها تحمیل کرده بود شاید این مسائلی یا پیش نیامد یا کمتر پیش میامد همینطور نسبت به دیگران و نسبت به همه ولی ما هنوز هدف اسلام را تشخیص ندادیم همه میگوئیم انقلاب اسلام پیرسید هدف اسلام چیست هنوز مشخص نشده اسلام چه میخواهد منظور اسلام چیست اگر هدفها تشخیص داده بشود اگر راه بطرف هدف باز بشود بسیاری از این درگیری‌ها تخفیف پیدا میکند و آنوقت مشخص میشود که این برادر کرد آیا واقعاً ضد انقلاب بوده یا او را با شعارهائی که در زمینه غلهای مادی و فرهنگی نگهداشته‌اند

شعاری میدهد او را فریب میدهند بخودش میکشد و بطرف خودش جلب میکند راه تبلیغات علیه دولت و رهبری و این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که این قدر در اینجا زیر آفتاب جمع شده‌اند از توده مردم راه انقلاب را عملاً باید به آنها نشان بدهیم باید از همان قدم اول و روز اول که این رژیم سقوط کرد ما پرچم رحمت را باز کنیم و با عمل نشان بدهیم آن کسانی که هنوز میخواهند در ادارات حقوقهای زیادی بگیرند و بنشینند و کار نکنند اینها را ببریم دنبال کار و به زندگی مردم مستضعفین آنقدری که میتوانیم برسیم و از این کاغذبازی دست برداریم اگر میکردیم بسیاری از مسائل حل میشد من قول میدادم حل میشد صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی‌ترین مسئله اسلامی است حتی به پیامبرش با آن شخصیت میگوید با این مردم مشورت کن به اینها شخصیت بده بدانند که مسئولیت دارند متکی به شخص رهبر نباشند ولی نکردند و میدانم چرا نکردند هنوز در مجلس خبرگان در این اصل اساسی قرآن بحث میکند که به چه صورت پیاده شود این اصل اسلامی است یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در کارشان علی فرمود هرکس در کارهای خودش استبداد کند هلاک میشود.

وقتی من يك دید دارم بایك نفر شما با دو نفر با ده نفر وقتی که مشورت می‌کنم ده دید پیدا می‌کنم ده عقل به عقل خودم ضمیمه می‌کنم چرا نمیشود؟ نمیدانم - امام دستور میدهد - ما فریاد میکشیم دولت هم تصویب میکند ولی عملی نمیشود مگر در سنجند که این شورای نیمبند تشکیل شد ضروری بجائی رسید و میبینیم که آنجا نسبتاً از همه جای کردستان آرامتر است یعنی گروههای افرادی دست‌اندرکار شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا تشکیل بشود دیگر ما چه کاره هستیم بروید دنبال کارتان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند این مردم هستند که کشته دادند اینهایی که اینجا خوابیده‌اند از همین توده‌های جنوب شهر بودند منطق اینها این بود میگویند که در کارخانه‌ها اخلاص میشود خوب بشود آن اصل مهمتر از این که در کارخانه اخلاص بشود در کارخانه اگر اخلاص شد شورا را تعطیل کنید. چرا؟ و امرهم شورا بینهم.... در اجرائیات پیغمبر با آن عظمتش می‌نشست با مسلمانها در جنگ بدر، احد، خندق شما نظرتان چیست؟

از شهر خارج شوید و یا در شهر بمانید، شما نظرتان در جنگ خندق چیست؟ خرماها را به يك عده از قبایل عرب بدهید، اینها بروند

کنار تا بین اینها اختلاف ایجاد شود یا ندهیم، در جنگ بدر که آماده جنگ نبودید، جنگ کنیم یا نکنیم، وقتی آنها میگویند که یا رسول الله، ما آنوقتی که در پرتو اسلام نبودیم مقابل دشمن میرفتیم، حالا چرا در خانه، در میان شهر باشیم؟ میفرماید: بفرمائید. یا رسول الله آنوقتی که ما مسلمان نبودیم و موحد نبودیم به عربها باج نمیدادیم، حالا به اینها باج خرما بدهیم؟ فرمود: نه میجنگیم، شما نظرتان این است، میجنگیم. این کاری است که تمام مردم باید بکنند، میفرماید ما برای جنگ نیامدیم، در بدر این همه قشونی که حرکت کردند با تجهیزات از مکه ما شاید تاب و توان آنها را نداشته باشیم، بجنگیم یا نجنگیم، مقدار عرض میکند یا رسول الله ما با شما بیعت کردیم، دست ما را بگیر به دریا بیانداز بهر کجا میخواهی پرت کن و بهرموجی که میخواهی بسپار، ما دنبال تو هستیم و میجنگیم، بنام خدا و فتح هم میگردیم، چون همه مسئولیت قبول میکردند. ولی وقتی مردم از مسئولیت خارج شدند شما برادر، شما کاسب، شما کارگر، شما بازاری، شما کشاورز میگوئی بماچه خودشان دارند کارشان را میکنند، نه، وظیفه يك از شما است و اگر میگردیم و اگر میگردیم و اگر میگردیم که خیلی زمینه برای کارها داشتیم و هنوز هم داریم، بیشتر این تشنجهای این فرصت طلبیهای عوامل ضدانقلاب و خارجی را زبانشان را می بستیم و سلاح از دست اینها میگرفتیم، ولی متأسفانه دیر شد. هنوز هم دیر نشده همانطوریکه جلوی توپ و تانک رفتید، این مسئولیتها را دارید شما، این بعهده شما است، شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا: شما چرا این مسائل را در جلوی توده مردم مطرح میکنید، بیائید در مجلس خبرگان. میگویم بین موکلین شما، من مطرح میکنم، اینها هستند ما را وکیل کردند، میدانم برای چه وکیل کردند، ما موظف و مسئولیت نسبت به اینها داریم، باید دردها، اندیشهها، بدبختیها، ناراحتیها، عقبماندگیهای این مردم را جبران کنیم با قوانین نجات بخش و حیات بخش اسلامی. امیدوارم که همه ما هوشیار شویم فرد، فرد مسئولیت قبول کنیم و این مسائل عظیم اسلامی را پیاده بکنیم، خود رائی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه گرائی را و فرصت طلبی و تحمیل عقیده و یا خدای ناخواسته استبداد زیر پرده دین را کنار بگذارید و بیائید با مردم، با دردمندها، با رنج کشیدهها، با محرومها همصدا باشیم، خداوند همه ما را بیامرزد.

سخنرانی پدر طالقانی در سنجند

... که همه شما به حبّل الله، ریسمان پایدار و تعالی بخش انسانی، یعنی اسلام اصیل، اسلام انقلابی، اسلام وحدت بخش و نعمت خدا را به یاد آریم که همه برادر بودیم، همه پیش از این با هم اختلاف و دشمنی داشتید. خطاب به مسلمانهای صدر اسلام است، مسلمانهایی که دوره جاهلیت و تاریکیهای دیجوری جاهلیت را پشت سر گذاردند و چشم به طلوع فجر اسلام گشودند. مسلمانانی که همه از هم می‌هراسیدند از شیخ و سایه یکدیگر می‌ترسیدند. در پرتو قرآن، در پرتو وحی محمدی (صلوة) همه چشم گشودند، با هم برادر و صمیمی شدند «واذکر و انعمت الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بینکم»: خداوند قدرت الهی بود که شمایی که در دوره جاهلیت قبل از اسلام با هم چنین دشمن بودید خداوند در پرتو وحی و نبوت و هدایت قرآن بین دل‌های شما الفت آفرید و شما در آن دوره که همه در اثر جنگهای قبیلگی و خانگی و اختلافات مسلکی در لب گودال آتش بودید و در شرف سقوط بودید و خداوند به لطف و عنایت خودش شما را نجات داد. این آیه زنده، همیشگی، باید در گوش ما مسلمانها طنین‌انداز باشد. امروز هم چنین است، همیشه چنین است. در دوره شرك طاغوتی که همه ما از هم می‌هراسیدیم، همه از هم وحشت داشتیم. جرأت دم‌زدن نداشتیم، دردهای خودمان را در دل پنهان می‌کردیم و لب‌هایمان را از گفتن می‌بستیم. چنان اختلاف، چنان نفاق، چنان بدبینی از داخل خانواده تا محله و روستا و شهر، همه از هم هراسان و گریزان بودیم. از برکت اسلام و انقلاب عظیم اسلامی و درهم شکستن بت‌ها و طاغوت‌ها بحمدالله چشم گشودیم، همه با هم برادر و خواهریم.

این نعمتی که قرآن تذکر داده است، برای اینست که بالاترین نعمت حیات و زندگی است، محبت، پیوستگی، همفکری، همقدمی خوش‌بینی، نیک‌اندیشی نسبت به یکدیگر. که عکس این زندگی شرك و کفر و طاغوتی است. و همه آنهایی که دائماً نگران دسیسه‌های دشمن‌های ما هستند و همیشه مراقب کیدهای آن هستند از هر سو نگران کرد. مسالهای بود نه تنها موضعی و محلی، بلکه نگرانی بود از سرایت این آتشی که دست آتش افروزان می‌خواست شعله‌ور کند، نه تنها منطقه را به آتش بکشد، یک کشوری را به آتش بکشد، و این در میان این دود و

آتش و سوز و گداز، دشمن‌های قهار ما بتوانند دوباره سرزمین مقدس اسلامی و ایرانی ما را محل جولانگاه خود و غارت‌های ثروت و سرکوبی استعدادها و از میان بردن تفاهم‌ها بشوند.

همین نگرانی بود که ما را برانگیخت برای اینکه از نزدیک مسائل این منطقه و این شهر را بنگریم و بررسی کنیم. تا آنجا که قدرت داشتیم، فرصت داشتیم، توان داشتیم، روز و شب، ساعت‌های متوالی بررسی شد. علل و عوامل آن که بیشتر جنبه روحی و اخلاقی دارد و سپس جنبه‌های خناسی و شیطانی کشف گردید، و درصدد چاره برآمدیم. کشته‌های شما را شهیدان خودمان می‌دانیم. بیمارهایی که در بیمارستانها خفته‌اند و زخمی شده‌اند، جراحت‌هایی است که در پیکر عظیم اجتماع اسلامی وارد شده است و امیدواریم خداوند بودی آنها را شفا بدهد و به‌خانه و زندگیشان برگردند. (انشاءالله). زندانیایی که نگران بودید و چه بسا همین زندانی‌ها وسیله تبلیغات و تحریکات بعضی مغرضین بودند — به‌همین زودی به‌خانه‌ها برمی‌گردند (انشاءالله). برای اینکه در شهر شما آرامش، تفاهم، برادری مستقر بشود، هیاتی باانتخاب و نظر گروه‌های مختلف، جمعیت‌های مختلف، چند نفری تعیین شده‌اند بعنوان شورای موقت که بیش از یک هفته مجال‌ندارند. پس از یک هفته واگذار می‌شود به آراء عمومی شما، زن و مرد ساکن همین شهر محترم بتوانند نمایندگان شورای شهری شما را تعیین کنند.

این شورا وظیفه دارد که امنیت را در این منطقه حفظ کند و اخلاگران و آنهایی که مترصدند، دستشان را کوتاه کند (انشاءالله) به‌دردهای شما به‌درد‌ها و رنج‌های شما که همه می‌دانید رسیدگی کند و اینها را به مرکز گزارش بدهد. و ما از دولت و از ملت ایران پیش از دولت بخواهم که همه نیروی خود را آنقدری که ممکن است، متوجه رفع دردها و محرومیت‌های این منطقه بگرداند. این اصول و کلمات نتایجی بود که تا این ساعت به‌آن رسیده‌ایم. و اکنون هم برادران ما آقای دکتر بهشتی و جناب آقای هاشمی و دیگران، آقای بنی‌صدر و وزیر کشور مشغول تتمیم و تکمیل همین برنامه‌ها هستند.

و من چون شنیدم که شما برادران و خواهران در زیر باران مدت‌هاست انتظار دارید که من خدمت شما برسم و سلام و وداعم را عرض بکنم ناچار آمدم و از برادرانم رخصت گرفتم که سلامی و وداعی

و خداحافظی از شما بکنم. (درود بر طالقانی، درود....)

این نکته را هم شما برادران عزیز، خواهران محترم من، فرزندان من، متوجه باشید که در سراسر کشور این شهر شما، که مرکز کردستان شما و کردستان ما، اولین شهری است که انجمن شهری خود را آغاز می‌کند و به همین زودی انجام می‌دهد. انجمنی که باید نمایانگر نماینده‌های واقعی شما باشد.

ما امیدواریم از شما رشد خود را، همت خود را، بینش خود را، ایمان خود را بکار ببرید، تا این انجمن با کمال آزادی و آراء آزاد شکل بگیرد و صورت بیابد تا نمونه‌ای باشد برای سرتاسر منطقه کردستان، و بلکه برای همه کشور. که ما بتوانیم بوسیله رسانه‌ها و تبلیغات در سراسر کشور نشان بدهیم که مردمی که می‌خواهند و باید سرنوشت خود را به دست بگیرند، نمونه‌ای باشید برای آنها. امیدواریم که همه مشکلات بتدریج با صبر، با حوصله و با قدم‌ثابت حل بشود (انشاءالله).

امیدواریم که آنچه را که تابحال این کردستان عزیز و مردم کرد ما محرومیت‌ها، ناراحتی‌ها، رنج‌ها، تحقیرهایی که دیده‌اند پس از این به سرعت و با همت خود و هوشیاری خودشان جبران بشود.

مسئله دیگر، چند روز دیگر رفرا ندیم در سراسر کشور آغاز خواهد شد. در همه راهپیمائی‌های چندین هزار نفر میلیونی تهران، و هزارها هزار افراد زن و مرد مسلمان متعهد ما، از جنوب تا شمال، از شرق تا غرب با راهپیمائی خود رای خود را داده‌اند. برای اینکه این مساله بصورت قانونی دنیا پسند - که ما هیچوقت هم نخواستیم دنیا ما را بیسندد مگر در این انقلاب ما دنیا می‌خواست، دنیای شرق و غرب، که ما چنین انقلابی کنیم - ولی برای اثبات به نق‌بزن‌ها، و آن کسانی که خدشه در کارها می‌کنند، این رفرا ندیم خواهد شروع شد (انشاءالله). چون ملت ایران و مردم ایران با همه اختلافات جزئی که دارند - و باید هم اختلافات جزئی باشد، ولی مناقشه و تضاد و خصومت نباید باشد - به جمهوریت هم رای می‌دهند، یعنی یک حکومتی و یک نظامی که همه مردم، مردم ایران، پاسدار آند. به اسلامیت آن رای می‌دهند، برای اینکه قوانین و اصول اسلام مترقی‌ترین و متعال‌ترین و رها بخش‌ترین قوانین دنیاست. به عقیده ما و به تجربه تاریخ، همه جمهوریت‌ها و انواع مختلف و همه مکتب‌ها تجربه خود را نشان داده‌اند. کمبودهای خود را ارائه داده‌اند، مکتب‌های

شرق و غرب بر مبنای اقتصاد است و آزادی حاکم بر اقتصاد، ولی در نظام اسلام آزادی انسانهاست و آزادی حاکم بر اقتصاد است نه اقتصاد حاکم بر آزادی باشد. (صحیح است) ما اقتصاد را زیربنای زندگی انسانها نمیدانیم، بدلیل اینکه يك انسانی حاضر است گرسنه باشد، محروم باشد، ولی آزاد باشد. از این جهت در این رفتارند، جمهوریت است یعنی آزادی، و اسلامی است برای اینکه معیارهای اصیل اسلام ماهمه گونه آزادی را تامین می کند، جز تجاوز، جز دشمنی، جز تعدی به حقوق خلق و خالق. چیزی نیست که کسی، يك انسان با وجدانی که دارای دید وسیع باشد، بتواند انکار کند. اگر هم خواست هرکسی رای ندهد، آزاد است. اما همانطوریکه امام خمینی فرمودند (صلواة) و من هم عرض می کنم، و من هم رای خودم را به جمهوریت اسلامی میدهم و دیگر همه آزادند (درود، درود...)

امیدواریم که در پرتو وحدت، همفکری، هم آهنگی و رهبری علمای آگاه و هشیار، و علمای مذهبی خودتان، و رهبری شخصیت هایی مانند برادرم آقای مفتی زاده (درود، درود...) بتوانند این هدف هایی که گفتیم: اولاً - انتخاب و تعیین انجمنی که نماینده افکار و آراء و نظریات شما و خواسته های شما باشد. ثانیاً - انشاءالله رفراندم، سپس مجلس مؤسسان برای تنظیم قانون اساسی، سپس دولتی که خود مردم می خواهند انشاءالله با رشد و با هشیاری این مراحل را به پایان رسانند. بیش از این من مزاحم نمی شوم چون وقتان ضیق است و قسمتی از کارهایی که داریم مانده است. از همه شما برادران و خواهران تشکر می کنم. شما را در پناه قرآن، در پناه حق، در پناه خدا، در پناه رهبر - های آگاهتان می سپارم و از شما خداحافظی می کنم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. (درود درود...)

نوروز ۵۸

پیام پدر طالقانی به مردم کردستان:
شورایی تشکیل بدهید که برای
سراسر مملکت باشد

برادران، خواهران

همه ملت ایران در این انقلاب بزرگ و تاریخی و سرفصل جدید

زندگی همیشه نگران بودیم که عوامل در میان ما و در میان ملت شریف ما اختلاف، دشمنی و درگیری پدید آورند، بخصوص همیشه نگران این منطقه خاص و این بازوی قوی و کارآمد ایران شریف بودیم متأسفانه شعله‌ای در این منطقه و در شهر سنندج برافروخته شد که ما نگران توده این شعله در همه منطقه، بلکه همه ایران بودیم، بحمدالله با حسن تفاهم و با حسن نیت و صداقت در میان این برادران و خواهران ساکن سنندج، مسایل و گرفتاریها، علل پیشامدها و مسایل دیگر را از نزدیک لمس کردیم و امیدوارم که باهوشیاری و بیداری و آگاهی همه ملت ایران ما، و همه برادران و خواهران کرد با چنین پیشامدها دیگر در شرف وقوع نباشد.

شما برادران، خواهران، با وحدت و همگامی، همقدمی، همفکری و هم فریادی با دیگر برادران فارس، ترك، عرب و برادران ترکمن و برادران سیستانی و بلوچستانی که در سرحدات و نقاط دیگر ایران هستند در این نهضت بزرگ شرکت مردانه و آگاهانه نموده و بحمدالله این انقلاب عظیم ایران در مرحله شکستن بت طاغوتی، سرفراز و پیروزمند گردید و همه توجه دنیا را به این سرعت متوجه ایران کرد و دشمنان ما و غارتگران را مات و مبهوت گردانید. ما انتظار داشتیم که دولت پس از مرحله پیروزی انقلاب این وحدت و یگانگی را فقط در مرحله بازسازی بعد از آنهمه ویرانیه‌ها بمرحله اجرا درآورند و می‌دانیم که بعد از این پیروزی اولی دشمنان ما و غارتگران که به منافع و استعادهای ما تسلط داشتند دست بردار نیستند و از پا نخواهند نشست. از این جهت ما همیشه نگران دسایس بوده و همیشه وضع این نگرانیها و خنثی کردن آنها وابسته به هوشیاری و بیداری و حفظ وحدت شماست.

دردهای ملت کرد

این انقلاب برهبری امام خمینی و ملت ایران بود و اکنون شما مسئول ادامه انقلاب و از سرفصل تازه آن، و مسئول آینده و نسل آینده می‌باشید. از این جهت مانند يك برادر و يك پدر دردمند که دردهای این ملت را که سالهاست لمس می‌کنم. بخصوص دردهای این ملت کرد، اتهامات، کشتارها و محرومیتها را. من از شما می‌خواهم که همبستگی، وحدت، خود را نگه دارید و مراقب دشمنان انقلاب بوده و تحریکات را

خنثی نموده، به‌ضعفا، محرومین و مستضعفین برسید، فاصله‌ها را از میان بردارید. من از شما می‌خواهم که با همت شما سرزمین‌مان را خرم و سرسبز نگه دارید و بکوشید که با پشتیبانی دولت مرکزی این محرومیت را از میان بردارید و شما مردم کردستان مسئولید که خواست‌های خود و خواست‌های مشروع را اعلام کرده و تنظیم نمایند و آنچه را که اولویت داشته از همه تفکیک کنید و آنچه که امروز از دولت برمی‌آید تقاضا نموده و خواست‌هایی را که درآینده عمل خواهد شد مطرح نمایید.

شورای موقت

من بعنوان پدر شما هیچ نظری به‌هیچ گروهی ندارم و در این شهر سنندج که مرکز استان این قسمت از کردستان است باید به کوشش دوستان و همکاری صمیمانه و احساسات پرشور خواهران و برادران کرد به نتیجه برسند. باید شورای موقت تشکیل شده و وظایفی که محول شده برای حفظ امنیت و برای احتیاجات انجام بدهد. این شورا بزودی انتخابات آزادی را شروع و برای تشکیل انجمن شهر انتظار داریم که مردم آزادانه نمایندگان انجمن شهر را برای مدتی انتخاب نموده، انتظار داریم که این شورا نمونه‌ای باشد برای سرتاسر مملکت، و گروه‌های ما و ساکنین شهر و روستا که نمودار رشد و نمونه یک شورای آزاد و عالی و افراد آن نمایندگان واقعی مردم باشند، تشکیل شود.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

این مرحله اول بود که به نتیجه هم رسیدیم، و هله دیگر مشکل برادران ما بود که گروهان افراد ارتش روی سوء تفاهمی که بین مردم و ارتش پیش آمده بود و در حال سعی هستیم که آن‌ها هم به‌خانه‌های خود برگردند و تذکر می‌دهم بمردم کردستان و تمام ایران که این سوء تفاهم‌ها را از میان خود بردارند.

مذاکره با ارتشی‌ها

من با برادران ارتشی افسر، درجه‌دار، سرباز به‌مذاکره نشستم و از حسن‌نیت آنها نیز برخوردار شدم و نصایحی که خودشان می‌دانستند بیان کردم و متذکر شدم که ارتش، ارتش ملی است و باید قدرت خود را در راه خواستهای مشروع خلق بکار گیرد و در کردستان نیز سوء-

تفاهمی بین مردم و ارتش وجود داشت که باعث ناراحتی‌هایی شد و این در حالی است که ارتش با ملت برادر است. موضوع دیگر اینست که ما در مرحله رفراندم هستیم و میدانیم که بارها و بارها در تظاهرات مردم رأی خود را گفته و سعی برای اینکه همه خرده‌گیری بیگانگان و دشمنان داخلی نباشد باید رفراندم انجام بگیرد و هرکس آزاد، رأی خود را بگوید (جمهوری اسلامی) جمهوری یعنی آراء عمومی مردم در انتخابات مسئولین دولت اسلامی یعنی در معیارهای متری و قانون‌های اسلامی و انتظار داریم که همه برادران و خواهران در این وظیفه اسلامی و تاریخ‌ساز ما شرکت کنند و من اعلام میدارم که به جمهوری اسلامی رأی میدهم، از خداوند توفیق همه شما را در سایه ایزد منان و در راه پیشبرد این انقلاب خواستارم.

۵ فروردین ۵۸

(سروش ۲۱)

آتشب پدر طالقانی گریان بود

همسر آیت‌الله طالقانی به خبرنگار ما گفت: شبی که مقر سازمان مجاهدین خلق تخلیه شد. آیت‌الله شخصاً و بوسیله اتومبیل به بازدید محل رفتند. و پس از بازگشت بسیار ناراحت، که گریان بودند بمن همانشب گفتند خدایا، اگر تیراندازی شود، از هرسو، چه خواهد شد. (روزنامه بامداد ۲۰ شهریور ۵۸)

قسمتهائی از مصاحبه کیهان با آقای چه‌پور:

«پدر طالقانی سعی میکرد از نقاط ضعفشان انتقاد و مواضع درست آنها را تقویت نماید»

س: نوع ارتباط ایشان با احزاب و گروهها چه بود؟ آیا ایشان

از نظر سیاسی موضع خاصی داشتند؟

چه‌پور - موضع آقا همانطور که بارها در سخنرانی‌هایش رسماً

اعلام کرده بود، خط امام بود، و از همه می‌خواست که پشت‌رهبر انقلاب

قرار بگیرند. آقا نظر خاصی روی حزب یا گروه مشخصی نداشت، نظر ایشان عام بود. و مثل پدری که به بچه‌های خودش نگاه کند، به همه احزاب و گروهها به یک چشم نگاه میکرد.

و حتی هروقت یکی از آنها اشتباه میکرد، یا موضع غلطی می‌گرفت، با محبتی پدرانیه میگفت: شما بچه‌های من هستید، اما بچه‌های ناخلف باید اصلاح بشوید. بطور کلی همه گروههای مذهبی را نه تأیید میکردند و نه تکذیب. میگفتند که همه اینها اشتباهاتی هم دارند. و آقا سعی میکرد از نقاط ضعفشان انتقاد کند و مواضع درست آنها را تقویت نماید. به اعضاء دفتر خودش دائماً سفارش می‌کرد، که وابستگی به هیچ گروهی نباید داشته باشند تا بتوانند کارهای مردم را بدون نظر انجام دهند. سعی داشت با تقویت جنبه‌های خوب احزاب و گروهها، و خصوصاً وجوه مشترک آنها همگی را به یک وحدتی در خط امام بکشاند. به همین خاطر همه گروهها، خواسته‌هایشان را پیش آقا می‌آوردند و آقا را پناهگاهی برای مشکلات خودشان می‌دانستند. یكروزی که آقا از خاطرات زندان تعریف می‌کرد، گفت: یكوقت من تنها بودم و فکر می‌کردم، شاید یكروزی حکومت دست ما افتاد و این شاه سرنگون شد. فکر می‌کردم چه وحدت و محبتی پیدا می‌شود!... به همین خاطر ایشان از اینکه گروههای زیادی پیدا شدند، از این تفرقه و تشتت رنج می‌برد و می‌گفت: نباید احزاب و گروهها مثل قارچ هرروز از زمین سبز شوند.

س: آیا شما آخرین روز زندگی آیت‌الله طالقانی با ایشان بودید؟
ج: بله.

س - اگر ممکنست خاطرات آن روز را شرح دهید؟
چه‌پور: ما آن روز کرج بودیم. ساعت ۵ بعد از ظهر که از کرج حرکت کردیم. آقا بمن گفت: مرا به مجلس خبرگان برسان، که اگر صبح نتوانستم بروم، لااقل بعد از ظهر بروم. حدود ساعت ۵:۳۰ بود که ایشان را دم در مجلس خبرگان پیاده کردم. گفت: مثل اینکه امشب وعده ملاقات به سفیر شوروی داده‌ام، برو منزل وسایل را آماده کن و ساعت ۸ بیا و مرا ببر. حدود ساعت ۸:۱۵ ایشان را بمنزل بردم، نمازش را خواند، و بعد از نماز تقریباً ساعت ۹:۱۵ بود که سفیر شوروی با مترجمش آمد. «آقا» به آقایان علی‌غفوری و مجتهد شبستری

همچون عازم شوروی بودند، گفت که بیایند، آنها حدود ساعت ۹ ر آمدند.

صحبت‌ها تا ساعت ۱۲ بصورت سؤال و جواب ادامه داشت. مذاکرات جالبی بود و پیرامون اسلام و کمونیسم دور می‌زد. سفیر شوروی می‌گفت: ما در خیلی موارد وجه مشترک داریم مثلاً اگر مبارزه با امپریالیسم و پشتیبانی از مستضعفان. و به‌همین خاطر از جهت سیاسی امکان ندارد ما در مقابل شما موضع بگیریم. در برابر کشورهای دیگر موضع مبارزاتی داریم اما در برابر شما و اسلام نه! و ما تنها در مسائل عبادی مذهبی باهم اختلاف داریم. بعد از رفتن سفیر شوروی آقا شام خورد، و گفت: می‌خواهم بخوابم، چون صبح زود باید به مجلس خبرگان بروم.

(کیهان ۳۱ شهریور ۵۸)



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

پدر طالقانی

و

مجلس...؟!

«می ترسم با این وضع سطح قانون اساسی جدید از
قانون اساسی هفتاد سال پیش به مراتب پائین تر
باشد.»

«پدر طالقانی»

پدر طالقانی:

«من دوست داشتم بجای این کاخ، در مسجد جلسات را برگزار میکردیم»

خبرنگار بامداد گزارش داد آیت‌الله طالقانی که پس از يك غیبت محسوس در این دو روزه، دیروز در اواسط جلسه اول به مجلس آمد، یکسره به طرف صندلی که برای ایشان در نظر گرفته شده بود رفت ولی در میان تعجب همگان بجای نشستن بر «کرسی» روی زمین نشست و لحظاتی بعد به نشانه احترام، نماینده دیگری که در صندلی در کنار آیت‌الله طالقانی جای داشت و همچنین دکتر پارسی نماینده دیگر - نزدیک به آیت‌الله با رها کردن صندلی روی زمین نشستند. در فاصله تنفس جلسه اول و دوم صبح، آیت‌الله بهشتی رئیس جلسه و دکتر ابوالحسن بنی‌صدر و تنی چند دیگر از علما و روحانیون عضو مجلس دورادور آیت‌الله طالقانی بر زمین مجلس نشستند و با هم به بحث و گفتگو پرداختند و آیت‌الله بهشتی درخواست کرد که در صورت امکان برای جلوگیری از هرگونه سوء تعبیر بر جایگاه خود جلوس بفرمایند و ایشان نیز با لحنی مسالمت‌آمیز تشکر کرده و گفتند قبلاً بمن گفتند که اینکار خلاف آئیننامه است و من جواب دادم که جریمه آنرا هرچه هست میدهم. من دوست داشتم بجای این کاخ، در مسجد جلسات را برگزار می‌کردیم و دکتر عباس شیبانی گفت: بعلت رعایت مسائل امنیتی تشکیل جلسات در مساجد صلاح نبود. ولی آیت‌الله طالقانی تأکید کرد وقتی می‌گوئیم که مسجد جای همه‌گونه جلسات بحث و بررسی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی است عجیب است که خودمان رعایت نمی‌کنیم. در پایان قرار شد این مسئله مورد بررسی قرار گیرد تا در صورت امکان محل مجلس به يك مسجد انتقال داده شود.

از سوی دیگر آیت‌الله طالقانی نماینده مردم تهران جهت بررسی قانون اساسی در روز گشایش مجلس قبل از اینکه نمایندگان آراء خود را جهت انتخاب اعضای هیأت رئیسه به صندوق بریزند محل مجلس را ترك کرد و دیروز به مجلس آمد.

(روزنامه بامداد سی‌ام مرداد ۵۸)

پدر طالقانی دیشب در مجلس چه گفت و چه رائی داد

مجلس ساعت چهارونیم کارش را شروع کرد اما آیت الله طالقانی تقریباً نیمساعت بعد از شروع کار مجلس از راه رسید و بگفته خبرنگار پارلمانی ما که هر روز در این مجلس حضور دارد سر جای خود نشست، درواقع اولین مبل خالی سر راه خود را که دید نشست، بلافاصله لیوانی آب خواست و با گروهی از نمایندگان با حرکت سر حال و احوال کرد و من که با دقت و کنجکاوی متوجه او بودم دیدم که در بین جلسه دوبار از تالار خارج شد و بعد از دقایقی چند برگشت و سر جای خود نشست، برای اصول چهار و پنج قانون اساسی رأی گیری شد، برای ماده چهار متوجه نشدم، ولی در مورد ماده پنج دیدم که پس از مدتی جستجو در کشوی میز يك کارت سبز (به عبارتی کارت كبود - مخالف) در گلدان رأی انداخت.

جلسه حدود ساعت هشت بعدازظهر تمام شد، من با عجله از لژ روزنامه نگاران پائین آمدم و جلوی در خروجی ایستادم، مرد چاقی که بعداً فهمیدم از طالقان آمده است اولین کسی بود که در قسمت خروجی تالار جلوی آیت الله زانو زد و دستش را بوسید، از پی او چند جوان دستش را بوسیدند، حرفهای آن مرد را که شنید گفتم می دانم می دانم همه مردم خواسته هائی دارند. اتومبیلش را خواست راننده گفت که چند دقیقه ای دیگر حاضر می شود. راهش را برگرداند و بطرف مبلی که توی راهرو گذاشته بودند رفت و روی مبل نشست و در مدتی کنبوتاه دورش را گرفتند.

پشت سرو او ایستاد و دوستش يك عکس یادگاری از او گرفت. آیت الله قوطی سیگارش را بیرون آورد سیگاری روشن کرد، استکان چای آوردند آنرا نوشید. مرد چاق دوباره به او نزدیک شد و خواسته خود را تکرار کرد. اینبار آیت الله گفت: اقدام میکنم و بعد از جایش بلند شد راه افتاد بطرف در خروجی من در يك فرصت کوتاه به او نزدیک شدم و گفتم:

آیت الله شما به اصل پنج، رأی كبود (کارت سبز) دادید در حالیکه درباره این اصل هیچ نظری ندادید هیچ صحبتی نکردید. آیا در مورد چهار اصل دیگر هم رأی شما چنین بوده؟

از پشت عینک نگاهی بمن انداخت و گفت:
— مگر شما فضولید!

گفتم: خیر... خبرنگارم، میخواهم بدانم شما چرا نظر اصلاحی
ندادید؟

جوابم را نداد و با يك لبخند از در شیشه‌ای خارج شد، و دیدم
که پاسدارها دوره‌اش کردند، و کسی سعی می‌کرد که از لای جمعیت
برود دستش را ببوسد و بالاخره موفق شد.

(اطلاعات ۱۹ شهریور ۵۸)

اول ببینیم چی کاره هستیم؟

حضرت آیت‌الله طالقانی در جلسه علنی روز چهارشنبه (۱۴/۶/۵۸)
بدنبال بحث زیاد نمایندگان در مورد چگونگی روابط ایران با سایر
ملل دنیا و میزان حمایت دولت از مستضعفین جهان، سکوتی را که از
آغاز تشکیل مجلس خبرگان اختیار کرده بود، شکست و حضرت آیت‌الله
طالقانی از جای برخاست و با لحنی اعتراض آمیز گفت:

— اول باید روشن کنیم که می‌خواهیم متعهد باشیم یا نه؟ در مرحله
دوم، تعهداتی که نسبت به مسلمین داریم روشن شود. در مرحله سوم
تعهداتی که نسبت به عموم مستضعفین دنیا داریم.
آیا در موازین قرآن و اسلام این تعهدات برای ما هست یا نیست؟
چون جمهوری ما اسلامی است.

پس مساله اول اینست که ما حالا که دنیا تقسیم شده جزء گروه
غیر متعهد هستیم یا نیستیم؟ اگر نیستیم پس چرا يك عده‌ای بلند
شدند رفتند در هاوانا، برای مسائل گروه غیر متعهدا؟

آقایون، من این مسئله را بارها به‌رفقا گفتم، باز هم توصیه می‌کنم،
اول ببینیم چی کاره هستیم. چه می‌خواهیم بکنیم، بعد بنشینیم برای اون
نظری که داریم مقصدی که داریم، عبارت‌درست کنیم. ولی ما عبارت
درست می‌کنیم، بعد شروع می‌کنیم سر جمله بندی یکساعت، دو ساعت،
با این همه گرفتاری که داریم، وقت تلف می‌کنیم.

(کیهان ۲۰ شهریور ۱۳۵۸)

پدر طالقانی نگران قانون اساسی بود

«... او را در اواخر بدلایلی نگران کرده بود که قانون اساسی از آنچه يك عمر او در راهش مبارزه کرده بود و نظر اولی و اصلی و وعده‌های مکرر مرجع‌عالیقدر انقلاب ما بوده، از آن راه منحرف بشود و توی خط‌هائی بیفتد که در بالا ذکر شد [قشری بودن و صنفی و طبقاتی بودن، سنتگرایی و مخالفت با هر پدیده نو...]

از سخنرانی مهندس بازرگان در مراسم بزرگداشت پدر طالقانی
دانشگاه تهران

(کیهان ۲۱ شهریور ۵۸)



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

1876

1. What is the purpose of the study?
 The purpose of the study is to investigate the effect of the independent variable on the dependent variable.

فهرست

صفحه

عنوان

- ۱ مصاحبه اطلاعات با پدر طالقانی
- ۳-۱ گفتگوی پدر طالقانی با کیهان
- ۵-۳ پیام پدر طالقانی به هفته همبستگی دانشگاهیان ایران
- ۶-۵ پیام تشکر پدر طالقانی از ملت ایران
- ۱۰-۶ اولین درس پدر طالقانی پس از آزادی از زندان
- ۱۲-۱۰ پاسخ پدر طالقانی به پیام امام خمینی
- ۱۵-۱۲ پیام پدر طالقانی بمناسبت کشتار آغاز محرم ۱۳۹۹
- اعلامیه پدر طالقانی بمناسبت تاسوعای حسینی و دعوت مردم به راهپیمائی بزرگ در همین روز
- ۱۷-۱۵ پیام پدر طالقانی به ملت ایران
- ۲۱-۱۷ پیام پدر طالقانی «کتابخانه آنلاین طالقانی و زمانه ما»
- ۲۲-۲۱ از سخنرانی پدر طالقانی جلوگیری شد
- ۲۲ نظریه پدر طالقانی درباره دولت بختیار
- ۲۳-۲۲ پدر طالقانی: ذخیره و احتکار روانیست
- ۲۳ پدر طالقانی: تولیدکنندگان مواد غذایی نباید اعتصاب کنند
- ۲۴-۲۳ به توصیه پدر طالقانی: آتش نشانها، اعتصاب را شکستند
- ۲۴ توضیح پدر طالقانی درباره گزارش وقایع خونین قزوین
- ۲۵-۲۴ پدر طالقانی: فرهنگیان باید انقلاب مردم را نیرو بخشند
- ۲۶-۲۵ پدر طالقانی: بدخواهان می خواهند ارتش را به ما بدبین کنند
- ۲۸-۲۷ نظر پدر طالقانی در مورد بازگشایی دانشگاهها
- ۲۹-۲۸

- ۲۹ سخنرانی پدر طالقانی در شمیران انجام نشد
- ۳۲-۲۹ اعلامیه پدر طالقانی خطاب به برادران عشایر و ایلات
- ۳۲ برگشت تظاهرکنندگان به دستور پدر طالقانی
- ۳۳ پیام پدر طالقانی: از شورای انقلاب اطاعت کنید
- ۳۴ پدر طالقانی: موضع‌گیری خاص خیانت به نهضت است
- ۳۵ پیام پدر طالقانی برای شورای انقلاب الجزایر
- ۳۶-۳۵ پیام پدر طالقانی: آثار شوم فرهنگ استعماری را بزداييم
- ۴۷-۳۶ سخنرانی پدر طالقانی در شب اربعین ۹۹ در مسجد هدایت
- پدر طالقانی: اگر ارتش کودتا کند، مردم از خود دفاع خواهند کرد
- ۴۹-۴۸
- ۴۹ با پیام پدر طالقانی باشگاه معلمان تهران افتتاح شد
- ۵۰ مصاحبه مطبوعاتی پدر طالقانی در باشگاه هواپیمائی ملی
- ۵۱-۵۰ پدر طالقانی در فرودگاه مهرآباد
- اعلامیه پدر طالقانی: سفر امام خمینی ۲ روز دیگر به عقب افتاد
- ۵۲-۵۱
- ۵۳-۵۲ پدر طالقانی به جمع روحانیون متحصن پیوست
- ۵۳ اطلاعیه پدر طالقانی درباره حمله به قلعه شهرنو
- سخنان پدر طالقانی در دیدار با رهبران سازمان مجاهدین خلق
- ۵۶-۵۴ «پایگاه آنلاین طالقانی و زمانه ما»
- ۵۹-۵۷ پیام پدر طالقانی به ارتش
- ۶۱-۵۹ پدر طالقانی: تصرف اراضی عمومی خلاف شرع است
- پدر طالقانی: فرماندهان پایگاههای هوایی باید به مردم پاسخ مناسبی بدهند
- ۶۲-۶۱
- ۶۲ پیام پدر طالقانی به مردم «سنگسر»
- ۷۰-۶۲ نظرگاههای پدر طالقانی درباره حکومت اسلامی
- ۷۲-۷۰ پدر طالقانی: مردم را تهدید به قتل و آتش‌سوزی نکنید
- ۷۳-۷۲ پدر طالقانی درباره حمله مسلحانه به نیروی هوایی
- ۷۴-۷۳ کاخ‌های ستم شاهنشاهی را حفظ کنید
- ۷۴ اطلاعیه پدر طالقانی به هموطنان گرامی
- ۸۴-۷۵ پدر طالقانی: همه روسا باید بوسیله مردم انتخاب شوند

صفحه

عنوان

۸۴	مذاکرات خصوصی خمینی - طالقانی
۸۶-۸۵	نقش حساس‌تر برای پدر طالقانی در انقلاب
۱۰۰-۸۶	بیانات پدر طالقانی بر مزار مصدق
۱۰۳-۱۰۰	پدر طالقانی: «ایسم‌های وارداتی مد شده»
۱۰۴-۱۰۳	پدر طالقانی: «فکر میکنم امام موسی صدر مرده است»
	پدر طالقانی: «هیچکس زنان را به داشتن حجاب مجبور نمیکند»
۱۱۵-۱۰۴	
۱۱۶	سپاسگزاری پدر طالقانی از مردم
۱۲۰-۱۱۶	توصیه‌های پدر طالقانی در مورد پاکسازی محیط زیست
۱۲۱	پدر طالقانی: «از صید بی‌رویه ماهی جلوگیری کنید»
۱۲۸-۱۲۱	مصاحبه مطبوعاتی پدر طالقانی
۱۳۰-۱۲۸	پیام پدر طالقانی به برادران ارتشی در میدان آزادی
۱۳۲-۱۳۰	پیام پدر طالقانی به مناسبت حوادث گنبد
۱۳۴-۱۳۲	مصاحبه پدر طالقانی دربارهٔ رفتارندم
۱۳۶-۱۳۴	سخنان پدر طالقانی در مراسم سوگند پرسنل شهربانی
۱۳۸-۱۳۷	پیام پدر طالقانی به مناسبت روز پاکسازی جنوب شهر
۱۳۸	خروج پدر طالقانی از تهران
۱۳۸	پیام پدر طالقانی به مردم
۱۳۹-۱۳۸	پیام پدر طالقانی به مردم ایران «طالقانی و زمانه ما»
۱۴۶-۱۳۹	پیام پدر طالقانی از رادیو جمهوری اسلامی ایران
۱۵۰-۱۴۶	سخنرانی پدر طالقانی در مدرسه فیضیه
۱۵۰	تلگرام پدر طالقانی به آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر
۱۵۱	پیام پدر طالقانی به مردم نقده
	پدر طالقانی در جلسه ملاقات با نمایندگان اتحادیه جهانی
۱۵۳-۱۵۲	سندیکاهای عرب
	متن سخنرانی پدر طالقانی در حسینیه ارشاد بمناسبت
۱۶۳-۱۵۳	شهادت استاد مطهری
۱۶۷-۱۶۴	طرح پیشنهادی پدر طالقانی برای شوراهای محلی
۱۶۷	اطلاعیه دفتر پدر طالقانی
۱۷۴-۱۶۸	سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه راجع به فلسطین

صفحه	عنوان
۱۸۳-۱۷۴	سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه به مناسبت روز شریعتی
	مصاحبه رادیو تلویزیونی پدر طالقانی پس از «جلسه
۱۹۳-۱۸۴	عالی» قم
	متن پیام پدر طالقانی به مناسبت چهارم خرداد سالروز شهادت
۱۹۵-۱۹۴	بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران
	پیام پدر طالقانی به مناسبت بزرگداشت سالگرد معلم شهید
۱۹۷-۱۹۶	دکتر علی شریعتی
۱۹۸-۱۹۷	اطلاعیه دفتر پدر طالقانی
۱۹۸	اطلاعیه دفتر پدر طالقانی
۲۰۷-۱۹۹	باقرآن در صحنه: «تفسیر بر سورة والنازعات»
۲۱۴-۲۰۷	باقرآن در صحنه: «خداوند و مستضعفان»
۲۲۱-۲۱۴	باقرآن در صحنه «قرآن و اعجاز در «علم» و «ادب»
۲۲۱	باقرآن در صحنه: «پیامبران و اعجاز»
۲۳۶	پدر طالقانی و «مسئله سعادت»
۲۴۰-۲۳۶	پیام مهم پدر طالقانی به ملت ایران
۲۴۱-۲۴۰	به تحصن و تظاهرات و راهپیمائی پایان دهید
۲۴۱	اطلاعیه دفتر پدر طالقانی
۲۴۲	پیام پدر طالقانی به ملت ایران به مناسبت ۳۰ تیر
۲۴۷-۲۴۳	سخنرانی پدر طالقانی به مناسبت ۳۰ تیر «روز زنانه ما»
۲۵۳-۲۴۷	خطبه اولین نماز جمعه پدر طالقانی
۲۵۴-۲۵۳	پیام تسلیت پدر طالقانی به یاسر عرفات
۲۶۰-۲۵۴	اولین خطبه دومین نماز جمعه پدر طالقانی
۲۶۳-۲۶۰	پدر طالقانی و هیئت کوبائی
۲۶۷-۲۶۴	دو خطبه پدر طالقانی در سومین نماز جمعه
۲۶۷	تغییر نام بیمارستان طالقانی
۲۷۵-۲۶۷	سخنرانی پدر طالقانی در کاخ سعدآباد
۲۷۹-۲۷۵	دومین خطبه پدر طالقانی در نماز جمعه روز قدس
	پدر طالقانی: قرآن باید در مدارس و دانشگاهها تدریس
۲۸۲-۲۷۹	شود
۲۸۸-۲۸۲	خطبه های پدر طالقانی در نماز عید فطر

صفحه	عنوان
۲۹۱-۲۸۸	خلاصه خطبه‌های پدر طالقانی در پنجمین نماز جمعه
۲۹۲-۲۹۱	پدر طالقانی درباره جلال‌آل‌احمد سخن میگوید
۲۹۵-۲۹۲	اولین خطبه ششمین و آخرین نماز جمعه پدر طالقانی
۲۹۸-۲۹۵	دومین خطبه ششمین و آخرین نماز جمعه پدر طالقانی
۳۰۲-۲۹۹	سخنرانی پدر طالقانی در سندهج
۳۰۵-۳۰۲	پیام پدر طالقانی به مردم کردستان
۳۰۵	آنشب پدر طالقانی گریان بود
۳۰۷-۳۰۵	قسمتهائی از مصاحبه کیهان با آقای چه‌پور
۳۱۳-۳۰۹	پدر طالقانی و مجلس...؟!

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

آنچه تاکنون از مجموعه اسناد جنبش اسلامی منتشر شده است:

- ۱- قسمت اول از جلد اول: اسناد و تصاویری از مبارزات خلق مسلمان ایران.
- ۲- قسمت دوم از جلد اول: تاریخچه جریان کودتا و خط مشی کنونی سازمان مجاهدین خلق ایران.
- ۳- قسمت سوم از جلد اول: اسناد و تصاویری از مبارزات خلق مسلمان ایران.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»